تاریخ معاصر ایران



عملیات اورامان

(پاییز و زمستان ۱۳۱۰ شمسی)

نایب سرهنگ حاجعلی رزم‌آرا

به کوشش کامبیز رزم‌آرا
و کاوه بیات

مجموعهٔ تاریخ معاصر ایران ۴۴

سرشناسه	: رزم‌آرا، علی، ۱۳۲۹-۱۲۸۰.
عنوان و نام پدیدآور	: عملیات اورامان/ علی رزم‌آرا؛ به کوشش کامبیز رزم‌آرا، کاوه بیات.
مشخصات نشر	: تهران: پردیس دانش، شرکت نشر و پژوهش شیرازهٔ کتاب، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	: سی و چهار، ۲۴۷ ص.
فروست	: مجموعه تاریخ معاصر ایران؛ ٤٤.
شابک	: 978-964-2509-14-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: رزم‌آرا، علی، ۱۳۲۹-۱۲۸۰ -- خاطرات.
موضوع	: ایلات وعشایر و دولت-- ایران-- اورامان.
موضوع	: ایران-- تاریخ-- پهلوی، ۱۳۰٤- ۱۳۲۰-- عملیات اورامان، ۱۳۱۰- اسناد و مدارک
موضوع	: ایران-- تاریخ نظامی- ۱۳۱۰.
شناسه افزوده	: رزم‌آرا، کامبیز، ۱۳۱۹- گردآورنده.
شناسه افزوده	: بیات، کاوه، ۱۳۳۳- گردآورنده.
رده بندی کنگره	: DSR ۱٤۸٦/ر٤ع۳آ ۱۳۸٦
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۲٤۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۰۸٤۵۵۱

با همکاری شرکت نشر و پژوهش شیرازهٔ کتاب

عملیات اورامان

نویسنده : حاجعلی رزم‌آرا

طرح روی جلد : محمود محرابی

حروفچینی و صفحه‌آرایی : مؤسسه جهان کتاب

چاپ و صحافی : پردیس دانش

چاپ جلد : صفیر قلم

تیراژ : ۱۱۰۰ نسخه

چاپ اول : بهار ۱۳۸۷

قیمت : ۴۰۰۰ تومان

تهران. صندوق پستی :۱۱۱- ۱۳۱۴۵

تلفن : ۲۲۲۰۶۱۳۳

شابک : ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۰۹-۱۴-۰

عملیات اورامان

نایب سرهنگ حاجعلی رزم‌آرا

به کوشش کامبیز رزم‌آرا
و کاوه بیات

فهرست

مقدمه

عملیات اورامان مجموعه یادداشت‌ها و گزارش‌هایی است در ۱۸۴ برگ به قطع رحلی از نایب سرهنگ حاج‌علی رزم‌آرا، نظامیِ صاحب نام ایرانی در توصیف بخشی از لشکرکشی ارتش به منطقهٔ اورامان در پاییز و زمستان ۱۳۱۰ شمسی. این لشکرکشی که آن را می‌توان آخرین عملیات عمده از رشته لشکرکشی‌های گسترده‌ای دانست که از بدو تأسیس قشون متحدالشکل ایران در سال ۱۳۰۰ بر ضد قدرت‌های عشایری و محلیِ کشور آغاز شد عملیاتی بود که بر یک دورهٔ چند صدساله از فرمانروایی سلاطین اورامان ــ خاندانِ حاکمِ محلی ــ پایان نهاد.

اگرچه عملیات اورامان به گونه‌ای که در بخش‌های بعدی این یادداشت نیز بدان اشاره خواهد شد اصولاً یک سند نظامی است و به نظر بیش‌تر از لحاظ تبیین چگونگی تاسیس و توسعهٔ ارتش نوین ایران اهمیت دارد، ولی از آن‌جایی که در مورد تحولات سیاسی و نظامیِ جاری در مناطق عشایری ایران در این سال‌ها و به ویژه حوادث کردستان در آن دوره، اطلاعات کم و اندک است، همان مختصر داده‌های کلی و پراکنده‌ای که در لابه‌لای این اوراق در باب وضعیت سیاسی اورامان در این دوره و چگونگی پایان گرفتن کارِ جعفر سلطان و فرزندانش منعکس شده است نیز از لحاظ تاریخی مهم و ارزشمند می‌باشند.

به منظور توضیح بیش‌تر این خصوصیات و اهمیت آن‌ها در ادامه نخست اشاره‌ای خواهیم داشت به جغرافیایی تاریخی اورامان و

حوزه‌های پیرامون آن و بعد از این اشاره، مروری کلی و گذرا بر پاره‌ای از تحولات داخلی و منطقه‌ای کردستان در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ شمسی و جایگاه اورامان در این رخدادها. ملاحظاتی چند درباب اهمیت این یادداشت‌ها و گزارش‌ها از نقطه‌نظر تدوین تاریخچهٔ ارتش و هم‌چنین مروری بر تعدادی از دیگر منابع و ماخذ منتشر شده‌ای که لشکرکشی اورامان را نیز مورد توجه داشته‌اند، پایان بخش این یادداشت خواهد بود.

اورامان

در توصیفی کوتاه و گذرا از عرصه و زمینهٔ اصلیِ این رویارویی، یعنی سرزمین و مردم اورامان، از یکی از چندین رای و نظری می‌توان آغاز کرد که در توضیح وجه تسمیهٔ این حوزه عنوان شده است؛ بنا بر زبان و اصطلاحات رایج در این خطه اورامان یا به عبارت دقیق‌تر هورامان تعریفی است جغرافیایی به معنایِ بلندشده و برآمده که به موقعیت جغرافیایی اورامان در قیاس با حوزه‌های کم ارتفاع‌تر اطرافش اشاره دارد: حوزه‌های همسایه‌ای چون رزاب و مریوان در شمال، ژاورود در شرق، جوانرود در جنوب و بالاخره شهر زورِ عراق در غرب.[1]

این وجه خاص و ویژه ـ این سربلندی و شاخص بودن ـ تنها به وضعیت جغرافیایی اورامان که رشتهٔ درهم تنیده‌ای است از کوه‌های پرارتفاع و دره‌های عمیق محدود و منحصر نمی‌باشد. فرهنگ کهن و ریشه‌دار اورامان و یک ساختار اجتماعی یگانه که آن را می‌توان نتیجهٔ تلفیقی از این سوابق فرهنگی و آن موقعیت اقلیمی نیز دانست در شکل‌گیری این وضعیت خاص و منحصر به فرد مؤثر بوده است. اورامان در مقام یکی از بکرترین حوزه‌های تمدنی ایران‌زمین در کنار ویژگی‌های

۱. محمدعلی سلطانی، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، مجلدات ۲ و ۳، ایلات و طوایف کرمانشاهان، تهران: نشر سها، چ ۲، ۱۳۸۱، ص ۲۲.

زبانی و نشانه‌های برجای مانده از باورهای دیرینهٔ ایرانی، از یک پیشینهٔ کهن مدنی نیز برخوردار است.

گویش اورامی زبان کردنی گورانی که از گونه‌های برجای مانده از زبان‌های باستانی ایران توصیف شده است در مقام زبان ادبی بخش‌های وسیعی از کردستان و لرستان، آثار سروده‌های بسیاری را به نام خود دارد.[1] ساختار اجتماعی اورامان نیز گرچه همانند بسیاری از دیگر نقاط کردستان اصولاً ساختاری عشایری است و با نوعی کوچ‌نشینی محدود نیز توام بوده است ولی در عین حال بر مجموعه‌ای از سنن حکمرانی دیرینه‌تر تکیه داشت که آن را از پاره‌ای جهات از دیگر نظام‌های عشایری اطراف متمایز می‌ساخت. سلاطین اورامان که جعفر سلطان، موضوع اصلی این مجموعه از آخرین آن‌ها بود، همانند برخی از دیگر خاندان‌های کهن برجای مانده در طبرستان و دیگر نقاط کوهستانی ایران به شاهان باستانی این سرزمین نسب برده و این رشتهٔ انتساب را در آمیزه‌ای از باورهای طریقتی و عرفانی، تا به آخر حفظ کردند.

در کنار سلاطین اورامان از مجموعه‌ای از دیگر قدرت‌های محلی در حول و حوشِ این حدود نیز می‌توان یاد کرد که خواه در رقابتِ گاه به گاه با اورامان و یا همراهی‌های مقطعی با آن، به هر حال در سرنوشتی به هم پیوسته شریک بودند؛ قدرت‌های محلی ای که در این دوره در وجود چهره‌هایی چون محمودخان دزلی در دزلی؛ محمودخان کانی‌سانانی در اطراف مریوان؛ خوانین رزاب در شرق؛ عبدالرحمن بیگ، وکیل جوانرود؛ بهرام‌بیگ ولدبیگی و به ویژه سردار رشید اردلان در جنوب اورامان بروز و نمود داشتند.

از آن‌جایی که برخی از خصوصیات جغرافیایی و هم‌چنین گوشه‌هایی

---

۱. همان، ص ۲۱.

از تاریخ عمومی اورامان در فصل اول این مجموعه[۱] و پاره‌ای از دیگر ماخذ منتشر شده، مورد بررسی قرار گرفته‌اند،[۲] به نظر نمی‌آید که در این یادداشت به شرح و تفصیل بیش‌تری نیاز باشد. آنچه که در این میان کمتر بدان پرداخته شده و شاید طرح آن از لحاظ کمک به شناسایی مجموعه تحولاتی که به لشکرکشسی ۱۳۱۰ منجر شد مفید افتد، اشاره‌ای است به وضعیت اورامان و موقعیت جعفرسلطان در مقام حکمران بلامنازع این حوزه در چارچوب تحولات کلیِ کردستانِ ایران و مناطق همجوار آن در سال‌های دهۀ ۱۳۰۰ و مجموعه رخدادهایی که در نهایت زوال و فروپاشی سلاطین اورامان را به دنبال آورد.

کردستان

در مراحل نخست تشکیل قشون متحدالشکل ایران و تلاشِ دولتِ برآمده از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ برای اعادۀ انتظامِ از دست رفتۀ کشور، در حالی که بخش اصلی توجه و توانِ ارتش نوپای ایران بر حل و فصل مسائلی چون شورش اسمعیل آقا سمکو در آذربایجان غربی و سرکشی جمعی از عشایر لرستان قرار داشت؛ کردستان و کرمانشاه به رغم هم‌جواری با این دو حوزۀ پرتلاطم و برخورداری از یک زمینۀ مستعد عشایری، با آشوب و ناآرامیِ حادی روبرو نبودند؛ اگرچه بودند چهره‌هایی چون عباس‌خان سردار رشید اردلان در اطراف روانسر که

---

۱. پاره‌ای از اطلاعات جغرافیایی این بخش قبلاً در کتاب کردستان از مجموعه جغرافیای نظامی ایران (۱۳۲۰) سرتیپ علی رزم‌آرا منتشر شده است (صص ۵۷-۴۸).

۲. علاوه بر بررسی جامع و مبسوط محمدعلی سلطانی در مورد اورامان که در این یادداشت نیز مورد استفاده بوده است ــ (سلطانی، پیشین، صص ۱۲۰ - ۲۱) ــ از کتاب تاریخ سلاطین هورامان اثر قاضی عبدالله شیدا (مردوخی) نیز می‌توان یاد کرد که اخیراً به کوشش احمدنظیری منتشر شده است (سنندج: انتشارات پرتو بیان، ۱۳۸۳).

داعیه‌ای در سر داشتند[1] ولی تنوع ایلی و عشایری این حوزه و رقابت‌های درونیِ حاصل از آن عمیق‌تر از آن بود که عرصه را بر پیش‌برد چنین داعیه‌هایی هموار کند.

از این‌رو تلاشِ لشکرغرب در بسط تدریجی حوزهٔ اقتدارش در این حدود بر خلاف آنچه که در آذربایجان در شمال و لرستان در شرق، جریان داشت، با دشواری چندانی روبه‌رو نبود؛ لشکرغرب پس از مداخلاتی چند در اختلافات داخلی ایل نیرومند کلهر که به حذف سلیمان خان امیراعظم و برآمدن عباس‌خان امیرمخصوص منجر شد، با همراه داشتن امیر مخصوص و نیروی کلهر او در کنار، با قدرت بیش‌تری وارد عمل شد.[2] در یک چنین چارچوبی بود که به اقتدار محلی سنجابی‌ها نیز خاتمه داده شد.[3] هم‌زمان با این حوادث در بخش‌های شمالی کردستان نیز با تلاش واحدهای نظامی برای استقرار در سقز و بانه در اواخر سال ۱۳۰۰، توسعهٔ دامنهٔ نفوذ نظام جدید در این حدود غیر آغاز شد.[4]

پیش آمد حوادث و رخدادهایی چند در عرصهٔ تحولات داخلی و

---

۱. کاوه بیات، «عباس خان سردار رشید و کردستان، ۱۳۰۴- ۱۲۹۴ شمسی» در گنجینهٔ اسناد (فصلنامهٔ تحقیقات تاریخی)، سال دوم، دفتر اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۷۱ (انتشارات سازمان اسنادملی ایران) ص ۳۴ – ۲۰.

۲. بنگرید به‌گزارش سالانه سفارت بریتانیا از تحولات ایران در سال ۱۹۲۲

"Persia, Annual Report, 1922" in *Iran Political Diaries, 1881-1965*- [I.P.D. :از این پس] - General Editor Dr. R. M. Burrell, Archives Editons 1997, Vol. 6: 1921- 1923. pp. 385-86

3. Ibid.

هم‌چنین علی اکبرخان سردار مقتدر سنجابی، ایل سنجابی و مجاهدت ملی ایران، تهران: نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۸۰، صص ۴۶-۶۴۱.

۴. سرتیپ میرحسین یکرنگیان، سیری در تاریخ ارتش ایران، از آغاز تا پایان شهریور ۱۳۲۰. چ ۲. تهران: انتشارات خجسته، ۱۳۸۴، ص ۳۳۹؛ هم‌چنین بنگرید به محمد رئوف توکلی، جغرافیا و تاریخ بانهٔ کردستان، چ ۲، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۶۳، صص ۸۴-۱۸۲.

منطقه‌ای کردستان در این دوره باعث آن شد که این روند کُند و تدریجی ضرب و شتابی خاص به خود گیرد؛ یکی از این رخدادها که جنبه‌ای داخلی داشت تلاشِ هر از گاه عباس‌خان سردار رشید بود برای توسعهٔ دامنهٔ نفوذ و اقتدارش در حوزه‌های به مراتب فراتر از روانسر که مسقط الراس اصلی او بود. این تلاش زمینه‌ای فراهم آورد که نیروهای لشکرغرب بتوانند در بهار ۱۳۰۲ با حمایت گروهی از واحدهای عشایری رقیب که در این ایام هدف تعرض سردار رشید قرار گرفته بودند ــ از جمله جعفر سلطان و اورامی‌های همراه او ــ بر ضد سردار رشید وارد عمل شده و او را شکست دهند.[1]

اگرچه این گونه لشکرکشی‌ها پای نظامیان را به این بخش از میانهٔ کردستان باز کرد ولی از آن‌جایی که در این مرحله عامل تعیین‌کننده هنوز نیروهای محلی و موازنهٔ قوای آن‌ها بود و نه توانِ واحدهای اعزامی لشکرغرب، این امر به استقرار و اقتدار پایدار نظامیان در این حوزه منجر نشد. با فروکش ماجرای سردار رشید «نظم طبیعی» این حوزه که به مجموعهٔ در هم پیچیده‌ای از رقابت‌ها و ائتلاف‌های مختلف طایفه‌ای تکیه داشت، از نو اعاده شد و وضعیت آن حدود در مجموع به حال پیشین خود بازگشت.

آنچه این ترتیب را به نحوی جدّی و اساسی زیر سؤال بُرد و توسعهٔ دامنهٔ نفوذ نظام جدید را جنبه‌ای عاجل و لازم بخشید پیش آمد مجموعه‌ای از تحولات خارجی و منطقه‌ای بود.

کردستان و عراق

تلاش دولت بریتانیا برای ابداع مجموعه‌ای از کشورهای جدید از دل متصرفات جنوبی امپراتوری عثمانی که اینک در زمرهٔ غنایم جنگی

---

۱. بیات، «سردار رشید»، پیشین، صص ۲۸-۲۷.

بریتانیا محسوب می‌شدند نه فقط با دشواری‌های فراوانی توام بود، بلکه میراث پرتنش و تعارضی بر جای گذاشت که تبعات آن هنوز هم دامن‌گیر منطقه است؛ تلاش در جهت تأسیس یک واحد خودمختار و مستقل کرد در حوزه‌ای که عراق نام گرفت بدون آن که زمینه ایجاد یک چنین واحد یک‌دست و منسجمی در میان طوایف و عشایر کُرد آن حدود وجود داشته باشد از یک سو و سعی و تلاش هم‌زمان مقامات انگلیسی برای ادغام این واحد در یک چارچوب حکومتی عربی از سوی دیگر، نه تنها عراق را با یک نابسامانی بنیانی روبرو ساخت بلکه حوزه‌های اطراف آن را نیز دچار تنش‌های گاه به گاه ساخت، سرگذشت شیخ محمود برزنجی در این سال‌ها خود گواهی است بر این مدعا؛ تلاش ناموفق مقامات انگلیسی در بهره‌برداری از نفوذ و اعتبار او در منطقهٔ سلیمانیه به عنوان عاملی در جهت ایجاد نظم و ثباتِ مطلوب بریتانیا در عراق، تنافر این نفوذ و اعتبار با نفوذ و اعتبار برخی از دیگر چهره‌های عشایری کرد در حوزه‌های اطراف، و بالاخره درگیری‌های حاصل از این امر چه در ادوار کوتاهی که شیخ محمود در کنار حکومت بریتانیا حکمران سلیمانیه بود و چه در مقاطع دیگر که در مخالفت با این تشکیلات راه شورش و مقاومت در پیش گرفت به سرریز مجموعه تنش‌هایی در سطح منطقه میدان داد که بخش‌های کردنشین ایران را نیز بی‌تأثیر نگذاشت.[۱]

فعالیت‌های شیخ محمود در این سال‌ها به دلیل جایگاه عقیدتی او در مقام یکی از مشایخ طریقت قادری و هم‌چنین مقام سیاسی او به عنوان یکی از طرفداران اندیشهٔ کردیّتی به گونه‌ای که ملاحظه خواهد شد در بسیاری از اوقات بر تحولات کردستان ایران و به ویژه اورامان اثر داشت. در کنار این بعد عقیدتی و سیاسی و شاید از آن نیز مهم‌تر باید به مجموعه

1. David Mc Dowall, *A Modern History of the Kurds,* I. B. Tauris, London & New York, 1996, pp. 156-58.

پیوندهای ایلی و ملکی‌ای اشاره کرد که عشایر و طوایف این حوزه را به رغم خط کشی‌های جدید مرزی به هم مربوط می‌ساخت. ییلاق و قشلاقِ پاره‌ای از عشایر این حدود ــ از جمله پیشدری‌ها ــ رفت و آمدی در هر دو سوی مرز را ایجاب می‌کرد و بخشی از املاک تعدادی از سرانِ کرد ایرانی در قلمرو عراق قرار داشت.

در واقع مجموعه‌ای از این دو عامل، یعنی رشته تحرکات شیخ محمود برزنجی در چارچوب سیاستِ پرتعارضِ بریتانیا در قبال کردها از یک سو و مسائل مِلکی و ایلی پیش گفته از سوی دیگر بود که اورامانِ به ظاهر پرت و دور افتاده را در کانونِ مجموعه‌ای از تنش‌های منطقه‌ای قرار داد و لشکرکشی‌هایی را ایجاب کرد که شاید با توجه به نوع مناسبات و تعامل موجود این حوزه با مرکز، شاید در شرایطی دیگر اصولاً نیازی به آن نیز نمی‌بود.

مقامات انگلیسی که در مراحل نخست چیرگی بر بین‌النهرین، در زمستان ۱۲۹۷ شمسی (۱۹۱۸ میلادی) شیخ محمود را به سمت حکمدار سلیمانیه منصوب کرده بودند، اندک زمانی بعد او را عاملی یافتند ناسازگار. این ناسازگاری به تدریج به طغیان و تمردی منجر شد که در اردیبهشت ۱۲۹۹ با اخراج نمایندگان و عوامل دولت بریتانیا از سلیمانیه جنبه‌های صریح و آشکار یافت. در این واقعه که به شورش اول شیخ محمود معروف شد، گروهی از عشایر کرد ایرانی و در راس آن‌ها محمودخان دزلی نیز درگیر بودند.[1] در خلال عملیاتی که از سوی قوای نظامی و به ویژه نیروی هوایی بریتانیا برای سرکوب این شورش صورت گرفت، قلمرو محمودخان دزلی نیز هدف بمباران قرار گرفت و[2] در پی این

---

1. Ibid.

۲. حکومت کردستان به ریاست وزرا، نمرهٔ ۲۶۵، ۲۷ حوت ۱۳۰۰. سازمان اسناد ملی ایران [ساما] ۱۹۴۶.

حوادث بود که سفارت بریتانیا در تهران طی ارسال نامه‌ای به وزارت امور خارجهٔ ایران از احتمال حملهٔ محمودخان دزلی به حلبچه ابراز نگرانی کرد و خواستار آن شدکه دولت ایران مانع از این امر گردد.[1]

پس از تنها اقدام میسر و مقدور دولت در آن زمان یعنی اعزام فرستاده‌هایی از سوی حکومت کردستان به اورامان و مریوان و دعوت خوانین و امراء آن سامان به حفظ نظم و آرامش، حکومت کردستان در اوائل فروردین ۱۳۰۱ به ریاست وزراء گزارش داد که گویا شایعهٔ قصد و نیت محمودخان دزلی برای حمله به حلبچه از سوی محمودخان کانی‌سانانی مریوان‌که «... با محمودخان دزلی خصومت دارد [و]... با کمیسر سیاسی انگلیسی [در عراق] هم نهایت خصوصیت و مراوده کامل دارد...» پراکنده شده و تمام امرا و خوانین محلی و «... مخصوصاً خوانین اورامان جواب‌های مفصل به فدوی نوشته، اطمینان داده‌اند که همچو اقدامی نخواهد شد...»[2]

مع‌هذا در حالی که سفارت بریتانیا ضمن ارسال گزارشی از اعزام یک گروه صدنفری از سوی محمودخان دزلی به خاک عراق و قصد آن‌ها مبنی بر تصرف پنجوین، تهدید کرد که اگر این عده عقب ننشینند با هواپیما به او حمله خواهد شد،[3] گزارش‌های بعدی حکومت کردستان از آن حکایت داشت که تحرکات منطقه‌ای محمودخان دزلی فقط به چند شایعه محدود نمی‌شد؛ با آن که «... همه خوانین [آن حدود] و حتی جعفر سلطان باز اظهار اطاعت کرده و اطمینان کامل داده...» بودند، محمودخان دزلی ضمن اشاره به تایید ضمنی شایعات مزبور در پاسخ به مکاتبات حکومت کردستان نوشته بود که «... من از شما امیدوار بودم که با قورخانه کمک

---

۱. سواد مراسلهٔ سفارت بریتانیا به وزارت خارجه، بدون نمره، ۱۸ حوت ۱۳۰۰. ساما ۱۹۴۶.
۲. حکومت کردستان به ریاست وزراء، نمرهٔ ۵، ۶ حمل ۱۳۰۱. ساما ۱۹۴۶.
۳. ریاست وزراء به حکومت کردستان، نمرهٔ ۳۹، ۸ حمل ۱۳۰۱، ساما ۱۹۶۴.

خواهید کرد که خودم را در جلو کفار نگهداری نمایم...» و در ادامه خاطر نشان شده بود «... در صورتی که دولت از من تصاحب نکند البته منهم برای خود صاحبی پیدا خواهم کرد...»[1]

اگرچه با شکست قوای شیخ محمود در مصاف با دولت بریتانیا در نبرد تنگ بایزان در اواخر خرداد ۱۳۰۱ که به دستگیری و تبعید وی منجر شد،[2] به نظر می‌آید که برای مدتی از دامنهٔ این نوع فعالیت‌های برون مرزی کردهای ایرانی کاسته شد ولی با خط مشی جدیدی که دولت بریتانیا اتخاذ کرد بار دیگر عرصه بر این گونه تحرکات فراهم شد. هنوز چند صباحی از سرکوب و تبعید شیخ محمود نگذشته بود که مقامات انگلیسی با توجه به دشواری‌های ادارهٔ مستقیم مناطق کردنشین عراق و از آن مهم‌تر برای خنثی‌کردن تلاش‌های نهضت مقاومت ملی ترکیه به رهبری مصطفی کمال برای شوراندن کردها بر ضد انگلیسیها و دستیابی به موصل، تصمیم گرفتند، بار دیگر اختیاراتی به کردها واگذار کنند و در گام اول، مجدداً شیخ محمود را وارد کار کردند. این بار نیز این تمهید دولت بریتانیا به نتیجهٔ دلخواه آن‌ها منجر نشد؛ هنوز چند ماهی از بازگشت شیخ محمود به سلیمانیه نگذشته بود که بار دیگر از اواخر سال ۱۳۰۱ رویارویی طرفین آغاز شد.[3]

بازتاب در ایران

علاوه بر مشکلِ پیوندهای فرامرزی شیخ محمود و پشتگرمی او به جبال مرتفع اورامان که به صورت تداوم شکایات مقامات انگلیسی از آنچه که حمایت کردهای ایرانی از شیخ محمود عنوان می‌کردند، کماکان ادامه

---

۱. حکومت کردستان به ریاست وزراء، نمرهٔ ۱۵۱، ۱۲ حمل ۱۳۰۱، ساما ۲۰۴۲۱.
2. Mac Dowall, op. cit., pp 157-58. 3. Ibid., p. 159.

داشت،[1] تردد تعدادی از سرانِ شورشیِ کردهای ایران در حوزهٔ قلمرو شیخ محمود در سلیمانیه نیز نگرانی‌هایی را به وجود آورده بود، از جمله سردار رشید اردلان که پس از شکست قوایش از ترکیبی از نیروهای محلی و نظامی در بهار ۱۳۰۲ و پیش از ملحق شدن به شیخ خزعل مدتی را نیز نزد شیخ محمود گذراند[2] و یا اسمعیل آقا سمکو که او نیز بعد از شکستِ تابستان ۱۳۰۱ برای مدتی در سلیمانیه پناه گرفت.[3]

اگرچه دولت ایران به مامورین سرحدی خود فرمان داده بود که نسبت به قضیهٔ شیخ محمود رویهٔ بی‌طرفی اتخاذ کنند[4] ولی از آن‌جایی که در این مرحله دولت نفوذ چندانی بر تحولات این حوزه نداشت، صدور احکامی از این دست نیز عملاً بی‌معنی بود و مقامات محلی جز ابراز نگرانی و توصیه به اجتناب از درگیری در این ماجرا، کار دیگری از دستشان بر نمی‌آمد. در این مرحله نیز فعال‌ترین عنصر حاضر در صحنه محمودخان دزلی بود که املاکش در ایلان پی ــ واقع در آن سوی مرز ــ در زمستان ۱۳۰۲ هدف بمباران هوایی بریتانیا قرار گرفته بود و انگلیسی‌ها نیز از احتمال اقدامات تلافی جویانهٔ او نگرانی‌هایی داشتند.[5]

اگرچه ادامهٔ شورش و نافرمانی شیخ محمود در سلیمانیه و انتشار گزارش‌هایی مبنی بر ارتباطات‌های او با کردهای ایران[6] و هم‌چنین پیش آمد رخدادهایی چون تلاش مجدد سردار رشید برای برافراشتن علم

---

۱. وزارت امور خارجه، سواد گزارش کارگذار ساوجبلاغ، نمرهٔ ۱۷۰۱، اثور ۱۳۰۲. ساما ۲۰۱۴.

۲. بیات، «سردار رشید» پیشین، ص ۲۸.

۳. کاوه بیات، «اسماعیل آقا سمیتقو» در **فرهنگ ناموران معاصر ایران**، ج ۲، تهران: دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۵۷۹.

۴. وزارت داخله به ریاست وزراء، نمرهٔ ۳۵۹۵، ۲۵ دلو ۱۳۰۳، ساما(ک) ۶۹۹۹.

۵. وزارت داخله، ۱۶ دلو ۱۳۰۳، سواد گزارش حکومت کردستان (نمرهٔ ۱۰۰۸، ۱۳ میزان، ساما (ک ۲) / ۶۹۹۹.

۶. «گزارش سالانهٔ سفارت بریتانیا از تحولات ایران در سال ۱۹۲۴»، در

I.P.D. Vol. 7, op.cit., p. 198.

طـغیان در کــردستان،[1] عـرصه را در سـال ۱۳۰۳ نـیز کـماکـان مـلتهب نگهداشت، ولی هیچ یک از این تحولات به وضعیتی بحرانی منجر نشد.

به گونه‌ای که از توضیحات رزم‌آرا در مقدمهٔ عملیات اور امان بر می‌آید در این سال ــ ۱۳۰۳ ــ یاور خسروخان نامی از لشکر شمال‌غرب سعی کرد که به همراهِ یک گردان نـظامی بـرای خـلع سـلاح عشـایر از سـمت جوانرود به پاوه پیشروی کند که به دلیل نسنجیده بودن کار، از نـیروهای محمدرشید بیگ اورامی شکست خورد و وادار به عـقب‌نشینی شـد. بـه نوشتهٔ رزم‌آرا این واقعه به افزایش حوزه اقـتدار و نـفوذ جـعفر سـلطان و پسران او منجر شد.[2]

در حالی که در پاره‌ای از دیگر نقاط کردستان و اصولاً در سایر مناطق عشایری کشـور، افـزایش نـفوذی از ایـن دست مـعمولاً بـه شکـل‌گیری تحرکاتی در جهت چیرگی بر نـقاط مـجاور و بسـط حـوزهٔ اقـتدار مـنجر می‌شد، در اورامان چنین نبود. در این دوره با آن که اورامان برای بـخش وسیعی از حوزه‌های اطراف در مقام نوعی مأمن و تکیه‌گاهِ اساسی عمل می‌کرد ولی خود موجد شرّ و شور نبود.

شیخ محمود برنجی ــ همان‌گونه که اشاره شد ــ یکی از چـهره‌هایی بود که هر از گاه در این حوزه پناه می‌گرفت. او با از دست دادن پنجوین در اوائل تابستان ۱۳۰۴ به نحوی بیش از پیش به حوزهٔ مرزی اورامان متکّی گشت. در این دوره بود که با اسارت یک افسر و یک خلبان انگلیسی به

---

۱. سردار رشید که پس از طغیان سال ۱۳۰۲ تامین گرفته و در تهران تحت‌نظر بود با پیش‌آمد بحران جمهوری و قهر رضاخان سردار سپه در فروردین ۱۳۰۳ به روان‌سر گریخت و مجدداً علم طغیان بر افراشت. گـرچـه وی در یک مـرحـله از ایـن شـورش بـرای مـدتی از حـمایت محمدرشیدبیگ، یکی از پسران جعفرسلطان ــ نیز برخوردار بود در نهایت کاری از پیش نبرد و با در هم شکسته‌شدن قوایش در تابستان ۱۳۰۳ مـجدداً بـه سـلیمانیه گـریخت. بـنگرید بـه بیات، «سردار رشید»، پیشین، صص ۲۹–۲۸.

۲. رزم‌آرا، عملیات اور امان (همین کتاب) صص ۱۱–۱۰.

دست قوای او فشار مقامات انگلیسی بغداد بر دولت ایران برای اقدام موثرتر بر علیه شیخ محمود و رهایی اسرای مزبور افزایش یافت.[1]

علاوه بر شیخ محمود برزنجی که در دوره‌ای طولانی از رویارویی‌هایش با مقامات بغداد به ارتفاعات اورامان پشتگرم بود، سالارالدولهٔ قاجار که در سال‌های بعد از مشروطه، به کرّات از این حوزه خروج کرده بود نیز در این دوره و در واپسین تلاش‌هایش در جهت کسب تاج و تخت، بار دیگر از اورامان سر بر آورد. یک بار در اواسط تابستان ۱۳۰۴ و بار دیگر نیز در بهار سالِ بعد. تلاش نخست او به نتیجه‌ای منجر نشد و در عرض مدت زمانی کوتاه مجبور شد اورامان را ترک کند[2] ولی تلاش بعدی او در اوایل سال ۱۳۰۵، نظر به مساعدبودن اوضاع محلی با توفیق بیش‌تری روبرو گردید.

بحران ۱۳۰۵

این بار چنین به نظر می‌آید که سالارالدوله در مقایسه با تلاش قبلی‌اش در سال گذشته از زمینهٔ مساعدتری در محل برخوردار بوده است. در گزارش سالانه سفارت بریتانیا از تحولات ایران در سال ۱۹۲۶ [۱۳۰۵] در بخش مربوط به جعفرسلطان آمده است که «... در مراحل نخست سال دولت عراق توانست از این امر که بخش قابل توجهی از املاک و اموال این رهبر ایلی [جعفر سلطان] در قلمرو عراق واقع است، به نحو مطلوب بهره‌برداری کند و او را از هرگونه اقدام آشکار در جهت نافرمانی در برابر دولت ایران باز دارد. مع‌هذا در ماه آوریل [فروردین] افسر فرمانده ایرانی به قولی که به جعفر سلطان داده بود عمل نکرد و این دورویی جعفر

---

۱. گزارش وابستهٔ نظامی سفارت بریتانیا در تهران، ۲۶ اوت ۱۹۲۶ / ۵ تیر ۱۳۰۵ به نقل از *I.P.D.*, op.cit., Vol. 7, p.491.

۲. گزارش‌های وابستهٔ نظامی ۷ ۸ و ۲۲ اوت ۱۹۲۵ / ۱۷ و ۳۱ مرداد ۱۳۰۴ به نقل از: *I.P.D.*, Vol. 7, op.cit., p. 315 & 319.

سلطان را چنان خشمگین ساخت که دست به اسلحه برد و با حمله به جوانرود، آن‌جا را مسخر ساخت. وی سپس از سالارالدوله دعوت کرد که به او ملحق شود و بدین‌ترتیب عملاً یک شورش کردی برپا داشت...»[۱]

احتمالاً اشاره رزم‌آرا به استقرار یک نیروی نظامی به سرپرستی سلطان گریش‌خان در جوانرود در سال ۱۳۰۴ و پی‌آمدهای این اقدام بی‌مطالعه در فصل اول این کتاب به تحولات فوق‌الذکر مربوط می‌شود.[۲] محمدعلی سلطانی نیز در بررسی خود از تحولات دورهٔ مزبور از آن می‌نویسد که گریش‌خان پس از استقرار در جوانرود «... بدون توجه به تعصب دینی مردم جوانرود به شکار خوک و استعمال مشروبات الکلی....» مشغول و این عمل به قدری به اهالی و سران محلی گران آمد که «... بالاخره در اسفندماه ۱۳۰۴ شمسی تفنگچیان جوانرود ــ [به فرماندهی عبدالرحمن بیک وکیل] ــ پادگان قلعهٔ جوانرود را محاصره کردند؛ درگیری آغاز گردید و در عرض چند روز با فرارسیدن قوای کمکی اورامان، پادگان سقوط کرد و نظامیان نیز به سمت روانسر عقب نشستند.[۳]

درکنار این دگرگونی که زمینه را برای یک سعی و تلاشِ دیگر سالارالدوله و خروج مجدد وی از اورامان فراهم کرد پیش آمد که یک واقعهٔ دیگر نیز بر وخامت اوضاع افزود؛ حملهٔ عشایر پیشدری به سردشت.

پیشدری‌ها از جمله طوایفی بودند که در خلال تحدید حدود مرزهای ایران و عثمانی، بخشی از مراتع ییلاقی خود را در قلمرو ایران برجای گذاشته بودند و کوچ سالیانهٔ آن‌ها هربار دشواری‌های فراوانی را موجب می‌شد. در سال ۱۳۰۵ این تنش‌ها به یک درگیری جدّی منجر شدو تا

---

۱. گزارش سالانه سفارت بریتانیا از تحولات سال ۱۹۲۵ به نقل از: I.P.D., Vol. 7, op.cit., p. 552.
۲. عملیات اورامان، ص ۱۱.
۳. محمدعلی سلطانی، جغرافیای تاریخی کرمانشاهان، پیشین، صص ۲۰۵-۲۰۴.

پیش از چیرگی نهایی نظامیان ایرانی بر پیشدری‌ها در اواخر تابستان همان سال، سردشت چند بار دست به دست شد.[1]

ولی به رغم هم‌زمان شدن این سه واقعه ــ تنش حاصل از حضور شیخ محمود برزنجی در مناطق مرزی ایران، حملهٔ پیشدری‌ها به سردشت و شورش سالارالدوله ــ از آن‌جایی که هر یک رخدادهایی مجزا و بی‌ارتباط بودند، حل و فصل آن‌ها نیز با دشواری چندانی روبررو نشد.

حملهٔ پیشدری‌ها به سردشت در همان مراحل نخست کار با اعزام یک واحد نظامی دفع شد و[2] حدود پانزده سرباز ایرانی که به اتفاق یک صاحب‌منصب در خلال این درگیری‌ها به اسارت پیشدری‌ها درآمده بودند نیز در اوایل پاییز همان سال در سلیمانیه رها شدند.[3] شورش سالارالدوله نیز با توفیق مقامات حکومتی در متقاعد ساختن سران عشایر به سلب حمایت از او، از درون فروپاشید.[4] با رهایی انگلیسی‌هایی که نزد شیخ محمود برزنجی اسیر بودند در پاییز همان سال که تنها پس از اقدامات مجّدانهٔ دولت ایران میسر شد، این ماجرا نیز که برای مدتی مناسبت منطقه‌ای ایران را تحت‌الشعاع قرار داده بود به پایان آمد.[5]

---

۱. گزارش وابستهٔ نظامی، ۴ سپتامبر ۱۹۲۶ / ۱۳ شهریور ۱۳۰۵. به نقل از:
I.P.D. Vol. 7, op. cit., p. 507.

۲. همان.

۳. وزارت امور خارجه، سواد مراسلهٔ سفارت انگلیس، نمرهٔ ۳۰۰، ۱۹ مهر ۱۳۰۵. ساما(ن) ۲۹۰۰۷۴۱۲
(این گروه نزد بابکر آقا پیش‌دری بودند)

۴. درگزارشی که نایب کنسول خانقین به وزارت امور خارجه ارسال داشت، آمده بود «... یک هفته است سالارالدوله فرار نموده و آنچه [از] اتباعش تحقیق کرده‌اند معلوم نگردیده به کدام طرف رفته، جعفرسلطان هم متوحش و از اقدامات خود نادم و پشیمانی حاصل نموده است.» (وزارت امور خارجه، راپرت ویس قنسولگری خانقین، نمرهٔ ۳۷۵، ۳۰ شهریور ۱۳۰۵، ساما. ن ۲۹۰۰۷۴۱۲).

۵. برای آگاهی از تلگراف تشکر سفارت بریتانیا در این زمینه بنگرید به سفارت بریتانیا به ریاست وزرا، خصوصی، ۱۳ اکتبر ۱۹۲۶ / ۱۹ مهر ۱۳۰۵. ساما ن ۲۹۰۰۷۴۱۲.

طرحی نو

اگرچه هر سه رخداد فوق‌الذکر، همان‌گونه که اشاره شد بدون هیچ گیر و دار فوق‌العاده‌ای حل و فصل شد ولی پیش آمد چنین تحولاتی با توجه به اوضاع عمومی کشور در این مقطع و به ویژه وضعیت متزلزل نظام نوپای پهلوی که به تازگی دگرگونی مهمی چون تغییر سلطنت را نیز از سرگذرانده بود، اتخاذ رویکردی اساسی و به کلی متفاوت از پیش را ایجاب می‌کرد. در این چارچوب بود که در پاییز ۱۳۰۵ امیرلشکر عبداله‌خان طهماسبی، فرمانده پیشین لشکر شمال غرب که پس از یک دورهٔ کوتاه که وزارت جنگ را بر عهده داشت خانه‌نشین شده بود، مأمور کردستان شد و طی رشته مذاکرات گسترده و رسیدن به توافق‌هایی با اکثر قریب به اتفاق روسای عشایری آن حدود ــ از جمله جعفر سلطان و پسرانش ــ ضمن شناسایی وضعیت و ترتیب موجود، زمینه را برای پیش‌برد میزانی از سیاست‌های دولتی نیز فراهم کرد.[1]

اگرچه پاره‌ای از فرماندهان نظامی بعدی، از جمله سرهنگ محمودخان امین که در سال ۱۳۰۷ به فرماندهی فوج مظفرکردستان منصوب شد احتمالاً بدون توجه به وضعیت کلی کشور و به ویژه تحولات منطقه‌ای وقت ــ از این خط مشی و آنچه که به نظر آن‌ها یک مماشات بی‌جا به نظر آمد انتقاد کردند[2] ولی این نکته را نیز باید در نظر داشت که در اثر همین خط مشی امیرلشکر طهماسبی بود که کردستان و مخصوصاً اورامان بیش از سه سال، یعنی تا فروکش تدریجی التهابات منطقه‌ای و

---

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به یکرنگیان، پیشین، ص ۳۴۰؛
General Hassan Arfa, *Under Five Shahs*. William Morrow & Co. New York, P. 20.3

۲. «خاطرات تیمسار شهید سرلشکر محمود امین» مهنامهٔ ارتش شاهنشاهی، شمارهٔ ۶، شهریور ۱۳۵۳، ص ۸۷

ارتقاء توانایی نظامی و اداری کشور برای اعادهٔ حاکمیت مرکز بر این حدود، وضعیتی کم و بیش آرام را تجربه کرد.

در چارچوب یک چنین ترتیبی بود که در برای حل و فصل مسائل ملکی پیشدری‌ها اقدامی اساسی به عمل آمد[1] و پیش آمد واقعهٔ مهمی چون طغیان عشایر مامش و منگور در زمستان ۱۳۰۷ ــ شورش ملاخلیل ــ که حتی در یک مرحله به سقوط سردشت و محاصرهٔ ساوجبلاغ [مهاباد] نیز منجر شد، ابعاد گسترده‌ای نیافت و مهار شد[2] البته اتخاذ یک چنین ترتیبی به معنای تعطیل کل کار و رهاکردن منطقه به حال خود نبود؛ صِرف ادامهٔ حضورِ گاه به گاه شیخ محمود در نقاط مرزی ایران و تنش حاصل از آن و هم‌چنین نافرمانی‌های گاه به گاه برخی از روسای طوایف رشته اقداماتی را اجتناب‌ناپذیر کرده بود؛ برای مثال به عملیاتی می‌توان اشاره کرد که در سال ۱۳۰۶ برضد محمودخان کانی‌سانانی صورت گرفت که به دلیل بروز یک شورش عمده در لرستان و لزوم اعزام قوا بدان سو ناتمام ماند.[3] و یا زدوخوردهایی که در اواخر بهار ۱۳۰۷ به استقرار نیرو در مریوان منجر شد.[4] ولی این نوع اقدامات و میزان موفقیت آن‌ها هنوز هم تا حد زیادی به موازنهٔ قدرت‌های محلی و به ویژه امکان بهره‌برداری از رقابت‌های جاری میان آن‌ها بستگی داشت، از این‌رو ماحصل کار از بُرد و ثبات چندانی برخوردار نمی‌شد.

---

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به گزارش تلگرافی سرتیپ سیف افشار (مأمور حل و فصل این موضوع) به وزارت جنگ: ادارهٔ تلگرافی دولت علیهٔ ایران، از سردشت به [وزارت] جنگ، حضوری؛ ۱۳۰۸/۴/۲۰. ساما. ۱۰۶۰۱۲

۲. گزارش وابستهٔ نظامی، ۱۹ ژانویه ۱۹۲۹ / ۲۹ دی ۱۳۰۷ به نقل از:

I.P.D., Vol. 8, p. 343.

۳. یکرنگیان، پیشین، صص ۴۱–۳۴۰؛ Arfa, op. cit., pp. 203-207.

۴. گزارش وابسته نظامی، ۲۸ مه ۱۹۲۷ / ۷ خرداد ۱۳۰۶. به نقل از:

I.P.D., Vol. 8, op.cit., p. 27.

تحولات اورامان در این دوره خود نمونهٔ گویایی است از این وضعیت؛ اگرچه در پی ترتیبات حاصل از توافق‌های امیرطهماسبی، در بهار ۱۳۰۶ تعدادی از پسران جعفر سلطان در سنندج به حضور رضاشاه بار یافتند[۱] و چندی بعد به نوشتهٔ سرهنگ محمودخان امین، جعفر سلطان خود از دولت تقاضا کرد که در شوشمی ــ سر راه سلیمانیه و حلبچه ــ ادارهٔ گمرک تاسیس شود[۲] ولی این همراهی و همکاری حد و حدودی داشت؛ برای مثال در خلال عملیات نظامی ۱۳۰۶ که قبلاً بدان اشاره شد قرار بود محمدامین بیگ با حدود هزار سوار اورامی، از قوای دولتی حمایت کند ولی عملاً چنین کاری صورت نگرفت.[۳] و یا موضوع ارتباط و مراودهٔ جعفرسلطان و پسرانش با مقامات انگلیسی عراق و دریافت مستمری از آن طرف. اگرچه این موضوع امر پنهانی نبود ولی به هر حال موجب نگرانی‌هایی بود.[۴]

پایان کار

از اواخر سال ۱۳۰۸ با فروکش بسیاری از تنش‌های منطقه‌ای و بحران‌های داخلی، به تدریج وقت آن رسید که قرار و ترتیبِ ساخته و پرداختهٔ امیرطهماسبی جای به نظم و روالی دیگری بسپرد. سرهنگ محمودخان

---

۱. گزارش وابستهٔ نظامی، ۲ آوریل ۱۹۲۷ / ۱۳ فروردین ۱۳۰۶ به نقل از:
I.P.D., Vol. 8. op. cit., p. 18

۲. خاطرات سرلشکر محمود امین، پیشین، ص ۸۷.

3. Arfa. op. cit., p. 207.

۴. بنا به گزارش حکومت کردستان، در خلال یکی از سفرهای امیرطهماسبی به سنندج در زمستان ۱۳۰۶، وی در ملاقاتی که با یکی از پسران جعفرسلطان داشت در این زمینه پرسش‌هایی را مطرح کرد و سفر عبدالغفور بیگ و مسلح‌بیگ دو تن از پسران جعفرسلطان به بغداد و موضوع شهریهٔ آن‌ها تایید گردید.

تلگراف حکومت کردستان به ریاست وزرا، نمرهٔ ۲۴۷۲، ۸ دی ۱۳۰۶. اسناد ریاست جمهوری ۲ / ۲۹۷۱ - ۱۱.

امین که در اواسط خرداد ۱۳۰۷ به فرماندهی تیپ کردستان منصوب شده بود بعد از فراغت از شورش مامش و منگور، نخست به کار خوانین رزاب خاتمه داد، سپس در بهمن ۱۳۰۸ بر ضد محمود رشید بیگ بانه‌ای (حمه رشید) وارد عمل شد. با فرار حمه رشید به عراق دامنهٔ اقتدار قشون در آن حدود به اندازه‌ای گسترش یافت که محمودخان امین توانست در بهمن ۱۳۰۹ بر موقعیت سخت و صعب‌العبور دزلی، دست انداخته و محمودخان دزلی را نیز به دنبال محمدرشیدبیگ روانه سازد.[۱]

در توضیح علل بروز این دور جدید از عملیات نظامی به شروع مجدد تحریکات شیخ محمود برزنجی می‌توان اشاره کرد؛ او که پس از فروکش بحرانِ حاصل از اسارت صاحب‌منصبان انگلیسی، در مرزهای ایران آرام گرفته بود در پاییز ۱۳۰۹ برخلاف تعهدنامه‌ای که سه سال پیش سپرده بود از ارتفاعات اورامان به سمت عراق سرازیر شد. اگرچه این دور آخر از تلاش و تکاپوی او ثمری نداشت و در عرض چند هفته وادار شد که در برابر تعرضی نیروهای عراقی از حلبچه به اورامان عقب نشیند ولی صِرف این تحرکات باعث آن شد که مقامات ایرانی نیز با جدّیت بیش‌تری وارد عمل شوند. با آن که در این مرحله نیروهای ایران که هنوز به درستی در امتداد خط مرزی مستقر نشده بودند نتوانستند مانع از مراجعت وی به اورامان گردند[۲] ولی در خلال عملیاتی که در اردیبهشت سال ۱۳۱۰ به صورتی هماهنگ در امتداد خطوط مرزی صورت گرفت بالاخره شیخ محمود برزنجی در پنجوین تسلیم عراقی‌ها شد و بدین ترتیب بیش از ده سال تلاش و تکاپوی او نیز به پایان آمد.[۳]

---

۱. خاطرات سرلشکر محمود امین، پیشین، صص ۹۰–۸۷.

۲. گزارش سالانه سفارت بریتانیا از تحولات ایران در سال ۱۹۳۰ / ۱۳۰۹ به نقل از:
I.P.D. Vol. 8. & op. cit., pp. 620-21.

۳. گزارش سالانهٔ سفارت بریتانیا از تحولات ایران در سال ۱۹۳۱ به نقل از:
I.P.D., Vol. 9, op.cit., pp. 112-114.

با فرارسیدن سال ۱۳۱۰ از مجموعه پررنگ و تنوعی، که در آغاز آن دهه، نیروهای عشایری و ایلی کردستان را شکل می‌داد، چیز زیادی نمانده بود؛ نه از سردار رشید اردلان نشانی برجای بود و نه از حمه رشید بانه‌ای، محمودخان دزلی در خاک عراق فراری بود و محمودخان کانی سانانی نیز در تهران تحت نظر... فقط اورامان مانده بود و آخرین فرمانروایش جعفر سلطان. این دفتر را نیز عملیات اورامان در پاییز و زمستان ۱۳۱۰ به پایان آورد که شرح کم و بیش کامل آن موضوع اصلی این کتاب است.

عملیات اورامان

همان‌گونه که در عملیات اورامان به تفصیل آمده است هم‌زمان با شروع پیش‌روی دو ستون از قوای تیپ کردستان از محورهای رزاب و دزلی به سمت گردنه‌های مشرف بر اورامان، ستون اعزامی تیپ کرمانشاه ــ چهار رسد پیاده، یک دستهٔ مسلسل و یک دسته سوار ــ تحت فرماندهی یاور عبدالحسین میرزا دولتشاهی نیز در ۱۸ آبان با هدف تصرف گردنهٔ شمشیر در عرض شش روز و پیشروی نهایی به سمت پاوه، روانسر را ترک گفت. پیش آمد یک برخورد جدّی و اساسی میان این عده و گروهی از تفنگچیان اورامی که تحت فرماندهی محمدرشید بیگ در اطراف قوری قلعه و گردنه‌های قشلاق و شمشیر موضع گرفته بودند در ۲۳ آبان، این برنامه را به کلی مختل ساخت.

اگرچه رزم‌آرا به محض آگاهی از این تحولات و مخصوصاً با توجه به شایعاتی که در مورد قلع و قمع قوای اعزامی و در محاصره قرار گرفتن آن‌ها رواج یافته بود، خود شخصاً عازم قوری‌قلعه شد و فرماندهی ستون را عهده‌دار گردید، ولی تا به ثمر نشستن این دگرگونی نیز مدتی وقت لازم بود. در حالی که به دلیل فعال نبودن دو ستون دیگر اعزامی از رزاب و

دزلی، کردها بخش قابل توجهی از قوای خود را بدین سمت سوق داده بودند پاره‌ای رقابت‌های درونی ارتش نیز مزید بر علت شد و بر دشواری‌های وضعیت ستونِ اعزامی از کرمانشاه افزود؛ احضارِ نزدیک به توبیخ رزم‌آرا در بحبوحهٔ این درگیری‌ها از این زمره بود. هرچند که این امر احتمالاً به دلیل دشواری یافتن جایگزین مناسب به درازا نکشید و رزم‌آرا فردای روز برکناری در مقام خود ابقاء شد و سرپرستی عملیات را ادامه داد.

با تقویت و تجدید سازمان ستون اعزامی از کرمانشاه دور بعدی عملیات نظامی در ۱۹ و ۲۰ آذر آغاز شد و این بار پیشروی قوای مزبور با مانع چندانی روبه‌رو نشد. با سقوط ارتفاعات ساتیاری و آتشکده، گردنهٔ شمشیر نیز به دست نظامی‌ها افتاد و راه پاوه گشوده شد. در این میان در حالی که واحدهای تیپ کردستان نیز بالاخره از بخش‌های شمالی پیشروی کردند. در اواخر همان ماه با پناهندگی جعفر سلطان و اتباعش به خاک عراق، بخش نظامی عملیات اورامان عملاً به پایان رسید.

واقعهٔ دستگیری بیش از حدود سیصد نفر از سران و شخصیت‌های عشایری این حدود که تا این زمان بنا به ملاحظاتی ــ از جمله وجود جعفرسلطان ــ حضورشان تحمل می‌شد در بهمن ۱۳۱۰ و حبس و تبعید آن‌ها خود نشان روشنی بود از اهمیت سیاسی این لشکرکشی.[1] اگرچه تا چند سال بعد کسانی چون صوفی‌بیگ ولدبیگی و آقابیگ ایناقی رشته مقاومت‌هایی را در اورامان برپا داشته و تلفاتی را نیز بر نظامیان وارد

---

۱. برای آگاهی از نحوهٔ دستگیری و سرنوشت بعدی این گروه بنگرید به محمدطاهر سلطانی، خاطرات سلطانی، از قصر شیرین تا قصر قجر (به کوشش محمدعلی سلطانی)، تهران: نشر سُها، ۱۳۸۴؛ سپهبد امیراحمدی نیز که مأمور اجرای این حکم بود در خاطرات خود به این واقعه و به ویژه به پاره‌ای از اتهامات واهی که نسبت به این گروه نسبت داده شده بود، اشاره کرده است. سپهبد احمد امیراحمدی، خاطرات نخستین سپهبد ایران، به کوشش غلامحسین زرگری‌نژاد و سیروس سعدوندیان، ۲ ج، ج ۱، تهران: موسسهٔ پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳، صص ۹۹-۳۹۸.

آوردند، ولی این تحرکات صورت جدی و گسترده‌ای نیافت.[1] موضوع پناهندگی و فعالیت‌های جعفرسلطان در عراق نیز به هم‌چنین؛ تا سال‌ها بعد این موضوع در مکاتبات سیاسی ایران و عراق بازتاب‌هایی داشت، ولی هیچ‌گاه به بحث عمده‌ای تبدیل نشد.

تاریخ نظامی

همان‌گونه که در آغاز این یادداشت نیز خاطرنشان گردید عملیات اورامان بیش از هرچیز یک سند نظامی است و بیشتر از لحاظ تبیین چگونگی تاسیس و توسعهٔ ارتش نوین ایران اهمیت دارد؛ اگرچه در این مقطع حدود ده سال از تاسیس ارتش می‌گذشت ولی به نحوی که در خلال گزارش‌های این مجموعه نیز ملاحظه خواهد شد هنوز مشکلات و دشواری‌های بسیاری دامن‌گیر آن بود؛ اتکاء و اطمینانِ رضاشاه به معدودی از افسران قدیمی که جز سابقهٔ دوستی و آشنایی با شخص او در دورهٔ خدمتش در قزاقخانه، ویژگی دیگری نداشتند یکی از این مشکلات بود. سپردن کارِ اورامان به سرتیپ علی‌شاه رحیمی و نابسامانی‌های حاصله را که بخش مهمی از اسناد و گزارش‌های عملیات اورامان نیز به توضیح آن اختصاص دارد، در این چارچوب می‌توان مورد ارزیابی قرار داد. همان‌طور که رزم‌آرا در این کتاب و هم‌چنین در خاطرات خود اظهار می‌دارد عملیات اورامان اصولاً زاییدهٔ فکر و برنامهٔ سرتیپ علیشاه رحیمی بود که در اواخر خرداد ۱۳۱۰ به جای سرهنگ محمودخان امین به فرماندهی تیپ سنندج منصوب شد. رزم‌آرا در خاطراتی که سال‌ها بعد در اوایل دههٔ ۱۳۲۰ به رشتهٔ تحریر درآورد می‌نویسد که پس از رشته مذاکراتی که در سنندج به عمل آورد متوجه شد که سرتیپ رحیمی «...

---

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به محمدعلی سلطانی، جغرافیای تاریخی کرمانشاهان، پیشین، صص ۸۱-۸۰

روی یک فکر بسیار غلط و نظر بسیار سطحی می‌خواهند عمل کنند...» و در نظر دارد که در مجموع فقط «... از کرمانشاهان یک گروهان و از کردستان هم یک یا دو گروهان برای سرکوبی و خلع سلاح این عشایر اعزام دارند...».[1] هنگامی هم که وی مراتب نگرانی خود را از این بابت به ستاد فرماندهی در تهران گزارش کرد «... طهران جواب داد که شما مداخله نکنید. یک گروهان و یک فرمانده فهمیده طبق نظر فرمانده تیپ در اختیار او گذارده و مداخله ننمایید...»[2] رزم‌آرا نیز چنین کرد و به گونه‌ای که ملاحظه خواهد شد، پیش‌آمدهای بعدی نیز درستی نگرانی‌های او را ثابت کرد؛ در واقع اگر اقدام سریع رزم‌آرا در تجدید سازمانِ این لشکرکشی و احراز عملیِ فرماندهی عملیات نبود، تلفات و ضایعاتِ ارتش می‌توانست ابعاد به مراتب گسترده‌تری یابد.

مع‌هذا این نکته را نیز باید در نظر داشت که یادداشت‌ها و گزارش‌های گرد آمده در عملیات اورامان فقط بخشی از اسناد این لشکرکشی را شامل می‌شود و تا اطلاع از گزارش‌ها و اسناد تیپ کردستان و فرامین صادره از ستاد فرماندهی کل قوا در تهران در مورد مسائلی چون میزان مسئولیت سرتیپ رحیمی دراین امر به یک نظر قطعی نمی‌توان رسید.[3]

علاوه بر اختلاف نظر پیش گفته میان نایب سرهنگ رزم‌آرا و سرتیپ رحیمی، آثار سوء ناشی از دسته‌بندی‌های درونی ارتش و رقابت‌های صنفی نظامیان در سایر حوزه‌های عملیات اورامان نیز ملاحظه می‌شود. در کنار ماجرای مربوط به احضار ناگهانی و توبیخ گونهٔ رزم‌آرا به تهران در گرماگرم نبرد قوری‌قلعه و چند نمونهٔ دیگر از بی‌لطفی‌های کفالت ارکان

---

۱. خاطرات و اسناد سپهبد حاج‌علی رزم‌آرا (به کوشش کامبیز رزم‌آرا و کاوه بیات). تهران: نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۸۲، صص ۸۱-۸۰

۲. همان، ص ۸۱.

۳. حتی برخی از مکاتبات رزم‌آرا در این زمینه که در یکی از نامه‌های ستاد فرماندهی کل نیز بدان‌ها اشاره شده است ــ مراسلات نمرهٔ ۶۵۲۹ و ۶۵۳۳ به تاریخ‌های ۲۳ و ۲۴ آبان ۱۳۱۰ ــ ص ۳۹ همین کتاب ــ در این اسناد و گزارش‌ها منعکس نشده‌اند.

حرب که در عملیات اورامان بدان‌ها اشاره شده است رزم‌آرا در خاطراتش از پرونده‌سازی‌های سرتیپ رحیمی نیز یاد می‌کند؛ از جمله آن که وی به طهران گزارش داده بود «... سرهنگ رزم‌آرا با اکراد و مقامات خارجی مربوط [است] و پس از رسیدن به مرز ممکن است اتفاقات غیرمنتظره پیش آمد نماید و حتی مکاتباتی رزم‌آرا با این اشخاص دارد...»[1] به نوشتهٔ رزم‌آرا سپهبد امیراحمدی که در اواسط دی ماه به فرماندهی کل لشکرکشی اورامان منصوب شده بود رسیدگی به این موارد و تحقیق و تفحص درباب عملکرد وی را نیز برعهده داشته است: «... سپهبد احمدی پس از ورود و تحقیق معلوم نمود که این جریانات به کلی دروغ و از ناحیهٔ علیشاه بوده است. لهذا محاکمهٔ او را تقاضا کرد. چون رئیس ستاد وقت با این شخص مساعد بود این پیشنهاد قبول نشده فقط از فرماندهی تیپ منتقل و به تهران احضار شد».[2]

مسائلی که در نحوهٔ استفاده از نیروی هوایی در این لشکرکشی پیش آمد نیز از دیگر مباحثی است که به نحوی نسبتاً مفصل در عملیات اورامان مورد بحث قرار گرفته است؛ بخشی از این مسائل به نوبودن این پدیده و بی‌تجربگی هر دو صنف هوایی و زمینی در هماهنگی و ایجاد ارتباط بر می‌گشت ــ مانند دشواری در بهره‌برداری از دستگاه‌های بی‌سیم ــ و بخشی نیز با توجه به مکاتبات تند نایب اول عیسی‌خان اشتوداخ (فرمانده قسمت هوایی) و نایب سرهنگ رزم‌آرا در این مجموعه جنبه‌های شخصی یافته بود. در این زمینه نیز از اختلافات امیرلشکر محمد نخجوان با رزم‌آرا و جانبداری وی از فرمانده قسمت هوایی نشانه‌هایی به چشم می‌خورد.[3]

---

۱. خاطرات و اسناد سپهبد حاج‌علی رزم‌آرا، پیشین، ص ۸۳ صدور بی‌مقدمهٔ امریه‌ای از جانب کفیل ارکان حرب در ۳۰ آذر که رزم‌آرا را از «... واردشدن در مسائل سیاسی از قبیل تامین دادن به روسای عشایر و غیره...» برحذر می‌داشت نیز می‌تواند موید چنین ظن و گمانی باشد. صص ۱۰۶ ـ ۱۰۵ همین مجموعه.   ۲. همان.

۳. صص ۱۲۹ – ۱۲۷ و ۱۳۲ – ۱۳۱ همین مجموعه.

در منابع دیگر

این عملیات در پاره‌ای از دیگر منابع نیز مورد اشاره قرار گرفته است؛ از جمله در یادداشت‌های سرتیپ میرحسین یکرنگیان که قبلاً نیز بدان اشاره شد؛ روایت یکرنگیان از عملیات اورامان، صرف‌نظر از یک اشتباه چاپی[1] در مجموع گزارش موجز و مفیدی از واقعه را شامل می‌شود. برخی از دیگر نوشته‌های برجای مانده از نظامیان چنین نیستند؛ از جمله خاطرات سپهبد امیراحمدی که در مراحل پایانی کار فرماندهی کل این عملیات را عهده‌دار شد. روایت امیراحمدی از عملیات اورامان و یا به عبارت دقیق‌تر مراحل پایانی آن همانند بسیاری از دیگر بخش‌های خاطراتش با اغراق و گزافه‌گویی خاصی توام است.[2] او در خاطراتش به گونه‌ای از این ماموریت سخن می‌گفت تو گویی اگر وی به موقع نمی‌رسید و نخست از گرمسیرات قصر شیرین و اطراف یک نیرویِ چریک را برای مقابله با جعفرسلطان آماده نمی‌کرد، این عملیات به نتیجه نمی‌رسید.[3] حال آن که او موقعی مامور صفحات غرب شد ــ ۱۵ دی ــ که این ماجرا عملاً به پایان رسیده بود و وی فقط تتمهٔ کار را جمع کرد. در گزارش‌های وابستهٔ نظامی سفارت بریتانیا نیز تصریح شده است که امیراحمدی «... توجه خود را به زد و بندهای سیاسی با عشایر معطوف داشت و به فرماندهی نظامی مداخله نکرد.»[4]

گزارش‌های دو هفته‌ای وابستهٔ نظامی سفارت بریتانیا از رخدادهای لشکری و کشوری ایران در آن ایام و چکیدهٔ این گزارش‌ها که به انضمام

---

۱. ثبت «۱۳۱۱» به جای ۱۳۱۰ در اشاره به عملیات مورد بحث. یکرنگیان، پیشین، ص ۳۴۱.
۲. برای آگاهی بیشتر از نمونه‌ای دیگر از این نوع گزافه‌گویی‌ها بنگرید به عملیات لرستان، اسناد سرتیپ محمدشاه بختی، ۱۳۰۳ و ۱۳۰۶ شمسی به کوشش کاوه بیات: تهران: نشر و پژوهش شیرازه، بی‌تا، صص ۱۸-۱۳ و ۲۰۷-۲۰۵. ۳. امیراحمدی، پیشین، صص ۳۹۶-۳۹۴.
۴.گزارش سفارت بریتانیا از تحولات سال ۱۹۳۱. به نقل از
I.P.D., Vol. 9, op.cit., p. 187.

اطلاعاتی دیگر در گزارش‌های سالانه سفارت بریتانیا که در این یادداشت نیز بدان‌ها اشاره شد از دیگر ماخذی است که عملیات اورامان را مورد توجه داشته است؛ در این گزارش‌ها جدایِ از اطلاعاتی دربارهٔ ترکیب و تعدادِ کل نیروهای درگیر در این رویارویی[1] و یا پاره‌ای از جزئیات نظامی چون نوع هواپیماهای بخش هوایی ارتش[2] که در این کتاب ثبت نشده‌اند، از لحاظ کلی و عمومی نکته‌ای بیش از داده‌های مندرج در عملیات اور امان ملاحظه نمی‌شود. تنها در مورد جوانب دیپلماتیک این عملیات که طبیعتاً در عملیات اور امان انعکاس ندارد، از یک رشته نکاتِ جدید و درخور توجه می‌توان سخن گفت؛ اعتراض دولت ایران به دولت عراق در قبال آنچه که «...صدور اجازهٔ همراهی فعالانهٔ عشایر [کرد] عراقی از جعفرسلطان...»

---

۱. در گزارش سالانه فوق‌الذکر ترکیب نیروهای درگیر بدین صورت منعکس شده است.

نیروهای دولتی

الف. تیپ سنندج: یک هنگ پیاده مرکب از سه گردان، یک هنگ سوار مرکب از دو گردان، و چهار عراده توپ کوهستانی.

ب. هفت گروهان از هنگ منصورِ کرمانشاه.

پ. سه گردان اعزامی از تهران، به انضمام واحدهای سوار و توپخانه. قوای پیادهٔ [نیروی اعزامی از مرکز] عبارت بودند از یک گردان از هر یک از هنگ‌های اول (پهلوی)، دوم (آهنین)، و سوم (بهادر) از تیپ اول پیاده، و ت. حدود ۶۰۰ سوار عشایری که در محل بسیج شده بودند.

که در مجموع حدود ۴۰۰۰ سرباز پیاده۷ ۵۰۰ سوار و ۱۰ عراده توپ را همراه با چریک عشایری همراه تشکیل می‌دادند.

قوای جعفر سلطان نیز در مجموع ــ و به انضمام واحدهای کمکی از عشایر منطقه ــ حدود ۲۰۰۰ نفر برآورد شده بود (Ibid., p.186).

۲. بر اساس گزارش سالانهٔ مزبور دو هواپیمایی که در این عملیات مورد استفاده قرار گرفتند از نوع «دوهاویلاند» -D.H.9.A - بودند (Ibid.) حدود ده فروند از این هواپیما که کُپی روسیِ اصل انگلیسی آن بود در سال ۱۳۰۷ به روسیه شوروی سفارش داده شد که تا سال ۱۳۰۹ تحویل گردیدند.

تاریخ نیروی هوایی شاهنشاهی؛ تهران: ستاد فرماندهی نیروی هوایی شاهنشاهی، ۲۵۳۵ [۱۳۵۵]، ص ۷۴.

تلقی گردید، از جملهٔ این نکات بود.[1] احتمالاً در پی پیش آمد چنین مسائلی بود که قرار شد برای هماهنگی بیشتر عملیات یک افسر عراقی و یک افسر ایرانی ــ سرتیپ محمدصادق خان کوپال ــ به عنوان افسران رابط به ترتیب در سنندج و عراق مستقر شوند.[2]

یکی دیگر از مباحثی که در گزارش‌های دیپلماتیک بریتانیا مورد بحث قرار گرفته است موضوع تماس و ارتباط جعفرسلطان با مقاماتِ انگلیسی عراق است. در گزارش سالانه سفارت بریتانیا از تحولات ایران در سال ۱۳۱۰ در بخش مربوط به تحولات مرزی ایران و عراق آمده است که مدت زمانی بود که جعفر سلطان «... با کمیسیونر عالی بریتانیا در بغداد در مکاتبه بود و با تاکید به وفاداری گذشته‌اش به دولت اعلی‌حضرت [پادشاه بریتانیا] خواستار حمایت شده بود. عندالزوم به این درخواست‌ها چنین پاسخ داده شد که دولت اعلی‌حضرت نمی‌تواند از وی حمایت کند و به او توصیه شد که تسلیم دولت ایران گردد.»[3]

در تدوین این مجموعه که به لطف و همراهی جناب آقای مهندس کامبیز رزم‌آرا میسر شد روال کار بر بازنویسی و انعکاس بی‌کم وکاست متن اصلی نهاده شد؛ در واقع جز انتقال بخش مربوط به جغرافیا و تاریخ اورامان که در متن اصلی صص ۱۲۵ تا ۱۳۴ دست‌نوشته را تشکیل می‌داد به ابتدای کار ــ فصل اول این کتاب ــ تغییر اساسی دیگری ایجاد نشد. تقسیم کلی متن به شش فصل علی‌حده و انتخاب عنوانی برای هر فصل و

---

۱. گزارش وابستهٔ نظامی، ۲۱ دسامبر ۱۹۳۱ / ۳۰ آذر ۱۳۱۰ به نقل از: I.P.D. Vol. 9. op.cit., p> 59.

۲. گزارش وابسته نظامی، ۳۰ دسامبر ۱۹۳۱ / ۹ دی ۱۳۱۰.
به نقل از I.P.D., Vol. 0, op. cit., p. 64.

۳. گزارش سفارت بریتانیا از تحولات سال ۱۹۳۱.
به نقل از: I.P.D., Vol., op.cit., p. 116.

همچنین افزودن توضیحاتی چند در پاورقی‌ها که به نشانهٔ ــ(و) ــ تمام می‌شود از راقم این سطور است. چند تصویر که یادگار دوران مذاکرات و حضور سرلشکر امیرطهماسبی در اورامان است و هم‌چنین چهار کروکی که هر دو ــ تصاویر و نقشه‌ها ــ ضمیمهٔ این دفتر بودند نیز در کنار یک نقشهٔ کلی‌تر از منطقه به نقل از کتاب کردستانِ جغرافیای نظامی رزم‌آرا، در انتهی منضم شده است.

کاوه بیات

فصل اول
اورامان

جغرافیا

حدود: اورامان لهون از طرف شمال و شرق به وسیلهٔ خطی که از گردنه‌ها تشکیل و در شمال شرقی به طرف شرق ممتد شده به طریق ذیل محدود می‌شود:

در طرف جنوب به رود سیروان، از طرف غرب به خاک عراق محدود است (از پُل حجیج، گردنه کماجار، گردنه دکاسورکان، گردنه بردحوله، گردنه سالواکاری، گردنه سخت، گردنه کاری، گردنه ورزل).

مساحت تقریبی اورامان: ۱۵ فرسنگ مربع است.

نُفوس: کلیه اورامان لهون دارای ۱۴ پارچه آبادی است که نفوس کلیه جمیعاً در حدود ۸۰۰۰ نفر است.

وضعیت منطقه: اورامان لهون به‌طور کلّی یک کوهستان ممتد و یک پارچه می‌باشد که از هر طرف و هر نقطه آن جز کوه‌های مرتفع و جز قلل بلند چیز دیگر مشهود نیست. در تمام این منطقه یک جلگه به مساحت یک کیلومتر ممکن نیست پیدا شود.

کوه‌ها: در تمام اورامان یک رشته کوه می‌باشد [که] موسوم است به کوه اورامان که از رشته کوه شاهو است. ولی این رشته در نقاط مختلف دارای اسامی مخصوصی است.

۱. بالای پل‌پلنگانه؛ چاشته‌ور

۲. بالای قشلاق؛ پیرخضر

۳. بالای گردنه شمشیر؛ شلانان
۴. بالای گردنه پاوه؛ برزه لین
۵. بالای گردنه حجیج؛ گاودول
۶. بالای گردنه نودشه؛ کل تنگه
۷. بالای حانی‌گرمله؛ گل کمازار

به‌طور کلی کلیه کوه‌ها سنگی است ولی تمام پوشیده از جنگل و نقاط باصفا زیاد، آب در وسط کوه و دره‌های آن یافت و ملاحظه می‌شود. در دامنه‌های کوه‌های اورامان مغار مثل سایر کوه‌ها کمتر یافت می‌شود.

رودخانه: رودخانه سیروان به‌طوری‌که فوقاً ذکر شد سرحد غربی این منطقه و رود حجیج که از طرف رزاب[1] جاری و تشکیل می‌شود، سرحد شرقی را تشکیل و در خود اورامان رودخانه‌های مهمی ملاحظه نمی‌شود. فقط از بندهای وسط رشته‌های مختلف کوهستانی می‌باشد آب‌های جاری داخل سیروان می‌گردد. هر آبادی و دهکده‌ای دارای آب مخصوصی و رودخانه کوچکی هست از قبیل آب نوسود، آب شوشمی، آب دزآور و سایر آب‌های دیگر. تمام آب‌های این منطقه سیلابی است ولی در مدت زمستان و تابستان کم و بیش جاری می‌باشد.

آبشارها: به واسطهٔ وجود کوهستان ممتد در اکثر نقاط این منطقه آبشارهایی به ارتفاع ده الی بیست‌متر ملاحظه می‌شود که آب با منظره دلفریبی جریان داشته و در بعضی نقاط از این آبشارها بعضی آسیاب‌ها استفاده می‌نمایند والاّ استفاده دیگری از آن‌ها نشده است. به‌طور کلی آب‌های این سرزمین خوشگوار و خوب است املاح گچی در آب‌های این محل نیست.

اهالی و نفوس: اهالی اورامان از نژاد کُرد ولی بعضی حکایات مختلفی در بین خود اهالی راجع به وضعیت خود آن‌ها موجود و حتی در

---

۱. در اصل رضاب.

بعضی تواریخ آن‌ها درج است که اورامی از کلمه اَرمَن بوده و اصالتاً از نژاد ارمَن می‌باشند ولی چون تاریخ و اسناد و مدارکی در دست نیست از نژاد اصلی محفوظ مانده و تیره‌های مخصوص و مختلفی از آن است.

اورامان لهون دارای ۱۴ آبادی و جمعیت تقریبی آن به شرح ذیل است:

اسامی قراء	خانوار	جمعیت
نوسود	۱۲۰	۴۰۰
نودشه	۶۰۰	۲۰۰۰
حانی گرمله	۳۰۰	۱۲۰۰
حجیج	۲۰۰	۸۰۰
ذرآور	۱۰۰	۳۰۰
شوشمی علیا	۶۰	۱۸۰
شوشمی سفلی	۲۰	۸۰
وزلی	۲۵	۱۰۰
هروی	۲۰	۸۰
تشار	۳۰	۱۵۰
سلطان اسحق	۸	۳۰
شیخان	۸	۴۰
شره‌کان	۳۰	۲۰۰
کیمنه	۴۰۰	۱۵۰۰
بِیدَرواز	[1]_	[1]_

اخلاق و عادات: اکراد به‌طور کلی اشخاص درست‌گو، سرّ نگاه‌دار و متفق می‌باشند. کمتر دیده شد که مکنونات خاطر خود را اظهار کرده و اسرار طایفه‌گی خود را بروز دهند. طبعاً اشخاص شجاع و متهور و

۱. جای خالی در اصل؛ در جغرافیای نظامی ایران، کردستان جمعیت آن به ترتیب ۳۰ خانوار و ۲۰۰ نفر ذکر شده است (ص ۵۴).

بی‌اندازه فکور و دقیق بوده به‌هیچ‌وجه ممکن نیست این اهالی را با اهالی لرستان مقایسه کرد چه با سیاست و فهمیدگی فوق‌العادهٔ کارکرده به‌هیچ‌وجه در مَشی و حرکات آن‌ها نفهمی یا عدم تفکری ملاحظه نمی‌شود.

مذهب: اهالی اورامان شافعی مذهب می‌باشند و دو شیخ بزرگ کرد پیشوای آنان است؛ شیخ حسام‌الدین که در باغ‌گرن سکونت داشته و در روی اساس حقیقت بی‌اندازه مقید و برای امور دینی بیشتر کار و جدّیت نموده، دیگری شیخ علاءالدین که بیشتر خود را در سیاست داخل نموده و در نزد اکراد از این نقطه نظر به سالوس بازی معروف و مشهور شده است و محل مشارالیه در بیاره است.

در هر یک از آبادی‌های لهون از طرف شیخ علاءالدین و شیخ حسام‌الدین یک نماینده مخصوص وجود دارد که مردم را به راه راست و امور مذهبی دعوت کرده و به طورکلی امور عمومی با نظر او حل و عقد می‌شود و مردم نیز کاملاً به این خلفا عقیده‌مند بوده ممکن نیست بی‌نظریهٔ آن‌ها اقدامی نمایند. به‌طور کلی اهالی در خصوص مذهب علاقه‌مند و کوچکترین آبادی و دهکده‌ای نیست که یک مسجد وجود نداشته باشد و در کوچکترین آبادی یک مسجد به طور قطع وجود دارد. اکثر مسجدها دارای محل تابستانی و زمستانی بوده، کلیه مخارج مسجد از قبیل سوخت و روشنایی کلیه با اهالی بوده و تمام با میل و رغبت عهده‌دار مخارج آن شده، در هر مسجد خروارها هیزم روی‌هم چیده شده که نذر اهالی می‌باشد. فرش داخلی مساجد اکثر قالی و قالیچه است که اهالی شخصاً آورده تسلیم می‌نمایند.

علاوه بر موضوع مذهب موضوع نظافت و طهارت نیز در آبادی‌های اکراد بی‌اندازه مورد دقت بوده. در هر آبادی مستراح‌های مخصوصی برای اهالی ساخته شده که بایستی کلیه برای طهارت به آن محل‌ها رفته و

آب جاری از کلیه مستراح‌ها عبور و در نقب خارجی آبادی می‌ریزد و این نظافت و پاکیزه‌گی واقعاً یکی از مطالب برجسته طوایف اکراد می‌باشد.

مطالب راجع به نفوس: اکراد دارای زن‌های متعدد و اولاد زیاد می‌باشند. برای مثال تعداد زن و اولادان جعفرسلطان اورامی ذکر می‌شود که به‌خوبی پی به تعداد اولاد و زن‌های آن‌ها برده شود. اگر جنگ‌های داخلی و کشمکش‌های پی‌درپی در بین طوایف اکراد وجود نداشت نفوس آن‌ها روز بروز رو به تکثیر بود چه آن کثافت و بی‌نظمی که در زندگانی و در دهکده‌های دیگر ملاحظه می‌شود و تلفاتی که از بروز میکروب در آن نقاط است در این نقاط وجود نداشته فقط تلفات آن‌ها اکثر در نتیجه زدوخورد یا ضدّیت با یکدیگر است.

جغرافیای اقتصادی: اورامان لهون دارای زمین مسطح برای زراعت نیست. در تمام اورامان مطابق احصائیه حاضر پیش از یک خروار گندم نمی‌توان کشت نمود (آن‌هم در هر محل ۱۰ یا ۱۵ من، بیش از این مقدور نیست). تنها و یگانه زراعت و حاصل اورامان میوه‌جات است از قبیل انار که بهترین انارها در هروی و تشار است. گردو که در تمام نقاط خوب است. انجیر زیاد و خوب ولی با دانه است. میوهٔ دیگر انگورهای مختلف حصه‌دار سایر میوه‌جات نیز وجود دارد ولی نسبتاً کمتر از میوه‌جات فوق‌الذکر است. از چندی به این طرف در بعضی نقاط مخصوص شوشمی و نوسود و سلطان اسحق پنبه‌کاری نیز شده است ولی شاید به طوری‌که حاصل پنبه در سال از خروار تجاوز ننماید. کلیه میوه و حاصل فوق از دو خط یکی برای کرمانشاهان و دیگری به خاک عراق حمل شده به فروش رسیده، در عوض گندم و جو و سایر حبوبات تهیه می‌شود.

اورامانی‌ها اساساً بی‌بضاعت هستند چه حاصل مهم و قابل توجهی نداشته داراترین آن‌ها در سال شاید دارای ۳۰ هزار گردو و یک خروار یا دو خروار انار و توت باشد که کلیه از صد تومان تجاوز نمی‌نماید. ولی

چون قانع می‌باشند با همین حاصل مختصر و اجناس که دارا می‌باشند زندگانی کرده و خیلی وضع زندگانی آن‌ها از اهالی و دهات دیگر ایران بهتر است.

احشام و اغنام: به‌طور متوسط دارا می‌باشند ولی علف و مواقع اطراف برای دواب و احشام آن‌ها کاملاً مکفی می‌باشد.

تبصره: چون اهالی این سرزمین و رعایا مخصوص عشق زیادی به کارکردن و رعیتی دارند خیلی خوب و به‌موقع است که از طرف دولت عطف توجهی برای اعزام مأمور فلاحت شود چه در صورت امکان نشو و نمای کرم ابریشم بواسطه بودن درخت توت یک کمک بزرگی به اهالی شده هم به صادرات کمک گردیده و هم جبران زراعت و کسب خود را اهالی این منطقه که اکثر در قاچاق می‌نمودند خواهد نمود. چه موضوع قاچاق تا قبل از ورود قوای نظامی در این منطقه اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت. به طور کلی کلیه قاچاقچیان کرمانشاهان از این خط اقدام برای خروج طلا یا سایر اجناس و لوازمات می‌نمودند.

شغل عمومی اهالی: تهیه باغ‌ها و رعیتی، قاطرداری برای حمل و نقل از خطوط مختلف.

تاریخ

وجه تسمیه اورامان را اهالی بدین قسم بیان و اظهار داشته و در بعضی تواریخ کُرد نیز ملاحظه می‌شود که در سنوات خیلی قدیمی یکی از پسران سلطان ایران برای شکار به این منطقه آمده در موقع شکار از همراهان خود عقب مانده سرگردان می‌گردد. یک چوپانی از اهالی این سرزمین موسوم به عبدالرحمن به او مصادف شده بدون اطلاع از هویت او، او را به خانه خود دعوت کمال مهربانی را نسبت به او نموده و پذیرایی که برای او امکان داشته می‌نماید. پسر سلطان که ولیعهد مملکت بوده از

این پذیرایی خوشوقت و مشعوف و از حرکات این چوپان بی‌حد راضی گردیده خود را معرفی نموده و شرحی نوشته به او می‌دهد که هر وقت مطلع شدی من به سلطنت ایران رسیدم تو خود را به من معرفی کن تا نتیجه زحمات تو را بدهم. مدتها از این قضیه می‌گذرد تا این شاهزده به سلطنت رسیده زمام مملکت را دردست می‌گیرد، فوری به محض اطلاع این چوپان به دربار سلطنتی رفته خود را معرفی می‌نماید پادشاه از ملاقات رفیق دیرین خود خوشوقت شده او را سلطان این منطقه نموده، به او حکمی می‌دهد که از این تاریخ تو به حکومت محل منظور و برقرار و لقب تو سلطان بوده، این حکم فرمانفرمایی در خانوادگی باقی و دارای همین منصب خواهید بود. چون عبدالرحمن به کُردی اورامان است لذا مشارالیه [به] اورامان سلطان مشهور و از آن تاریخ این منطقه مشهور به اورامان گردیده و نواده‌های عبدالرحمن چوپان متوالیاً عهده‌دار امور شده، هریک به نوبه خود عهده‌دار حکومت کوهستان شده مطیع والی کردستان بودند و پسران این شخص از تاریخ گرفتن لقب سلطانی تا پدرجعفر سلطان مطابق شرح ذیل بوده‌اند: ۱. علی مردان سلطان ۲. عثمان سلطان ۳. محمد سعید سلطان ۴. جعفر سلطان.

از تاریخـ[۱] پدر جعفر سلطان محمدسعید به ریاست طایفه و منطقه اورامان تعین و پس از چند مدتی در تاریخـ[۲] از اطاعت و اوامر حکومت امتناع ورزیده فوری مطالب از طرف حکومت کردستان به عرض اولیای امور رسیده دو فوج در تحت ریاستـ[۳] یکی از طریق مریوان و شهر اورامان و دیگری از طریق پاوه مأمور تصاحب اورامان شدند. افواج اعزامی پس از چهار ماه زد خوردهای شدید و با دادن تلفات زیاد در

۱. جای خالی در اصل؛ شورش‌های مزبور در دورهٔ پادشاهی ناصرالدین شاه صورت گرفت. بنگرید به سلطانی، پیشین، صص ۵۹-۴۷. ۲. جای خالی در اصل.
۳. جای خالی در اصل؛ باید علی‌اکبرخان شرف‌الملک باشد. همان.

تاریخـ[۱] وارد مقابل نوسود در تپه کوچکی که موسوم به تپه سربازخانه می‌باشد شده و نوسود را تصاحب و به کلی تخریب نموده و محمدسعید سلطان با کلیه کسان و اولادان خود به خاک عراق متواری گردیدند. مذاکره بین دولتین برای تسلیم او در جریان بود تا بالاخره سلطان شخصاً در اردوی دولتی حاضر و با قوای نظامی به طرف کردستان و حضور حکومت وقت اعزام شده و پس از چند روزی توقف در کردستان از خط روانسر مراجعت [کرد]. شرف‌الملک پس از رسیدن به جوانرود که کلیه رؤسای عشایر حضور داشته شرف‌الملک، حمه‌سعید سلطان و پسر بزرگ او را احضار و در مقابل رؤسای عشایر حکم به تخماقی کردن سر او نموده و روی سنگی که حالیه وجود دارد سر او را تخماقی و پسرش را نیز اعدام کرده و زن و پسر کوچک او را به محل عودت داد. فرماندهی اورامان و سلطانی منطقه مطابق مرسوم مشارالیه [رستم سلطان؟] نیز مدتی به فرمانفرمایی اشتغال داشت تا به واسطهٔ مداخلات بی‌موضوع و دخالت در ناموس اهالی [یکی] از اهالی او را کشت. پس از او پسر او به کردستان رفته لقب سلطانی را گرفته جعفر سلطان نیز به کرمانشاهان شتافته از حکومت آن‌جا لقب سلطانی را گرفت، پس از مراجعت، این دو نفر که هریک دارای لقب سلطانی از طرف حکومت محل بودند با یکدیگر مشغول ضدّیت شده در نتیجه جعفر سلطان مشارالیه را درـ[۲] مقتول و خود شخصاً از تاریخـ[۳] عهده‌دار حکومت محل گردید.

جعفرسلطان در اولین لحظه با استعداد کامل در محل مشغول حکومت و فرمانفرمایی شده، در ضمن همه ساله شخصاً به کردستان رفته مطیع اوامر صادره و احکام اولیای امور بود. در سنهـ[۴] چند نفر از

---

۱. جای خالی در اصل؛ این جنگ در سال ۱۲۸۶ ه.ق. صورت گرفت. همان.
۲. جای خالی در اصل.
۳. جای خالی در اصل. برای آگاهی بیشتر بنگرید به سلطانی، پیشین، ص ۶۳.
۴. جای خالی در اصل.

سربازان دولت ترک برای خرید جنس و ارزاق وارد خاک ایران شده و نسبت به اهالی تخطی نموده بودند. به محض اطلاع از این قضیه جعفر سلطان دستور می‌دهد گوش افراد ترک را بریده و به اردوی خود اعزام نمایند. در نتیجه این اتفاق و پیش‌آمد فوری قوایی از طرف دولت ترکیه مأمور قلع و قمع و تصرف مواقع شد. جعفر سلطان با قوای خود مدت دو ماه در سرحد ایستادگی کرده مانع از دخول قوای ترکیه می‌شوند تا این‌که فرمانده قوای ترکیه—[1] مَکری اندیشیده شیخ محمود با جعفر سلطان مذاکره کرده و او را متقاعد می‌نماید که زد و خورد و مشاجره‌ای در بین نیست در نتیجه این مذاکرات جعفر سلطان فوری قوای خود را پراکنده و به محل خود عودت می‌نماید روز بعد قوای ترک به طرف نوسود حمله کرده با توپ کلیه عمارت و ساختمان‌های آن را خراب و ویران کرده ولی چون امری برای دخول در خاک ایران نداشته بلافاصله به خاک خود عودت می‌نمایند.

جعفر سلطان و بیگ‌زادگان به هروی فراری شده یک ساعت پس از اطلاع از وضعیت قوای ترک بیگ‌زادگان مراجعت ولی جعفر سلطان چهل روز در هروی توقف کرده پس از چهل روز مراجعت و با قوایی از اورامی‌ها به طرف خاک ترک حرکت کرده طویله، موسکال، هوار، پالانیه و چند قریه کوچک دیگر را تصاحب کرده پسران خود را برای اداره کردن آن‌ها گمارده [و] چون دولت ترکیه داخل در جنگ بین‌الملل و گرفتار بود و دیگر نمی‌توانست جلوگیری از این حرکات بی‌رویه جعفر سلطان نماید، از این تاریخ در نتیجه این پیش‌آمد جعفر سلطان اورامی روز به‌روز خود را قوی‌تر تصور نموده به تجمل و حرکات بی‌رویهٔ خود افزود. تا وقتی‌که سردار رشید روانسری وجود داشت جعفر سلطان قادر نبود که از رود سیروان تجاوز کرده دست‌اندازی به آبادی‌های اطراف نماید [اما] پس از

---

۱. جای خالی در اصل.

گرفتاری سردار رشید کردستانی و از بین رفتن او فوری از موقعیت استفاده کرده تدریجاً به تخطی دهات اطراف و نقاط مجاور و نواحی حدود جوانرود نموده و پیشامدها و عملیاتی که ذیلاً درج می‌شود بیشتر اسباب تجرّی این شخص گردید.

۱. در تاریخ ۱۳۰۳ یاور خسروخان با یک گردان از قوای شمال غرب برای خلع سلاح طوایف اکراد عزیمت و به مشارالیه حکمی داده شده بود که بدون عملیات نظامی و تیراندازی اسلحه طوایف را جمع‌آوری نماید. یاور مذکور با قوای نظامی یک شب را در جوانرود توقف نموده از آن‌جا غفلتاً به طرف پاوه در جاده عمومی حرکت می‌نمایند. پس ازرسیدن به شمشیر سرازیر و به طرف دوریسان رفتند. خبر ورود این قوا چون به اورامی‌ها و پسر جعفر سلطان محمدرشیدبیگ که در پاوه بوده می‌رسد با عدهٔ قلیلی به طرف قوای نظامی آمده شروع به تیراندازی نمودند. قسمت مذکور بدون کوچکترین دفاعی با اتکاء این حکم که بدون عملیات نظامی و تیراندازی خلع سلاح نماید عقب‌نشینی نمود [ولی] بالاخره متجاوز از یک‌صد نفر افراد در دست اشرار خلع سلاح شد و کلیه بنه و لوازمات اردو نیز به دست اشرار افتاده [و] یاور مذکور با وضعیت خیلی بد و تأسف‌آوری وارد جوانرود و از آن‌جا به طرف شهر حرکت می‌نماید. این حرکت اسباب تجّری اورامی‌های شده در صورتی‌که تا به‌حال مستأجر آبادی‌های جوانرود بودند تدریجاً مالک محل شدند.

جعفر سلطان از این تاریخ پسران خود را هریک به یکی از آبادی‌ها و نقاط مطابق شرح ذیل اعزام نمود: حانی گرمله، افراسیاب بیگ؛ دزآور، توفیق بیگ؛ نودشه و حجیج، احمد بیگ؛ نوسود، محمدسعید بیگ؛ بله‌بزان جوانرود، فتح‌الله بیگ؛ دووان، علی محمد بیگ؛ زردویی، حسن بیگ؛ پاوه، محمدرشیدبیگ؛ خانقاه، کریم بیگ؛ هروی، محمدتقی بیگ؛

شمشیر، محمدامین بیگ؛ نجار کوئه‌دره، عبدالغفور بیگ. این پسرها در آبادی‌ها حکم حکومت را دارا بوده قادر به هر نوع عملیاتی بودند یعنی هرگونه مالیات و یا هرگونه وجوهاتی طرف احتیاج بوده از اهالی اخذ و زندگانی می‌نمودند. فقط مطیع جعفر سلطان بودند والا وجهی یا مالیاتی به او تأدیه نمی‌نمودند.

در نتیجه پیش آمد یاور خسروخان، فرماندهی قوای غرب امیرلشگر غرب مصمم بود که اردوکشی برای این خط انجام گیرد. در این موقع نیز سالارالدوله وارد، به کمک جعفر سلطان و سایر عشایر مشغول شرارت شده بود. لذا اردویی به روانسر اعزام و قسمت سواری تحت امر سلطان کریش‌خان با دو نفر صاحب‌منصب، نوّاب دوم امیرخان و مرتضی‌خان به جوانرود اعزام گردیدند. این قسمت‌سوار در تاریخ ۱۳۰۴ به اسم قوای جوانرود بدون هیچ‌گونه منظور و مقصودی در محل متوقف و حتی برای حفاظت نیز اقدامی نکرده در کمال راحتی و استراحت بودند تا این‌که در نتیجه ملاقات و مذاکراتی که بین جعفر سلطان و وکیل جوانرود در جریان بود شبانه دور قسمت مذکور را گرفته، نایب ۲ مرتضی‌خان و عدهٔ افراد سوار مقتول، بقیه متواری شده کلیه لوازمات و اثاثیه آن‌ها در دست اشرار می‌افتد و قسمت نظامی باز در روانسر متمرکز ولی عملیاتی برای سرکوبی آن‌ها نمی‌شود.

تا این‌که درنتیجه جسارت سالارالدوله و اقدامات مشارالیه باز در تاریخ ۱۳۰۵ فوج نادری از مراکز اعزام و اقداماتی برای سرکوبی اشرار شد. در این موقع نیز در نتیجه این اقدامات و این عملیات نظامی که تمام از روی بی‌فکری و عدم توجه انجام یافته بود به قدری اشرار تجرّی حاصل نموده و به قدری به خود مغرور بودند که هیچ‌گاه تصور نکرده، حدس نمی‌زدند که قوای نظامی ممکن است به طرف آن‌ها آمده یا این‌که قادر است اقدامی نماید. کراراً اظهار نموده و در مکاتبات و بیانات خود

گفته بودند قوای نظامی اگر سی هزار نفر اعزام شود ممکن است کاری نمایند آن هم باز حتمی نیست. باری پس از این پیش‌آمدها جعفر سلطان روزبه‌روز به تحریکات خود افزوده و یکی از سنگرهای مهم قابل توجه خود را دزلی تصور کرده و حدس نمی‌زد که ممکن است به تصرف قوای دولت درآید تا این‌که سرهنگ محمودخان با یک فکر صحیح و اقدام متینی در لیله ۲۴ دی‌ماه ۱۳۰۹ در نتیجه سه ماه کار پی‌درپی دزلی را که حصن حصین و قلعه محکمی بود از دست اشرار خارج و به قول جعفر سلطان سنگر اول اورامان گرفته شد. درنتیجه همین اقدام بود که اشرار قدری متوجه شده و راپورت نمرهٔ ۹۵۸۵-۹/۱۱/۲۸ این‌جانب قدری وضعیت را روشن می‌نماید.[1]

اورامی‌ها از این تاریخ شروع به حمل کلیه اثاثیه خود به خاک عراق نموده چون با مشایخ اباعبیده شیخ کریم و شیخ رشید بستگی داشتند کلیه را در آن‌جا مخفی ساختند [و] با قوای خود در اورامان باقی و منتظر موقع بودند که کی دولت به طرف آن‌ها حمله نموده و اقداماتی خواهد شد. ولی از آن‌جایی‌که پسران جعفر سلطان هریک در یک آبادی بودند برای جلب منافع شخصی و برای جمع‌آوری ثروت از هیچ‌گونه اقدامی کوتاهی نکرده حتی در بعضی نقاط مختلفه بله‌بزان ملاحظه شد یک زن را چندین مرتبه یکی از پسران جعفر سلطان شوهر داده و از هریک پنجاه الی صد تومان وجه دریافت نموده بودند. این حرکات یک نوع انزجار و تنفری در کلیه اهالی تولید نموده تمام اهالی منتظر بودند که کی موقع رسیده بتوانند از دور پسران جعفر سلطان پراکنده گردند ولی بواسطه زیادی قدرت و طول مدت فرمان روایی آن‌ها تصور نمی‌نمودند از بین برونند. در اواسط ماه‍ـ[2] ۱۳۱۰ جعفر سلطان شروع به اقدامات جدید در طایفه باباجانی و

---

۱. گزارش مزبور در این مجموعه ملاحظه نشد.

۲. جای خالی در اصل.

ولدبیگی نموده داماد خود محمدطاهر بیک را به ریاست طایفه باباجانی برقرار نموده [و] رئیس باباجانی را خارج نموده و از این تاریخ یک نوع دسته‌بندی بین کلیه طوایف شروع و جعفر سلطان با جدیت مشغول جلب نظر رؤسای ولدبیگی، باباجانی، قبادی، گوران، قلخانی و حتی کانسیان [کانی‌سان؟] شده و با تمام مکاتبه داشت تا این‌که استعداد و قدرت اعلی‌حضرت قدر قدرت پهلوی ارواحنا فداه به این شرارت و به این یاغی‌گری خاتمه داده یک‌نوع سکونت و آرامشی در این منطقه ایران حکمفرما و تاریخ گذشته این کوهستان را نیز مثل قصص و حکایات به یادگار گذارد.

فصل دوم

نبرد قوری‌قلعه

جای تردید نیست که اورامان یکی از نقاط پرشرّ و فساد کردستان و همیشه مرکز تحریکات اجانب بوده، توجه خاصی نسبت به آن ملاحظه می‌شد ولی از لحاظ پیش‌آمدهای گذشته و آتی که برای این محل قائل شده بودند کمتر دولت موقع عملیات و اقدامات را برای این محل صلاح دانسته و اجازه می‌داد. تا در موقع تشریف‌فرمایی ذات اقدس ملوکانه ارواحنا فداه در مهر ماه ۱۳۱۰ که فرماندهی تیپ [کردستان] سرتیپ علی‌خان رحیمی از لحاظ عدم سابقه و اطلاع، خلع سلاح طوایف و منطقه مذکور را با طریقهٔ خیلی ساده‌ای به عرض رسانیده و مورد تصویب ذات اقدس ملوکانه ارواحنا فداه واقع و پس از تشریف‌فرمایی به منطقهٔ کرمانشاهان به این فدوی امر اکید صادر گردید که فوری با فرماندهی محترم تیپ ملاقات و تعاطی افکار به عمل آمده برای عملیات فوق‌الذکر تصمیمی اتخاذ و کمکی که برای تیپ طرف احتیاج است داده شود. این‌جانب در تاریخ ۱۵ مهرماه به کردستان عزیمت و در اولین ملاقات درک کردم که فرماندهی محترم تیپ کردستان از وضعیت طوایف و موقعیت آن‌ها کاملاً بی‌سابقه و به واسطهٔ راپورت‌های غلط و بی‌مورد بعضی از صاحب‌منصبان بی‌اطلاع اظهاراتی می‌نمایند. مطابق وظیفه خود آنچه حقایق گذارشات بود به عرض ایشان رسانیده و مخصوصاً خواهش

کردم دقت بیشتری نسبت به این منطقه مبذول شود. ولی متأسفانه مطالب و اظهارات من نیز اثری نداده و تصمیم قطعی ایشان چنان بود که از خطوط ذیل ــ دزلی، رَزآب و پاوه ــ هریک یک گروهان برای تهدید عشایر اعزام و اسلحه را بدین قسم به سهولت می‌توان اخذ نمود. بی‌خبر از آن‌که تهدیدات این‌مدت در وجود اشرار مؤثر نشده و این قوا جز بدبختی چیز دیگری تولید نخواهد نمود. در خاتمهٔ مذاکرات به ایشان عرض شد چون اعزام یک گروهان از فوج منصور جهت خط پاوه مقدور نیست لذا سه گروهان پیاده، یک رسد مسلسل، یک دسته سوار اعزام خواهد شد. مراتب نیز راپورت گردید. متأسفانه به قدری ایشان مطلب و گذارشات راکم اهمیت و حتی سهل و ساده در انظار جلوه داده بودند که عدهٔ مذکور مورد قبول واقع نشد به‌طوری‌که از امریه صادره به خوبی درک می‌شود.

راپورتی که این‌جانب تقدیم نمودم:

مقام منیع بندگان حضرت اجل کفالت محترم ارکان حرب معظم کل قشون دامت عظمة، با کمال افتخار به عرض عالی می‌رساند: حسب‌الامر در خصوص عملیات خلع سلاح طوایف لهون و اورامان که فرماندهی محترم تیپ کردستان در نظر دارند با ایشان تبادل افکار به عمل آمد با نظر ایشان جهت اقدام و مساعدت از طریق روانسر و جوانرود یک ستون مرکب از سه گروهان با یک رسد مسلسل و یک دسته سوار بایستی اعزام گردد که در روانسر متمرکز شده که پس از انقضای مدت معینی در صورت عدم تسلیم اسلحه به طرف پاوه حرکت نموده، در عملیات شرکت نماید. راپورتاً عرض شد منوط به امر است.

سنندج ۱۰/۷/۱۵، نمرهٔ ۵۵۲۲، نایب سرهنگ رزم‌آراء

امریه‌ای که در جواب راپورت این‌جانب صادر شد

کفیل فرماندهی فوج مستقل منصور. عطف به نمرهٔ ۵۵۲۲
از شرف عرض خاک پای مبارک گذشت فرمودند سه گروهان عده برای این‌منظور زیادست.
ساعت ۱۲ صبح ۱۰/۷/۱۸، نمرهٔ ۶۸۶۴، کفیل ارکان حرب کل قشون
امیرلشکر محمد نخجوان

اساساً این مذاکرات در تاریخ ۱۵ مهر ماه بود. تصمیم قطعی فرماندهی تیپ برای عملیات موکول به اول آبان‌ماه بوده که واقعاً وضعیت خوب و هوا از هر حیث مساعد بود و قرار گردید چون ایشان عازم سردشت بودند پس از مراجعت تصمیم قطعی را اطلاع دهند تا اقدام به تهیهٔ اردو گردد. متأسفانه ایشان مدتی را در سردشت توقف کرده یوم ۱۶ آبان ماه تلگراف ذیل واصل شد.

فرماندهی محترم فوج مستقل منصور
تعقیب مذاکرات راجع به لهون قوای تیپ در دوستون از دزلی و رزآب لیله ۲۱ ماه جاری برای اشغال گردنه‌های لهون حرکت خواهد کرد. متمنی است قوای آن فوج محترم که با مسلسل مسلح باشند، صاحب‌منصب مجرّبی به فرماندهی قسمت تعیین خواهید فرمود که با متانت انجام وظیفه نموده و همیشه با ستون‌های دزلی [و] و رزآب ارتباط داشته، با تبادل نظر یک دیگر اقدام نمایند که لیله ۲۱ جاری گردنهٔ شمشیر را اشغال و پست‌بندی نموده و به طرف جلو بروند. چون حتی‌الامکان در نظر است بدون عملیات نظامی اسلحهٔ آن‌جا جمع‌آوری شود مراتب را مرتباً به وسیلهٔ پست روانسر به این‌جانب راپورت دهند. دو نسخه مفتاح ۲ و ۳ به

فرماندهی ستون ارسال یک نسخه هم به فرماندهان قوای اعزامی بدهید که کلیهٔ مراسلات را رمزاً ارسال دارند. حرکت قوا را هم اعلام فرمایید.
ساعت ۱۲، ۱۰/۸/۱۶، نمرهٔ ۱۰۸۶، فرمانده تیپ مستقل کردستان سرتیپ علی رحیمی

از متن تلگراف باز عدم اطلاع و عدم مطالعه کاملاً مشهود بود چه اولاً لوازمات اردو تهیه نشده، قاطر مکاری نادرالوجود و تهیهٔ آن سخت و به اضافه مسافت شهر تا گردنهٔ شمشیر، بیست و یک فرسنگ و پیاده به هر تندی حرکت نماید باز پنج روز وقت برای راهپیمایی لازم خواهد بود. چگونه ممکن است روز ۱۷ حرکت و لیله ۲۱ گردنه شمشیر را بر فرض آن‌که دشمنی در میان نباشد اشغال کرد؟

به طریق ذیل شرحی عرض شد.

حضور فرماندهی محترم تیپ مستقل کردستان دام اقباله. عطف به نمرهٔ ۱۰۸۶، مسافت از کرمانشاهان تا گردنهٔ شمشیر را بدون پیش‌آمد سانحه افراد در شش روز طی خواهند نمود. یوم ۱۷ قسمت حرکت یوم ۲۳ در شمشیر خواهد بود، متمنی است قدغن فرمایید تاریخ عملیات را به روز مذکور موکول فرمایند که ستون اعزامی از این فوج بتواند به موقع شرکت نماید.
ساعت ۷ عصر ۱۰/۸/۱۶، نمرهٔ ۶۳۴۳، نایب سرهنگ رزم‌آراء

حضور فرماندهی محترم تیپ مستقل کردستان دام‌اقباله. تعقیب نمرهٔ ۶۳۴۳ـ۱۰/۸/۱۶ مقرر بود که قبلاً تاریخ عملیات به این فوج اطلاع داده شود دو ستون این فوج قبلاً در جوانرود حاضر شده از آن‌جا به موقع لزوم

حرکت نمایند چه ستون‌های آن تیپ محترم بیش از چند فرسنگی راه نبایستی طی نمایند در صورتی‌که ستون این فوج بایستی ۳۰ فرسنگ راه طی نمایند و به این ملاحظه بود که درخواست شد تاریخ عملیات را به لیلهٔ ۲۵ محول فرمایند. یاور عبدالحسین میرزا دولتشاهی فرماندهی گردان ۱، فرماندهی ستون را عهده‌دار بوده؛ ستون مرکب است از سه گروهان پیادهٔ، یک رسد مسلسل، یک دسته سوار و یوم ۱۷ از کرمانشاهان حرکت نمود. آخرین نقطه‌ای که فرماندهی ستون این فوج مأمور است در آن‌جا توقف نماید پاوه می‌باشد. پس از ورود به نقطهٔ مذکور متوقف خواهد شد. مراتب و اطلاعات واصله مرتباً عرض خواهد شد. ساعت ۴ عصر ۱۰/۸/۱۷، نمرهٔ ۶۳۶۵. نایب سرهنگ رزم‌آرا.

در ضمن فوری دستور داده شد که کلیه قسمت‌های فوج برای حرکت حاضر و از هر حیث نواقص خود را مرتفع سازند. وضعیت حاضر بودن قسمت‌ها و حرکت سریع آن‌ها از سربازخانه از هر حیث مهم و قابل توجه بود چه تجهیز و حرکت گروهان بیش از یک ساعت بیشتر طول نکشید و با رجوع به تابلوی ذیل کاملاً سرعت تجهیز و حاضر نمودن قسمت‌های فوج درک می‌شود:

گروهان ۲ و ۵، اخطار برای حرکت ساعت ۱۲ لیله ۱۷، حرکت ساعت ۷ صبح ۱۸.

گروهان ۴، اخطار برای حرکت ظهر، حرکت ۲ بعدازظهر.

گروهان ۳، اخطار حرکت ظهر، حرکت ۲ بعدازظهر.

بدیهی است این سرعت تجهیز و حرکت قسمت‌ها به‌واسطهٔ دادن تجهیزات به افراد و تقسیم آن در واحدهای فوج بود و یگانه معطلی قسمت فقط کسری دواب مکاری و تحویل گرفتن و بار نمودن ارزاق بود

که آن‌هم به واسطهٔ بی‌مبالاتی امور اداری و رئیس ارزاق فوج قدری طول کشید، همان یکساعت معطلی را فراهم می‌ساخت و اگر شخصی جدّی در رأس امور اداری و ریاست ارزاق بود آن معطلی نیز حاصل نمی‌گردید.

با این که مطمئن بودم زد و خوردی ممکن‌الوقوع است گرچه قابل اهمیت نبود ولی برای اجرای امر صادره دو گروهان، یک رسد مسلسل فوری حاضر و یوم ۱۸ به فرماندهی یاورعبدالحسین میرزا دولتشاهی فرماندهی گردان ۱ اعزام گردید با حکم ذیل:

نمرهٔ ۶۳۶۸ـ۱۰/۸/۱۷ یاور عبدالحسین میرزا دولتشاهی فرماندهی گردان ۱

شما مأموریت دارید با چهار رسد پیاده نظام، گروهان ۲ و رسد ۳ گروهان ۱ و یک دسته مسلسل و یک‌دسته سوار یوم سه شنبه ۱۸ به طرف روانسر حرکت نموده و مطابق دستورات مندرجه که ذیلاً شرح داده می‌شود رفتار نمایید:

۱. قسمت اعزامی بایستی لیله ۲۴ را در گردنه شمشیر باشد.

[حکم عملیاتی]

وضعیت عمومی: تیپ محترم کردستان در ۲۳ مهرماه جهت خلع سلاح طوایف کردستان مخصوصاً اورامان لهون اوامر و اخطاراتی صادر نمود. چون جعفر سلطان اورامانی در ظرف این مدت اسلحهٔ خود را جمع‌آوری ننموده و تحویل نکرده است لذا تصمیم گرفته شد که برای مجبور نمودن او ستون‌های فوری از اطراف برای تهدید او حرکت داده شود تا شاید بدون لزوم عملیات نظامی اسلحهٔ او اخذ و نتیجهٔ مطلوبه حاصل شود. جهت این‌منظور سه ستون مطابق شرح ذیل اعزام خواهد شد:

یک ستون از دزلی به طرف گردنهٔ کماجون، کاوه، و حانی‌گرمله.

یک ستون از رزآب به طرف ده کاکا، هوارمارانی، رودبار [و] پاوه.

یک ستون از روانسر، جوانرود، گردنه شمشیر [و] پاوه.

منظور آن است که حرکت سه ستون در یک موقع انجام گرفته و یک‌مرتبه در محل‌های منظوره وارد شده ضمناً ارتباط بین خود را حفظ نمایند.

وضعیت خصوصی: ستون تحت اختیار شما مرکّب از چهار رسد پیاده، یک توپ مسلسل، یک دسته سوار خواهد بود که بایستی یوم ۱۷ جاری از کرمانشاهان حرکت یوم ۱۹ عصری در روانسر وارد و مطابق وضعیّت محل و ترتیبات محل فوری به طرف جوانرود و شمشیر حرکت نمایید به طوری‌که لیله ۲۴ بتوانید در گردنهٔ مذکور باشید. چه در همان شب ستون‌های تیپ محترم کردستان نیز در گردنهٔ کماجون و گردنهٔ برزه‌لین خواهند بود.

بدیهی است قبل از همه چیز از وضعیت محل و ترتیبات نقاط اطلاع حاصل کرده کلیه حرکات و عملیات خود را با یک فهمیدگی و فراست کامل انجام دهید که مبادا نتیجهٔ منظوره حاصل نشود.

راجع به تجهیزات: افراد اعزامی با تجهیزات کامل بوده نفری پنجاه تیر فشنگ، مسلسل شش هزار تیر فشنگ همراه خواهد داشت دو هزار تیرفشنگ نیز به طور ذخیره با گروهان ۲ ارسال خواهد شد. احتیاجات لازمهٔ گروهان اعزامی نیز به وسیلهٔ صاحب‌منصب مسئول فرستاده شده، ارزاق یک‌ماه به روانسر حمل گردید و تحویل قسمت مربوطه شده.

ارتباط: لازم است کلیه مکاتبات لازمه را به وسیلهٔ دو نسخه رمزهایی که علیحده به شما داده خواهد شد تهیه و راپورت نمایید. جزئیات مطالب و پیش‌آمدهای مختلف را بایستی فوری به فوج راپورت داده، در ضمن بایستی ارتباط کامل با فرماندهان دو ستون اعزامی از تیپ کردستان حاصل نمایید.

دستورات مخصوصه. بدیهی است مأموریت شما پس از ورود به پاوه خاتمه یافته و در صورت عدم پیش‌آمدهای غیرمترقبه منتظر وصول امریه و دستور ثانوی خواهید بود.

در خاتمه یک نسخه نقشه محل نیز ارسال شد. سواد تلگراف فرماندهی محترم تیپ کردستان نیز برای اطلاع شما ارسال گردید.
کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل نمرهٔ ۳ منصور، نایب سرهنگ رزم‌آرا

کاملاً اطمینان داشتم که اعزام قوای دیگری طرف لزوم خواهد بود چه در اورامان گذشته از موقعیت خود و اتفاقات و گزارشاتی که اسباب تجرّی اشرار را فراهم ساخته بود بعضی تحریکات خارجی و بعضی دسیسه‌بازی‌های دائمی ایجاب می‌کرد که دولت برای اولین اقدام خودگویی آن‌که خلع سلاح مختصر باشد با قوای مکفی اقدام و صاحب‌منصبان و رؤسای مطلع فهمیده برای اتمام و خاتمهٔ این عمل بگمارد. چه با نظارهٔ گذشته اعزام یک صاحب‌منصبان بی‌اطلاع بی‌سابقه با قوای غیر مکفی ممکن بود همان بدبختی‌های گذشته را تولید و همان وضعیات سابق را تجدید نماید.

یوم‌ـ[1] فرماندهی محترم تیپ به کرمانشاهان آمده باز مطالب گذشته رااین‌جانب تجدید و ایشان را به وقایع و گزارشات سابق متوجه نمودم ولی باز مطالب و اظهارات من مؤثر واقع نشده، منتنج نتیجه نگردید.

ـ به فرماندە ستون اعزامی شرحی ذیل به نمرهٔ ۶۳۸۸–۱۰/۸/۱۸ نوشته شد:

یاور عبدالحسین میرزا دولتشاهی. اطلاعات ذیل جهت تکمیل اطلاعات سابقه نوشته می‌شود:

۱. در جوانرود برادران وکیل چون اسلحهٔ خود را تسلیم نموده‌اند و به اضافه سابقهٔ دشمنی که با جعفر سلطان دارا می‌باشند بایستی از وجود آن‌ها استفاده شود. لذا برادران وکیل را احضار آن‌ها را به مراحم دولت

---

۱. جای خالی در اصل.

امیدوار کرده، مخصوص به آن‌ها تذکر دهید در صورتی‌که خدمات مهمی انجام دهند خود وکیل زودتر مرخص خواهد شد.

۲. شیخ مصطفی نام در جوانرود است خیلی از وضعیت مستحضر و مطلع می‌باشد از وجود او استفاده شود ولی اطمینان کاملی به او نبایستی داشته باشید.

۳. از قرار معلوم عده‌ای افراد مسلح اورامان در قشلاق برای ممانعت گذارده‌اند. مطلع بوده غفلتاً به آن‌ها حمله شود چون تعداد آن‌ها بیش از ۲۰ و ۳۰ نفر نیست.

۴. در مقابل شما محمدرشید بیگ پسر جعفر سلطان است که حالیه در پاوه سکونت دارد.

۵. امیر اسعد باباجانی، حسن بیک را احضار کرده به آن‌ها اطمینان بدهید که پس از چند روزی برای استرداد طوایف آن‌ها اقدام خواهد شد.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور، نایب سرهنگ رزم‌آرا

تلگراف واصله از فرماندهی محترم تیپ کردستان

فرماندهی محترم فوج مستقل منصور. عطف به نمرۀ ۶۳۴۳ فاصلۀ کرمانشاهان الی پاوه ۱۸ الی ۲۰ فرسخ بیش نیست و ممکن بوده لیله ۲۱ به مقصد برسند مع‌هذا طبق تقاضای شما عملیات را به لیله ۲۵ موکول، به فرماندهان ستون دستور داده شد ولی چون عملیات بایستی توأماً شروع، تقدم و تأخر رخ ندهد قدغن فرمایید قوا طوری حرکت نمایند که لیله ۲۵ گردنه شمشیر را اشغال و به طرف پاوه جلو بروند. ضمناً چون مقصود جمع‌آوری اسلحه است فرمانده ستون باید با متانت رفتار، چنانچه حاضر شدند با مهربانی با آن‌ها رفتار و از هر گونه تعرضی مصون خواهند بود یعنی حتی‌الامکان از اعمال قوۀ قهریه، بایستی خودداری و عموم را به تسلیم اسلحه دعوت نمایند.

۱۰/۸/۱۸، نمرهٔ ۱۱۵۳. فرمانده تیپ مستقل کردستان سرتیپ علی رحیمی
حکم نمرهٔ ۴۶۰۴–۱۰/۸/۱۸ به فرمانده ستون اعزامی صادر گردید

یاور عبدالحسین میرزا دولتشاهی. تعقیب نمرهٔ ۶۳۶۸ تاریخ قطعی عملیات و اشغال گردنهٔ شمشیر به لیله ۲۵ موکول شده لذا بایستی در لیله ۲۵ به هر نحو است گردنهٔ شمشیر را تصاحب کرده به طرف پاوه حرکت نمایید ولی بایستی در گردنه قسمتی گذارده شود. ضمناً چون مقصود اصلی جمع‌آوری اسلحه می‌باشد اگر به طور ملایمت حاضر شدند یقین است قوه قهریه برای اجرای این امر لازم نخواهد بود. بدیهی است در صورت عدم اطاعت بایستی به قوهٔ قهریه رفتار شود. باز متذکر می‌شود بایستی با متانت و دقت کامل حرکت کرده مراقبت تام و کامل به عمل آورید.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور
نایب سرهنگ رزم‌آرا

یوم ۲۱ ساعت سه بعدازظهر راپورت ذیل رسید
نمرهٔ ۵–۲۰/آبان/۱۰

حضور مبارک فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور دامت شوکته.
محترماً در تعقیب راپورت نمرهٔ ۴ معروض می‌دارد مطابق اطلاعات کاملی که از یاور محمدعلی‌خان و غیره کسب شده قوای محمدرشید بیگ در محل‌های ذیل: قوری قلعه، گردنه قشلاق و گردنه شمشیر تقسیم شده و محل‌های مزبور کاملاً صعب‌العبور و جنگل‌های انبوهی است و نیز مطابق اظهارات یاور با این قوا موفق به گرفتن محل‌های فوق نخواهد شد و تأخیر در رسیدن روز معین خواهد بود. چنانچه اجازه فرمایید گروهان پنجم نیز با ستون حرکت نماید، پس از اخذ محل‌های فوق که یگانه امید اورامان است در روانسر ۲۰ نفر نظامی و ۱۰ نفر امنیه موجود و این قسمت برای نگاه‌داری روانسر کافی است. راپورتاً عرض شد.

فرمانده قوای اعزامی و گردان ۱، یاور دولتشاهی.

جواب ذیل نمرهٔ ۶۴۶۰-۱۰/۸/۲۱ نوشته شد:
یاور عبدالحسین میرزا دولتشاهی. راپورت نمرهٔ ۵ ملاحظه شد گروهان ۵ به‌طرف جوانرود یوم ۲۲ حرکت خواهد کرد. کاملاً در خصوص مأموریت محوله و انجام آن دقت شود.
کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور، نایب سرهنگ رزم‌آرا

راپورت نمرهٔ ۸، لیلهٔ ۱۰/۸/۲۱ فرماندهٔ ستون اعزامی
حضور مبارک فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور دامت شوکته.
محترماً در تعقیب راپورت رمز نمرهٔ ۵ و عطف به امریهٔ نمرهٔ ۶۳۸۸ معروض می‌دارد. به طوری‌که کاملاً اطلاع حاصل نمود پسران جعفر سلطان؛ محمد رشید بیگ و محمد امین بیگ در پاوه، محمود بیگ در خانقاه و حسن بیگ در زردویی که جمعاً قریب ششصد قبضه تفنگ دارند و محل‌های مهم خود را در مقابل ستون اعزامی فوج منصور اشغال نموده‌اند. چون این قسمت برای عملیات مکفی نبود گروهان پنجم را برای شرکت در عملیات حرکت داده مستدعی است قسمت دیگر را در عوض گروهان پنجم با مونیسیون مکفی برای این ستون به اسرع وقت امر به اعزام فرمایید که در جوانرود عقب ستون را تأمین نماید. تاکنون از ستون‌های دوم و سوم اطلاعی حاصل نشده و عجالتاً غیرممکن است ارتباط با آن ستون‌ها حاصل نماید.
فرمانده گردان ۱ و ستون اعزامی یاور دولتشاهی

احکام صادره به فرمانده ستون اعزامی
نمرهٔ ۶۴۶۴-۱۰/۸/۲۱، یاور عبدالحسین میرزا دولتشاهی. راپورت نمرهٔ ۸ شما در ساعت ۴ بعدازظهر ۲۱ ملاحظه شد. امر شد گروهان ۵ فوری برای کمک شما حرکت نماید. بدیهی است پس از ورود به جوانرود

معطل نشده برای کمک خود حرکت خواهید داد. اجتماع پسران جعفر سلطان اکثر بی‌اساس و بی‌موضوع است. در هر حال با داشتن گروهان ۵ پیشرفت شما مکفی و برای هر عملیاتی یقین است قابل و قادر خواهید بود. بدیهی است دقّت کامل خواهید نمود.

حرکت ۲۵ شما بایستی خیلی غفلتی باشد به طوری که وقت و مجال به آن‌ها ندهید.

از جناح چپ و جاده ده مقولهٔ تغافل نشود. تأمین خود را از جناح چپ دقت نمایید.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور نایب سرهنگ رزم‌آرا

نمرهٔ ۶۴۶۵-۱۰/۸/۲۱ یاور عبدالحسین میرزا دولتشاهی. راپورت نمرهٔ ۴ ملاحظه شد لزوماً متذکر می‌شود انتشارات در اطراف وضعیت اورامان و جعفر سلطان زیاد است ولی اکثر به کلی خالی از حقیقت می‌باشد. ممکن است عده‌ای برای مدافعه حاضر شده ولی بایستی در نظر داشت که آن‌ها عشایر و با قسمت نظامی تاب مقاومت نخواهند داشت. در هر حال گروهان ۵ نیز حرکت کرده که خود را به شما معرفی نماید. لازم است گروهان ۵ را نیز تحت اختیار خود گرفته و برای عملیات حرکت دهید. ولی بایستی بی‌اندازه مراقب وضعیت بوده از کلیه جزییات مطلع و مستحضر گردید. یک قدم بدون دقت و مطالعه برداشته نشود چه حرکت نظامی بایستی به طور اطمینان اجرا شود. مخصوصاً چون خط سیر در جنگل می‌باشد بایستی به قسمی حرکت نمایید که تأمین کامل در جنگل دارا باشید. ضمناً بایستی افراد را پراکنده نکرده همیشه با خود حال اجتماع دارا بوده، خیلی در این قسمت در موقع توقف دقت نمایید مخصوصاً در شب. راجع به ارزاق بایستی خیلی خیلی سریع در جوانرود مأمور مخصوصی قرار دهید که آرد حاضر کرده برای شما حمل نمایند.

۵۰ خروار گندم بایستی از روانسر حمل شود با ۱۰ خروار جو. در جوانرود ۹ آسیاب و شاید ۲۰ الی ۳۰ خروار آرد در آسیاب‌ها باشد فوری آردها را گرفته با خود حمل نمایید و بی‌جهت معطل نگردید چه بایستی لیله ۲۵ به طور قطع و یقین شما مواقعی را که به شما تذکر داده شده اشغال نمایید.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور، نایب سرهنگ رزم‌آرا

نمرۀ ۶۴۸۱-۱۰/۸/۲۲، یاور عبدالحسین میرزا دولتشاهی، با آن‌که در ضمن تعلیمات نظامی با اهمیت آن پی برده و مطلع شده‌اید ولی مع‌هذا جهت یادآوری و تذکر خاطرنشان می‌نماید:

چون قدرت عشایر در مقابل قوای دولت کم و غیرقابل توجه است و نمی‌توانند در روز یا مواقع عادی اقدامات و عملیاتی نمایند این است که در شب از موقعیت استفاده کرده خود را غفلتاً به خطوط طرف رسانده حملات غیر مترقبه می‌نمایند. بدیهی است بدبختی و ندامت متوجه فرماندهی خواهد شد که از مراقبت قسمت خود کوتاهی کرده یا مسامحه و غفلت ورزد. این‌موضوع قابل توجه است و بایستی همیشه در نظر داشت که تأمین شب بایستی بی‌اندازه دقیق و متوجه بود که کوچکترین ذره‌ای قصور نورزیده چه اگر یک کشیکچی تسامح کرده از انجام وظیفه خود کوتاهی نماید یک اردویی را دچار زحمت و ندامت خواهد ساخت. علی‌هذا به عموم خاطرنشان نمایید؛ صاحب‌منصبان، وکلا و افراد که تعلیمات نظامی برای چنین روزی داده شده نتیجه عملیات نظامی خود را در این چند روزه بایستی به معرض نمایش گذارند که خطوط بی‌موضوع دشمن را به یک لحظه در هم شکسته چه در مقابل دزد و راه‌زنی نبایستی ایستادگی نمایند.

۱. در نقاط مهم و محفوظ اردوگاه خود را برقرار نمایید.

۲. پست‌ها [را] به اندازهٔ کفاف قرار دهید که بخوبی یک یک را دیده، درست بتوانند انجام وظیفه نمایند.

۳. پست‌ها را کمتر از یک جوقه نگمارید. آن هم با وکلای فهمیده و با اطلاع.

۴. در شب کراراً به کلیه پست‌ها سرکشی کرده گشتی برای مراقبت آن‌ها اعزام شود.

۵. در مرکز اردو بایستی نصف قسمت بیدار بوده نصف دیگر با قطار و تجهیزات بخوابند مبادا تغافل شود. به همین قسم صاحب‌منصبان قسمتی در گشت بوده قسمتی در بیداری و قسمتی خواهند خوابید.

۶. اگر صدای تیر بلند شد به افراد خاطرنشان نمایید به هیچ‌وجه تیراندازی ننمایند تا دستور داده شود آن هم به طرف هدف معین.

۷. به کلیهٔ افراد بفهمانید که هر تیر فشنگ مثل جان آن‌ها بوده برای آن‌ها قیمت هزاران تومان را خواهد داشت. فشنگ را برای یک هدف معین و مشخص به مسافت ۴۰۰ متری بایستی تیراندازی نمایند. آن هم با گرفتن نتیجه مخصوص. موضوع مصرف فشنگ را به کلیهٔ افراد کراراً خاطرنشان نمایید چه فشنگ الساعه برای شما حکم جواهر دارد، اگر یک تیر بی‌موضوع خالی شود اسباب ندامت خواهد شد.

۸. در شب‌پست‌ها به گوش دادن اکتفا نکرده بایستی نگاه کرده و به کلیه نکات مراقب باشند چه عشایر اکثر مثل حیوانات نزدیک شده و چهار دست و پا حرکت می‌نمایند.

۹. در شب به کلیهٔ پست‌ها دستور داده شود پس از شیپور قرق و پس از تاریک شدن هر کسی به طرف پست بیاید بایستی شلیک شود و به‌هیچ‌وجه نبایستی مراعات شده یا مراقبت نکرده بایستی به محض ملاحظه کردن چیزی در شب اگر ایست نکرد تیراندازی شود.

باز می‌گویم مراقبت شب پیش از هرچیزی اهمیت دارد اگر از طرف دشمن ایستادگی شود ایستادگی غفلتی خواهد بود.

۱۰. وکیل فهمیده‌ای برای جلو و جناحین تعیین شود.

باز متذکر می‌شوم از تیراندازی بی‌موضوع به کلی جلوگیری شود که به کلی بی‌اساس خواهد بود و بلکه مضرّ.

۱۱. هر قدر ممکن است از دخول اشخاص مختلف در قسمت نظامی جلوگیری نمایید به طوری‌که احدی نتواند داخل در قسمت شده با نظامیان مربوط بوده یا از تعداد فشنگ و مهمات آن‌ها آگاه شود. باز متذکر می‌شوم که بی‌اندازه مراقب باشید.

امید است با دقت و مراقبت کامل موضوع اورامان خاتمه یافته در سر لوحه تاریخ اسم فوج مختلط منصور و فداکاری صاحب‌منصبان و افراد آن درج شده و در نتیجهٔ زحمات صاحب‌منصبان و جدّیت افراد موفق به جلب رضایت خاطر خطیر ملوکانه ارواحنا فداه گردند.

در خاتمه منتظرم با یک متانت فوق‌العاده در این خصوص اقدام شود.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور، نایب سرهنگ رزم‌آرا

نمرهٔ ۶۴۸۷–۱۰/۸/۲۲، یاور عبدالحسین میرزا دولتشاهی

جهت اطلاع شما متذکر می‌شود گروهان ۵ برای کمک شما اعزام شد. گروهان ۴ نیز به روانسر اعزام گردید که به طور موقت در آن‌جا باشد. یک دسته سوار نیز به روانسر اعزام شد. در هر حال قسمت بیش از احتیاج حاضر برای عملیات می‌باشند. ولی کلیه بسته است به اقدام اولیه و حرکت ستون اعزامی که در جلو می‌باشد. بایستی در حرکت و عبور از منطقه واقع بین جوانرود و قشلاق حتی تا گردنه شمشیر خیلی مراقبت به عمل آید چه که قسمت مهم و قابل توجه می‌باشد. به‌طوری‌که سابقاً امر شد پس از ورود به گردنه شمشیر بایستی یک پست مکفی برای حفاظت آن‌جا گذارده با بقیه عده به پاوه حرکت نمایید. به محض ورود شروع به اخذ و جمع‌آوری اسلحه نمایید و کلیه اسلحه و مهماتی که جمع‌آوری

می‌شود تحویل یاور محمد علی‌خان داده از او قبض رسید اخذ نمایید. مسئولیت کامل این خط سیر و منطقه بعهدهٔ شخص شما بوده و بایستی با متانت کامل حرکت نمایید. باز متذکر می‌شود بی‌اندازه با دقت و مراقبت کار نمایید.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور، نایب سرهنگ رزم‌آرا

نمرهٔ ۶۴۸۸–۱۰/۸/۲۳، یاور عبدالحسین میرزا دولتشاهی

یقین مطلع می‌باشید که اهمیت جاده از جوانرود به طرف پاوه خواهد بود. بایستی اولاً در توقف‌های شبانه دقت شود که بدبختی‌های گذشته تجدید نگردد. چون تا به حال دو نفر از صاحب‌منصبان قشون در این خط به واسطهٔ عدم مراقبت و سهل‌انگاری لکهٔ بدی به دامان قشون وارد ساخته‌اند[1]. لذا بایستی شما خیلی با دقت و مراقبت حرکت نمایید که تودهنی کامل به اشرار زده شده و به بهترین طریق وسیله تنبیه و سرکوبی آن‌ها فراهم گردد. در جناح چپ طوایف کردستانی تصور می‌رود باقی باشند لذا در موقع حرکت هر دو جناح را مراقبت کرده دقت نمایید.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور، نایب سرهنگ رزم‌آرا

راپورت واصله از فرمانده ستون اعزامی

نمره ۱۲–۱۰/۸/۲۲، حضور مبارک فرماندهی محترم فوج مختلط مستقل منصور دامت شوکته

محترماً به زیارت امریه مبارک نمرهٔ ۶۴۴۱ توسط عزیز بیگ لیله گذشته نایل و موجب افتخار فدوی گردید.

۱. ستون لیلهٔ گذشتهٔ را در جوانرود متوقف و امروز برای رسیدن گروهان پنجم انتظار دارد که یک‌مرتبه به محل قشلاق حمله نماید.

---

۱. بنگرید به صص ۱۱–۱۰ همین بررسی.

چنانچه قلعهٔ قشلاق به تصرف قوا در آید گردنه شمشیر و پاوه در دست قوا خواهد بود.

۲. چون قلعه چندی قبل به وسیله یاور محمد علیخان استحکامات آن را محکم نمودند در صورت مقاومت اشرار در قلعهٔ قشلاق وسیله‌ای که برای تخلیه اشرار مورد لزوم است فقط توپخانه خواهد بود.

۳. از ستون‌ها تاکنون اطلاعی حاصل نشده و ارتباط هم برقرار نخواهد شد با این حال شرحی رمز به وسیلهٔ آدم‌های عزیز بیگ به فرمانده ستون رزاب نوشته و ارسال شده است. راپورتاً عرض شد.

فرمانده قوای اعزامی، یاور دولتشاهی

شرح ذیل ۶۵۳۸–۱۰/۸/۲۴ به نایب ۱ امیرخان صادر گردید

نایب ۱ امیرخان. شما مأموریت دارید فوری با اتومبیل به طرف جوانرود حرکت کرده ۱۲ هزار تیر مهمات روسی و ۲ هزار تیر انگلیسی برای قوای اعزامی حمل کنید. به محض ورود به جوانرود فوری مهمات را به وسیلهٔ قاطر به طرف اردو حرکت داده، ولی‌خان سوار را نیز در معیّت خود برای اسکورت مهمات خواهید برد. پس از تحویل نمودن مهمات فوری به طرف جوانرود مراجعت کرده مسئولیت ارتباط و رسانیدن ارزاق و لوازمات اردو با شما خواهد بود که اولاً ارتباط را مرتب کرده ثانیاً ارزاق هر قدر لازم باشد سریعاً حمل شود.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور، نایب سرهنگ رزم‌آرا

راپورت‌های واصله از فرمانده ستون اعزامی

نمرهٔ ۲۱–۱۰/۸/۲۳ حضور مبارک فرماندهی محترم فوج مختلط مستقل منصور دامت شوکته

محترماً، معروض می‌دارد الساعه که در شرف حرکت بوده خبر رسید

محمود بیک برادر کریم بیک از خانقاه به قشلاق آمده و عدهٔ قشلاق را به جلوی ما [در] محلّ خیل محمود باویسی [که] یک فرسخی جوانرود است اعزام داشته لذا فوراً ستون را به جلو حرکت داد.

فرمانده ستون اعزامی یاور دولتشاهی

نمرهٔ ۲۲-۱۰/۸/۲۳ حضور مبارک فرماندهی محترم فوج مختلط مستقل منصور دامت شوکته

در ساعت یک بعدازظهر به تپه‌های قوری قلعه وارد، دشمن با عدهٔ کثیری تمام محل‌ها را اشغال نمود ومشغول زد و خورد شده عده را در سر تپه متوقف و مشغول جنگ می‌باشم. مقرر فرمایید عده و مونیسیون [مهمات] فوراً با اتومبیل به جوانرود برسانند. عدهٔ دشمن زیاد است از ستون رزاب خبری نیست فوراً اقدام فرمایید.

فرمانده ستون اعزامی یاور دولتشاهی

جواب ذیل نمرهٔ ۶۵۳۹-۱۰/۸/۲۴ به فرمانده ستون اعزامی نوشته شد:

یاور عبدالحسین میرزا

راپورت نمرهٔ ۲۲ شما ملاحظه شد. گروهان ۴ به طرف روانسر حرکت کرده، دستور داده شد که به جوانرود بیاید. مهمات ۱۲ هزار فشنگ روسی به وسیله نایب ۱ امیر خان فرستاده شد هر قدر ممکن است زودتر قوای دشمن را در هم شکسته به طرف قشلاق حرکت نمایید.

از طرف ستون‌های رزاب و دزلی عملیات شروع شده روحیهٔ دشمن به کلی در هم شکسته شده دیگر راه هر امیدی برای او مسدود خواهدشد. پس بایستی هر قدر ممکن است در عملیات و در حملات تسریع کرده، جدیّت و سرعت به خرج داده شود و به هیچ وجه وقت به دشمن داده نشود. از طرف دیگر بایستی در حملات خود خیلی جدیّت و

سرعت کرده نگذارید که دشمن نیز موقعیتی برای خود حاضر نمایند چه مقاومت دشمن شاید تا امروز عصری باشد و این زد و خورد برای آن است که وقت مکفی برای حمل اثاثیه و لوازمات خود به دست بیاورد.
کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور
نایب سرهنگ رزم‌آرا

شرح ذیل به نمرهٔ ۶۵۶۵-۱۰/۸/۲۴ به نایب ۱ امیرخان صادر گردید:
نایب ۱ امیرخان. لزوماً متذکر می‌شود چون اردو در طرف قوری قلعه می‌باشد لذا تنها راهی که ممکن است دشمن از آن استفاده کند جادهٔ جناح چپ جوانرود موسوم به جادهٔ پاوه و ده‌تو می‌باشد چه اگر دشمن از آن جاده به طرف جوانرود بیاید ممکن است از طرف عقب جادهٔ اردو را مسدود نمایند. لذا به هر وسیله است از آن جاده تا ورود قسمت مراقبت کامل نموده دقت نمایید که مبادا به طرف عقب قسمت حرکت کرده یا بتوانند دست‌اندازی به طرف جوانرود نمایند. پس از ورود نایب ۲ مجیدی مراتب را به او خاطرنشان نمایید که مستحضر گردیده مطلع باشد و تا ورود گروهان دقت نمایید کدام نقاط برای توقف قسمت بهتر خواهد بود.
کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور نایب سرهنگ رزم‌آرا

شرح ذیل به نمرهٔ ۶۵۷۲-۱۰/۸/۲۴ به فرماندهی محترم تیپ کردستان عرض شد.
حضور محترم فرماندهی تیپ مختلط مستقل کردستان دام‌اقباله. در صورتی‌که مطابق تصمیم روز اول امر و مقرر فرمایید یک ستون از خط رزاب به طرف نودشه[1] حمله نماید عملیات سریع‌تر پیشرفت حاصل

---
۱. در اصل نوتوشه.

خواهد نمود. زدوخورد بین ستون اعزامی این فوج و عشایر تا به حال به طور سختی ادامه دارد.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور نایب سرهنگ رزم‌آرا

راپورت ذیل به ارکان حرب معظم کل قشون تقدیم گردید:

مقام منیع بندگان حضرت اجل کفالت محترم ارکان حرب معظم کل قشون دامت عظمته. با کمال افتخار به عرض می‌رساند در صورت تصویب با دولت عراق فوری مذاکرات سیاسی برای جلوگیری و ممانعت از ورود طوایف اورامانی به خاک عراق بشود چه در صورت عدم جلوگیری پس از شکست به طرف خاک عراق متواری خواهند شد. حالیه نیز قسمتی از قوای عراق در طویله می‌باشند [و] در صورت موافقت دولت عراق به سهولت نتیجه گرفته خواهد شد. راپورتاً عرض شد. ساعت ۵ عصر ۱۰/۸/۲۴، نمرهٔ ۶۵۷۳، نایب سرهنگ رزم‌آرا

مقام منیع بندگان حضرت اجل کفالت محترم ارکان حرب معظم کل قشون دامت عظمته

تعقیب نمرهٔ ۶۵۳۳-۱۰/۸/۲۴ با کمال افتخار به عرض می‌رساند پس از ۲۴ ساعت زدوخورد در مقابل قوری قلعه بالاخره قوای نظامی شکست فاحشی به قوای اورامان وارد و در نتیجه به طرف قشلاق عقب‌نشینی اختیار نمودند. قسمت نظامی عصر ۲۴ در مقابل قشلاق سه فرسنگی پاوه مجدداً با قوای اورامان مصادف و زدوخورد شدیدی در جریان است. سه نفر اشخاص ذیل عبدالله و آقا خانقاهی مقتول، یک نفر منصور بلاغی مجروح شده، نظامی یک‌نفر سرجوقه مجروح گردیده است. راپورتاً عرض شد. ساعت ۹ صبح ۱۰/۸/۲۵ نمرهٔ ۶۵۸۴

نایب سرهنگ رزم‌آرا

راپورت واصله از فرمانده ستون اعزامی

نمره ۲۳-۱۰/۸/۲۴ حضور مبارک فرماندهی محترم فوج مختلط مستقل منصور دامت شوکته. محترماً در تعقیب راپورت نمرهٔ ۲۲-۱۰/۸/۲۴ معروض می‌دارد یوم ۲۳ ساعت ۷ صبح به استقامت قشلاق با کلیهٔ عدهٔ ابوالجمعی که گروهان ۵ هم منضم آن شده بود حرکت، یک‌ساعت بعداز ظهر به ارتفاعات خیل بابا ویسی رسیده یک مرتبه از جلو در تحت آتش دشمن واقع شدیم. نظر به این‌که قوای دشمن کلیهٔ ارتفاعات یمین و یسار گردنهٔ بالای قوری قلعه و جلوی راه عده را گرفته بودند فوراً یک رسد به یکی از ارتفاعات مهم جناح راست اعزام، رسد دیگر به ارتفاع جناح چپ و با بقیهٔ عده از وسط شروع به عملیات شد. چون تمام ارتفاعات مهم سرزن دست دشمن بوده و قبلاً استحکامات تهیه نموده بودند از طرف نظامی در آن موقع حمله ممکن نمی‌شد لذا وضعیت دفاعی در ارتفاعات مقابل دشمن گرفته، در این‌وقت از طرف دشمن شروع به حمله به تمام نقاط جبهه ما شده تا مغرب سه مرتبه حملات شدید از سمت دشمن به نقاط اشغالی قسمت ما شد ولیکن موفقیت حاصل ننمودند. تلفاتی‌که مشاهده شد در روز از دشمن یک نفر بوده، موقع غروب سرجوقه علی اکبر از گروهان ۵ که در ارتفاعات جناح راست مقابل دشمن واقع شده از پایش تیرخورده ولیکن چندان مهم نبوده. دو ساعت از شب گذشته مجدداً از سمت دشمن حملات شدید از مقابل و جناح چپ شد و تا مدت یک‌ساعت ادامه داشت. توسط نورافکن وضعیت آن‌ها را روشن و تحت آتش نظامی واقع دو نفر از آن‌ها مقتول گشت و نیز تا ساعت ۹ سه مرتبه حمله به جناح راست شد سپس عقب‌نشینی به قشلاق کردند. اشخاصی‌که از دشمن مقتول و مجروح شده‌اند به شرح ذیل است: ۱. عبدالله ولد احمد قشلاقی ۲. آقا ولد قادر خانقاهی و یک‌نفر منصور بلاغی مجروح گشته است. اشخاص فوق تاکنون معلوم شده است.

وضعیات دشمن. دشمن کلیه ارتفاعات قشلاق را اشغال و استحکامات کرده‌اند.

وضعیات قسمت‌های همجوار. تاکنون از ستون‌های رزاب به هیچ وجه خبری نرسیده چنان‌چه قسمت رزاب پیش‌آمده بود دشمن قادر نمی‌شد این‌گونه استقامت در مقابل این قسمت نموده و تا این مسافت جلو بیاید زیرا محمد رشید بیگ با تمام قوای خود متوجه این قسمت شده است. از پسرهای جعفر سلطان محمود بیگ و محمد امین بیگ سردسته‌های این قسمت بودند.

وضعیت عمومی ستون ـ افراد از پیشرفت خود کاملاً خوشوقت و دارای روحیه خوب می‌باشند و عجالتاً مشغول تحقیقات از جلو هستیم که پس از به دست آوردن وضعیت دشمن به جلو حرکت نماییم. متمنی است چنانچه دیروز تقاضا شد مونسیون با اتومبیل تا جوانرود حمل شود. عزیز بیگ، رستم بیگ و حسین بیگ، اخوان وکیل [جوانرود] با ستون هستند و مشغول خدمت می‌باشند.

فرمانده ستون اعزامی و گردان ۱ یاور دولتشاهی

مهمات و لوازماتی که طرف احتیاج بود سریعاً به وسیلهٔ اتومبیل حمل و عصر یوم ۲۳ به اردو رسیده تحویل گردید. دیگر جای تردید باقی نماند که بایستی فوری اقداماتی برای پیشرفت امور شود و گروهان ۴ نیز فوراً اعزام شد.

حکم صادره به فرمانده ستون اعزامی

نمرهٔ ۶۶۱۰-۱۰/۸/۲۵، یاور عبدالحسین میرزا دولتشاهی

از آبادی‌ها که عبور می‌نمایید و متعلق به اشرار است مراقب باشید مبادا خدعه و حقه‌بازی شده، اهالی آن ترتیبات و وضعیاتی برای عقب اردو فراهم سازند.

باز متذکر می‌شوم افراد در عملیات مخصوص در ایران بایستی وضعیت‌های نزدیک دارا بوده، از یکدیگر نبایستی زیاد دور باشند بلکه اولین نکته لازم ارتباط است. بعداً راحتی افراد و روحیه آن‌ها را در نظر آورید.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور نایب سرهنگ رزم‌آرا

در ضمن یاور محمد علی‌خان اقتداری معاون فوج که برای رساندن مهمات به اردو اعزام نموده بودم عصر ۲۳ مراجعت و پس از کسب اطلاع از وضعیت اردو تحت نمرهٔ ۶۶۱۵–۱۰/۸/۲۵ مجدداً شرحی به یاور عبدالحسین میرزا صادر شد.

یاور عبدالحسین میرزا دولتشاهی. یاور محمدعلی خان الساعه مراجعت کرده وضعیت شما را کاملاً توضیح داد، مطلع گردید. مراتب [را] ذیل بی‌اندازه مهم دانسته تذکر می‌دهم:

۱. در موقعی‌که تعیین پوزیسیون یا وضعیتی می‌نمایید به هیچ‌وجه افراد را پراکنده ننموده حتی‌الامکان وضعیت‌های جمع و نزدیک به هم برای خود اتخاذ نمایید که بتوانید افراد را جمع‌آوری کرده، بتوانید اداره نمایید. پس به‌هیچ‌وجه افراد را پراکنده ننموده بی‌اندازه مراقب وضعیت و حالت افراد خود بوده. شما با روحیه افراد کار دارید اگر روحیه افراد متزلزل گردد دیگر یک‌شاهی افراد ارزش نخواهد داشت. پس در آتیه افراد را پراکنده نکرده [و] راحتی افراد را نیز در نظر داشته باشید که بی‌اندازه لازم است.

۲. در تیراندازی تا به حال خودداری شده و امساک کرده‌اند در آتیه نیز بی‌اندازه مراقبت شود.

۳. مراقب باشید که مبادا یک عملیات دوری برای محاصره شما بنمایند.

۴. کلیه مکاتبات را از اردو به وسیله آدم‌های عزیزبیک بفرستید سر به مهر چون اعزام دو نفر نظامی از اردو به شهر یا جوانرود صلاح نیست. لذا

در آتیه مکاتبات را فوری به وسیلهٔ عشایر تا جوانرود ارسال از آن‌جا به وسیلهٔ پست فرستاده شود. نظامی نیز با دو یا سه نفر فرستاده شود.

۵. ارزاق هر قدر لازم است برای خود حمل نمایید که افراد از حیث ارزاق در زحمت نباشند.

۶. دقت شود که مبادا خدعه یا عملیاتی برای خام کردن افراد یا صاحب‌منصبان بشود. در خاتمه باز متذکر می‌شود که بایستی در موقع خدمت به طوری اقدام نمایید که اقلاً افراد قسمتی در خدمت بوده قسمتی برای راحتی و بطور رزرو باقی باشند. راپورت‌های خود را سریع‌تر برسانید.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور نایب سرهنگ رزم‌آرا

در ضمن تحت نمرهٔ ۶۵۷۲-۱۰/۸/۲۴ چون زدوخورد به فرماندهی تیپ کردستان اطلاع داده شده بود تلگراف ذیل واصل، باز کاملاً مشهود گردید که فرماندهی محترم تیپ هنوز از وضعیت ستون‌ها مطلع نبوده و تصور می‌نمایند ممکن است به یکدیگر کمک نمایند، مخصوص ستون دزلی با بُعد مسافتی که دارا می‌باشد.

تلگراف فرماندهی محترم تیپ کردستان

فرمانده محترم فوج مستقل منصور، عطف به نمرهٔ ۶۵۷۲ کلیه ستون اعزامی از این تیپ در شب ۲۲ به طرف مقصد حرکت نموده‌اند و این‌که فرمانده ستون اعزامی آن قسمت راپورت می‌دهد زدوخورد شدیدی روی داده در چند فرسخی گردنه شمشیر بوده به ستون‌ها دستور داده شد ارتباط خود را دایر و کمک نمایند با آن قسمت. ساعت ۱۰/۸/۲۵،۹ نمرهٔ ۱۱۳۱؛ فرماندهی تیپ مستقل کردستان سرتیپ علی رحیمی

از طهران. فوری [۱]

کفیل فرماندهی فوج مستقل منصور. راپورت نمرهٔ ۶۵۲۹ / ۱۰/۸/۲۳ و نمرهٔ ۶۵۳۳ / ۱۰/۸/۱۴ از شرف عرض خاکپای ملوکانه ارواحنا فداه گذشت. مفاد راپرت‌های فوق که مخالف یکدیگر بوده، فوق‌العاده باعث تغیّر خاطر خطیر ملوکانه گردید زیرا شما در راپورت روز ۲۳ خودتان ورود قشون اعزامی را به قوری قلعه تصریح و تقسیمات اتباع جعفرسلطان را برای مقاومت اطلاع می‌دهید، سپس در روز ۲۴ می‌نویسید قوای اعزامی در یک کیلومتری قوری قلعه با اشرار اورامان تصادف و زدو خورد شدید شروع شده [است]. مخصوصاً مقرر فرمودند ابلاغ شود چرا در چنین موقعی که ستون مأمور وارد عملیات گردیده شما بایستی در شهر کرمانشاهان نشسته و از دور ناظر آنها باشید، برای چه خود شما شخصاً نمی‌روید سرپرستی قوای اعزامی را عهده‌دار شوید که یک افتضاحی پیش آمد نکند. کی و کدام صاحب منصب می‌تواند قوا را وارد عملیات نموده و از عهدهٔ ادارهٔ کلی آن برآید؟ چنانچه هرگونه قضایای غیر منتظره در این عملیات پیش آید مسئولیت آن به شخص شما متوجه خواهد شد. ساعت ۶ نیم عصر ۱۰/۸/۲۵ / نمرهٔ ۸۲۱۶
کفیل ارکان حرب کل قشون، امیرلشکر محمد نخجوان

از ملاحظهٔ راپورت‌های واصله و شدت عملیات و زدوخورد حاصله فوری به طرف اردو حرکت نموده [در پی] ورود به جوانرود صاحب‌منصب مأمور آن محل با یک بُهت‌زدگی و ترس فوق‌العادهٔ اطلاعات مخوف و خبر محاصره یا قتل بعضی از صاحب‌منصبان را داد و حتی راپورت نمود که جاده به کلّی قطع گردیده. از حالت این

---

۱. اصل کشف رمز تلگراف ذیل به صورت جداگانه ضمیمهٔ متن است، که در این بخش منضم شد. (و)

صاحب‌منصب که تا این حدود آشفته و از یک اطلاعات بی‌اساسی ترس نموده بود متأثر شده فوری دستور داده شد که اسب تهیه نموده و به طرف اردو عزیمت نمود.

راپورت‌های واصله

نمره ۳۳-۲۵/آبان/۱۰، ساعت ۱۲. حضور مبارک فرماندهی محترم فوج مختلط مستقل منصور دامت شوکته. الساعه در کوه‌های قشلاق شروع به جنگ شده فوراً به هر نحو است عده برسانید. دشمن زیاد است ممکن است محاصره شویم.

فرمانده ستون اعزامی یاور دولتشاهی

نمرهٔ ۱-۱۰/۸/۲۵، ۳ عصر. حضور مبارک فرماندهی محترم فوج مختلط مستقل منصور دامت شوکته. با کمال احترام معروض می‌دارد امروز از یک ساعت به ظهر الی دو بعد از ظهر جنگ سختی بین قوای فوج مختلط منصور و اکراد در نزدیکی قشلاق شروع گردیده یعنی تا دو بعدازظهر صدای تفنگ به طور خوبی شنیده می‌شد اکنون خبری نیست. در ساعت ۳ بعدازظهر راپورت فوری جناب یاور عبدالحسین میرزا دولتشاهی رسید و فوری تقدیم گردید. از اردوی کردستان در حدود پاوه و غیره خبری نیست مراتب را راپورتاً معروض داشت.

نایب ۱، امیر دادجو

مورخه ۲۵/آبان/۱۳۱۰. نایب ۱ امیرخان، به کلی ما محاصره شدیم وعده زیادی از ما زخمی و مقتول. فوراً عده بخواهید از شهر و کمک ما بفرستید. به شهر راپورت دهید و عین این کاغذ را بفرستید. یاور دولتشاهی.

ساعت ۳ بعد از ظهر وارد ارتفاعات ۴ کیلومتری قوری قلعه شده کلیه قسمت در پوزیسیون کوچکی مجتمع و روحیهٔ افراد به طور کلی خوب و رضایت بخش بود.

تا این تاریخ تیرخورده و مقتول به شرح ذیل در قسمت پیدا شده بود. مقتول، ۲ نفر؛ مجروح، ۹ نفر. جهت آن که وضعیت دو محاربه اولیه تا اندازه‌ای روشن و در نظر خواننده ثابت گردد مختصری در خصوص هریک از دو زدوخورد اولیه درج به‌طوری‌که با رجوع به کروکی تقریبی آن درک شود.

شرح گزارشات محاربهٔ اولیه ستون ۱ فوج مختلط مستقل نمره ۳ منصور در محمود بابا ویسی

روز ۲۳ آبان ۱۳۱۰ ستون ۱ فوج منصور که از دو گروهان پیاده ــ گروهان ۲ گردان ۱ و گروهان ۵ گردان ۲ ــ دو قبضه مسلسل سنگین [و] یک‌دسته سوار تشکیل یافته بود در تحت فرماندهی جناب یاور دولتشاهی، در ساعت ۸ صبح به استقامت قوری‌قلعه حرکت نمود. قبل از حرکت اطلاع رسید که دشمن ارتفاعات قوری‌قلعه را تصاحب و قوای خود را در آن‌جا تمرکز داده [است]. هنوز ستون در خط جاده برای دعای صبح توقف نموده و فرمانده محترم ستون نطق مختصری راجع به دوام و بقاء سلطنت پهلوی، ترقی و تعالی مملکت باستانی، قلع قمع اشرار و متمردین داخلی و این‌که فوج منصور در تمام عملیات پیشکوه و پشتکوه از ابتدا تا انتها شرکت داشته و کلیه یاغیان و گردنکشان آن سامان را از بین برده حال نوبت این رسیده که منطقه وسیع جوانرود و اورامان لهون را از لوث وجود اشرار که سال‌های متمادی است در پوست و گوشت این ملّت بیچاره ریشه دوانده و مانند زالو خون آن‌ها را مکیده و بیچاره‌ها را از

طریق راستی گمراه و مانع دولتخواهی و شاه‌پرستی آنان گردیده و بالاخره به راه نیستی سوقشان می‌دهند، پاک کرده و با جانفشانی و جدّیت صاحب‌منصبان و افراد رشید فوج منصور اشرار را قلع قمع نموده از بین ببریم. در خاتمه به سلامتی ذات اقدس شهریاری ارواحنا فداه هورا کشیده حرکت کردیم.

فوج منصور از ابتدای تأسیس تا این تاریخ عملیات زیاد کرده، جنگ‌های عدیده نموده و در تمام عملیات غرب شرکت داشته ولی همیشه یک مدرسه تعلیماتی و جنگی را تشکیل داده، همواره عده زیادی از تودهٔ ملّت را به سربازخانه آورده در ظرف مدت قلیلی تعلیم و تربیت کرده بالاخره آن‌ها را داخل عملیات حربی حقیقی نموده پس از خاتمه آن عده را مرخص و عدهٔ دیگری را جانشین آن‌ها نموده است. حال این عدهٔ ستون ۱ از آن افرادی بود که تعلیم و تربیت یافته و لیکن تا آن روز داخل میدان محاربه نشده بودند. اینک اشخاصی‌که میدان محاربه ابداً ندیده و یک‌مرتبه وارد میدان محاربه گشته‌اند می‌دانند در ابتدا چه تأثیراتی در وجود می‌نمایند ولی افراد فوج منصور پس از خاتمه نطق فرمانده محترم ستون و حرکت به صوب مأموریت یک روح مخصوصی داشتند که کمتر دیده شده بود.

باری ستون با اعزام تأمین‌های لازمه حرکت نموده پس از قریب به دو فرسخ راه‌پیمایی در ساعت ۱ بعد از ظهر از گردنه خسته گُلان سرازیر و به حصیر مله پلنگانه رسیدیم. در آن‌جا ستون قدری متوقف یک رسد از گروهان ۵ با نایب ۳ محمدخان دارابی از جناح راست در دامنهٔ شاهو به استقامت ارتفاع نمرهٔ ۳ حرکت و یک رسد از گروهان ۲ با معین نایب چراغعلی‌خان از جناح چپ به طرف ارتفاع نمرهٔ ۱ روانه شد و بقیهٔ ستون از جاده معمولی به استقامت قوری قلعه حرکت [کرد]. موقعی‌که جلودار ستون از بین تپه‌های نمره‌های ۴ و ۵ خارج شد یک‌مرتبه صدای طبل

شدیدی در کوه‌ها طنین‌انداز و بلافاصله تیراندازی از طرف دشمن شروع شد. قوای دشمن در روی ارتفاعات نمره‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰ که با ما قریب ۶۰۰ متر فاصله داشتند متوقف بودند [و] فوری از مواقع خود برای اشغال ارتفاع نمرهٔ ۵ با عجله تمام عده‌ای گسیل داشت و بقیه از بالای ارتفاعات به تیراندازی به طرف ما پرداختند. عدهٔ دیگر هم برای اشغال ارتفاع نمرهٔ ۳ دامنهٔ شاهو حرکت نمود.

در این‌موقع ستون به واسطهٔ جنگل‌های انبوه از وضعیت تپه‌های مرتفع جناح چپ بی‌اطلاع فقط یک رسد پهلودار از آن‌جا حرکت می‌نمود. دشمن که به خوبی وضعیت آن تپه را دانسته و از راه گرفتن آن با خبر و این را هم حس کرده بود که اگر تپه‌های نمرهٔ ۵ و ۳ را اشغال نمایند قسمت را محاصره و لطمه سختی وارد خواهد ساخت و برای این‌منظور جدیت مخصوصی به منصهٔ ظهور می‌رسانیدند و حقیقتاً هم خیالاتشان صائب بود.

در این‌موقع ستون از مقصد دشمن اطلاع حاصل عده‌ای برای حفاظت بنه تا تصمیمات ثانی در تپه نمرهٔ ۴ برقرار و بقیه عده بر حسب حکم به تپه نمرهٔ ۵ حرکت، مواقع لازمه را قبل از رسیدن دشمن اشغال و جنگ شروع شد. در همین موقع رسد جناح راست ارتفاع نمرهٔ ۳ را اشغال نموده به زد و خورد پرداخت. غروب آفتاب دشمن از تپه‌های نمرهٔ ۷، ۸، ۹، ۱۰ تیراندازی کرده و عده‌ای از آن‌ها در پناه درخت‌های جنگلی و زوایای مخفی دره برای اشغال تپه ۵ جدیت داشتند و نیز در این‌موقع عده‌ای از دشمن برای تصرف تپه نمرهٔ ۶ که به ارتفاعات خسته گُلان متصل و خط رجعت ما را تهدید می‌نمود حرکت کرد فوری یک رسد از گروهان ۵ با معین نایب چراغعلی‌خان برای اشغال ارتفاع نمرهٔ ۶ اعزام [و] قبل از رسیدن دشمن ارتفاع مذکور را اشغال نمود.

غروب آفتاب قوای دشمن حملات پی‌در پی خود را متروک و به مراکز

خود رجعت نموده تیراندازی را موقوف و هر جمعی در نقطه‌ای به مشورت پرداختند. در این موقع قسمت را فرصتی حاصل و بر حسب امر فرمانده محترم ستون ارتفاع نمرهٔ ۵ را که طول آن به ۶۰۰ متر می‌رسید و تمام آن دارای کمرها و زوایای مخفی بود پست‌بندی نموده، خطوط آتش تشکیل و تمام عدهٔ گردان وضعیت دفاعی گرفت. بنهٔ گردان‌هم از تپه نمرهٔ ۴ احضار در مرکز گردان محفوظ گردید و صاحب‌منصبان هر کدام در منطقه به مراقبت پرداختند.

در ساعت یک از شب رفته دشمن حملات خود را تجدید، از خلال درخت‌ها شروع به تیراندازی به طرف پست‌ها می‌نمودند. عده‌ای از دشمن هم که قصد تصرف ارتفاع نمرهٔ ۳ را داشت چون از ارتفاع نمرهٔ ۱۱ موفقیت حاصل ننمود به ارتفاع نمرهٔ ۱۲ تغییر موضع داده و از آن‌جا ارتفاع نمرهٔ ۳ را تهدید نموده و حمله می‌نمود. به‌طور کلی مدت دو ساعت به تمام جبهه حمله می‌نمودند پس از یأس کامل از موقعیت خود به سنگرهای روزانه خود عقب‌نشینی نمودند. در نتیجه یک‌نفر از رسد مدافع نمرهٔ ۳ مجروح گردید و طبق اطلاع حاصله یک نفر هم از دشمن مقتول می‌گردد. روز ۲۴ چون کلیه گردان ازصبح ۲۳ تا آن‌موقع در زد و خورد و شب را تا صبح در زحمت و بی‌خوابی و بدون غذا بسر برده بود لذا به حال مدافع در مواقع خود باقی و برای اکتشاف از وضعیت دشمن اقدام نموده ضمناً راپورت قضایا را به عرض رسانید. روز بدون حادثه گذشت.

شب در ساعت ۸ معاون محترم فوج با نایب ۱ امیرخان دادجو و چندین جعبه فشنگ وارد گردیدند. از ورود ایشان معلوم شد که فرماندهی معظم فوج دامت شوکته به محض اطلاع از حادثه فکرشان ناراحت و چون فطرتاً از ناراحتی صاحب‌منصبان و افرادش همیشه دلخور و متأثر می‌گشتند حال در چنان موقع باریکی که برای گُردانش پیش‌آمد

کرده طاقت نیاورده معاون محترم فوج را برای مشاهده وضعیت به این نقطه اعزام فرموده‌اند. در آن شب هم تا صبح از طرف دشمن برای خرابی روحیه قسمت نظامی یکی دو مرتبه به طرف پست‌ها آمده تیراندازی می‌کردند. صبح ۲۵ کلیه عقب نشینی کرده به‌طوری‌که آثاری از آن‌ها در ارتفاعات مشاهده نمی‌شد.

وضعیت و استعداد طرفین: عده دشمن به چهار صد نفر بالغ و کلیه نقاط مهمه را در دست داشت با شناسایی کامل به اراضی. استعداد حربی یا بیشتر عده کمتر از نقاط و مواقع مهمه به واسطه آشنا نبودن به وضعیت محل بی‌اطلاع و اگر پنج دقیقه دیرتر اشغال ارتفاعات نمرۀ ۵ و ۳ برای ما میسر نمی‌شد ستون در موقعیت خطرناکی واقع و لطمات شدیدی را در بر داشت. ولی افراد رشید فوج منصور با روح شهامت و شجاعت موفق به شکست دشمن گشته و دشمن را تا مسافت زیادی به عقب راندند. نایب ۲ محمدخان سهائی

شرح محاربه ثانوی ستون ۱ فوج مختلط مستقل نمره ۳ منصور در ارتفاعات قوری‌قلعه

روز ۲۵ آبان‌ماه ۱۳۱۰ در ساعت ۹ صبح برای ادامۀ پیشروی یک رسد از گروهان ۲ از تپه نمرۀ ۵ به استقامت ارتفاعات نمرۀ ۲، ۶ و ۱۰ حرکت نمود و یک رسد با معین نایب چراغعلی‌خان از گروهان ۱ برای حفاظت جناح چپ از روی ارتفاعات به قصد اشغال ارتفاعات نمرۀ ۱۷، ۱۸ و ۱۹ و تأمین جاده رهسپار شد و یک رسد از گروهان ۵ با نایب ۳ محمدخان دارابی از ارتفاع نمرۀ ۳ در دامنه شاهو به استقامت [ارتفاعات نمرۀ] ۱۴، ۱۳ و ۱۲ حرکت نمود. بقیه ستون از جاده به‌طرف قوری‌قله پیشروی نمود. سلطان حسین‌خان قبل از اطلاع دشمن به ارتفاع: ۱۰ رسیده متوقف شد نایب ۳ محمدخان که مأموریت داشت در دامنه ارتفاعات

شاهو که به ارتفاعات بالای قوری‌قلعه در جناح راست ستون متصل می‌شود حرکت نماید پس از ورود مومی‌الیه به ارتفاعات مذکور، دشمن که ارتفاع نمرهٔ ۱۰ را در دست قوای نظامی دید برای اشغال نقاط سرزن به ارتفاع مذکور با سرعت تمام از دامنه شاهو حرکت و ارتفاعات نمرهٔ ۱۵، ۱۴ و ۱۲ را تصرف نمود. علی‌هذا رسد مذکور که ارتفاعات منظوره را در دست دشمن مشاهده کرد خط سیر خود را تغییر داده به استقامت ارتفاع نمرهٔ ۱۳ تغییر سمت داد.

با ورود رسد مذکور به ارتفاع ۱۳ در تحت تأثیرات شدید آتش دشمن از ارتفاعات نمرهٔ ۱۴ و ۱۲ واقع گردیده جنگ شروع شد. در این‌موقع ستون تازه می‌خواست از درهٔ قوری‌قلعه خارج شود [که] بر حسب حکم فرمانده محترم ستون نایب ۲ محمدخان سهائی با عده‌ای خود را به سرعت‌به ارتفاع نمرهٔ ۱۶ رسانید. رسد جناح چپ به واسطهٔ نداشتن ارتباط پس از عبور از ارتفاعات نمرهٔ ۱۷ و ۱۸ تغییر سمت داده به ارتفاع نمرهٔ ۱۶ و از آن‌جا در ارتفاع نمرهٔ ۱۱ موقعیت گرفت. قوای دشمن برای محصور نمودن ستون پس از اشغال ارتفاعات نمرهٔ ۱۵، ۱۴ و ۱۲ به ارتفاعات [نمرهٔ] ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۸، ۷ و ۶ گسیل و جنگ شدید شروع شد. جبههٔ ستون در این موقع قریب به ۱۰۰۰ متر رسیده بود زیرا ستون در حال راهپیمایی داخل جنگ شده بعد هم وضعیت جنگ و حملات دشمن از هر طرف به حدّی شدید بود که فرصت کوچک کردن جبهه را نداده و هر قسمتی در هر جایی به زدوخورد مشغول بود.

در ساعت $4\frac{1}{2}$ بعد از ظهر فرمانده محترم ستون با آتش مسلسل و پیاده که در ارتفاع نمرهٔ ۱۰ متوقف بود موفق شدند رسد متوقف در نمرهٔ ۱۳ را تقویت و او را از مخمصه نجات دهند. لذا رسد مذکور در حال محاربه خود را به دامنه ارتفاع نمرهٔ ۱۰ رسانید. نظر به این‌که دشمن ارتفاعات

سرزن اطراف تپهٔ نمرهٔ ۱۶ را اشغال و به پیشروی خود ادامه می‌داد و بیم قطع ارتباط بین قسمت‌های جزء ستون می‌رفت و عدهٔ متوقف در تپه نمرهٔ ۱۶ کافی نبوده و موقعیت خوبی نداشت و دشمن هم برای اشغال آن سماجت می‌نمود و موقعیت نمرهٔ ۱۱ هم برای حفظ جناح مهم و استعداد مدافعتی آن غیر مکفی و بدون سرپرست بود در ساعت ۵ حسب‌الامر فرمانده ستون نایب ۲ محمدخان سهائی که با یک رسد پیاده و یک قبضه مسلسل در ارتفاع نمرهٔ ۱۶ بود به ارتفاع نمرهٔ ۱۱ تغییر موضع داد.

در این موقع وضعیت جنگ به طوری شدید بود که کلیه ستون در محاصره واقع و از هر طرف باران گلوله می‌بارید. حتی فرصت تهیه سنگر و سر پناه هم برای نظامیان غیرمقدور و قوای دشمن از مسافت نزدیک با کمال جسارت از خلال درخت‌ها تیراندازی نموده و در پناه کمرها پیش می‌آمدند و چون دشمن قصد دست بُرد به بنه که در بین [نمره‌های] ۱۱ و ۱۰ بود داشت و حرکت خود را بدان صوب متوجه نمود لذا یک رسد از گروهان ۵ برای جلوگیری از تجاوزات دشمن و حراست بنه به کمر نمرهٔ ۹ روانه گردید.

رفته رفته روز تمام و تاریکی شب پدیدار و فرصتی برای ستون حاصل شد که عده‌های متفرقه خود را جمع و تشکیل خطوط آتشین داده، برای دفاع از حملات متواترهٔ دشمن حاضر گردد. در این موقع دشمن هم تمام کمرهای اطراف سنگرهای ما را اشغال و از خلال درخت‌ها به تیراندازی و زدوخورد مشغول و جدیّت می‌نمود که مواقع ما را تصرف نماید. این وضعیت تا ساعت ۲ بعد از نصف شب ادامه داشت و نظامیان با کمال جدّیت و جانفشانی حملات آن‌ها را دفع و در حفظ موقعیت خود می‌کوشیدند. در ساعت ۲ بعد از نصف شب دشمن با یأس کامل از موقعیت خود تیراندازی را قطع و عقب‌نشینی اختیار نمود.

با مراجعه به شرح محاربه فوق‌الذکر بی‌مناسبت نیست که قدری در

اطراف عملیات نظامی در این جنگ قلم‌فرسایی نموده و مشاهدات خود را مختصراً تبیین نمایم. هرچند به نظر اشخاصی‌که در محاربه نبوده‌اند مشروحات بنده دلیل بر خودستایی و تهور قسمت نظامی ستون ۱ در آن جنگ می‌گردد ولی از آن‌جایی که شرح ذیل به طور یادداشت نوشته می‌شود قارئین چنین تصوری نخواهند فرمود.

کلیهٔ عده ستون ۱ که در این جنگ شرکت داشتند ۳۵۰ نفر می‌شد و این جنگ دومین عملیات حربی بود که برای افراد ستون پیش‌آمد کرده بود. عدهٔ ستون از صبح ۲۳ تا صبح ۲۶ تمام را در زد و خورد یا بی‌خوابی، فرسودگی [و] بی‌خوراکی دست به گریبان [بود] زیرا وضعیت جنگ فرصت طبخ غذا، تهیه نان و استراحت برای ستون نمی‌داد. قوای دشمن دو برابر عدهٔ ستون بود. کلیه ارتفاعات و مواقع مهمه را که می‌شد از آن استفاده جنگی نمود در دست دشمن و بلدیت کامل داشت به وضعیت اراضی و چون ابتدای عملیات بود حرارت دشمن بی‌اندازه زیاد وسعی بلیغ برای از بین بردن عدهٔ ستون می‌نمود. با ترتیبات فوق عدهٔ نظامی ستون ۱ در مدت سه شبانه‌روز در مقابل حملات شدید دشمن از هر طرف ایستادگی و جان‌فشانی نموده حملات او را دفع و بالمآل به دشمن جسور ثابت نمود در مقابل قشون نیرومند ایران و تصمیمات بندگان اعلی‌حضرت پهلوی ارواحنافداه عرض اندام کردن غلط محض و به دیار نیستی رهسپار می‌شوند.

مقتولین در جنگ از نظامی دو نفر، از دشمن آنچه ملاحظه شد پنج‌نفر. مجروحین از نظامی نه نفر از دشمن پنج نفر.

روز ۲۶ در ساعت ۳ بعد از ظهر فرماندهی معظم فوج پس از شنیدن قضایای جنگ برای مشاهده وضعیت به اردو در ارتفاعات قوری قلعه تشریف فرما شده، افراد را بازدید اظهار لطف و مرحمت به صاحب‌منصبان و افراد ستون فرموده رضایت کامل از عملیات ستون ۱

ابـراز، مـجروحین را بـازدید [و] نـوازش فـرموده و بـالاخره خسـتگی و فرسودگی عدهٔ ستون را تا آن ساعت مرتفع و ریاست اردو از آن روز بـا حضرت معظم له گردید.

نایب ۲ محمد سهائی، کفیل گروهان ۵ فوج مستقل منصور

فصل سوم

تجدید سازمان

پس از ورود و ملاحظه وضعیت اولین اقدام کسب اطلاع از اطراف و وضعیت اشرار بود. متأسفانه در این منطقه به واسطهٔ ارتباط و یگانگی و اتحاد مذهبی کمتر ممکن بود که حتی یک کلمه از اهالی نشر کرده یا کوچکترین مطلبی را از وضعیت اشرار اطلاع دهند و تمام عدم امکان عمل روی این اصل بود چه بدون کسب کمترین اطلاع، اقدام به هر عملی خبط و نتیجهٔ آن غیرمعین بود.

یوم ۲۷ مطابق حکم عملیاتی ۱ عمل شده[۱] و قسمت بدون سانحه وارد ارتفاعات شمال شرقی قشلاق تَنجَرِه شد. ولی در همان لحظه ورود از روی ارتفاعات مقابل موسوم به تَوانْه‌بُری قسمتی از اشرار متجاوز از پانصد نفر ملاحظه شد که برای خود استحکامات تهیه کرده و مشغول مراقبت بودند. پوزیسیونی که اخذ شده بود بی‌اندازه خوب و محکم بود و ارتفاعات جلو به طوری‌که در کروکی نمره_[۲] ملاحظه می‌شود از طرف

---

۱. از بدو استقرار رزم‌آرا در منطقه و احراز فرماندهی مستقیم ستون اعزامی، او برای هدایت عملیات در مجموع بیست و شش حکم عملیاتی صادر کرد که همگی در بخش پایانی این کتاب آمده‌اند. (از صفحهٔ ۱۴۶ به بعد).

۲. جای خالی در اصل. ولی احتمالاً منظور کروکی شمارهٔ ۱ است که در انتهای این مجموعه ضمیمه شده است.

اشرار تصرف و عبور از آن به سهولت مقدور نبود. بدبختی دیگر آن که چون قاطر مکاری به اندازهٔ کفاف نبود در هر تغییر مختصری لازم بود فوری قاطر برای حمل ارزاق اعزام و عملیات به حال وقفه باقی بماند. پس از تحقیقات کامل چنین استنباط شد که شاهو دارای راه‌های متعدد و ممکن است از رأس شاهو عبور نمود و چون منظور اصلی این بود که به اتکاء شاهو عملیاتی انجام گیرد لذا حکم عملیاتی برای اقدام از شاهو صادر گردید.

فرمانده گروهان ۲ در لیله‌_[۱] برای اجرای امر حرکت ولی صبح در موقعی که گروهان ۵ از خط تنجره پایین آمده و می‌خواست مشغول پیشروی گردد گروهان مراجعت و راپورت داد که به واسطهٔ برف زیاد موفق به عبور از معابر شاهو نشده‌ام در صورتی که مسافت از محل پوزیسیون تا نقطهٔ مذکور دو فرسنگ و اگر موفق شده بود و از همان محل راپورت نموده بود ممکن بود که اقداماتی فوری به عمل آمده عملیات به حال وقفه باقی نماند. ولی به محض ملاحظه گروهان ۵ که از دشت سرازیر شده بود فوری اشرار کلیه ارتفاعات توانه‌بُری مشرف به شاهو را اشغال و مشغول تیراندازی گردیدند. چون این اقدام و عمل برای اردو مثمر ثمر نبود لذا موفق به اجرای حکم عملیاتی نشده و به اضافه از همان شب اشرار همه شب اطراف اردو آمده شروع به تیراندازی نمودند. با تمام تعلیمات و فشاراتی که به افراد برای تیراندازی ننمودن شده بود مع‌هذا به کمترین صدا، صدای چندین تفنگ بلند شده و هیچ نحو مقدور نبود صاحب‌منصبان و وکلا را از معایب و مضرّات این‌گونه تیراندازی‌های بی‌مورد مطلع ساخت. چه در صورتی‌که پست‌ها قوی باشند و مراقبت تام تمام در هر محل به عمل آید بایستی کشیکچی مراقب بوده پس از آن‌که دشمن را در مسافت خیلی نزدیکی ملاحظه کرد مورد اصابت تیر قرار

---

۱. جای خالی در اصل.

دهد یا آن وقت تیراندازی نمایند که اثرات تیر او محفوظ و از تیراندازی خود نتیجه حاصل نماید والاّ تیراندازی بی‌مورد نشانهٔ ترس و هراس افراد بوده، اسباب تجرّی اشرار یا طرف می‌شود. همین مطلب کاملاً به ثبوت رسید زیرا هر شب برای مشغول کردن قسمت عده‌ای به اطراف آمده و تیراندازی کم و بیش مداومت داشت. در صورتی‌که اگر در شب اول دو نفر از اشرار مقتول شده بود بدیهی است این‌مطلب رخ نمی‌داد و اشرار به‌هیچ‌وجه قادر نبودند نزدیک شده اظهار حیاتی نمایند.

در ضمن از وضعیت افراد و طریقهٔ حمله اشرار بدین قسم نتیجه گرفته شد که تهیه نقاط اتکاء چه از لحاظ اطمینان به قوای نظامی و چه از لحاظ مراعات راحتی و آسودگی افراد بهتر خواهد بود. چه جای تردید نیست کادر قشون فعلی ضعیف و [از] گماردن جوقه‌ها آن قسمی که لازم بود اطمینان حاصل نشده و به اضافه در موقع سانحه کمک‌رساندن فوری برای این قسمت‌های کوچک قدری به طول انجامیده و ممکن بود زحماتی ایجاد نماید. لذا مطابق همین نظریه برقراری نقاط اتکاء را بهترین طریق دیده و در مقابل حملات شبانه اشرار برقرار و در نتیجه مراقبت زیادتر و راحتی افراد بیشتر مراعات شد. بالاخره پس از مطالعه کامل اراضی و اطلاع از این‌که عبور از توانه‌بری ممکن است تولید زحماتی نماید لذا حکم عملیاتی نمرهٔ ۳ تهیه و بر طبق آن عمل شد. اجرای این حکم و اخذ نتیجه بی‌اندازه خوب و رضایت‌بخش بود مخصوصاً حرکت گروهان ۲ که با یک سکوت فوق‌العاده‌ای بدون سروصدا و جلب توجهی انجام گرفته شد و بدیهی است فرمانده قسمت دقّت کامل در این موضوع نموده بود چه عملیات در شب موقعی ممکن است منتج نتیجه گردد که کلیه اقدامات بی سروصدا و هیاهو انجام گرفته و بهیچ‌وجه جلب توجهی از دشمن نشود.

ولی مطلب قابل توجه و موضوع قابل ذکر عدم توجه فرماندهان به بار

و بنهٔ قسمت‌های مربوط خود بود. با آن که قاطر مکاری خیلی کم و معدود و به اضافه در روز تقسیمات قاطرها را نموده و به کلیه فرماندهان قسمت سابقه داده شده بود به هیچ‌وجه هیچ‌یک از آن‌هاحساب بارهای خود را نکرده و حتی رسیدگی ننموده بودند در نتیجه عده‌ای از افراد راحت‌طلب نیز کوله‌پشتی‌های خود را در بار گذارده یا قسمتی از اثاثیه [را] در بنه گروهانی قرار داده و از این عدم مراقبت، فرماندهان قسمت سوءاستفاده نموده بودند در صورتی‌که یکی از وظایف فرماندهان قسمت است که مسئول مخصوصی برای بنه قسمت خود تعیین کرده مخصوصاً همیشه قبل از حرکت شخصاً بنه را بازدید [و] نواقص آن را مرتفع نمایند. چه در صورت نامرتب بودن وکیل‌باشی یا مسئول دیگری که برای این‌منظور تعیین شده نخواهند توانست اقدامی کرده، بنهٔ قسمت را حرکت دهد. به اضافه وقتی که از طرف فرمانده قسمت نسبت به بنه عطف توجهی نشد همین عدم مراقبت در وجود وکلا نیز مؤثر شده رسیدگی نخواهند نمود. وضعیات ۱۲ آذرماه به خوبی صحت این‌مطالب را ثبت می‌نماید. در صورتی‌که حکم عملیاتی قبلاً صادر و حتی به مأمورین بنه اکیداً امر شده بود که بایستی بنه در ساعت شش صبح حاضر حرکت باشد باز مکرر مأمور مخصوص اعزام شد که اگر نواقصی باشد مرتفع گردد ساعت دو بعد از نصف شب مأمور بنه حاضر و راپورت می‌دهد که هیچ‌یک از مال‌ها دارای کفه و قلابه نیستند. مؤاخذه شد معلوم نشد به چه مناسبت این نقص و کسری را قبلاً راپورت نداده و حال متذکر شده‌اند. در هر حال فوری امر شد که هر قسمت طناب‌های چادرها را باز کرده کفه و قلابه برای حمل بنه خود تشکیل دهد.

صبح ساعت پنج تصور می‌کردم قسمت حاضر و بنه‌ها نیز بار شده مخصوصاً برای سرکشی بنه حرکت معلوم شد اساساً هیچ‌یک از وکلای مسئول بارهای خود را حاضر نکرده و به‌هیچ‌وجه نتوانسته‌اند بارها را بار

و حرکت دهند. با تمام زحمات مدت چهار ساعت طول کشید که هفتاد رأس قاطر را بار نموده و حاضر حرکت گردید. این طول حرکت زیادی تولید و صدمات دیگری برای اردو تهیه کرد چه اگر در همان ساعت حاضر و فوری انجام گرفته بود حتی می‌توان حدس زد که توقف نوزده روز دیگر صورت نمی‌گرفت ولی همین قطع حرکت و دیر رسیدن به موقعیت اسباب بیداری و هوشیاری اشرار شده مانع از اخذ موقعیت‌هایی در جلو گردید. مسئولیت این‌گونه امور فقط و فقط به عهدهٔ فرمانده واحد است که بایستی تمام مطالب را پیش‌بینی کرده همان عصر دستور دهد بارهای قسمت را حاضر کرده، تثبیت نموده و صبح به سهولت بتوانند حرکت نمایند و این‌گونه گرفتاری‌ها برای فرمانده مافوق خود برای حمل بنه مختصری ننمایند.

ساعت سه بعدازظهر وارد ارتفاعات اُوتَهْ شده تمام قسمت در ارتفاعات شمال غربی قشلاق متمکن که پوزیسیون یکی در لِغْوُگیر و دیگری در اُوْتَهْ اشغال شده بود. به محض گرفتن لغوگیر از طرف اشرار شروع به تیراندازی شده در نتیجه دو نفر از اشرار مجروح و تا حدودی به روحیهٔ آن‌ها لطمه خورده تیراندازی آن‌ها تسکین یافت. ولی قوای اشرار با محمدرشید بیک عصر همان روز از گردنه شمشیر سرازیر چون تصور می‌رفت که تمام به طرف لِغُوْگیر متوجه شده‌اند یادداشتی به فرمانده گروهان ۲ داده شد که لغوگیر را تخلیه و به‌طرف اوته آمده موقعیت محکمی اخذ شود. ولی به محض مراجعت به عقب ملاحظه‌اش که اصالتاً لغوگیر مهم و قابل توجه است فوری شرحی نوشته شد که در موقعیت خود باقی بماند و مخصوصاً توسط سوار ارسال شد که زودتر از یادداشت اولیه برسد. فرمانده قسمت خبط غریبی را مرتکب یادداشت دومی را که سوار برده بود اخذ درهمان موقع قاصد اولی یادداشت اول را به او می‌دهد مشارالیه بدون تأمل به فکر آن‌که تخلیه نماید قسمت را

جمع‌آوری و از پزیسیون خود سرازیر شد. چون در این موقع برای سرکشی موقعیت گروهان ۵ رفته بودم رجعت گروهان را ملاحظه و از همان ارتفاع امر شد فوری مراجعت نمایند به هر نحوی بود فوری قسمت به موقعیت اولیه خود عودت نمود.

در این قسم مواقع فرمانده قسمت که مسئولیت یک پزیسیون و نقطه‌ای را داراست و از اهمیت آن کاملاً مطلع است در صورت وصول دو یادداشت متضاد در صورت تردید در تاریخ بایستی فوری سؤال کرده دستور مخصوصی برای اقدام اخذ نماید.

پس از برقراری موقعیت‌های لازمه چون از حرکت توپخانه اخاسیوس اطلاع حاصل نشده بود فوری دستور داده شد که حمل نموده سریعاً برسانند که عملیات از این محل با صدا و آتش توپخانه (هرقدر که اخاسیوس‌های کوهستانی غیرقابل توجه بود) انجام گیرد.

پس از ورود به ارتفاعات اُوْتَهْ کاملاً لزوم برقراری نقاط اتکاء ثابت گردید چه در نقاط کوهستانی گماردن پست‌های مستحفظی کوچک اسباب تردید خیال فرمانده واحد بوده به محض استماع اول تیر فشنگ افکار او متزلزل خواهد گشت چه در بدو امر معلوم نیست تیراندازی یا تخطی به طرف کدام پست شروع شده که کمک به آن برساند ولی برقراری نقاط اتکاء فرمانده واحد را کاملاً از این حیث آسوده خیال خواهد ساخت چه یک رسد با دارا بودن پنجاه و یک نفر افراد و دو مسلسل کوچک به خوبی قادر به تشکیل نقطه اتکا بوده و به اضافه راحتی افراد را کاملاً مراعات نموده در صورت لزوم فوری ممکن است کمک لازم به طرف رساند.

در اُوْتَهْ وضعیت دفاعی مطابق کروکی نمرهٔ[1] اتخاذ گردید و فوری به

---

۱. در اصل بدون شماره. رجوع شود به کروکی شمارهٔ ۱ در انتهی کتاب.

جوانرود تأکید گردید که در حرکت دادن توپخانه و قسمت متوقف آن‌جاتسریع شود. در ۷ آذرماه دو نفر سوار وارد و راپورت داد که یاور باقرخان با توپخانه وارد خواهد شد. ورود آن شبِ قسمت کاملاً این‌جانب را متوجه به نقیصه‌های عمدهٔ قوای نظامی و بی‌اطلاعی و کم دقّتی صاحب‌منصبان نمود. چه جای تردید نیست در هر نقطه قوای نظامی در مقابل قوای عشایری متواری شده، شکست خوردند به واسطهٔ عدم مراقبت صاحب‌منصبان و مسئولین قوای نظامی می‌باشد و در این اردوکشی نیز کراراً این مطلب ثابت گردید. چه هر قدر به صاحب‌منصبان عواقب وخیم عدم مراقبت گوشزد می‌گردد کمتر متنبه گردیده و اگر دقتی شود فقط در ظاهر [و] برای جلوگیری از مؤاخذات وارده است ولی عمقاً آن دقّت [را] که لازم است در امور مرعی نمی‌دارند.

در ساعت ۷ بعد از ظهر نایب ۲ علی‌خان وزیری وارد، افراد گروهان مشارالیه تک تک پدیدار شده لهذا پس از مدتی توپخانه و مسلسل بار بار به اردو وارد و به طور خلاصه ورود یک گروهان پیاده، یک رسد مسلسل و یک دستهٔ توپخانه کوهستانی اخاسیوس از ۷ بعدازظهر تا ساعت ۱۲ روز بعد به طول انجامید. حتی قسمتی راه را گم کرده از پست‌های اطراف وارد اردو گردیدند. تمام خبط ناشی از آن است که فرماندهان مسئول قسمت، راه‌پیمایی را کم اهمیت شمرده افراد ابوابجمعی خود را مثل دانه تسبیح قرار می‌دهند. در صورتی که این چنین قوا در مقابل ده نفر تاب مقاومت نیاورده و چهار نفر آدم بی سر و پا مکفی برای در هم شکستن آن می‌باشند. در صورتی‌که اگر نیم‌ساعت توقف نموده بودند و کلیه افراد بنه را جمع‌آوری می‌نمودند ممکن بود که کلیه قسمت یک مرتبه وارد شده یا فرضاً اگر مال‌ها قادر به حرکت نبودند در محلی توقف کرده شرحی به فرمانده اردو نوشته در خواست کمک می‌نمودند. متأسفانه این‌گونه افکار در مغز صاحب‌منصبان کمتر نشو و نما کرده به همان عجله و سرسری

کارکردن مایل هستند امور را بگذرانند و در روی همین اساس اکثراً بدبختی‌های غیرقابل جبرانی برای خود و فرمانده مربوطه تهیه می‌نمایند.

اهالی آبادی‌های عرض راه مخصوصاً قوری‌قلعه که از طرز حرکت نظامیان به این اسلوب مطلع شده بودند فوری مراتب را به محمدرشید بیک پسر جعفر سلطان اطلاع و حتی اظهار می‌دارند با قوای کمکی ممکن است خط رجعت این قوا را مسدود نمود. این راپورتِ فوری عصر رسید و نایب ۱ علیرضاخان صاحب‌منصب سوار را احضار [و] به او خاطرنشان کردم که برای حرکت دادن بنه بایستی اسکورت مکفی اعزام نموده بی‌اندازه مراقب راه باشد که مبادا دچار حملاتی گردند. و شرح ذیل به نمرهٔ ۶۹۱۱ به نایب ۱ علی‌رضاخان نوشته شد:

نایب ۱ علی‌رضاخان. به طوری که اطلاع می‌دهند گویا عده‌ای از اشرار در بین راه آمده‌اند و مانع ارتباط فوج و عقب گردیده لازم است برای رسانیدن ارزاق خود شما با کلیه افراد آن هم با کمال دقّت و مراقبت حرکت کرده خیلی خیلی زود حرکت نمایید که به هیچ‌وجه وقت داده نشود در نقاطی توقف کرده قطع رابطه شما را نمایند. لازم است برای رساندن ارزاق با قسمت مکفی حاضر و حرکت کنید که اگر مقاومت شود با کمال جدّیت ایستادگی کرده بتوانید اشرار را مضمحل کنید و راه اردو از همان راه منزل خلیفه می‌باشد از راه‌های دیگر حرکت نشود.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور نایب سرهنگ رزم‌آرا

این مطلب کراراً به صاحب‌منصب مذکور خاطرنشان شد و چون مصمم بودم یوم ۸ حملاتی شروع نمایم این بود که فوری قاطرهای بنه را گرچه خیلی کم بود برای حمل ارزاق با صاحب‌منصب فوق‌الذکر اعزام و تأکید شد که در حمل ارزاق تسریع شود.

یکی از صفات مهم و قابل توجهی که بایستی در صاحب‌منصبان و افراد قشونی وجود داشته و هر لحظه در آن دقت نمایند راست‌گویی و مکتوم نداشتن حقایق است. چه فرمانده ما فوق را بایستی از کلیه کیفیات و گزارشات مستحضر نموده و گزارشات مهمه را با نظریات شخصی که در ضمن عمل پیدا می‌شود راپورت نمود که حقایق در نظر مافوق مکتوم نمانده و با مراجعه به آن بتواند راه صحیح برای گزارشات قائل گردد. جای تردید نیست که مطالب معروضه و راپورت‌های تقدیمی تمام حامل و حاوی مطالب خوش نبوده ممکن است حاوی بعضی مطالب میشوم نیز باشد. در ضمن برای اطلاعات معروضه بایستی از نقطه نظر اهمیت و درجه صحت طبقات و تقسیماتی قائل شده و مخصوصاً در راپورت ذکر شود. چه حقایق اگر به واسطهٔ پیش‌آمدهایی آناً در نظر رؤسای مافوق ثابت نشود پس از مدت قلیلی صحت آن مشهود شده و اهمیّت خود را ثابت خواهد نمود.

با شناسایی کامل که در ضمن دو سه روز توقف بـه حـال فرماندهی تیپ کردستان حاصل نموده بودم و با سابقهٔ کاملی که از فرماندهان ستون کردستان داشتم و به اضافه استماع اخبارات واصله از آن حدود خیال من از طرف تیپ کردستان به‌کلی مشوش و از اقدامات بی‌اساس آن‌ها غمناک بودم تا در یوم ۱۰/۹/۸ تلگراف ذیل واصل گردید.

کفیل فرماندهی فوج مستقل منصور. مفاد تلگراف تیپ مستقل کردستان تلواً برای اطلاع شما مخابره می‌شود:

[۱] قوای عمدهٔ اشرار در نوسود و حانی‌گرمله نودشه مقارن ستون‌های تیپ و به واسطهٔ اهمیت این مواقع قادر نبودند قوای عمده خود را از ده فرسخی راه به طرف ستون قلعه قشلاق اعزام دارند. اگر لیله ۲۵ که برای

تعرض تعیین شده بود ستون مزبور با هموار بودن جاده و نداشتن موانع طبیعی و بُعد مقصد تا مرکز اشرار [را در] گردنه شمشیر اشغال نموده [بود] مرکز [اشرار] مجبور به تخلیه محل [و] عقب‌نشینی بودند. متأسفانه آن ستون از روانسر به قشلاق را هفت روزه راه پیموده در صورتی‌که ستون‌های تیپ با پیمودن هشت فرسخ در کوه‌های صعب‌العبور شب ۲۵ نقاط معین را به هر ترتیب بوده اشغال نموده لکن تأخیر در حرکت و معطل شدن برای عملیات قوری‌قلعه که سه چهار خانمان چوپان بیش منزل نداشته موجبات تجرّی اشرار گردیده

۲. آذوقه آن‌ها به گفتهٔ فرمانده فوج یک ماه تأمین، از کرمانشاهان هم یک ساعت اتومبیل به روانسر می‌رود. به علاوه در جوانرود هم به قرار اطلاع همه چیز تهیه می‌شود و جای نگرانی نیست.

۳. شب عملیات ۲۱ بنا بود، به تقاضای فوج منصور [به] لیله ۲۵ موکول که ستون آن فوج گردنه شمشیر را متصرف به پاوه ورود خود را به وسیله قاصد با مفتاح ذات‌البین به این‌جانب و ستون‌ها اطلاع بدهد زیرا که تأسیس ارتباط [و] تعیین پست بین آن ستون و ستون‌های تیپ با بُعد مسافت [و] وضعیت کوهستانی محل با یک فوج هم میسر نیست. ستون موعود هم که موظف بوده عملیات قوای قوری‌قلعه را اطلاع دهد، مدافعین چه اشخاصی و چند نفر وضعیت عملیاتی آن ستون چه بوده که [به] ستون‌های تیپ و خود بنده هم معلوم شد که هنوز اطلاعی نداده از فرمانده فوج هم که سؤال شده هنوز جواب نرسیده در صورتی‌که طبق اطلاع باید اقدامات لازمه به عمل آورد. اگر ستون به این منوال بگذرد، عملیات طولانی، نفرات خسته، تلفات زیاد و اشرار جری‌تر خواهند شد. هر قسم است باید پاوه را جلو بروند. چنانچه اشرار قوای خود را متوجه آن ستون سازند قطعاً قراء نوسود حانی‌گرمله نودشه اشغال [و] اگر قوائی جلو آن ستون نفرستند در این‌صورت پیشروی ستون اشرار مقدور

خواهد شد. خاتمتاً اگر یک نفر صاحب‌منصب از مرکز اعزام وضعیت جاده و طرز عملیات آن ستون و موقعیت‌های سخت کوهستانی پر برف این دو ستون را تحت مطالعه گذارد معلوم خواهد شد کدام قسمت به سهل‌انگاری گذرانده است.انتهی

ساعت ۶ نیم عصر ۱۰/۹/۳، نمرهٔ ۸۴۹۴

کفیل ارکان حرب کل قشون امیر لشکر محمد نخجوان

جواب تحت نمرهٔ ۶۹۲۶ـ ۱۰/۹/۸ عرض شد

مقام منیع بندگان حضرت اجل کفالت محترم ارکان حرب معظم کل قشون دامت عظمته. عطف به نمرهٔ ۸۴۹۴ با کمال افتخار به عرض می‌رساند. راپورت فرماندهی محترم تیپ کردستان به کل بی‌مورد است زیرا در موقع تبادل افکار در کردستان مقرر گردید که سه ستون یکی از کرمانشاهان در دیرکسیون [جهت] پاوه دیگری از رزاب به دیرکسیون گردنه ورزلین[1] وستون دیگر از دزلی در دیرکسیون حانی‌گرمله حرکت نماید. اصالتاً در موقع عملیات خط سیر ستون گردنه ورزلین[1] را تغییر داده به اضافه تاریخ عملیات را قبلاً فرماندهی محترم تیپ کردستان یوم ۱۷ اطلاع دادند برای لیله ۲۱ که گردنه شمشیر اشغال گردد در صورتی‌که مسافت از کرمانشاهان تا جوانرود پانزده فرسنگ و از جوانرود تا شمشیر شش فرسنگ است طی آن در چهار روز مقدور نبود زیرا کلیه اورامانی‌ها با ارتباطی که در کرمانشاهان دارند از جزئیات مطالب با خبر و از حرکت عده مطلع بوده و از همان روز حرکت آن‌ها مواقع خود را مستحکم کرده [و] حاضر برای عملیات بودند. ستون فوج بدون توقف از شهر به

---

۱. قبلاً برزه لین هم ثبت شده بود (و).

جوانرود حرکت و پس از حرکت در جوانرود یوم ۲۲ در یک فرسنگی مصادف با قوای اشرار گردیده که عدهٔ آن‌ها ۹۰۰ الی ۸۰۰ نفر بوده است، با طوایف باباجانی و ولدبیگی که بعداً به آن‌ها مربوط و متصل گردیده‌اند.

به طوری‌که کراراً عرض شد فرمانده محترم تیپ به هیچ‌وجه از وضعیت منطقه کردستان و وضعیت طوایف آن‌ها اطلاعی ندارند چه اگر جزئی اطلاعی داشتند در خواست عملیات را در اول زمستان نمی‌نمودند زیرا عملیات در زمستان غیر مقدور است بلکه خطرناک و روزبه‌روز مواقع سخت‌تر و مهم‌تر شده، کوه‌ها به کلی از برف پوشیده شده سرما و برودت عملیات را سخت می‌نماید. به اضافه از یک فرسنگی جوانرود تا این محل که پنج فرسنگی جوانرود است قدم به قدم را با اشرار مشغول زدوخورد و جنگ بوده و همیشه ترس قطع ارتباط قسمت را داشته زیرا در این منطقه نمی‌توان افراد را پراکنده کرد. از محل فعلی نیز با فشاراتی که اشرار وارد می‌نمایند تا رسیدن گردان اعزامی نمی‌توان عملیات کرد. پس از رسیدن گردان اعزامی عملیات جدّی به طرف پاوه شروع خواهد شد چه ارتباط با عقب به کلی تأمین و از حیث ارزاق قسمت راحت خواهد شد. چه ارزاق بایستی از جوانرود حمل شود در غیر این‌حال پیشروی بی‌مورد [و] اسباب محصور شدن قسمت خواهد گشت.

در صورت اعزام یک صاحب‌منصب مطلع و مطالعه در وضعیت منطقه و عملیاتی که شده و مسافاتی که هریک از سه ستون تا مقصد دارا هستند حقیقت امر مکشوف خواهد شد چه مسافت ستون رزآب از نقطه مبداء تا نودشه دو فرسنگ، مسافت ستون دزلی از مبداء تا حانی‌گرمله سه فرسنگ می‌باشد رسانیدن ارزاق و لوازمات نیز با کمال خوبی امکان‌پذیر بوده و به اضافه از نقاط مرتفعی به طرف مقصدهای مندرجه بایستی حرکت نمایند. در صورتی‌که روز اول جدّیت می‌نمودند بدیهی است ممکن بود فوری یک روز به هدف‌های معینه برسند در صورتی‌که

مسافت این ستون از مبداء تا مقصد بیست و یک فرسنگ و دشمن نیز بکلی مطلع و با خبر بوده از پانزده فرسنگی کاملاً جلوگیری نموده است. در هر حال عطف توجه عاجلی به وضعیت کردستان لازم و واجب می‌باشد چه در صورتی که عملیات شروع گردیده بایستی سریعتر و فوری‌تر خاتمه یابد و اگر چند روز دیگری به عهدهٔ تعویق افتد اسباب اشکال فوق‌العاده و زیان غیرقابل جبران خواهد شد و تمام معایب از عدم اطلاع و بصیرت فرماندهی محترم تیپ است که بدون مطالعه اقدام نموده‌اند. ساعت ۸ صبح ۱۰/۹/۸ نمرهٔ ۶۹۲۶

نایب سرهنگ رزم‌آرا

از قرائت تلگراف واصله آنچه حدس‌زده و در مخیّله خود داشتم بیشتر تقویت گردید. در ضمن یاور محمد علی‌خان واجد سمیعی سواد تلگراف ذیل را که از طرف فرماندهی محترم تیپ برای او رسیده بود ارسال داشت.

نمرهٔ ۱۲۰۳. شما که از وضعیت جغرافیایی اطلاع دارید روی چه اصلی می‌نویسید ستون رزاب می‌بایستی در پاوه ملحق شود؟ کی به شما این موضوع را تلقین کرده؟ اگر ستون رزآب نودشه و نوسود را تصرف و به پاوه برسند احتیاجی به آن ستون نداشته. دستور این بود ستون اعزامی فوج پاوه را اشغال به طرف نوسود جلو رود. ستون‌های تیپ هم از دو طرف تعرض نموده متفقاً نوسود را محاصره عملیات خاتمه یابد. جدیت شود از طریق مختلفه پاوه را اشغال و از آب‌سیروان گذشته ارتباط را دایر نمایند.

کاملاً ثابت شد با این که از خط سیر ستون‌های اعزامی از کردستان از مبداء تا مقصد بیش از چند فرسنگی نیست ولی مع‌هذا به هیچ‌وجه به واسطهٔ کمی و قسمت عمده به واسطهٔ نداشتن صاحب‌منصب و سرپرست قادر بر حرکت نبود و منتظرند که کلیه عملیات به وسیله این اردو انجام گیرد. چه به طور قطع ستون‌های کردستان به واسطهٔ کوچکی و نداشتن سرپرست قادر به عملیات نبوده و اگر یکی از آن‌ها را محو می‌نمودند ستون دیگر به واسطهٔ تزلزل روحیه قادر به کاری نبود و در نتیجه قوای دشمن متوجه این اردو شده پیشرفت اردو بطئی‌تر می‌گردید چه طوایف اطراف و بلکه اکثر سکنه و اهالی دهات منتظر و مترصد بودند که ملاحظه نمایند نتیجه عملیات به کجا منجر خواهد شد و اگر مختصر شکستی متوجه قوای نظامی در هر نقطه می‌گشت قوای اشرار دو مقابل شده، طوایف و عشایری که تا به حال در کنار بودند داخل در عمل می‌گردیدند. لذا از روی این نظریه و فقط از لحاظ جلب‌نظر توجه دولت به تلگراف نمرهٔ ۶۷۹۵ به شرح ذیل به عرض رسید.

مقام منیع بندگان حضرت اجل کفالت محترم ارکان حرب معظم کل قشون دامت عظمته. با کمال افتخار به عرض می‌رساند با آن که فدوی یقین دارم ارکان حرب معظم کل قشون از وضعیت این منطقه مستحضر و مطلع می‌باشند ولی مع‌هذا جهت مزید اطلاع به‌عرض می‌رساند اورامان یکی از قسمت‌های مهم و تعداد تفنگچی آن در حدود ۲۰۰۰ نفر است [که] به واسطهٔ حرکات بی‌رویه و تبلیغات بعضی از صاحب‌منصبان عالی رتبه در گذشته و به اضافهٔ عملیات بی‌رویه و نامرتب قسمت‌های نظامی این عشایر عموم جسور و متهور می‌باشند. در سال گذشته کراراً به عرض رسید که برای عملیات بایست ستون‌های کاملی با توپخانه و مهمات مکفی اعزام گردد. فرماندهی محترم تیپ کردستان در موقع ورود به کردستان به واسطهٔ عدم اطلاع از وضعیت امور، لهون اورامان را با چشم

خیلی کم اهمیتی نگاه کرده به قسمی که به خاک پای همایونی راپورت عرض نمودند که از خط کرمانشاهان در حدود دو گروهان مکفی است حالیه نیز فرماندهان ستون‌های کردستان با کمال بی‌قیدی رفتار می‌نمایند. فدوی راپورتاً عرض می‌کنم عملیات این منطقه بی‌اندازه مهم و شاید به درجات مهمتر از لرستان باشد لذا قدغن فرمایید فرماندهی تیپ با چشم کم‌اهمیتی نگاه نکرده و از روی دقّت و مراقبت اقدام نمایند که بدبختی متوجه نشود چه اگر یک ستون شکست بخورد سایر ستون‌ها قادر به مقاومت نخواهند بود. ساعت ۹ صبح ۱۰/۹/۲ نمرهٔ ۶۷۹۵

نایب سرهنگ رزم‌آرا

مراسلات تیپ کردستان

جهت تکمیل مطالب و درک طریقه ارتباط بین این ستون و ستون تیپ محترم کردستان کلیه مطالب صادره و تلگرافات وارده با کردستان با ذکر تاریخ درج می‌شود:

نمرهٔ ۴۵، ۲۶/آبان/۱۰. حضور مبارک فرماندهی محترم فوج مختلط مستقل منصور دامت شوکته. محترماً معروض می‌دارد فرمانده ستون رزاب شرحی تحت نمرهٔ ۲۵ در تاریخ ۲۴ در جواب نمرهٔ ۱۵ فدوی نوشته است که ظهر ۲۶ واصل گردید و اظهار نموده شب معهود شروع به عملیات خواهد شد. فدوی هرچه فکر می‌کنم تا کنون در کجا هستند و چه می‌کنند معلوم نیست. جواب داده شد که ستون کرمانشاهان سه روز است مشغول عملیات می‌باشد و از آن ستون خبری نیست. مستدعی است امر فرمایند آن ستون در اجرای امر تسریع کرده که بیش از این تأخیر، اسباب اشکال برای این ستون خواهد شد.

فرمانده ستون اعزامی یاور دولتشاهی.

نمرهٔ ۲۹، ساعت ۸ صبح ۱۰/۸/۲۵ فرمانده محترم ستون کرمانشاه. در تعقیب نمره ۲۵ در ساعت ۵½ بعد از نصف شب گردنه‌ها اشغال، انتظار اطلاع آن ستون و ملحق به این قسمت هستیم. ضمناً روحیه دشمن به کلی خراب و قابل اهمیت نیستند.

نایب سرهنگ مهد سلطانی.

نمرهٔ ۳۸، ساعت ۱۰/۸/۲۶/۵. فرمانده محترم ستون کرمانشاه. تعقیب نمرهٔ ۲۵ ستون دزلی‌گردنه‌های کاوی و تته‌دول [را] اشغال، ستون رزآب گردنه‌های زردله پروکا و راگه سورکان ولان‌شته را اشغال در صدد حرکت برای نودشه می‌باشند. انتظار عملیات آن ستون هستند. خواهشمندم نتیجه عملیات خودتان را کاملاً اطلاع و ارتباط به این قسمت اتصال دهند.

نایب سرهنگ مهد سلطانی.

نمره ۶۷۳۴، ساعت ۴ عصر ۱۰/۸/۲۹ فرمانده محترم ستون رزاب. عطف به نمره ۳۸ اشغال گردنه‌ها برای گرفتن نتیجه مطلوب نخواهد بود. ستون فوج منصور چند روز است با اشرار مشغول زدوخورد و عجالتاً برای اشغال گردنه شمشیر مشغول عملیات می‌باشد. ضمناً ستون شما بایستی به طرف پاوه حرکت نماید چگونه به طرف نودشه عزیمت نموده؟ در هر حال نسبت به قوای دشمن بایستی فشار فوق‌العاده وارد شود که هرچه زودتر نتیجه گرفته شود.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور، نایب سرهنگ رزم‌آرا

نمرهٔ ۴۷، ساعت ۸ صبح ۱۰/۸/۲۷. فرمانده محترم ستون کرمانشاه. تاکنون سه مرتبه وضعیت هر دوستون را برای شما شرح داده شده فقط انتظار آن قسمت هستم. ضمناً ارتباط این قسمت در پالنگان و اسپری بلان‌شته[1] تأمین نموده خواهشمندم وضعیت عملیات خودتان را کاملاً اطلاع دهید.

نایب سرهنگ مهد سلطانی

نمرهٔ ۶۷۷۶، ۵ عصر ۱۰/۸/۳۰، فرمانده محترم ستون رزاب. عطف به نمرهٔ ۴۷ به‌طوری‌که تحت نمرهٔ ۶۷۳۴ اطلاع داده شد ستون فوج منصور در تاریخ ۲۱ جاری به جوانرود وارد و تا این تاریخ دو زدوخورد در قوری‌قلعه ــ قشلاق شده است ولی دشمن بکلی شکست خورده و حالیه ستون در مقابل توانه‌بری می‌باشد. چه تا وصول نتیجه از اقدامات آن ستون‌ها پیشرفت این ستون بی موضوع و بلکه به کلی بی‌فایده است زیرا از عملیات ستون‌های تیپ محترم کردستان خبری در دست نبود و تصور می‌رود فقط به اشغال گردنه‌ها اکتفا شده. در هر حال اگر بخواهید نتیجه گرفته شود بایستی به دشمن حمله شود. گرفتن موقعیت دفاعی در مقابل دشمن به کلی بی موضوع است پس هر قدر ممکن است در پیشروی تسریع فرمایید.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور نایب سرهنگ رزم‌آرا

نمرهٔ ۵۱۰، ساعت ۲ بعدازظهر ۱۰/۸/۲۸. فرمانده محترم ستون کرمانشاهان. مراسله نمرهٔ ۶۷۳۴ واصل. عملیات دو ستون: فعلاً ستون

۱. قبلاً ولان‌سته نیز ثبت شده بود(و)

رزاب پس از اشغال گردنه مهم نودشه را محاصره و ستون دزلی گردنه‌های سخت خود را اشغال. خواهشمندم اطلاعات خودتان را جهت این‌جانب بنویسید.

نایب سرهنگ مهد سلطانی

نمرۀ ۶۷۹۲، ساعت ۷ صبح ۲ آذر ۱۰. جناب نایب سرهنگ مهد سلطانی. عطف به نمرۀ ۵۱۰ باز تذکر داده یادآور می‌شود تا حملات شدید به عمل نیاید نمی‌توان نتیجه گرفت. چه عملیات کردستان مهم بوده در صورت قصور یک ستون دیگران را دچار زحمت خواهد ساخت. پس جدّیت شود شاید زودتر خاتمه یابد و خیلی هم با چشم کم اهمیتی به قوای دشمن نگاه نفرمایید بلکه بی‌اندازه در عملیات دقیق و جدی باشید. ستون این فوج امروز از توانه‌بری عبور کرده عجالتاً در مقابل شمشیر است. دشمن در جلوگیری جدّی و بی‌اندازه ساعی می‌باشد.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور نایب سرهنگ رزم‌آرا

نمرۀ ۶۳، ساعت ۱۰/۹/۱،۸، فرمانده محترم ستون کرمانشاه، در تعقیب نمرۀ ۵۱ از ۲۶ جاری از آن ستون اطلاعی حاصل نشده خواهشمندم وضعیت خودتان را کاملاً اطلاع دهید. ستون دزلی به همان حال باقی است و این ستون هم از گردنه لاشته[1] الی آخر گردنه زردله را اشغال نموده.

نایب سرهنگ مهد سلطانی

---

۱. در اصل.

نمرهٔ ۶۸۴۲، ساعت ۸ صبح ۱۰/۹/۵، فرماندهی محترم ستون رزاب. نمرهٔ ۶۳ در تاریخ لیله ۵ جاری واصل با تطبیق نمودن نمرهٔ ۳۸ و ۶۳ جناب عالی کاملاً معلوم می‌شود که ستون رزاب از محل خود حرکت ننموده است چه به طوری که سابقاً نیز تذکر داده شد گرفتن گردنه‌ها هیچ نتیجه و ثمری ندارد بایستی به دشمن حمله کرده به او لطمه وارد ساخت تا پیشروی و موفقیت حاصل گردد. این ستون عجالتاً در ساتیاری جناح چپ شمشیر می‌باشد. سه روز است مه و باران شدید مانع از حرکت می‌باشد، به اضافه در انتظار رسیدن توپ از شهر است که به محض وصول توپ و برطرف شدن این هوا فوری شروع گردد.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور نایب سرهنگ رزم‌آرا

نمرهٔ ۸۳، ساعت ۱۰/۹/۹،۱۰ فرمانده محترم فوج منصور. عطف به نمرهٔ ۶۷۳۴ وضعیت این ستون: فعلاً به واسطهٔ شدت برف و سرما چند روز است عملیات را تأخیر انداخته لذا برای این که آن ستون مطلع باشد قسمت دشمن به کلی خراب و مهمات آن‌ها تمام شده امیدوارم تا چند روز دیگر نودشه اشغال، برای کمک شما هم تقویت می‌نمایم. ضمناً برای این که قسمت نودشه از قسمت پاوه گسیخته نشود یک قسمت از این ستون برای ناو که نزدیکی حجیج است اعزام داشته که تدریجاً حجیج را گرفته، به محض این که حجیج گرفته شود پاوه نودشه گرفته شده، عمده عملیات جناب‌عالی گردنه شمشیر است اگر گردنه شمشیر گرفته شود پاوه اشغال شده.

نایب سرهنگ مهدسلطانی

نمرهٔ ۷۰۰۸، ساعت ۵ عصر ۱۰/۹/۱۱، فرمانده محترم ستون رزاب.

عطف به نمرهٔ ۸۳ یک گردان از مرکز وارد گردید و این ستون به انتظار وصول گردان مذکور است که به جبهه وارد و عملیات شدید برضد اشرار مداومت یابد. عجالتاً نیز زدوخوردهای کوچک در جریان می‌باشد ولی بدیهی است پس از ورود گردان عملیات جدّی و سریع به عمل خواهد آمد. در صورتی که پاوه گرفته شود ارتباط با حجیج میسر است ولی قبل از تصرف آن ممکن نیست. در خصوص برف نیز این ستون در برف و باران و مه شدید می‌باشد و اکثر مانع عملیات می‌گردد.

کفیل فرماندهی فوج مستقل منصور نایب سرهنگ رزم‌آرا

نمرهٔ ۷۰۷۲ـ ۱۰/۹/۱۵، فرماندهی محترم ستون رزاب. متمنی است از وضعیت آن ستون این‌جانب را مستحضر فرمایید چون بدون برقراری ارتباط اجرای عملیات مشکل و بدون نتیجه خواهد بود.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور نایب سرهنگ رزم‌آرا

نمرهٔ ۱۰۴ ـ ۱۰/۹/۱۱، فرماندهی محترم فوج. عطف به نمرهٔ ۶۹۰۶ حسب‌الامر مطاع مبارک بندگان حضرت اجل فرماندهی معظم تیپ مستقل کردستان دامت عظمه، عملیات این ستون موکول به ورود قسمت اعزامی از مرکز می‌باشد و گرنه عملیات خاتمه داده بود. البته در مدت قلیلی حجیج را اشغال که ارتباط قسمت نودشه به پاوه [را] قطع نمایم. در خاتمه عملیات این ستون منوط است به امر مطاع مبارک.

نایب سرهنگ مهدسلطانی

نمرهٔ ۷۰۸۵، ۴ عصر ۱۰/۹/۱۶، فرماندهی محترم ستون رزاب. نمرهٔ

۱۰۴ واصل اطلاع دهید عملیات آن ستون در چه تاریخی شروع شده و وضعیت آن ستون از چه قرار است چه با وضعیت فعلی این ستون قادر به توقف نبوده ناچاراً عملیاتی در ظرف این چند روزه تا ۲۰ اجرا خواهد شد.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور نایب سرهنگ رزم‌آرا

نمرهٔ ۱۵۵ ـ ۱۰/۹/۲۲ فرماندهی محترم فوج منصور. عطف به مراسلهٔ ۷۰۷۲ ارتباط این ستون کاملاً تأمین شده ولی از نقطه‌نظر وضعیات و کولاک‌های شدید عجالتاً عملیات این ستون تا چندی به‌طور وقفه باقی خواهد ماند.

نایب سرهنگ مهدسلطانی

نمرهٔ ۱۳۳ ـ ۱۰/۹/۱۶، فرمانده محترم فوج منصور. عطف به ۷۰۰۸ سه روز است شدت برف و بوران باعث وقفه عملیات این ستون را هم دارد. وضعیات ایجاب کرد که عملیات و پیشروی خود را از جناح چپ خط اول که در بند حجیج است شروع، سه روز است که مشغول تقویت جناح چپ می‌باشم دو روز دیگر خاتمه و به پیشروی ادامه، لذا خواهشمند است امر فرمایید آن ستون هم چنانچه گردان مذکور رسیده باشد فوری شروع به پیشروی نموده که هرچه زودتر به این عملیات خاتمه داده شود.

نایب سرهنگ مهدسلطانی

نمرهٔ ۷۷۲۵، ۷ صبح ۱۰/۹/۲۲، فرمانده محترم ستون رزاب. عطف

بـه نـمرهٔ ۱۳۳ ایـن سـتون در تـاریخ ۲۱ پس از چـهل و هشت سـاعت زدوخورد پاوه و خانقاه را متصرف دشمن به طرف دشـه مـتواری شـده است. به اضافه از عملیات آن ستون جز حرف و مطالب بی‌سروته چیزی درک نشده خوب است در عملیات جدیّت نمایند.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور نایب سرهنگ رزم‌آرا

نمرهٔ ۱۹۸ ـ ۱۰/۹/۲۵، فرمانده محترم فوج منصور. نـظر بـه انسـداد گردنه‌های اطراف نودشه کـه قـبلاً تـصرف شـده بـود راه عـملیات فـقط منحصر به دربند حجیج شده لذا جهت سوق قوای ستون مـقابل دربـند مجبوراً عملیات را چند روزی ترک ولی در تاریخ ۲۴ ماه جاری که عمل مزبور خاتمه یافته از راه دربند شروع و پیشروی شده است.

نایب سرهنگ غلام‌حسین مهدسلطانی

نمرهٔ ۱۰۳، ساعت ۱۱ صبح ۱۰/۹/۲۷، فرمانده محترم قوای اعزامی روانســر. در تـعقیب نـمرهٔ ۱۹۸ در سـاعت ۶ صـبح ۲۷ جـاری پس از زدوخورد زیاد در ساعت ۱۰ صبح حجیج را اشغال و قوا به طرف نودشه حرکت حالیه در مقابل نودشه مشغول عملیات جدّی می‌باشد.

نایب سرهنگ مهدسلطانی

نـمرهٔ ۲۱۰، سـاعت ۱۲ ظـهر ۱۰/۹/۲۸، فـرماندهی مـحترم فـوج منصور. عطف به نمرهٔ ۷۷۲۵ رشادت و فداکاری‌های صاحب‌منصبان و افراد رشید این ستون اظهر من‌الشمس بوده چنانچه در ابتدای عملیات با قوای کمی پس از وارد آوردن تلفات هنگفتی به اشرار موفق بـه تـصرف گردنه‌های کماژار، لاتشه، واگه‌نورکان، کله‌سگشه شده و تقریباً اشـرار را

محاصره و فقط اتکاء اشرار به قریه نوسود بود. این ستون از نـقطه نـظر این‌که قوای اعزامی روانسر عملیات پاوه را خاتمه و جهت تصرف نوسود حرکت نمایند و عملیات به‌طور توام شروع شود چند روزی را در گردنه‌ها توقف متأسفانه عملیات آن ستون به عهدهٔ تعویق مانده و نـیز وضـعیات جوّی و کولاک‌های شدید که نزدیک بود قوای مـا را بکـلّی مـحو نـماید مجبور به تخلیه گردنه‌ها و سوق قوا به قراء مجاور گردید. بعد چـون بـه علت انسداد گردنه‌ها راه تعرض ما فقط منحصر به دربند حجیج بود لذا برای استراحت افراد و نیز جمع‌آوری قوا به قراء نزدیک دربند چند روزی عملیات را ترک ولی در تاریخ ۲۴ ماه جاری مجدداً شروع بـه عـملیات چنانچه درنتیجه استقامت و فعالیت و فداکاری صـاحب‌منصبان و افـراد رشید موفق به تصرف حجیج و نودشه و نوسود و قراء مـجاور گـردید و فعلاً هم در نودشه مشغول جمع‌آوری اسلحه و دلالت و دلخوشی رعایا مـی‌باشد. بـا وضـعیت فـوق و بـا اطـلاعاتی کـه جـنابعالی نسـبت بـه موقعیّت‌های نظامی این منطقه دارید و نیز با سابقه‌ای که صاحب‌منصبان و افراد رشید این تیپ در کلیه تصادفات داشته‌انـد مـراسـله آن فـرمانده محترم به هیچ‌وجه موردی نداشت بلکه یأس و ناامیدی را فراهم می‌دارد. هرچند مطمئنّم که جنابعالی کاملاً مراسله مزبور را غور نفرموده‌اند ولی با وجود این خواهشمند است من‌بعد در مرور مراسلات کاملاً دقت فرموده و نیز نویسنده خودتان را امر به تنبیه فرمایید.

نایب سرهنگ مهدسلطانی

شاید خوانندگان با رجوع به تاریخ اورامان و اتفاقاتی که بعداً رخ نموده پی به صحت درخواست من ببرند [و] به همین قسم موضوعِ درخواست اعزام قوائی به سر پل که برای جلب توجه عشایر در آن حدودِ لازم بود.

فصل چهارم
تزلزل ستون
عدم مراقبت صاحب‌منصب و سرسری اجرا کردن وظایف

در یوم ۷ پس از وصول راپورت [و] تصمیم حمله به عقب قوا بی‌اندازه مشوش بوده چه با قوای کمی که حاضر بود نمی‌توانستم قسمتی را نیز در عقب گذارده و پست‌هایی در قوری قلعه بگمارم. در یوم ۶ آذر تلگراف ذیل زیارت شد.

کفیل فرماندهی فوج مستقل منصور. با این که قوای شما در مقابل اشرار اورامانی کافی به نظر می‌رسد مع‌ذالک همین امروز یک گردان پیاده و یک دسته توپ کوهستانی روسی به وسیلهٔ اتومبیل به روانسر اعزام شد. برای توپ‌های کوهستانی از قاطر کرایه استفاده نمایید. اگر هم محتاج به کمک فکری هستید یک نفر صاحب‌منصب ارشد ممکن است فرستاده شود. ساعت ۱۲ صبح ۱۰/۹/۳ نمرهٔ ۸۵۰۲

کفیل ارکان حرب کل قشون امیرلشکر محمد نخجوان

کفیل فرماندهی فوج مستقل منصور. متعاقب نمرهٔ ۸۵۰۲ حسب‌الامر جهان‌مطاع مبارک مقرر است واحدهای گردان اعزامی را با واحدهای فوج منصور در خط عملیات مخلوط ننموده و همیشه یک قسمت مستقلی از جبهه عملیات را به گردان مزبور واگذار نمایید که گردان مزبور

از فوج منصور مجزی باشد. ساعت ۴$\frac{۱}{۲}$ عصر ۱۰/۹/۳، نمرهٔ ۸۵۲۰
کفیل ارکان حرب کل قشون امیرلشکر محمدنخجوان

اعزام قوای نظامی برای عملیات آن‌قدرها لازم نبود چه قوای فوج منصور به‌واسطه فرط عمل و به واسطهٔ مارش و عملیات این مدت ورزیده شده و از هر حیث برای دخالت در عملیات و خاتمه عمل جعفر سلطان مکفی بود ولی چون تفنگ و مسلسل فقط برای در هم شکستن روحیه آن طوایف مکفی نبود اعزام توپ‌های روسی را خیلی لازم می‌دانستم. گردان اعزامی از طهران نیز با سرعت فوق‌العاده به جوانرود وارد گردید به طوری‌که سه روز پس از حرکت از طهران گردان مذکور یوم ۷ آذر وارد جوانرود شده، ورود خود را راپورت و کسب تکلیف نمودند. امرداده شد که در جوانرود تا تهیهٔ مال بنه توقف نمایند چه نبودن مال نیز لطمه و صدمه فوق‌العاده متوجه ساخته اسباب بطئی عمل و پیشرفت بود.

عصر ۷ خبری از ورود ارزاق نشد. بی‌اندازه اسباب تشویش این‌جانب فراهم گردید. طرف عصری وقتی که در پوزیسیون لِغوگیر بودم ملاحظه شد قسمتی تفنگچی از طرف شمشیر به طرف توانَهْبری رفته پس از مدت قلیلی تعدادی قاطر لخت و چند اسب همراه خود آوردند. این منظره بیشتر افکار گذشته را مشوش نموده مراجعت به مرکز خود نمود و با تلفون از یاور عبدالحسین میرزا دولتشاهی فرمانده گردان ۱ فوج کراراً استفسار نموده و منتظر وصول راپورت‌ها بودم. به وسیله عشایر به طور سربسته از زدن بنه مطلع گردیدم پس از تحقیق بالاخره عصر ۸ معین گردید که صبح روز ۷، چهل و نه رأس قاطر ارزاق [را] نایب ۱ علیرضاخان با تمام تأکیداتی که به او شده بود با هشت نفر سوار نظامی به طرف اردو اعزام می‌دارد. سه نفر سوار در جلو حرکت می‌نمودند. پس از رسیدن به قوری‌قلعه سه نفر سوار بدون دقّت در وضعیت اراضی و

تفتیش کامل اطراف از گردنه سرازیر از دره عبور کرده و از طرف مقابل بالا رفته، کلیه قاطر ارزاق با دو نفر سوار که وکیل قسمت و یک سوار دیگر بوده وارد تنگ شده قاطرها نیز در تنگ جمع می‌شوند. یک مرتبه اشرار از اطراف مشغول تیراندازی شده دو نفر نظامی که در وسط قاطرها بوده‌اند فوری مقتول، سه نفری که در عقب قاطرها بوده‌اند فوری سنگرهایی برای خود تهیه شروع به تیراندازی می‌نمایند. وکیل راست اخراجی اسدبیک که سال‌ها عمر خود را در فوج منصور به سر برده و برای کسب معیشت مقداری قند چائی حاضر و برای اردو حمل می‌نمود چون قتل دو نفر سوار را ملاحظه می‌نماید. فوری تفنگ و قطار یکی از آن‌ها را برداشته در کنار سنگی نشسته شروع به تیراندازی می‌نماید با این‌که چندین تیر خورده بود باز تا آخرین فشنگ خود را انداخته و نمی‌گذارد اشرار به او نزدیک گردند. یک نفر نظامی دیگر از عقب‌دارها نیز مقتول می‌شود. اشرار بارها را انداخته به تصور آن که قاطرها دولتی می‌باشند قاطرها را با خود می‌برند. سوارهای جلودار فوری به قوری‌قلعه مراجعه کرده مراتب را راپورت می‌دهند در صورتی‌که می‌بایستی همان شبانه اقدام شده باشد متأسفانه از طرف گردان جوانرود اقدامی نشده یوم ۸ پس از اطلاع مجدداً به آن‌ها امر گردید و شرحی بدین قسم به فرمانده گردان نوشته شده و مشارالیه نیز راپورتی تحت نمرهٔ ۲۱ بدین طریق می‌دهد.

مقام عالی جناب اجل فرماندهی معظم فوج مختلط منصور دامت شوکته. محترماً معروض می‌دارد. دیروز ساعت ۸ صبح نایب ۱ علی‌رضاخان چهل و شش بار آذوقه با قاطر به وسیلهٔ ده نفر سوار نظامی حمل به اردو نموده در ساعت $\frac{1}{2}$۳ بعدازظهر راپورت رسید اشرار که دره محمود اویسی را اشغال نموده بودند غفلتاً به آن‌ها حمله نموده فوراً نایب

۱ مذکور چند نفر سوار تعقیب، بنده هم یک گروهان پیاده و دو قبضه مسلسل اعزام داشته که شاید موفق شده لطمه‌ای وارد نمایند. متأسفانه پس از ورود معلوم شد قضیه در ساعت ۱۱ صبح شروع و قریب به یک بعدازظهر خاتمه و بنه را در همان ساعت اشرار برده و محل مذکور را تخلیه نموده‌اند. در نتیجهٔ زدوخوردی که فی‌مابین سوارهای مأمور بنه و اشرار به عمل آمده بود سه نفر سوار نظامی مجروح و دو نفر مقتول، یکنفر مکاری و دو نفر کاسب که حامل جنس بار بودند هر سه مجروح گردیده‌اند. بر طبق اظهار نایب ۱ فوق‌الذکر از سواران نظامی مأمور بنه چهاررأس دواب دولتی فعلاً مفقود است. مراتب لزوماً راپورت جبران آن منوط به نظریه مبارک است.

فرماندهی گردان ۳ فوج گارد بهادر یاور علی مهاجر

شرح ذیل نمرهٔ ۶۹۵۷ـ ۱۰/۹/۹ جواب داده شد. فرماندهی محترم گردان ۳ فوج گارد و بهادر راپورت نمره ۲۱ ملاحظه شد. تمام پیش‌آمدهای غیرمترقبه به واسطه عدم دقت و مراقبت صاحب‌منصب مأمور است چه کراراً به این صاحب‌منصب امر شده که با ارزاق بایستی کلیه افراد سوار حرکت نمایند متاسفانه باز هشت نفر نظامی اعزام نموده است. بدیهی است صاحب‌منصب مذکور جلب و تحت محاکمه واقع خواهد شد. لازم است در آتیه برای حمل آذوقه با عده و اسکورت مکفی ارزاق حمل گردد که نظیر این واقعه رخ ندهد چه اشرار به طور دزدی و راه زنی به این‌گونه عملیات اقدام می‌نمایند. در هر حال خیلی مراقب بوده دقت کامل در تهیه قاطر بنمایید. افراد زخمی فوری به شهر اعزام گردند که تحت معالجه واقع شوند.

کفیل فرماندهی فوج مختلف مستقل منصور نایب سرهنگ رزم‌آرا

در این پیش‌آمد دو نفر مسئول و مستوجب سیاست می‌باشند: یکی نایب ۱ علیرضاخان که با تمام تأکیدات شدیده و یادآوری که به او شده بود باز هشت نفر نظامی با پنجاه بار اعزام نموده، دستورات صادره و اوامر را به موقع اجرا نگذارده چه اگر بیست نفر سوار اعزام شده بود این اتفاق بـه هیچ‌وجه رخ نداده و چندین نفر نظامی تلف نمی‌گردیدند. شخص دومی که در این موضوع مسئول می‌باشد فرمانده بهادران است چه در موقع تعلیم افراد اگر هر گونه تعلیماتی عملاً به افراد تعلیم شده آن‌ها را متوجه نمایند غیر ممکن است که مبادرت به این قصور غیر قابل جبران نمایند جای تردید نیست که افراد سوار از تفتیش اراضی و اجرای وظیفه جلوداری به کلی بی‌خبر و بی‌اطلاع بودند چه اگر مطلع بودند که تفتیش چه قسم بایستی اجرا شود یک‌مرتبه وارد قله نشده و اگر فرضاً اتفاقاتی رخ می‌داد بایستی به سه نفر جلودار رخ دهد. ولی جلودار بی خبر از وظیفه خود بدون تفتیش اراضی و تحت سنگ‌های اطراف از دره سرازیر شده و از طرف دیگر بالا می‌روند بدون آن‌که توجهی نمایند در حالتی که اشرار در لای سنگ‌ها مخفی و تفنگ آن‌ها برای تیراندازی حاضر بوده است. قصور صاحب‌منصب در تعلیم در این مواقع ثابت می‌شود. در شهر صاحب‌منصب وقت را به ظاهرسازی فقط می‌گذراند و سبب این‌گونه پیش‌آمدها شده خود راقاتل قسمتی نظامی و جوانان معصوم خواهد نمود و از این رهگذر بزرگترین بدبختی‌ها را برای خود قسمت تولید می‌نماید. تعلیمات نظامی بایستی با واضح‌ترین لسان داده شده و با بهترین طریق در ذهن افراد داخل نمود که بتوانند آن را عملاً نشان داده و اجرا نمایند. فهمیدن کلمه ساده تفتیش برای افراد نتیجه و ثمره‌ای ندارد. بایستی از معنی و اصل طریقه تفتیش نقاط مختلف و جهت تفتیش مطلع شده در مانورهای کوچک این عمل در آن‌ها تصحیح و تکمیل شود.

ملاحظه کردم این پیش‌آمد یک نوع تزلزلی در صاحب‌منصبان تولید نموده [است]. گرچه حقیقت قضایا را به کلی مخفی نموده بودم [و] فوراً تهیهٔ ارزاق مکفی نموده ولی متأسفانه از بین رفتن کلیهٔ قاطرهای بنه عملیات را برای ما غیر مقدور نمود و برای یک گردان کامل جز ده رأس قاطر و یابوی اسقاط چیز دیگری باقی نمانده بود. یقین است برای یک فرماندهی همین پیش‌آمد شوم و مهم خود [در] آن نقشهٔ تصوری و عملیات چه اثری خواهد کرد. در این ضمن تلگراف نمرهٔ ۸۵۷۹ به شرح ذیل واصل و بیشتر اسباب تأثر گردید.

نایب سرهنگ رزم‌آرا کفیل فرماندهی فوج منصور. عطف به نمرهٔ ۶۷۹۵ تزلزل و تردید شما در مقابل قوای اشرار موجبات تغیّر خاطر خطیر ملوکانه ارواحنا فداه را فراهم نموده امر فرمودند این که بنویسد اگر یک ستون شکست بخورد سایر ستون‌ها قادر به مقاومت نخواهند بود از نقطه نظر نظامی معنی ندارد. زیرا که یک فرمانده نظامی مادامی که یک سرباز و یک تیر فشنگ دارد نباید چنین مطلبی را عنوان نماید. علی‌هذا حسب‌الامر جهان‌مطاع لازم است کفالت فرماندهی فوج را تحویل ارشدترین صاحب‌منصبان زیردست خود داده فوراً به مرکز حرکت نمایید و این عبارت راپورت خود را در مقابل دیوان حرب توضیح دهید. ساعت یک بعدازظهر ۱۰/۹/۵ نمرهٔ ۸۵۷۹

کفیل ارکان حرب کل قشون امیر لشکر محمد نخجوان

پس از ده سال خدمت و به آن درجه حرارت خود، هر نقطهٔ این تلگراف اسباب تأثر من گردید چه منظور من به طوری‌که فوقاً درج شده مستحضر کردن و با خبر نمودن مرکز از درجه اهمیت و وضعیت تیپ کردستان بوده و منظور عمده جلب نظر دولت بود. متأسفانه تلگراف را

حمل بر تزلزل من فرموده بودند. از لحاظ این‌که باز تا آخرین لحظه وظیفه وجدانی خود را در خصوص اجرای وظیفه از دست نداده و قصور ننموده باشم دو راپورت ذیل فوری مخابره شد:

۱. مقام منیع بندگان حضرت اجل کفالت محترم ارکان حرب معظم کل قشون دامت عظمته. عطف به امریه نمرهٔ ۸۵۷۹ که به افتخار این‌جانب شرف صدور یافته بود زیارت گردید. ستون فوج منصور تا به حال با جسارت و جدیّت فوق‌العاده قدم به قدم پیشروی نموده و به‌هیچ وجه از قوای اشرار یا وضعیت آن‌ها رعبی نداشته [است]. غرض راپورت نمرهٔ ۶۷۹۵ از لحاظ جلب نظر ارکان حرب معظم کل قشون به وضعیت اشرار و صدور اوامر شدید به ستون‌های دزلی و رزاب بوده است که در عملیات خود جدیّت نمایند. والاّ تا آخرین نفر و آخرین فشنگ قسمت نظامی ایستادگی و عملیات با وجه احسنی پیشرفت خواهد کرد. فدوی امریه را در ساتیاری زیارت چون صاحب‌منصب ارشدتری که بتواند عملیات را اداره نماید نیست لذا با کمال خاکساری از خاک پای همایونی استدعا می‌نماید اجازه مرحمت شود پس از تصرف پاوه فدوی به طرف مرکز حرکت نمایم. منوط به امر است. ساعت ۹ صبح ۱۰/۹/۹، نمرهٔ ۶۹۴۳
نایب سرهنگ رزم‌آرا

۲. مقام منیع بندگان حضرت اجل کفالت محترم ارکان حرب معظم کل قشون دامت عظمته. تعقیب نمرهٔ ۶۹۴۳ با کمال افتخار به عرض می‌رساند فدوی تصور می‌کنم افراد فوج مختلط منصور و صاحب‌منصبان آن دارای بهترین روحیه و دارای بهترین احساسات نظامی که ممکن است تصور نمود باشند. چطور ممکن است که فدوی با دارا بودن این صاحب‌منصبان و افراد جزئی و کوچکترین تردیدی در عملیات و یا ترس

و رعبی در مخیلهٔ خود رسوخ داده و یا آن‌که در افکار نظامی خود تسامح و تغافل نمایم؟ فدوی تا آخرین لحظهٔ زندگانی خود جز حفظ شئونات نظامی و حیثیات قشونی منظور و مقصودی نداشته ولی در پیشگاه فرماندهی عالیه و خلاقِ با اقتدار قشون وظیفه‌ای جز عرض حقایق ندارم. چون ستون‌های تیپ کردستان خیلی به طور کم اهمیتی به عملیات مبادرت نموده بودند این بود که برای بیان حقایق به عرض راپورت مذکور مبادرت [شد].

ممکن است برای درک حقایق عرایض غلام امر و مقرر فرمایید یک صاحب‌منصب مطلع و لایقی آمده ملاحظه نمایند اگر چنانچه وضعیت نظامی و روحیه افراد و صاحب‌منصبان این قسمت را در بهترین حالت ملاحظه ننمودند یا این‌که ملاحظه شود جزئی تسامح از طرف این‌جانب شده فدوی محکوم به اعدام در پیشگاه خلاق با اقتدار قشون گردم. چه در مقابل خدمات صادقانه و زحمات شبانه‌روزی خود تکدر خاطر خطیر همایونی را بالاترین سیاست‌ها می‌داند. در صورتی‌که این قضایا و مطالب در مقابل قشون قابل توجه است و این مأموریت، اول مأموریت نظامی فدوی نبوده است ساعت ۴ عصر ۱۰/۹/۹ نمرهٔ ۶۹۵۹

نایب سرهنگ رزم‌آرا

با پیش‌آمد اخیر و سوانح گذشته که شرح داده شد دیگر قادر به کاری نبودم ولی بدون آن‌که ذرّه‌ای و نکته‌ای در این خصوص از من تراوش نماید باز مصمم بودم که به هر وسیله است شاید طرح عملی را درست نموده و اقدام جدیدی برای پیشرفت قوا نمایم چه راه امید از طرف کردستان با وصول تلگراف متضاد که قسمتی از آن درج گردید به کلّی مسدود بود و کاملاً ثابت می‌شد که در انتظار ما می‌باشند. تعداد قاطر مخصوصی تهیه شده و حکم عملیاتی نمرهٔ ۶ برای عملیات یوم ۱۴ در

نظر گرفته شد. برف و سرما روز به روز شدید و سخت‌تر می‌شود. سرما هر لحظه به شدت خود می‌افزاید. چهار روز است که پی در پی برف آمده و راه تدریجاً مسدود و روز به روز عمل دشوارتر و سخت‌تر می‌گردد. صبح ۱۳ با تمام موانع برای وضعیت نجات افراد خود مصمم شدم که روز ۱۴ شروع به عمل نمایم [ولی] متأسفانه طرف عصر تلگراف ذیل واصل گردید:

نایب سرهنگ رزم‌آرا. مگر دستور نمرهٔ ۸۵۷۹ به شما نرسیده است؟ چرا در حرکت به مرکز تعلل نموده‌اید؟ ساعت ۵ عصر ۱۰/۹/۹ نمرهٔ ۸۸۱۶

کفیل ارکان حرب کل قشون امیر لشکر محمد نخجوان

مشاهده کردم پافشاری که من در اجرای وظیفه نمودم مرا یک شخص بی‌دیسیپلین هم معرفی کرده، تقصیرات و قصوری را نیز جلوه خواهد داد ناچاراً دیگر عملیات را به کناری گذارده حکم نمرهٔ ۷ را برای خداحافظی صادر و فوری شبانه با تأثرات قلبی که قادر به بیان آن نیستم از اردو خارج شده، شبانه به طرف جوانرود در برف و باران شدیدی حرکت کردم. افکار غریبی مرا در آن شب احاطه نموده، درجهٔ ارتباط و علاقه خود را نسبت به صاحب‌منصبان و افراد اردو کاملاً درک می‌نمودم چه مدت پنج‌سال با این صاحب‌منصبان و افراد در نقاط مختلف در زدوخوردها به سر برده، حال بایستی در بین عمل در یک موقع خطرناکی آن هم به اسم تزلزل فکری آن‌ها را ترک کنم. توجهات عالیه اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری اروحنا فداه نسبت به تمام نقاط و تمام اشخاص معین است ولی در این قسمت مخصوص چون اهمیت قضیه و موقعیت کاملاً مکشوف نبود توجه خاصه شاهانه جلب نشده و به اضافهٔ سرمای شدید و نبودن وسایل، تزلزل روحیه افراد به واسطه تغییر فرماندهی

خیلی مؤثر و تصور می‌رفت به واسطهٔ عدم وجود صاحب‌منصبان اتفاقات غیرمترقبه پیش‌آمد نماید و حتی منجر به بدبختی قسمت گردد چه آنچه در این مختصر گزارشات ذکر شده حقیقت محض بوده و جز گزارشات واقعی و تصورات حقیقی مطالبی را درج ننموده نظریات مخصوصه از خود بروز نمی‌دهم.

در همین افکار بودم که صدای تیراندازی شدید و روشن شدن مهتاب‌ها را به خود متوجه کرده یقین کردم اشرار باز به دور اردو آمده و شروع به تیراندازی کرده‌اند به هر نحوی بود. با افکار فوق راه را طی و با این‌که منتظر بودم با پست‌های گردان جوانرود مصادف شوم با آن هیاهو و جنجالی که از حرکت هفت الی هشت اسب در شب تولید می‌شود وارد دم‌قلعه شدم در صورتی که احدی از پست‌های مستحفظی مطلع نشده و کسی جلوگیری ننموده. باور نمائید که اکثر موفقیت‌های قوای نظامی فقط و فقط به واسطهٔ توجهات اعلیحضرت قدرقدرت شهریاری ارواحنافداه می‌باشد چه اگر ده نفر اشرار در اول شب از پست‌ها رد شده در داخل اردوی یک گردانی تیراندازی نمایند آیا بچه قسم فرماندهان اردو قادر به جمع‌آوری و دفاع پست‌های مستحفظی یک عده قوای خود خواهد بود؟[1]

---

۱ تبصره. پست‌های مستحفظی را بایستی از روی اصول نظامی قرار داد یعنی پست‌های مستحفظی بایستی با در نظرگرفتن سه نکتهٔ ذیل برقرار شود:

۱. تشکیل یک خط حفاظت در دور اردو و محل توقف قسمت عمده به قسمی که احدی نتواند بدون تصادف با این پست‌ها از اردو خارج یا وارد شود.

۲. جلوگیری از حملات غفلتی دشمن از هر جهت و هر طرف که باز بایستی دارایِ به این شرط فوق بوده، پست‌ها با یکدیگر مربوط و دارای مناطق مخصوص باشند.

۳. دادن وقت مکفی برای حاضر شدن قسمت عمده که برای این منظور بایستی پست‌های مستحفظی در مسافتی دور از قسمت عمده قرار گیرند؛ نه به قدری نزدیک که هر دو در آن واحد دچار آتش دشمن شده، نه آن قدر دور که در موقع قسمت عمده بتواند کمک برساند و او را نگاه‌داری کند.

باری با آنکه مصمم بودم بدون سروصدا به روانسر رفته و بی‌اطلاع راه طهران را در پیش‌گیرم باز این علاقه به قشون و علاقه و ارتباط افراد باعث شد که به جوانرود رفته، نایب سرهنگ ثقفی رفیق قدیمی خود را که برای ریاست اردو شنیدم آمده است ملاقات نمایم. به محض ورود فوری نزد مشارالیه رفته، او را بیدار کرده مدتی را دوستانه به ذکر گزارشات اردو پرداختم. با این که او برای من متأثر بود به او گفتم تنها درخواست من آن است که قوای نظامی زود موفق شده پیشرفت حاصل نماید هرچه برای من رخ نماید اهمیت ندارد، در خدمت خود جز راستی و صحت چیزی دارا نبوده‌ام. باری با افکار مشوش خود شب را گذرانده صبح زود مصمم بودم که به شهر حرکت نمایم، قاصدی رسید تلگراف ذیل را داد:

نایب سرهنگ رزم‌آراء. طبق راپورت نمرهٔ ۶۹۴۳ شما بندگان اعلی‌حضرت همایونی ارواحنافداه اجازه فرمودند عجالتاً و برای این‌که آخرین امتحان لیاقت و کفایت خود را بدهید ستون اعزامی تحت اداره شما باقی باشد. لازم است به وصول پاوه یا اگر ممکن باشد قبل از رسیدن به پاوه دستگاه بی‌سیم را دایر نموده و با ستون‌های تیپ کردستان ارتباط پیدا کنید و عملیات خود را با عملیات ستون‌های تیپ کردستان تطبیق نمایید که عملیات یک‌طرفی نبوده و از هر دو طرف پیشرفت نمایند. به طوری که مکرر دستور داده شده است دایر نمودن ارتباط به وسیلهٔ بی‌سیم با ستون‌های کردستان فوراً لازم و عملیات شما بایستی با عملیات ستون‌های تیپ کردستان مطابقت نموده و توأماً پیشرفت نماید.
ساعت ۵½ عصر ۱۰/۹/۱۱ نمرهٔ ۸۹۲۹ کفیل ارکان حرب کل قشون
امیرلشگر محمد نخجوان

با تمام خستگی دماغ و افکار مشوش فوری مصمم شدم که زودتر اقدام کرده صاحب‌منصبان و افراد را از افکار مشوش خود خلاص نمایم. فوری یاور محمدعلی‌خان اقتداری و دو نفر صاحب‌منصبان تازه وارد، نایب ۳ ابوالنصر میرزا دولتشاهی و نایب ۳ حسین‌خان گل‌محمدی را به اردو اعزام نموده حکم عملیاتی نمرهٔ ۸ را صادر نمودم. ولی از وضعیت و روحیه گردان جدیدالورود اطلاعی ندارم با فرماندهی گردان آن نیز قدری صحبت کرده و دستوراتی که لازم بود داده شد. بیشتر تزلزل فکری من در این موقع به واسطهٔ نرسیدن پوطین افراد بود چه در این برودت شدید و سخت کلیه افراد فوج منصور با گیوه بوده سرما به اندازه‌ای شدید بود که سیزده درجه زیر صفر ملاحظه می‌شد.

هر قدر تأکید که در حرکت پوطین می‌شود بی‌اثر است چه اولاً مباشرت قشون تا به حال به فکر پوطین افراد نبوده در وسط زمستان دستور تهیه پوطین را داده [است]. از طرفی صاحب‌منصبان متوقف مرکز فوج که فشاری برای خود ملاحظه نمی‌نمایند و به اضافه مطلع شده‌اند فرمانده فوج عجالتاً منفصل است. دیگر به میل خود و راحتی کار کرده از جای خود نجنبیده دیگر کسی نیست که اقدامی نماید. بی‌چاره یک قسمتِ افراد اسباب دست یک عده صاحب‌منصب بدبخت خودپرست شده مخصوصاً صاحب‌منصبان امور اداری که به هیچ وجه از جای خود حرکت نکرده فکر نمی‌نمایند در این سرما و برودت افراد بی‌چاره در چه حال می‌باشند.

نمرهٔ ۲۷ ـ ۱۰/۹/۱۵

حضور محترم فرماندهی قوای اعزامی روانسر دام اقباله

محترماً خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد. فدوی ساعت $5\frac{1}{2}$ بعدازظهر در زیر برف وارد قرارگاه اردو، برف به شدت می‌بارید و هنوز هم ادامه دارد

به‌طوری که ارتباط بین چادرها را قطع و به‌هیچ وجه قابل عبور نیست و از ساعت ۹ بعدازظهر الی ۵ صبح دشمن به جناحین و وسط اردو در کمال شدت مشغول تیراندازی و حملات شدید. آن‌ها را به وسیلهٔ آتش مسلسل خنثی نموده چنانچه دیشب گذشته هم دو نفر مجروح شده است و فعلاً تحت معالجه می‌باشد و مختصر دوابی که در اردو موجود بود به واسطه گرسنگی و سرما به کلی از بین رفته است و به طور کلی وضعیت نفرات هم به علت نداشتن پوطین پای غالب نفرات را سرما برده و بی‌نهایت رقت‌آور شده است. چند نفر را سرما خشک کرده. جهت استحضار خاطر مبارک راپورتاً عرض شد.

معاون فوج مختلط مستقل منصور یاور اقتداری

نمرهٔ ۲۸ ـ ۱۰/۹/۱۵

حضور فرماندهی محترم قوای اعزامی روانسر دام اقباله

محترماً در تعقیب راپورت نمرهٔ ۲۷ معروض می‌دارد به واسطه شدت برف و سرما به کلی تمام نفراتِ بدون پوطین دچار مضیقه و به‌طوری‌که در راپورت مذکور عرض شد چند نفر دیشب در توی پست از سرما زبان بسته که فعلاً در تحت معالجه می‌باشند. در این‌صورت خاطر مبارک را مستحضر می‌سازد که اگر چنانچه تا چند روز دیگر وضعیت افراد به این نحو باشد یقیناً تمام از بین خواهند رفت و هجده نفر مرض اسهالی و مجروح را به وسیلهٔ علی‌خان وکیل به جوانرود اعزام داشت. هفده رأس از قاطرهای گردان ۱ و هفت رأس از مال‌هایی‌که آذوقه آورده‌اند تلف شده و کلیه اردو دارای هشت رأس مال است. نایب ۱ علی‌رضاخان فقط هجده رأس تحویل نموده مستدعی است که امر فرمایید از صاحب‌منصب مذکور سؤال شود که مال‌ها را به کی تحویل نموده است.

معاون فوج مختلط مستقل منصور یاور اقتداری

عدم مراقبت در اجرای حکم تولید یک منظره رقت‌آوری را نمود

در صورتی‌که در حکم عملیاتی کاملاً قید شده بود که گردان سوم فوج بهادر بایستی ساعت ۶ صبح حرکت نماید متأسفانه فرمانده گردان در عوض آن‌که روز قبل را به وضعیت بنه رسیدگی کرده، رفع معایب و نواقص را بنماید آن روز را صرف امور بی‌فایده نموده، صبح ۱۵ شروع به مرتب کردن بنه نمودند و بالاخره با یک بی‌نظمی غیرقابل تصور و بی‌ترتیبی که ممکن نیست حدس زد گردان را ساعت ۱۰ از جوانرود حرکت داد در صورتی‌که به واسطهٔ نداشتن قسمت مخصوص برای قاطرها قسمتی از مکاری‌ها فرار کرده و عده‌ای از مال‌ها بدون کفه و قلّاب باقی بودند. با این وضع گردان ساعت ۹ حرکت نموده در صورتی‌که راه بیش از سه فرسنگ نبود ساعت ۴ بعدازظهر سرستون نزدیک ارتفاعات اوته رسید. حال منتظرم که قسمت با یک طریق مرتب و صورت‌بندی قابل توجهی وارد اردو گردیده یک کمک روحی و یک اثرات و تقویت‌های کامل حاصل شود [ولی] متأسفانه ساعت ۳ بعد از ظهر وقتی که خودم وارد اردو شدم یک وضعیت خیلی بدی در خود اردو مشاهده نمودم که سیمای کلیه افراد خسته و پژمرده، صاحب‌منصبان و یاور محمدعلی‌خان با یک حالت آشفته‌ای می‌باشند. تمام متأثر و این منظره بیشتر به تأثرات قلبی من افزود.

گرچه راپورت‌های واصله قبلاً مرا آگاه کرده بود از صورت تعداد مرضی فوج که خواسته شد معلوم شد تلفات شب گذشته سه نفر بوده است و به محض خروج من از اردو اهالی فوری اطلاع می‌دهند رئیس اردو فرار نموده، فوری عده‌ای از اشرار داوطلب شده شبانه به طرف اردو آمده، چند شب پی در پی تا صبح زدوخورد [و] تیراندازی بوده [است]. پنج نفر از افراد در این مدت تیرخورده و در تحت معالجه بودند. اشرار در این دو شب منتهی فشار را به اردو وارد و منتظر بودند قسمت متلاشی شده بتوانند خیالات و افکار سوء خود را به معرض نمایش گذارند.

به محض ورود فوری کلیه پست‌های منطقه را بازدید کرده با صاحب‌منصبان صحبت نموده قدری اسباب تسلی خاطر آن‌ها را فراهم ساخته که قدری خیالات آن‌ها تسکین یافته که افکار آن‌ها از تزلزل و تأثر خارج شد. ساعت چهار بعدازظهر رسد جلودار گردان ۳ فوج بهادر وارد دستور داده شد فوری برای خود چادرزده آتش تهیه نمایند و مخصوصاً آن‌ها را چون تازه وارد بودند از قراولی و خدمت مستحفظی معاف کرده، دستور دادم به امورات نظم داخلی قسمت و جمع‌آوری افراد بپردازند. پس از ورود رسد جلودار افراد یک یک شروع به آمدن نمودند. در این حین بوران و برف شدیدی شروع شد که بیشتر اسباب زحمت گردیده بود. در این مدت تمام را در سر راه ایستاده منتظر ورود قسمت بودم. متأسفانه کم‌کم ملاحظه شد صاحب‌منصبان افراد ابوابجمعی خود را به کلی ول کرده، هر صاحب منصبی منفرداً وارد اردو می‌شود. هریک را مورد عتاب و خطاب قرار داده سؤال می‌نمودم افراد شما کجا است، جواب داده می‌شد فرمانده گردان امر کرده‌اند به اردو آمده افراد را جمع‌آوری نماییم.

این‌وضعیت رقت‌آور و این طریقهٔ تأسف‌خیز مداومت نموده افراد گردان تا ظهر فردا یک‌یک وارد می‌گردیدند. فرمانده گردان فوج منصور را با قسمتی برای راهنمایی گردان اعزام شد ولی گردان به قدری پاشیده و پراکنده شده بود که این اقدامات بی‌اثر و بی‌ثمر بود. چه صاحب‌منصبان آن گردان اکثر جوان و بی‌تجربه و اگر چند نفر صاحب‌منصبی در آن گردان بودند اکثر تازه به آن گردان اعزام و شناسایی به حال افراد دارا نبودند. کادر به کلی ضعیف و بی‌اطلاع [بود] چه این قسمت‌ها در شهر به ظاهرسازی، معایب خود را مستور و پوشانیده آن وقت در مواقع بد و سخت به کلی ضعف و سستی آن‌ها معلوم می‌گردد.

در این شب کلیه صاحب‌منصبان و وکلای قسمت‌های ابوابجمعی خود را

رها کرده هرکسی گوشه راحتی برای خود تعیین و تهیه نموده، آسوده نموده بودند. افراد با حال تضرع و گریه، با داد بیداد وارد شده در کلیه چادرها حتی چادر صاحب‌منصبان با بی‌نظمی داخل و در هر چادر بیش از بیست الی سی نفر نظامی ریخته بود. افراد گردان به کلی تفنگ و تجهیزات خود را در بین راه ریخته هرکسی به فکر راحت و گرم نمودن خود بود. تمام ایستادگی و فشار من و صاحب‌منصبان فوج منصور بی‌فایده و بی‌اثر ماند و به زحمات فوق‌العاده و داد بیداد بسیار بالاخره هر قسمت را مجبور نمودم یک دو چادری بر پا کرده افراد خود را در زیر آن جمع نمایند. در این شب تنها قسمتی که به فکر افراد خود و تا اندازه‌ای راحتی افراد را منظور نظر قرارداد صاحب‌منصبان آتشبار کوهستانی بودند که افراد خود را قدری راحت کرده بعد خود به فکر راحتی افتادند. یک نفر از صاحب‌منصبان پیاده محمدخان رجبی با آن‌که صاحب‌منصب بی‌سوادی بود در همان شب چون ملاحظه کرد افراد قادر به تهیهٔ هیزم نمی‌باشند شخصاً قدری هیزم جمع‌آوری کرده افراد خود را جمع و قدری آتش برای آن‌ها تهیه کرد. گرچه به واسطهٔ همین اقدام دست او را سرمازده تا مدتی مشغول معالجه بود ولی در خصوص وظایف صاحب‌منصبی قصور ننموده، مافوق قدرت خود را معمول داشت.

کلیه افراد گردان شروع به یا حسین و داد بیداد نمودند تا صبح. ولی کجا آن صداها به صاحب‌منصبان آن‌ها مؤثر شد؟ رقت نیاوردند. هرکسی در جای خود راحت، هر قدر به آن‌ها فشار آورده و آن‌ها را مجبور می‌نمودم که به سر افراد رفته راحتی آن‌ها را تا حدی فراهم و از این حرکات آن‌ها که بدتر اسباب یأس افراد فوج منصور بود جلوگیری نمایند ولی از مقابل من که دور می‌شدند در چادر خود داخل شده به هیچ وجه توجهی به افراد نمی‌شد و این حالت موحش تا صبح ادامه داشت.

این شب درجه برودت شدیدتر و زیادتر از تمام مدتی بود که در عهد

خود دیده بودم ممکن است تصور کرد. گلنگدن تفنگ‌ها به کلی چسبیده و ممکن نبود حرکت داد. با وضعیت رقت‌آور این شب تصور می‌نمودم بسیاری از افراد تلف خواهند شد. بزرگترین بدبختی برای فرمانده واحد است که افراد دچار بدبختی و گرفتاری شده، فرمانده قسمت به‌هیچ‌وجه نتواند چاره‌ای اندیشیده یا راه نجاتی برای آن‌ها پیدا نماید. بزرگترین بدبختی‌ها همین پیش‌آمدهای طبیعی از قبیل سرما، زلزله طوفان، سیل آب [است] که واقعاً دیگر چاره تا حدودی از قدرت فرمانده قسمت خارج و ناچاراً بایستی تسلیم طبیعت گردد.

در این شب و در این سرما افراد فوج منصور به واسطهٔ نداشتن پوطین که با تمام تأکیدات تا به حال نرسیده بود پابرهنه اکثر مُچ‌پیچ‌های خود را به پاها بسته بودند ولی به محض راه رفتن به کلی متلاشی شده اکثر پای افراد پوست انداخته، راه رفتن و حرکت برای آن‌ها غیرمقدور بود. با آن که دستور داده شده بود همه شبه آتش تهیه کرده در چادرهای خود آتش بسیاری ریختند، تهیه شب را می‌دیدند [و] قراول ده دقیقه به ده دقیقه عوض می‌شد با وضعیت این حال برای درک درجهٔ برودت پیش آمد شب ۱۶ آذر را ممکن است در نظر آورد.

یک پست نظامی برای تقویت گروهان ۴ از گروهان ۳ اعزام و در ته دره گمارده شده بود. قراولان آن ده دقیقه به ده دقیقه عوض می‌شدند. یکنفر نظامی کرمانشاهانی سلیم [نام] که در سر پست بود به واسطهٔ شدت برودت یخ زد. به محض اطلاع جسد بیچاره را در چادر مریضخانه آورده فوری شروع به مداوا شد ولی مداوا مؤثر نبود، چه هر قدر جدّیت شد بدون ثمر ماند. نظامی وظیفه در اثر اجرای وظیفه تلف گردید. حال درست تصور نمایید در این سرمای شدید و در آن برودت بی‌نظیر که در عمر خود ندیده و با این عدم وجود وسایل ــ پوطین، جوراب پشمی و دستکش ـ چه ممکن نبود جز آنکه با زبان ملایم و با مهربانی رفتار کرده،

افراد را استمالت نمود، خاتمهٔ عملیات را به آن‌ها وعده داد. بدترین شب‌های عمر خود یکی آن شب را می‌دانم که از یک طرف [از] شدت برودت به هیچ‌وجه دیگر قادر به اقدامی نبودم، از یک طرف جنجال و هیاهوی افراد گردان فوج بهادر که به هرزبان و لسان بود از آن ممکن نشد جلوگیری کرد و صاحبمنصبان بی‌تجربه آن‌ها نیز قادر نبودند.

قسمت مهمتر که توجه مرا به خود مخصوصاً جلب نموده بود عقب ماندن بنه و بارهای مهمات که فرمانده گردان بی‌اطلاع حتی کمترین و کوچکترین اسکورتی برای آن تعیین ننموده بود. اسلحهٔ اشرار عثمانی بود اگر موفق به گرفتن آن می‌شدند بدیهی است بهترین کمک برای آن‌ها بود. فقط توجهات ذات اقدس شاهانه بود که آن شب را بدون سانحه و اتفاقی گذراندیم.

صبح زود تا حدی مَه [و] بوران برطرف شده فرمانده گردان و صاحب‌منصبان را برای جمع‌آوری افراد بنه گردان اعزام نمودم و تا عصر یوم ۱۶ اقدام به طول انجامید تا بنه را جمع‌آوری کرده، افراد را در قسمت‌های خود تمرکز دادند. ولی بی‌تردید اظهار می‌دارم بی‌دیسیپلین‌ترین و ضعیف‌ترین گردانی بود که در مدت خدمت خود ملاحظه کرده و با آن مصادف شده بود. پس از رسیدگی راپورت ذیل تقدیم شد.

مقام منیع بندگان حضرت اجل کفالت محترم ارکان حرب معظم کل قشون دامت عظمته. با کمال افتخار به عرض مبارک می‌رساند گردان اعزامی یوم ۱۶ به اردو ملحق، برف باران بی‌اندازه شدید می‌باشد. در لیلهٔ گذشته حملاتی از طرف اشرار شد، در نتیجه از همه طرف عقب رانده شده، دو نفر از اشرار تلفات گرفته شد. افراد نظامی نیز چهار نفر زخمی گردیده‌اند. به طوری که ستون رزآب تحت نمرهٔ ۱۰۴ اطلاع می‌دهد عملیات آن ستون به واسطهٔ انتظار کمک غیر معلوم می‌باشد. چون توقف

این ستون در محل فعلی و برف بوران فوق‌العاده دشوار است لذا ناچاراً به محض قطع شدن برف به طرف پوزیسیون‌های دشمن حمله خواهد شد.
ساعت ۴ عصر ۱۰/۹/۱۶ نمرهٔ ۷۰۸۶

نایب سرهنگ رزم‌آرا

با نداشتن پوطین به واسطهٔ پراکندگی افراد فوج بهادر پنجاه نفر را سرمازده، هشتاد رأس قاطر به کلی خشک شده، نه نفر مکاری قاطرهای خود را گذارده فرار نموده بودند خشک گردیده بودند. این احصائیه مختصر درجهٔ برودت و سرمای شدید را بیان می‌نماید. با تمام بدی و زحماتی که این سرما برای اردو تهیه نمود بعداً پس از ورود به پاوه مطلع شدم بی‌فایده نبوده بلکه اسباب نجات افراد شده بود. چه در اُوتـه‌یگانه چشمه‌ای که افراد از آن آب برداشته مصرف می‌گردند چشمه‌ای بود که بین لغوگیر و اوته واقع شده بود. اشرار پس از اطلاع از آن قضایا مصمم شده بودند مقداری سم تهیه کرده در چشمه‌ای که بود بریزند و به همین منظور از طویله و خاک عراق مقداری سم تهیه و مصمم بودند در همان شب بفرستند که این سرما آن‌هارا از این خیال به کلّی منصرف و اجرای این تصمیم را غیر مقدور نموده بود. با تأکیداتی که برای حمل پوطین و پوستین شده بود تا عصر ۱۷ خبری نرسیده بالاخره یوم ۱۸ صبح پوطین وارد و فوری بین افراد تقسیم و حکم نمرهٔ ۱۰ صادر گردید.

فصل پنجم
پایان کار

از لیلهٔ ۱۹ قسمت‌ها هریک در محل‌های خود متمرکز گردیده و از ساعت ۷ شروع به عملیات گردید. عملیات با طرز خوب و خوشی پیش‌رفت نمود. اگر گردان ۱ قدری زودتر از موقعیت خود برای تصرف چیق‌چرمی حرکت نموده بود خیلی زودتر نتایج خوب حاصل می‌شد ولی قدری دیر حرکت نمودند. اشرار فوری به محض اطلاع در سرگردنهٔ شمشیر نمودار و به هر طرف پراکنده، زدوخورد شروع گردید. زدوخورد عمده و قابل توجه پس از تصرف چیق‌چرمی و ریو که سمت چپ آن بود [شروع شد] که اشرار از مسافت چهل متری مشغول تیراندازی شده زدوخورد تا غروب ادامه داشت ولی گردان ۲ به واسطهٔ نرسیدن گردان ۱ به خط آتشکده در محل خود متوقف بود و شب را قسمت‌ها در پوزیسیون خود باقی بودند فقط برای کمک گردان یک گروهان فوج بهادر به جناح چپ اعزام شد که ارتفاعات بالای ریو ــ کره‌ماکوان ــ [را] که مربوط به آتشکده بود تصرف نماید. گروهان مذکور به وظیفهٔ خود به خوبی عمل نمود.

در عصر ۱۹ تلگراف ذیل واصل گردید.

فرمانده ساخلوی مرکزی فوج منصور. حسب‌الامر جهان‌مطاع مبارک لازم است تلگراف ذیل با قید فوریت به نایب سرهنگ رزم‌آرا برسانید و باید در ظرف ۲۴ ساعت جواب این تلگراف به ارکان حرب کل برسد و الا شخص شما مورد مؤاخذه شدید واقع خواهید بود:

نایب سرهنگ رزم‌آراء. متعاقب نمرهٔ ۹۱۶۲ حسب الامر جهان‌مطاع مبارک اکیداً خاطرنشان می‌گردد. عملیات تعرضی و پیشروی ستون در موقعی باید ادامه داده شود که کاملاً از وضعیت اشرار مطلع بوده و اطمینان قطعی به موقعیت و امکان قلع قمع اشرار داشته باشید. زیرا که با وضعیت مسدود بودن راه‌ها اتکای شما فقط به قوای موجود خودتان باید باشد و انتظار اعزام قوای جدیدی از مرکز نمی‌توانید داشته باشید. لهذا اگر اطمینان به موفقیت و امکان قطعی قلع و قمع اشرار نمی‌توانید داشته باشید فوراً راپورت دهید تا تصمیم لازم اتخاذ شود. جواب این تلگراف باید قطعاً در ظرف ۲۴ ساعت به ارکان حرب کل برسد که از شرف عرض خاکپای مبارک بگذرد. ساعت ۶ عصر ۱۰/۹/۱۶ نمرهٔ ۹۱۶۳

کفیل ارکان حرب کل قشون امیر لشکر محمدنخجوان

از برای من این تلگراف بی‌اندازه اسباب تأثر بود چه با تمام جدیّت و سعی که برای پیشرفت مقاصد داشته و موانعی که مانع اجرای وظیفه من بود، وصول این تلگراف بی‌مورد بود چه ارکان حرب محترم بایستی اسباب نگرانی فرماندهان را فراهم نساخته بلکه در این گونه مواقع کمک و مساعدت نماید، شرحی تحت نمرهٔ ۷۱۵۹ جواب عرض شد:

مقام منیع بندگان حضرت اجل کفالت محترم ارکان حرب معظم کل قشون دامت عظمته. امریه تلگرافی نمرهٔ ۹۱۶۳ [ساعت] ۷ بعد از ظهر ۱۹ جاری زیارت، با کمال افتخار به عرض می‌رساند توقف قوای نظامی در روی کوه و اخذ موقعیت با برف و برودت، فوق‌العاده دشوار و تلفات شدید به قسمت و دواب وارد خواهد شد. از این نقطه نظر بود که عملیات نظامی برای تصرف پاوه شروع و به هر قسمی است چه برای حفظ افراد از سرما و چه برای در هم شکستن دشمن بایستی پاوه تصرف، موقعیت‌هایی در آن‌جا اتخاذ گردیده، فوری ارزاق دو یا سه ماه افراد از

نقطه نظر مسدود شدن راه به آن‌جا حمل و قوای نظامی در آن محل متوقف گردد و در صورت امکان به عملیات لازمه از آن‌جا مبادرت ورزند. ولی جهت حمل ارزاق و لوازمات مذکور ۵۰۰ رأس قاطرهای باری لازم است که فوری تحویل مأمورین فوج منصور گردد تا بتوان جهت این‌منظور اقدام نموده و ارزاق قسمت را تأمین کرد ساعت ۷ صبح ۱۰/۹/۲۰ نمرهٔ ۷۱۵۹.

نایب سرهنگ رزم‌آرا

شب را قسمت‌ها در موقعیت‌های خود صبح کرده، صبح ۲۰ مجدداً عملیات شروع و پس از مدت یکی دو ساعت زدوخورد بالاخره ارتفاعات آتشکده در تصرف قوای نظامی داخل شده، گردان ۱ نیز شروع به پیش‌روی نمود و اشرار یک‌مرتبه متواری گردیدند. با حفظ ارتباط کامل عصر ۲۰ وارد آتشکده شده، در موقع ورود حکم نمرهٔ ۹۲۵۱ ارکان حرب معظم کل قشون زیارت شد:

نایب سرهنگ رزم‌آرا. راپورت واصله از تیپ کردستان حاکی است که به واسطه کثرت برف تمام گردنه‌ها مسدود، رساندن آذوقه و هیزم برای پست‌ها غیرممکن گردیده لذا نفرات را با کمک ایل جار از اهالی محل به زحمت از گردنه‌ها پایین آورده‌اند. نظر به وضعیت فوق به تیپ کردستان دستور داده شده است عده‌های نظامی را جمع‌آوری و در دهات آباد و قابل سکونت ولو این‌که چند کیلومتر از خطوط فعلی عقب‌تر باشد توقف نمایند با این ترتیب و این وضعیت که ستون‌های تیپ کردستان مواجهه با آن شده‌اند تصور نمی‌رود عملیات تعرضی از طرف ستون روانسر صورت خوبی داشته باشد زیرا که عملیات تهاجمی شما با وضعیت فعلی متکی به تعرضات مترادف از طرف ستون‌های کردستان نبوده و فقط عملیات یک‌طرفی خواهد بود. بنابراین حسب‌الامر جهان‌مطاع مبارک از

عملیات تعرضیه و پیشروی تا دستور ثانی خودداری نموده، نظریه قطعی خودتان را راپورت دهید. ساعت ۷ عصر ۱۰/۹/۱۷ نمرهٔ ۹۲۵۱، کفیل ارکان حرب کل قشون امیرلشکر محمد نخجوان.

در جواب امریه فوق نمرهٔ ۷۱۸۶ به عرض رسید:

مقام منیع بندگان حضرت اجل کفالت محترم ارکان حرب معظم کل قشون دامت عظمته. عطف به امریه نمرهٔ ۹۲۵۱ با کمال افتخار به عرض می‌رساند. تصرف پاوه و خانقاه جهت ستون روانسر کمال لزوم را داراست چه با سرما و برف شدید، محل و موقعی نبود که بتوان در آن‌جا وضعیت نظامی اتخاذ کرده ولی با تصاحب پاوه و خانقاه و تأمین ارزاق می‌توان مدت چند ماهی در آن‌جا توقف کرده، با دشمن زدوخورد نمود چه عقب‌نشینی ازاین محل برای قوای نظامی غیرمقدور و مخاطرات فوق‌العاده بزرگی تولید خواهد کرد. ضمناً بایستی قوای نظامی از جبهه‌های کردستان نیز تماس دائمی را از دست نداده حتی‌الامکان دشمن را مشغول دارند چه در صورت قطع محاربه این ستون دچار زحمات فوق العاده خواهد شد. به اضافه همان وضعیتی را که تیپ کردستان دارا می‌باشد این ستون نیز سخت‌تر و دشوارتر دارا بوده ولی با جدیّت موفقیت حاصل شد. اگر چنانچه تیپ کردستان نیز جدیت دقیق نمایند [عملیات] هرچه زودتر خاتمه خواهد یافت. ساعت ۱۲ ظهر ۱۰/۹/۲۱، نمرهٔ ۷۱۸۶

نایب سرهنگ رزم‌آرا

برای خواننده مطالعه امریه نمره‌های ۹۱۶۳ و ۹۲۵۱ اسباب تعجب خواهد شد که چرا ارکان حرب معظم کل قشون تا این حدود پافشاری نموده و چرا در تحت نمرهٔ ۹۲۵۱ ذات اقدس شاهانه امر به توقف و عدم

پیشرفت می‌دهند. پس از مطالعه امریه‌های فوق کاملاً مستحضر گردیدم که اهمیت راپورت نمرهٔ ۶۷۹۵ من ثابت گردیده که از روی عدم بصیرت چه اقدامات بی‌اساسی شده است. با تمام فشارات وارده و زحمات مختلف که در ظرف این مدت برای من حاصل شد خیلی خوشوقت و مسرورم که خدمت قابل توجهی را به وطن خود نموده در تاریخ این منطقه اسمی از صاحب‌منصبان و افراد فوج منصور باقی گذاردم چه خواننده پی به اهمیت موقع برده و صحت اظهارات را درک خواهد کرد. چه اگر مطابق امریه نمرهٔ ۹۲۵۱ اشعار شده توقف شده بود چون در اوته محلی برای برقراری اردوگاه نبود ناچاراً بایستی در قشلاق و یا در جوانرود موقعیت اخذ کرد. پرواضح است که اخذ این موقعیت در وسط زمستان در آن موقع بی‌اندازه اسباب تزلزل روحی افراد شده و از طرفی چون در مقابل یک عده اشرار بی‌سروپا پوزیسیون نظامی مطّولی اخذ می‌شد کاملاً اسباب تجرّی آن‌ها فراهم می‌گشت.

و از طرف دیگر چون کلیه طوایف و اهالی منتظر نتیجه اقدامات بودند جای تردید نبود که در نتیجه فشار جعفر سلطان ناچاراً به او گرویده، عدهٔ کثیری در مقابل دولت مشغول تجری و شرارت می‌گردیدند و روز به روز بر قسمت و تعداد آن اشخاص افزوده شده، جای تردید نبود که سیاست‌های خارجی نیز داخل می‌گردید. چه جعفر سلطان با ائتلافی که با انگلیسی‌ها داشت از اول زدوخورد فتح‌الله بیگ پسرخود را نزد آن‌ها در سلیمانیه فرستاده و کسب تکلیف نموده بود و آن‌ها جواب داده بودند که حالیه کمک کردن نسبت به شما غیرمقدور ولی در اول بهار چون سیاست تغییر حاصل خواهد نمود کمک خواهد شد مشروط به آن که تا آن موقع پایداری نمایید. حال با وضعیت این حال معلوم می‌شود که چه وضعیت و چه صورتی ممکن بود طول مدت عملیات و اخذ موقعیت زمستانی حاصل کرده، چه قطعی بود نائره آتش از سردشت تا سرپل و

قصر مشتعل شده و بی‌اندازه توحش‌خیز و تأثرآور شده با قوای بسیار، عملیات سهمگینی لازم می‌گردید. ولی این اقدام به موقع و این پیشرفت فوری تمام رشته امید آن‌ها را مبدل به یأس کامل نمود و تلگراف ذیل که در تاریخ ۲۶ به وسیلهٔ طیاره رسید اهمیت عملیات ۱۹ را کاملاً ثابت می‌نماید:

نایب سرهنگ رزم‌آرا. راپورت واصله از وزیر مختار دولت شاهنشاهی از عراق به خاک‌پای مبارک ملوکانه اروحنافداه حاکی است که بعد از مصادمهٔ اخیر جعفر سلطان و کسانش متفرق شده و خیال عزیمت به بین‌النهرین را دارند. از طرف دولت عراق فوراً برای جلوگیری و خلع سلاح آن‌ها اقدام شده اینک حسب الامر جهان‌مطاع مبارک لازم است به فوریت و بدون تأخیر حرکت کنید و اشرار را تا آخرین نقطهٔ سرحدّی با مارش سریع تعاقب نمایید و از عقب سرخودتان نگران نباشید زیرا که دوگردان دیگر از فوج بهادر و یک دسته توپخانه مجدداً در کرمانشاهان تمرکز داده شده است. البته بدون تأخیر باید به طرف جلو حرکت کنید. ساعت ۱۲ صبح ۱۰/۹/۲۴ نمرهٔ ۹۵۹۴، کفیل ارکان حرب کل قشون امیرلشگر محمد نخجوان.

در لیله ۲۱ در آتشکده حکم نمره ۱۱ صادر و در همان شب عده‌ای از متنفذین محل برای ملاقات آمده با تمام آن‌ها مهربانی و قول داده شد که اگر اسلحه و مهمات خود را جمع‌آوری و تسلیم نمایند کسی نسبت به آن‌ها مزاحمتی نخواهد داد. گرچه از یوم ورود با تمام اهالی و طوایف مشغول مکاتبه بوده و شاید تا آن تاریخ متجاوز از پانصد نمره به آن‌ها صادر شده بود در نتیجهٔ همان اظهارات و مکاتبات بود که عموم متوجه دولت شده و در نتیجهٔ آن شکست، فوری در اردو برای اطاعت امر حاضر گردیدند. صبح یوم ۲۱ قسمت‌ها به طرف نقاط معینه حرکت کرده اهالی نیز کلیه اسلحه خود را در مراکز نظامی حاضر و تحویل نمودند.

[از] انتشاراتی که داده شده بود اهالی منتظر سوءسلوک از طرف صاحب‌منصبان و نظامیان بودند، حُسن خُلق و رفتار پسندیدهٔ نظامیان را ملاحظه کرده هر لحظه بیشتر معتقد گردیدند.

پس از زدوخورد ۲۰ آذر ماه

پس از خاتمهٔ زدوخورد قسمت‌ها مطابق احکام صادره در محل‌های معیّنه ــ پاوه، خانقاه و شمشیر ــ متمرکز گردیدند. چون به هیچ وجه ارزاقی در قسمت نبود لذا فکر من متوجه تهیه ارزاق شده حتی سیصد رأس قاطر برای کمک دواب استخدامی از آبادی‌ها برای حمل جنس گرفته شد چه با شکستی که به اشرار وارد شده بود تعقیب آن‌ها لازم بود ولی قبل از تسویه و حل دو نکته ذیل [خلع سلاح و تأمین ارزاق] اقدام به این امر را بی‌مورد می‌دانستم:

[خلع سلاح]

۱. موضوع جمع‌آوری اسلحه بود. چون اشرار متواری شده بودند لازم بود فوری اسلحه‌های آن‌ها را جمع‌آوری کرده و قبل از آن‌که به فکر شرارتی افتند کاملاً از آن‌ها جلوگیری کرده برای این‌منظور و تسریع در اجرای این عمل ابلاغیه ذیل صادر و فوری به کلیه اهالی منتشر شد.

اعلامیّه

نمرهٔ ۷۷۴۲ـ ۲۲ آذر ۱۰

به کلیه اهالی و ساکنین پاوه، خانقاه و قراء اطراف خاطرنشان می‌شود که هر قدم کوچک یا فکر مخالف در مقابل قشون نیرومند تعقیب و مورد سیاست واقع خواهد شد. تا به حال در تحت فشار اشرار مجبور به اقداماتی بوده‌اید در آتیه اگر چنانچه:

۱. هرکسی از اهالی کمترین و کوچک‌ترین خبر و اطلاعی از قوای نظامی یا گزارشات آن به قوای اشرار بدهد محکوم به اعدام خواهد شد.

۲. ارتباط به طرف سیروان، دشه و نجار به کلّی قدغن و کسی حق عبور به آن نقاط را نخواهد داشت مگر با اجازه کتبی مخصوص. در غیر این صورت اشخاص جلب و سیاست شدید خواهند شد.

۳. هرکسی در مقابل قوای نظامی اسلحه استعمال و ایستادگی نماید محکوم به اعدام خواهد شد.

با در نظر گرفتن مطالب لازمه بی‌اندازه دقت کرده تسامح ننمایید، چه شما رعایای دولت و اوامر دولت را بایستی از جانِ دل اطاعت نمایید.

فرمانده قوای اعزامی نایب سرهنگ رزم‌آرا

کلیه اسلحه اهالی مطابق تعداد ذیل جمع‌آوری و در حضور کمیسیون سوزانده شد؛ اسلحه سیستم مختلف، ۲۸۰ قبضه؛ فشنگ، ۲۰۰۰ تیر.

چه جعفر سلطان کراراً اظهار نموده بود دولت برای مسلح کردن قوای خود اصرار و ابرام در اخذ اسلحه من دارد اهالی [که] ملاحظه نمودند اسلحه آن‌ها را سوزانیده در مقابل آن‌ها خورد می‌نمایند کاملاً مستحضر شدند که جعفر سلطان برای پیشرفت مقاصد سوء خود این انتشارات را داده و این مزخرفات را شایع نموده بود. در مقابل کلیه اهالی اسلحه را سوزانیده با پتک به کلی خورد کرده به صاحبان آن‌ها رد شد و به طور کلی در خصوص جمع‌آوری اسلحه موفقیت کامل حاصل شد. تلگراف ذیل در خصوص سوزاندن اسلحه تقدیم گردید.

مقام منیع بندگان حضرت اجل کفالت محترم ارکان حرب معظم کل قشون دامت عظمته. با کمال افتخار به عرض می‌رساند پس از ورود به پاوه فوری اعلامیه به کلیه اهالی اطراف صادر و قدغن شد که اسلحهٔ خود را تسلیم نمایند. تا این ساعت ۲۸۰ قبضه اسلحه سیستم مختلف و ۲۰۰۰

تیر فشنگ تسلیم نموده‌اند بواسطهٔ نبودن وسایل حمل کلیه تفنگ‌های ماخوذی با تشکیل کمیسیونی سوخته شد. جدّیت در جمع‌آوری بقیه اسلحهٔ اطراف می‌شود. نتیجه بعداً به عرض خواهد رسید. ساعت ۷ صبح ۱۰/۹/۲۲، نمرهٔ ۷۷۳۹

نایب سرهنگ رزم‌آرا

امریه ذیل در این خصوص واصل گردید.

نایب سرهنگ رزم‌آرا. نمرهٔ ۷۷۳۹ از شرف عرض خاکپای اقدس اعلی گذشت، فرمودند معدوم کردن اسلحه ضبطی به مورد بوده و تأثیرات معنوی آن نیز بیشتر است. زیرا اشرار باید بدانند که ما احتیاجی به اسلحهٔ آن‌ها نداریم. ضمناً حسب‌الامر جهان‌مطاع مبارک مقرر است در تأمین وسایل راحتی و آسایش افراد خیلی مراقبت کنید. ساعت ۱۲ صبح ۱۰/۹/۲۴ نمرهٔ ۹۵۷۲

کفیل ارکان حرب کل قشون امیر لشگر محمد نخجوان.

[مسئلهٔ ارزاق]

۲. مطلبی که قابل توجه بود موضوع ارزاق بود. کلیه ارزاق خاتمه یافته و در محل نیز تهیه ارزاق مقدور نبود. ناچاراً بایستی اولاً ارزاق قسمت را تأمین و پس از تأمین کامل به فکر اقدامات جدیدی افتاد. این تأمین ارزاق تا تاریخ ۲۶ به طول انجامید عصر ۲۶ قسمتی از قاطرها با ارزاق لازمه وارد و تقریباً ارزاق یک ماه اردو تأمین گردیده بود و چون موضوع تأمین [ارزاق] در این تاریخ به نظر من مهم و قابل توجه بود شرحی تحت نمرهٔ ۷۷۹۵ راپورت گردید.

مقام منیع بندگان حضرت اجل کفالت محترم ارکان حرب معظم کل قشون دامت عظمته. با کمال افتخار به عرض می‌رساند قوای نظامی

کماکان در پزیسیون خود باقی، برف و بوران شدید از امروز صبح شروع شده [است]. با کلیه مال‌های حاضرهٔ به جدیّت مشغول حمل ارزاق سه ماه اردو به پاوه می‌باشم. تصور می‌رود در مدت ده الی پانزده روز بتوان ارزاق سه ماه را به کلی حاضر کرده برای عملیات ثانوی در صورت تصویب اقدام کرد. ساعت ۷ عصر ۱۰/۹/۲۳ نمرهٔ ۷۷۹۵

نایب سرهنگ رزم‌آرا

شرحی به نمرهٔ ۹۷۴۷ جواب رسید.

نایب سرهنگ رزم‌آرا عطف به نمرهٔ ۷۷۹۵ در موقعی که قوای اشرار متلاشی و منهزم شده شما می‌بایستی از موقعیت استفاده نموده آخرین ضربت را برای اضمحلال و خاتمه دادن به کار آن‌ها وارد نمایید، غفلت نموده [و] اردو را متوقف نموده‌اید. حالا صحبت از پوزیسیون و تهیه آذوقه برای سه ماه می‌نمایید. حسب‌الامر جهان‌مطاع مبارک تذکر می‌دهد که بایست اوامر صادره را نصب‌العین قرار داده و فوراً برای خاتمه دادن به کار اشرار تعرضات خود را ادامه دهید و بعدها از آذوقهٔ سه ماهه و غیره نباید در راپورت‌های خود اسمی برده شود. مگر ما با یک عده اشرار بی‌سروپا جنگ پوزیسیون می‌کنیم که شما تازه پوزیسیون اتخاذ کرده‌اید؟ ساعت $\frac{1}{2}$۶ عصر ۱۰/۹/۲۶ نمرهٔ ۹۷۴۷

کفیل ارکان حرب کل قشون امیرلشکر محمد نخجوان

ولی بعداً پس از مدتی امریه نمرهٔ ۱۰۳۶۱ زیارت گردید و معلوم شد که اگر در بدو امر راپورت تقدیمی را بی‌موضوع تصور فرموده بودند بعداً لزوم اجرای آن ثابت شده بود.

اهالی ممکن نبود اطلاعاتی داده و حقیقتاً ما را از گزارشات مطلع سازند چه با تمام اظهارات، قلباً و عمقاً با آن‌ها بستگی داشته به هیچ وجه

من‌الوجوه حاضر نبودند به آن‌ها لطمه و ضربه وارد شود. لذا کمتر ممکن بود اطلاعاتی از ناحیهٔ اهالی کسب شود. با به اعزام اشخاص مخصوص و جاسوس‌هایی که در ظرف این مدت تهیه شده بود و بالاخره وضعیت به طریق ذیل مکشوف شد:

اشرار کلیه نقاط این طرف رودخانه و جناح چپ را تخلیه کرده در جناح راست رودخانه متمرکز شده‌اند. فکر قطعی آن‌ها برای عملیات معلوم نیست. فقط ارزاق و لوازمات خود را جداً به خاک عراق و به نقاط سرحدی حمل می‌نمایند. لذا درروی همین زمینه شرحی تحت نمرهٔ ۷۷۶۱ راپورت شد:

مقام منیع بندگان حضرت اجل کفالت محترم ارکان حرب معظم کل قشون دامت عظمته. با کمال افتخار به عرض می‌رساند چون اشرار جداً مشغول حمل اثاثیه خود به بین‌النهرین می‌باشند در صورت تصویب امر و مقرر فرمایید مأمورین دولت عراق جلوگیری کامل از این اقدام اشرار نمایند که امید آن‌ها به کلی از طرف دولت عراق مقطوع شود. ساعت ۷ عصر ۱۰/۹/۲۳، نمرهٔ ۷۷۶۱

نایب سرهنگ رزم‌آرا

برای این‌که ارکان حرب محترم را به مساعدت دولت عراق متوجه کرده شاید اقدامی در این زمینه معمول گردد متأسفانه در این قسمت نیز باز عطف توجهی نشده امریه ذیل واصل گردید:

نایب سرهنگ رزم‌آرا. شما به هیچ‌وجه حق وارد شدن در مسائل سیاسی از قبیل تأمین دادن به رؤسای اشرار و غیره را ندارید مگر این‌که قبلاً مراتب را راپورت داده و اجازه حاصل نمایید و نیز از رؤسا و

بیک‌زاده‌ها و سایر آن‌هایی که به خارج از سرحد متواری می‌شوند تعداد اسلحه و اسامی اشخاص را اطلاع بدهید که راجع به استرداد آن‌ها با دولت عراق مذاکره شود. نمرهٔ ۹۹۵۵ـ ۱۰/۹/۳۰

کفیل ارکان حرب کل قشون امیرلشکر محمد نخجوان

چه بایستی در نظر داشت که در صورت اعزام مأموری برای انجام وظیفهٔ مخصوص اولاً بایستی غور رسی کرد که اگر قابل و لایق باشد اعزام شود، در صورت عدم قابلیت و لیاقت نبایستی اعزام کرد. اگر مأموری را با در نظر گرفتن نظریه فوق اعزام نمودند بایستی به کلیه اظهارات او معتقد بوده راپورت‌های او را مورد دقت قرار دهند چه او نماینده دولت و آنچه را عرض می‌نماید حقایق مطالب و گزارشات می‌باشد. به اضافه نبایستی درجه فرمانده را در این قبیل مواقع مدرک دانست؛ چه بسیاری رؤسای کوچک درجه که به واسطهٔ فهمیدگی و زیادی عمل و تجربه به پیرها رجحان داشته، برتری دارند. ارکان حرب محترم به طور کلی در زمینهٔ کلیه راپورت‌های معروضه از طرف من همین نظریه را اعمال نموده و از بدو این مأموریت تا خاتمه جز خشونت و ایرادگیری نکتهٔ دیگری ملحوظ نشده مثلاً پس از ورود به نوسود تصور می‌رفت برقراری ارتباط از خط دزلی بهتر است راپورت ذیل تقدیم شد:

مقام منیع بندگان حضرت اجل کفالت محترم ارکان حرب معظم کل قشون دامت عظمته. با کمال افتخار به عرض می‌رساند اردوی اعزامی یوم ۲۸ ارتفاعات اطراف نوسود را اشغال و برای خاتمه کار نوسود ـ شوشمی حرکت. جهت تسریع و رسیدن احکام مقرر فرمایید تلگرافات وارده و صادره به وسیلهٔ تلگراف‌خانه دزلی به این اردو مخابره شود. ساعت ۷ صبح ۱۰/۹/۲۸ نمرهٔ ۷۹۴۰

نایب سرهنگ رزم‌آرا

بعد از چند روزی تلگراف ذیل در جواب واصل گردید.

نایب سرهنگ رزم‌آرا. [عطف به] نمرهٔ ۷۹۴۰ دستگاه‌های بی‌سیم آلمانی که به اختیار شما گذاشته شده از طهران تا محمره امتحان شده است که به خوبی جهت مخابره قابل استفاده می‌باشد. جای تأسف است که شما عوض این که بی‌سیم را در قرارگاه فرماندهی اردو دایر نمایید تلگرافات را به تلگرافخانه دزلی که چهار فرسخ با محل توقف شما فاصله دارد حواله می‌دهید. لازم است زودتر دستگاه بی‌سیم را از پاوه به محل توقف اردو انتقال داده راپورت‌های خود را به وسیلهٔ بی‌سیم کرمانشاهان بدهید که مستقیماً به مرکز مخابره نمایند. ساعت $\frac{1}{2}$۶ عصر ۱۰/۹/۳۰، نمرهٔ ۱۰۰۲۱، کفیل ارکان حرب کل قشون امیرلشکر محمد نخجوان

پس از چهار روز کلیهٔ تلگرافات از خط دزلی واصل و اصالتاً بهترین خط ارتباط تلگرافی آن خط گردید. چه در بدو امر بی مطالعه راپورت مرا مورد عتاب قرار داده بعداً ثابت شد که اظهارات من صحت داشته و بهترین راه ارتباط تلگرافی خط دزلی می‌باشد.

مارش سریع برای تعقیب

پس از تهیه ارزاق و اخذ اسلحه مصمم بودم که پیشروی و عملیاتی شروع نمایم چه به‌هیچ‌وجه اطلاعاتی از [ستون‌های اعزامی] کردستان در دست نبود و آخرین تلگراف ستون رزآب به شرح ذیل بود:

نمرهٔ ۱۵۵ ـ ۱۰/۹/۲۲

فرماندهی محترم فوج منصور. عطف به نمرهٔ ۷۰۷۲ ارتباط این ستون کاملاً تأمین ولی از نقطه نظر وضعیات و کولاک‌های شدید عجالتاً عملیات این ستون تا چندی به طور وقفه باقی خواهد ماند.

نایب سرهنگ مهدسلطانی

از طرف دیگر برای اطلاع از وضعیت جعفر سلطان و بیگ‌زادگان شرحی به طریق ذیل برای جعفر سلطان و شرح متحدالمآلی نیز به شرح ذیل برای کلیه بیگ‌زادگان تهیه توسط شیخ نصرالدین که با آن‌ها رایگان و ارتباط کامل داشت ارسال شد.

آقای جعفر سلطان شرحی که نوشته بودید توسط آقا شیخ نصیرالدین ملاحظه شد. از این‌که خود شما ندامت حاصل و از کردار خود پشیمان شده‌اید خوشوقت و مشعوف هستم. شما تا به حال مرا ملاقات ننموده‌اید ولی به وجدان خود قسم که اگر با زندگانی و حیات خود باشد شخص شما و بیک‌زادگان را حفظ کرده به شما قول وجدانی می‌دهم که کمترین ضرری به شما وارد نشود. لازم است فوری به محض رسیدن این کاغذ کلیه اسلحه و مهمات خود را جمع کرده با کلیه بیگ‌زادگان به طرف اردو حرکت. بدانید من شخصی بی‌وجدان نیستم و اگر یک کلمه بگویم غیر از صحت نیست. پس بدون اتلاف وقت فوری فوری اسلحه خود را جمع کرده با کلیه بیگ‌زادگان به طرف اردو حرکت کنید. هیچ‌گونه مزاحمت یا مکری از طرف دولت و وطن خود نداشته باشید چه این اردو بایستی در تمام سرحدات حرکت کرده معطل نشود و شما نیز قدری فکر کنید و بی‌جهت وقت تلف ننمایید.

فرمانده قوای اعزامی نایب سرهنگ رزم‌آرا

نمرهٔ ۷۹۳۶ـ ۱۰/۹/۲۷

بیگ‌زادگان اورامی، کاغذهای شما رسید از مضمون آن مطلع شدم. شما ایرانی می‌باشید. ایرانی بایستی اوامر دولت خود را مثل آیه آسمانی بداند. منظور دولت خانه خرابی و از بین رفتن شماها نیست. چه وجود شما برای سرحد لازم و نافع و بلکه دولت بایستی شما را تقویت نماید.

ولی منظور دولت عجالتاً آن است که اسلحه و مهمات پوسیده را جمع کرده و شماها نیز به کار رعیتی خود مثل ملاکین تمام ایران بپردازید. چه کار شما تفنگ و اسلحه‌داری نیست. به تمام به وسیلهٔ شیخ نصرالدین اطمینان جانی و مالی داده شده چه دولت نظری ندارد. بایستی کلیه بیگ‌زادگان تا ظهر فردا با اسلحه خود در اردو حاضر شوند. از موقع استفاده کرده بی‌جهت خود را مسئول قرار ندهید. چه دولت نظری نداشته، من از طرف دولت به عموم شما تأمین داده‌ام. به حرف بعضی اشخاص نفهم و تحریکات گوش نداده از موقع استفاده کنید.

فرمانده قوای اعزامی نایب سرهنگ رزم‌آرا

یوم ۲۶ امریه [ذیل به نمرهٔ] ۹۶۲۴، زیارت، حکم نمرهٔ ۱۳ صادر و قسمت‌ها شروع به حرکت نمودند.

نایب سرهنگ رزم‌آراء، [عطف به] نمرهٔ ۷۱۸۶. نظامی حق ندارد در مقابل یک مشت اشرار بی‌سروپا اظهار مرعوبیت یا اظهار عجز نماید. کلمهٔ عقب‌نشینی و توقف و غیره نباید در راپورت‌های شما ذکر شود. به طوری‌که طی نمرهٔ ۹۵۹۴ امر شده باید فوراً اشرار را تا آخرین نقطهٔ سرحدی تعقیب و از این موقعیت که حاصل شده استفاده کنید. ساعت ۱۲ صبح ۱۰/۹/۲۵ نمرهٔ ۹۶۲۴

کفیل ارکان حرب کل قشون امیر لشکر محمد نخجوان

عصر ۲۷ این‌جانب وارد بالای هروی شده، شیخ نصرالدین وارد و کاغذ ذیل را از طرف جعفرسلطان و شرحی تقریباً به یک مضمون از طرف بیک‌زادگان تسلیم نمود:

مقام فرمانده محترم قوای نظامی دام‌اقباله. دستخط مبارک به وسیلهٔ جناب آقای شیخ نصرالدین شرف صدور و زیارت نمودیم. توصیه و نصایح مرحمت‌آمیز را کاملاً مستحضر و عموماً تصدیق می‌نماییم. مسلم است تا شخص مجبور نشود نه وطن را جا می‌گذارد و نه خارج را اختیار می‌کند. جداً مایل اطاعت و فداکاری دولت و انجام اوامرات اولیا دولت بوده و هستیم و فعلاً هم بر حسب امر حضرت فرماندهی معظم دامت عظمة مشغول اطاعت و جمع آوری اسلحه بوده که تحویل دهیم. به واسطهٔ بی‌مرحمتی بعضی از صاحب‌منصبان که غفلتاً اردوی دولتی را بالای این ملت بی‌چاره، بدبخت وحشی ریختند تا به این درجه رسانیدند و ملت و رعایا را پریشان کردند حالا حضرت مستطابعالی با مرحمت و ملّت‌پروری و خیرخواهی به راه سعادت وادار فرموده و شرافتمندانه تعهد عفو و رفاه بندگان را فرموده‌اند در حقیقت اسباب تشکر است. مشروط بر آن که همه نوع قول شرفی داده و وجداناً تعهد عفو فرموده، تغییر عقاید نداده و مثل حضرت آقای سرهنگ محمودخان و مأمورین محترم سابق که مساعدت در امورات بندگان فرموده‌اند حضرت مستطابعالی هم به همان طور وجداناً اقدام فرمایید. مشروط بر این‌که قسمی باشد این زمستان نظامی داخل این ملت وحشی و وحشت‌ناک نشود تا آن که بندگان اهالی را دلالت نموده و به جای خودشان عودت دهیم و مشغول جمع‌آوری اسلحه بوده تحویل دهیم. بعد از آن در مقام اطاعت و رعیتی و وطن‌پرستی در این آب و خاک بر آمده بقیة زندگانی خود را فراهم آوریم. در خاتمه بندگی خود را تقدیم می‌دارم.

جعفرسلطان

به طور کلی مطلع شدم که جعفر سلطان در صدد مقاومت نیست ولی مصمم است پل را خراب نماید. لذا فوری شیخ نصرالدین را با شرحی

مطابق ذیل نزد جعفر سلطان اعزام نموده و به گردان ۱ نیز امر داده شد فوری از پل رد شده پل را در دست گیرند چه اگر پل خراب شده بود عبور قسمت از رودخانه غیرمقدور بود، لذا به هر قسمی بود بایستی آن را حفظ و حراست کرد. پست‌های نظامی فوری در اطراف برقرار حکم نمرهٔ ـ[1] برای تسریع در اجرای امر صادر گردید.

نمرهٔ ۷۹۳۵ـ ۱۰/۹/۲۸

آقای جعفر سلطان. شرحی توسط شیخ نصرالدین امروز نوشته و ارسال شده بود. از مضمون آن مطلع شدم که شاید از ورود نظامی ترس و رعبی دارید. این است که لازم دانستم شرحی نوشته ارسال دارم که بهتر قضایا را برای شما روشن کرده، به طور وضوح بگویم دولت منظوری از اعزام قشون جز جمع‌آوری یک مشت اسلحهٔ پوسیده طوایف ندارد. منظور دولت بی‌خانمان کردن بیک‌زادگان یا خرابی این محال نیست چه اگر اورامان اورامان است باوجود خوانین و رعایا بایستی باشد. پس تصور این نشود که منظوری جز رفاه و راحتی عموم می‌باشد. تمام ملک ایران اَمن و امان، قدرت و قوت دولت در هر جا تکمیل است. بدیهی است در مقابل قوای خارجی بایستی قشون دولت ایران نیز در همه جا با قدرت باشد که اسباب سربلندی شما و سایر ایرانی‌ها باشد. پس از قشون ترس و باکی نداشته، ما برادران شما و برای تصحیح و مرتب کردن امور شما آمده[ایم]. هرکسی تا به حال تسلیم دولت شد جز مهربانی و لطف ندیده، نگاه به محمودخان کانی‌سان و بیگ‌زادگان رزاب نمایید که همه‌گونه مورد لطف دولت واقع و جز مهربانی نسبت به آن‌ها چیزی نشده [است]. اگر فرضاً دولت نسبت به رئیس طایفه و بیک‌زاده‌ئی تا به حال کم مرحمتی نموده به واسطهٔ افکار خود او بوده است چه تمام اولاد دولت بوده، خانه

۱. جای خالی در اصل.

و مأوای شما در این ملک است. پس به این دولت مطمئن بوده بدانید من شخصاً از طرف دولت به شما و کلیه بیک‌زادگان اطمینان کامل داده که جز مهربانی و لطف خبری نخواهد بود.

بدیهی است در مقابل منتظرم که فوری اهالی را جمع‌آوری و در دهات خود تمرکز داده اسلحه و مهمات خود را تا آخرین فشنگ جمع‌آوری و تسلیم نموده برای خدمتگذاری حاضر بشوید. با آن که توسط شیخ نصرالدین مطالب لازمه را کاملاً برای شما شرح داده‌ام باز متذکر می‌شوم منظور آن است که دولت مایل نیست اقدامات او اسباب خانه خرابی یا ازبین رفتن اهالی شده، قوّت و قدرت ایرانی مضمحل شود. چه وجود بیک‌زادگان، وجود شما در سرحد با سابقه‌ای که از قدیم الایام داشته و دارید برای دولت لازم و بلکه بایستی اسباب تقویت شما را فراهم سازد. پس با اطمینان کامل هر قدر اسلحهٔ خود را که حاضر است برداشته با کلیه بیک‌زادگان فردا که یوم ۲۸ است به طرف اردو آمده، در اردو مرا ملاقات و از این نکبت و نفرت خارج شده به قول فرمانده قوای نظامی مطمئن باشید. چه مرگ در ایران رجحان بر فرار در خارج و دستگیری و حبس در خارجه می‌باشد. چه می‌دانید قوای نظامی عاجز نبوده و تا آخرین نقطه اقدام می‌نماید ولی منظور بی‌خانمان نشدن شما یک خانوادهٔ صد ساله است. منتظر جواب خیلی خیلی فوری می‌باشم که صبح فردا به اردو بفرستید.

فرمانده قوای اعزامی نایب سرهنگ رزم‌آرا

۷ بعداز ظهر یوم ۲۷ صدای مسلسل از طریق نودشه مسموع و معلوم گردید قوای نظامی وارد نودشه شده است. صبح ۲۸ ساعت ۵ شرحی توسط شیخ نصرالدین واصل شد که جعفر سلطان با کلیه بستگان خود به خاک عراق فراری شده فقط محمد سعید بیگ برای اجرای اوامر دولت

حاضر است؛ در صورت اجازه تفنگ‌های خود را جمع کرده در سر راه حاضر شوند. اجازه داده شد که کلیه تفنگ‌های خود را جمع کرده در سر راه بیاورند. قسمت‌ها مطابق دستور صادره حرکت نمودند. ساعت ۹ در بالای ارتفاعات مشرف به نوسود تیراندازی شدیدی به طرف نظامیان شروع گردید که اسباب پراکندگی چند نفر اهالی موجود نوسود شد. قسمت نظامی قدری توقف کرده بعد معلوم شد قسمت [فوج] کردستان از روی ارتفاعات، قسمت را ملاحظه به تصور آن که قسمت اشرار می‌باشد تیراندازی نموده‌اند. در صورتی که حرکت قسمت نظامی کاملاً معین و به طور خوبی تشخیص آن مقدور بود.

پس از ورود گردان ۱ فوج منصور به نوسود عدهٔ چریک کردستان با یک گروهان نظامی که کمتر از چریک نبود وارد گردیدند. این قسمت چریک در آبادی ریخته و به قدری اسباب ترس و [وحشت] فراهم نموده بودند که خارج از تصور است. نظامیان کردستان نیز آنچه می‌توانستند بدرفتاری نموده به طوری که ناچاراً فرمانده آن‌ها را خواسته امر شد فوری افراد خود را جمع‌آوری کرده در محلی تمرکز دهد. در این حین طیارات وارد و شروع به بمب‌اندازی نمودند. با آنکه بیرق و علامت نموده شد باز بمب دویمی در نوسود انداخته شد. شرح عملیات هواپیمایی در قسمت عملیات طیارات شرح داده خواهد شد.

پس از ورود به نوسود شرح ذیل راپورت عرض شد:

مقام منیع بندگان حضرت اجل کفالت محترم ارکان حرب معظم کل قشون دامت عظمته. با کمال افتخار به عرض می‌رساند لیله ۲۸ چون اطلاع حاصل شد که جعفر سلطان درصدد تحریک اهالی و حرکت دادن آن‌ها می‌باشد لذا فوری به طرف نوسود حرکت نمود. در ساعت ۸ صبح اردو وارد نوسود شده کلیه اهالی را به مراحم دولت امیدوار و شروع به

جمع‌آوری اسلحه و مهمات آن‌ها شد. جعفر سلطان و بیست نفر از بیگ‌زادگان شبانه به طرف شوشمی فرار نموده‌اند فوری مأمورین مخصوص اعزام شد که از خط سیر آن‌ها کاملاً مطلع شده تعقیب گردند. در صورت رفتن به خاک عراق با نماینده دولت عراق مذاکره و اطلاع داده خواهد شد. ساعت ۸ صبح ۱۰/۹/۲۸ نمرهٔ ۹۷۴۱

نایب سرهنگ رزم‌آرا

فوری پست‌های لازمه در اطراف گذارده شد و حکم عملیاتی نمرهٔ ۱۵ برای برقراری پست‌های لازمه و ساخلوی دائمی برای شوشمی صادر شد.

اطلاعات مربوط به جعفر سلطان از تاریخ ۲۷ تا یوم ۲۹ مطابق شرح ذیل است:

لیله ۲۸ پس از مراجعت شیخ نصرالدین و ملاحظه کاغذ این جانب جعفر سلطان فوری پسرهای خود را احضار و شبانه با کلیهٔ بیگ‌زاده‌ها به طرف پالانیه حرکت می‌نمایند. حتی چون وقت مکفی برای خود دارا نبود قاطر جعفر سلطان عودت و مقداری علوفه بار نموده عودت می‌نماید. جعفر سلطان با خود کلیه تفنگ و اسلحه خود را برده بود. فوری پس از ورود به نوسود شرح ذیل به مأمورین دولت عراق و ایران صادر شد:

نمرهٔ ۷۹۴۵ ـ ۱۰/۹/۲۸، مدیر محترم پلیس طویله. طبق اطلاعی که رسیده جعفر سلطان اورامی با کلیه بیک‌زادگان محرمانه به خاک عراق آمده‌اند و در پالانیه و طویله متوقف می‌باشند. مطابق قراردادی که بین دولتین منعقد است بایستی دستور دهید مشارالیه را با همراهانش دستگیر و در سرحد تسلیم نمایند.

فرمانده اردوی اعزامی نایب سرهنگ رزم‌آراء

نمرهٔ ۹۷۶۳ـ ۱۰/۹/۲۹، جناب قائم‌مقام حلبچه، چون روابط دولت ایران و عراق کاملاً دوستانه و ارتباط کامل حاصل و حتی برای جلوگیری از دخول اشرار اورامانی قبلاً مذاکراتی شده بود که هر موقع اشرار به خاک عراق متواری گردند فوری از طرف مأمورین دولت عراق دستگیر و تحویل مأمورین دولت علیه گردند اینک یوم ۲۷ در نتیجهٔ حملهٔ قوای نظامی به نوسود جعفر سلطان اورامانی با چهارده نفر از پسران و تقریباً چهل نفر نوکر خود ساعت ۷ بعدازظهر به طور محرمانه به پالانیه منزل حاجی محمدعلی واردشده کلیهٔ زن و بچه خود را نیز به دکاشیخان اعزام داشته‌اند. مأمورین دولت علیه اشخاص مذکور را تا سرحد تعقیب و مخصوصاً ورود اشخاص مذکور را ملاحظه و مشاهده نموده‌اند. با روابط خوب و وداد کاملی که در بین است قدغن فرمایید فوری جعفر سلطان اورامی را با کلیه پرانش دستگیر و تسلیم اردو نمایند.

فرمانده اردوی اعزامی نایب سرهنگ رزم‌آرا

نمرهٔ ۹۷۶۴ـ ۱۰/۹/۲۹

جناب جنرال قنسول محترم دولت علیه ایران مقیم سلیمانیه

اطلاعاً زحمت می‌دهد پس از چندین زد و خورد بالاخره کلیهٔ قوای اشرار متواری، نوسود و سایر نقاط مهم آن‌جا به تصرف قوای دولت علیه در آمده، جعفرسلطان با پانزده نفر پسران و تقریباً چهل نفر نوکرهای خود به طرف پالانیه منزل حاجی محمدعلی وارد مصمم بوده است محرمانه به طرف سلیمانیه حرکت کرده خود را تسلیم مأمورین دولت بریتانیا نمایند. زن بچهٔ خود را نیز به دکاشیخان اعزام نموده است. مراتب به مأمورین طویله حلبچه اطلاع داده شد. چون بایستی اشرار مذکور دستگیر و تسلیم دولت گردند لازم است جناب عالی فوری داخل در مذاکره شده اقدامات اساسی برای دستگیری اشرار مذکور پس از ورود به سلیمانیه بفرمایید.

فرمانده اردوی اعزامی نایب سرهنگ رزم‌آرا

شرحی مطابق مضمون ذیل از طرف رئیس پلیس طویله واصل گردید که کاملاً ثابت می‌نماید به‌هیچ‌وجه مایل نبودند ورود جعفرسلطان را به خاک عراق پذیرفته یا این که به این خبر صورت حقیقی بدهند:

از طرف مدیر پلیس طویله به حضور اشرف اسعد عالی فرمانده اردوی اعزامی نایب سرهنگ رزم‌آرا. به عرض جناب عالی می‌رساند به موافق دستخط حضرت‌عالی ماها اطلاع از بیگزاده‌ها و رفیقانشان داشته باشیم، خیر، معلومات نداریم که احدی از بیگزادگان در خاک عراق باشند و لازم است میزان دستخط عالی خبر به قضا بدهم بدانیم چه رجوع می‌شود، امر مخصوص بدهد.

بدین طریق عملیات اورامان در تاریخ ۲۸ آذر ۱۳۱۰ خاتمه یافت و وضعیت امور اورامان داخل در یک صورت دیگری گردید که می‌توان مرحلهٔ جلب فراریان و متواریان و خلع سلاح اورامان نام نهاد.

فصل ششم

نقد و ارزیابی

به طور کلی در عملیات اورامان از طرف تیپ کردستان خبط‌های بزرگ و مهمی رخ داد که یکایک از برای اطلاع صاحب‌منصبان درج می‌نماید:

۱. هر اقدام و عملیاتی بایستی متکی به یک اطلاعات و سوابقی باشد که متأسفانه تصمیم اولیه برای عملیات کردستان از روی عدم بصیرت و عدم اطلاع بود.

۲. این که تصمیمی برای عملیات از طرف کردستان اتخاذ شده بدون فکر و تصمیم [بود و فقط] قطعی یک گروهان به رزآب اعزام و به گردان دزلی نیز امر فقط شده بود روز ۲۵ گردنه‌ها را بگیرند در صورتی که گرفتن گردنه اثر و نتیجه نداشت.

۳. نبودن فرماندهان کافی با قسمت؛ چه نایب سرهنگ غلام حسین‌خان فرمانده قسمت نودشه خودش شخصاً در دو فرسنگی اردو متوقف بود. یاور حسین‌خان شخصاً مریض و زمام قسمت را به نایب ۱ نصرالله خان واگذار نموده بود که بدون مطالعه با اشرار مصادف و در نتیجه دوازده نفر از افراد اسیر شده [و] بقیه بدون حکم یا امری کلیه اثاثیه و لوازمات را به اسم سرما جاگذارده عقب‌نشینی اختیار نمودند.

۴. بزرگترین و مهمترین خبط کردستان در موقع حمله به نوسود شد. چه خود نوسود به طوری‌که در روی کروکی ملاحظه می‌شود در روی یک

نقطه مرتفعی واقع و راه‌های سرحدی آن به کلی معین و مشخص بوده اگر راه‌های شوشمی را مسدود می‌نمودند احدی قادر به عبور نبود. متأسفانه در عوض آن که اقدام به این کار نموده و از فرار جعفر سلطان جلوگیری شود فقط با عجله طرف نوسود آمده و ورود خود را به این محل فتح عظیمی تصور نمودند. در صورتی که کار مهمی انجام نگرفته بلکه به واسطه عدم تشریک مساعی و عدم اجرای اقدامات از روی اصول صحیح جعفر سلطان با کمال سهولت فرار نموده و به هیچ‌وجه ممکن نشد از او جلوگیری کرد. از برای فوج منصور جلوگیری از او مقدور نبود چه راه‌ها تمام در دست آن‌ها و رسیدن به آن راه‌ها غیر مقدور بود مخصوصاً به واسطه وجود پل در صورتی که قوای کردستان از روی ارتفاعات سرزن سرازیر شده و مقدور بود همه گونه اقدام برای قطع راه‌های ارتباط او به نماید. متأسفانه هیچ‌یک از اقدامات مذکور عملی نشده و از روی اصول بی‌اطلاعی اسباب فراری و متواری شدن قوای اشرار را فراهم ساخت.

در خاتمه برای درک وضعیت اردوی اعزامی به کروکی نمرهٔ ـ[1] که شامل وضعیت روز ۲۸ است رجوع شود.

اظهار عقیده راجع به شکست جعفر سلطان؛ چه باعث و سبب شده است؟

چون عملیات به طور اختصار شرح داده شد لازم و واجب می‌دانم جهت اصلی شکست جعفرسلطان و متواری شدن اشرار را بیان نمایم:

درست واضح است که جعفر سلطان یکی از اشرار و بدیهی است در مقابل قوای دولت قابل توجه نبود ولی وضعیت و اهمیت او از اکثر عشایر بیشتر و قابل توجه‌تر بود. چه جعفر سلطان مطابق صورت صحیح دارای بیست و یک پسر بود که بدون امر و اجازه او مبادرت به کوچکترین کاری ننموده و در حقیقت او پسرهای خود را مطیع کرده بود. به طوری‌که پس از

---

۱. جای خالی در اصل. به کروکی شمارهٔ ۲ در انتهی کتاب مراجعه شود.

فرار از پاوه محمدرشید بیگ جرئت نکرده مستقیماً به نوسود رود به هروی رفته و کسب اجازه برای رفتن به نوسود نمود. هریک از این پسرهای مطیع دارای شش الی ده نوکر شخصی بودند که مالک الرقاب اهالی و همه کارهٔ آن‌ها بوده و تمام معیشت آن‌ها از قبل بیگ‌زادگان می‌گذشت. پس تمام این اشخاص برای حیات و نجات خود جنگ کرده و مجبور بودند ایستادگی نمایند. اگر پس از تخلیه پاوه می‌خواستند ایستادگی نمایند درست است پیشرفت اردو قطعی بود ولی خیلی به طور سختی و ملایمت انجام می‌گرفت چه راه‌ها سخت، معابر کوچک و منحصر به فرد بود. ولی دو نکتهٔ قابل توجه پشت اشرار را شکسته و به کلی آن‌ها را ناامید نمود:

۱. اعزام پی در پی قوا که مثل برق از طهران حرکت داده شد و لاینقطع اتومبیل‌ها وارد کرمانشاهان شده جاسوس‌های اشرار ورود قوای جدید را به آن‌ها راپورت می‌دادند به طوری که به جعفر سلطان راپورت داده بودند چهارده هزار قشون وارد شده است. این اعزام و ورود قوا در اتومبیل بی‌اندازه یأس آن‌ها را تهیه نمود.

۲. [نکتهٔ دیگر] سرکشی و جواب نمودن اهالی بود. کلیهٔ اورامان و جوانرود دارای پنجاه پارچه آبادی می‌باشد و سکنهٔ کلیهٔ آن آبادی‌ها در حدود ۱۰۰۰۰ نفر است. این اهالی [که] سال‌های متمادی را با این بیگ‌زادگان به سر برده و به طور کامل مطیع اوامر و احکام آن‌ها بوده هیچ وقت دولت و قوائی ندیده یا قدرتی جز قدرت بیگ‌زادگان تصور نمی‌نمودند از زدوخوردهای اولیه و شکست اشرار خیلی [وحشت] نموده به طوری‌که اهالی نودشه که مهم‌ترین نقاط اورامان می‌باشد از زدوخورد امتناع نمودند. و بالاخره باز جعفرسلطان با حقه‌بازی آن‌ها را وادار به عملیات کرده چه در همان روزِ استماعِ امتناع آن‌ها خودش شخصاً به نودشه رفته، امر می‌دهد اهالی را حاضر کنند. وقتی اهالی

حاضر می‌شوند خودش با کت‌های بسته جلوی اهالی آمده و با زبان ملایمی اظهار می‌دارد پدران من مدت‌ها به شما فرمان روایی کرده و حق بزرگی به گردن شما دارم. نسبت به من بایستی یکی از دو پیشنهاد را قبول نمایید؛ یا آن که مرا کت بسته تحویل دولت نمایید یا آن که مرا خودتان بکشید و هرچه مایل هستید بنمایید و یا اگر خیر همان احساسات اولیه را دارید با دولت زدوخورد نمایید. همین حقه‌بازی اهالی را نرم کرده بالاخره حاضر برای زدوخورد می‌شوند.

منظور آن است که اهالی تمام مطیع منقاد بودند ولی پس از آن‌که از قدرت دولت مطلع شده و روز ناامیدی برای خود تصور نمودند فوری ارتباط حاصل، اظهار اطاعت نموده به طوری که فقط خود من متجاوز از پانصد نمره برای اهالی پاوه و خانقاه و سایر نقاط اطراف مراسله صادر نموده [و] آن‌ها را به مراحم دولت امیدوار و به تمام قول دادم که نسبت به شما کاری نخواهد شد. چون اهالی تصور می‌نمودند نظامیان نسبت به ناموس آن‌ها تخطی کرده آن‌ها را از هستی ساقط خواهند کرد پس از ورود نظامی به پاوه و ملاحظه وضع حرکت نظامیان به کلی عقاید اهالی تغییر کرده یک مرتبه تمایل خود را نسبت به دولت نشان دادند و بیک‌زادگان با این وضعیت و به این اظهار جدید اهالی هر اسناک بودند که مبادا اهالی آن‌ها را دستگیر کرده تسلیم نمایند این بود که دیگر پس از شکست پاوه ایستادگی نکرده یک مرتبه فراری و متواری شدند.

مختصر تبصره‌ای راجع به صنوف مختلفه در اردوکشی اورامان

راجع به صاحب‌منصبان.

به طور کلّی آنچه این‌جانب درک کرده و بهٔ رأی‌العین مشاهده نمودم صاحب‌منصبان افواج خارج [از مرکز] به واسطهٔ فرط مجاورت با عشایر و نقاط سرحدی بیشتر قادر به کار و عملیات بوده، بهتر از وجود آن‌ها اگر

عـملیات و اردوکشـی بـاشد مـی‌توان اسـتفاده نـمود. در صـورتی‌که صاحب‌منصبان مرکز اکثر جوان و شاگردان مدرسه بوده به واسطهٔ عدم تجربه به هیچ وجه قادر به کار و اجرای وظیفه نبوده و حتی چون ورزش و مانورهایی که نزدیک به حقیقت باشد اجرا ننموده‌اند به هیچ وجه قادر به اداره کردن قسمت نیستند و در حقیقت می‌توان گفت وجود [آن‌ها] اکثر مُضر است. یک قسمت دیگر از صاحب‌منصبان مرکز که سابقهٔ عملیاتی و اردوکشی دارند آن‌ها هم به واسطهٔ متارکه اکثر ضعیف و در حقیقت آن قسمی که از وجود صاحب‌منصبان خارج می‌توان استفاده کرد از وجـود آن‌ها ممکن نیست استفاده نمود.

صنف پیاده نظام

در عملیات اورامان پیاده نظام فـوج مـنصور ایسـتادگی و مـقاومت را در سختی و شدّت برودت و حتی در مواقع بـی‌انـدازه سـخت نشـان داد و پایداری و ثبات قدم پیاده نظام را کاملاً ثابت نمود. ماده ۳ حکم نمرهٔ ۱۸ این ثبات قدم را ثابت می‌نماید*.

ولی این ثبات قدم و ایستادگی در نتیجه ورزیدگی افـراد بـود چـه بـر عکس افراد فوج بهادر که در مرکز تربیت شـده و تـعلیمات لازمـه را در تحت اصول مرتب فراگرفته بودند بـه واسـطهٔ عـدم ورزیـدگی در هـمان لحظه اول فرسوده و به کلی از بین رفته و در حقیقت وبالی بـرای قـوای

---

*. ماده ۳ حکم نمرهٔ ۱۸ عـملیاتی. نـظامی وظـیفه کـریم ولدسـلیم در سـر پست مـوقعی که عهده‌دار خدمت قراولی بوده است منجمد و فوت می‌نماید. حرکت این نظامی وظیفه‌شناس و ایستادگی در سرپست مربوطه تا آخرین لحـظه زنـدگانی بـهترین سـرمشق وظـیفه‌شناسی و ایستادگی است. با قلبی پر از تأثر از مرگ این جوان دیسـیپلینه اظـهار تأسـف کـرده بـه کـلیهٔ صاحب‌منصبان و افراد اردو توصیه می‌نماید که ثبات قدم و ایستادگی را از او سرمشق گرفته و عکس این نظامی وظیفه‌شناس را تهیه و در مجمع صـاحب‌منصبان فـوج مـنصور بـایستی نصب گردد.

اعزامی شده بودند. به طور کلی دو قسمت مهم که بایستی سرلوحه تعلیمات قشون باشد آن قسمی که لازم است پیش‌رفت حاصل ننموده [است:]

یکی خدمات صحرایی مخصوص مستحفظی که افراد در قسمت وظایف دیده‌بان، دیده‌ور و در کشیکچی به کلی ضعیف و سرسری کار نموده به هیچ‌وجه آن دقتی که لازم است در این قسمت معمول و مجرا نمی‌دارند.

دیگری تیراندازی که به هیچ‌وجه دقت در تیراندازی نکرده مراعات مسافت را نمی‌نمایند. در صورتی که افراد پیاده نمی‌بایستی بیش از ششصد متری تیراندازی در روز بنمایند آن هم به هدف‌های معینی و چهل متر در شب آن هم به طرف هدف‌های مشخصی. در این اردوکشی کاملاً ثابت شد که مراعات مسافات را ننموده فشنگ بی‌موضوع مصرف می‌شود.

سواره نظام

به هیچ وجه در این اردو مورد استفاده واقع نشده فقط برای حفظ ارتباط با شهر [که] آن هم درست کار ننمود آن قسمی که منظور نظر بود اجرای وظیفه نمی‌نمودند. چه مسافت معین و مشخص بود و شخصاً پیاده و سواره راه را مطابق تابلوی ذیل طی کرده و عدم مراقبت سوار را در حفظ ارتباط درک کردم:

نقاط	طریقه طی مسافت	مدت		ملاحظات
		دقیقه	ساعت	
نوسود تا پل شیخان	پیاده به‌طور سرعت متوسط	۲۰	۱	سرازیری
پل شیخان‌تا هروی	پیاده و سوار به سرعت معمول	–	۱	سرازیر سربالا
هروی تا دشه	پیاده	–	۱	سربالا

دشه تا پاوه	پیاده و سواره	–	۲	سرازیر سربالا
پاوه تا قشلاق	سواره ـ قدم ـ یُرتمه	۵۵	۱	مسطح
قشلاق تا جوانرود	چهارنعل ـ یرتمه ـ قدم	۴۰	۱	بیشترجاده‌درتپه‌ها عبورمی‌نماید
جوانرود تا ـ[1]	قدم ـ یرتمه	۳۰	۱	مسطح
ـ[1] تا شاهگدار	یرتمه ـ چهارنعل	۳۰	۱	مسطح
شاهگدار تا ـ[1]	چهارنعل ـ یرتمه	۲۰	۱	مسطح
ـ[1] تا شهر کرمانشاهان	چهارنعل ـ یرتمه	۴۰	۱	مسطح

توپخانه

در صورتی‌که برای عملیات در بدو امر لزوم توپخانه معلوم بود مع‌هذا ارکان حرب معظم کل قشون از دادن توپخانه خودداری فرموده تا این‌که امر جهان‌مطاع مبارک ملوکانه ارواحنافداه که نگاه‌دار و یگانه اتکاء واقعی قشون بوده و تمام امید عموم بایستی فقط و فقط به شخص ایشان باشد، امر به اعزام توپخانه صادر فرمودند. توپخانه اخاسیوس فرستاده شد و بعداً چون خاطر خطیر ملوکانه متوجه اهمیت موقع شد امر به اعزام توپخانه روسی شد. گرچه به طور کلی از توپخانهٔ فعلی نمی‌توان آن استفاده اصلی را که در قشون اروپا شده نمود ولی مع‌هذا صدا و اثرات روحی آن ممکن است به روحیهٔ اشرار لطماتی وارد سازد. به طوری که در عملیات اورامان کاملاً این مطلب ثابت و بی‌اندازه اسباب رُعب و ترس اشرار گردید و مخصوص گلوله‌هایی‌که نایب ۱ امان‌پور فرمانده دسته توپخانه ستون ۲ تیراندازی نموده بود به واسطهٔ ترکیدن در روی گردنهٔ شمشیر بی‌اندازه مؤثر گردید. به طور کلی قسمت توپخانه فعلی پیش از سایر صنوف پیشرفت نموده و قابل تقدیر در عملیات می‌باشد و با صاحب‌منصبان جوان و با هوش که تحصیلات کامل در این صنف نموده‌اند امید ترقیات بیشتری را می‌توان داشت.

---

۱. جالی خالی در اصل.

هواپیمایی.
عملیات هواپیمایی واقعاً مضحک و قابل توجه می‌باشد و جای آن دارد که دولت توجه مخصوصی نسبت به این ضعف مهم مبذول دارد، چه هواپیمایی یا از نقطه نظر اکتشاف و یا از نقطه نظر بمباردمان و بالاخره از نقطه نظر برقراری ارتباط بایستی در اردو کمک و مساعدت نماید.

در قسمت اکتشاف. وقتی اکتشاف طیارات مثمر ثمر و مفید است که در موقع پرواز پس از اکتشاف کامل اراضی فوری نتیجه [را] به پست فرماندهی راپورت نماید. متأسفانه طیارات اعزامی چون همیشه در یک ارتفاع ۱۰۰۰ متری و بلکه بیشتر پرواز می‌نمودند. به هیچ وجه تصور نمی‌رود قادر به اکتشاف و درک مطالبی بودند. به اضافه به هیچ وجه در ظرف این مدت نتیجه اکتشاف خود را به پست فرماندهی نیانداخته بلکه به وسیلهٔ پست از کرمانشاهان ارسال می‌نمودند که پس از دو یا سه روز رسیده و تازه به هیچ وجه قابل توجه نبود چه آن اطلاعات دیگر اهمیتی نداشت زیرا قبل از وصول راپورت کتبی توسط جاسوس‌ها حاصل شده بود. در ظرف این مدت فقط یک مرتبه یک راپورت تفتیش آن هم در جوانرود انداخته شده بود که به اردو ارسال و روز بعد رسید.

در قسمت بمباردمان. به هیچ وجه بمباردمان با طیارات فعلی و صاحب‌منصبان کنونی صلاح نبوده بلکه اسباب تجرّی و اسباب جسارت اشرار خواهد شد چه در این اردوکشی کراراً بمب‌اندازی نموده و تمام بمب‌ها بدون استثناء در بیابان افتاد، به هیچ وجه هیچ یک از بمب‌ها در آبادی‌ها اصابت نمی‌نمود. چه بمب‌اندازی از ارتفاع فوق‌العاده‌ای اجرا می‌شد. فقط یوم ۲۸ ساعت سه بعدازظهر موقعی که قسمت نظامی وارد نوسود شده بود طیارات پیدا و بمب‌اندازی نمودند که هرچه بیرق‌های هویت نموده شد اهمیت نداده دو بُمب در نوسود انداخته شد که در دره‌های اطراف افتاده دیگر بمب در طویله خاک عراق که با کمال تأسف

در خاک خارجه اسباب اتلاف دو نفر و مجروح شدن پانزده نفر گردید و حقیقت این‌مطلب را مراسله نمرهٔ ۱۴۷۸ حکوت حلبچه که ذیلاً درج می‌شود ثابت می‌نمایند:

جناب فرمانده قوای اورامان در نوسود. پس از اسلام امروز که یوم یکشنبه مصادف ۲۰/[۱۲]/ ۱۹۳۱ می‌باشد یک طیاره دولت ایران تقریباً ساعت ده بر سر قریه طویله آمده و بلا سبب یک بمب انداخته بر سر محله مالیرراز[؟]. از اهالی قریه مذکور زن استادعلی نام با دخترش حنیفه نامان مقتول و عنسیه دختر علی و غنچه دختر عبد و استاد علی قادر و پروز دختر صمدسور و طوبی دختر خورشید و خاتون دختر حبیب و عایشه دختر فرخ و زلیخا دختر الله کرم و فرخ جوانمیر و ریحان دختر محمد و فتح‌الله پسر لطیف و امام پسر محمد و فاطمه دختر لطیف و مصطفی پسر محمد مجروح گشته‌اند و نیز از مجروح‌ها خیلی حالشان در مهلکه است. معلوم جناب‌عالی است وقوعات این طیاره‌چی موجب اسف‌عظیم و مخالف سیاست و حقوق بین‌الدول است و سبب این‌حرکت را ندانستم لازم بود جناب‌عالی را اطلاع دهم.

قائم‌مقام حلبچه

راپورت نمرهٔ ۸۰۰۳ به عرض رسید:

مقام منیع بندگان حضرت اجل کفالت محترم ارکان حرب معظم کل قشون دامت عظمته. با کمال افتخار به عرض می‌رساند به طیارات نظامی دستور داده شده بود که یوم ۲۸ پرواز کرده پس از اکتشاف در صورتی‌که موفق به کشف مواقع اشرار گردد آن‌ها را بمباردمان نمایند. یک طیاره در یوم ۲۸ ساعت سه بعد از ظهر پرواز چون اردو به نوسود ورود نموده‌بود

علائم شرطیه مرکز فرماندهی و گردان ارائه داده شد. به واسطهٔ آن‌که در ارتفاع زیاد پرواز می‌نمود اصالتاً علائم را مشاهده ننموده دو بمب در نوسود انداخته [است] و به طوری‌که قائم‌مقام حلبچه تحت نمرهٔ ۱۴۷۸ امروز اطلاع می‌دهد یک بمب نیز به طویله خاک عراق انداخته شده که در نتیجه دو نفر زن مقتول، ده نفر زن و پنج نفر مرد مجروح شده است. چون فدوی کاملاً از صدق [یا] کذب اظهارات آن‌ها اطلاعی نداشتم جوابی داده نشد. جهت استحضار ارکان‌حرب معظم کل قشون راپورت گردید. ساعت ۹ عصر ۱۰/۹/۲۹ نمرهٔ ۸۰۰۳

نایب سرهنگ رزم‌آرا

و نیز شرح ذیل نمرهٔ ۸۰۲۹ـ ۱۰/۹/۳۰ به نایب ۱ اِشتوداخ صاحب‌منصب هواپیمایی رمزاً نوشته شد:

نایب ۱ اشتوداخ یوم ۲۸ با آن‌که علائم شرطیه مرکز فرماندهی و گردان‌ها در نوسود ارائه داده شد طیاره که بمب در نوسود انداخته یک بمب نیز به موجب یادداشت نمرهٔ ۱۴۷۸ حکومت حلبچه در طویله انداخته شده که در نتیجه دو نفر مقتول و پانزده نفر مجروح شده‌اند. در صورتی‌که شما دارای نقشه بوده و از مناطق سرحدی مطلع بوده‌اید مطابق کدام دستور به طویله بمب‌اندازی نموده‌اید؟ لازم است صدق [یا] کذب راپورت حکومت حلبچه را راپورت و موضوع را توضیح دهید.

نایب سرهنگ رزم‌آرا

در قسمت ارتباط. باز به واسطهٔ ارتفاع پرواز ارتباطی ممکن نبود حاصل نمود. چه در اردو بیرق‌های هویت به اندازهٔ کفایت تهیه شده و هر واحد مطابق نظام‌نامه در موقع پرواز و استماع صدای طیارات باز می‌نمودند. ولی به هیچ وجه طیارات بیرق‌های مذکور را ندیده و قادر به

برقراری ارتباط نبودند و اکثر ایراد آن‌ها برای عذر این بود که بیرق‌های هویت در روی بام خانه‌ها باز می‌نمایند در صورتی‌که تمام بیابان پر از برف و بیرق هویت سفید در روی برف نمودار نبود و بهترین نقاط برای دیدن بیرق‌ها همان بام خانه‌ها بود و به اضافه چون اورامان کلیه اراضی کوهستانی و نقاط سطحی نبود مجبور بودند در پشت بام ارائه دهند. در هر حال مطابق شرح فوق آن استفاده و آن منظوری که بود حاصل نشد بلکه تولید یک اشکالاتی به واسطهٔ بمب‌اندازی بی‌جهت به طویله نموده و به اضافه اسباب تجرّی اشرار شده بودند که هر موقع طیارات پرواز می‌نمودند با کمال جسارت اشرار بیرون آمده به هیچ وجه اهمیتی نمی‌دادند و به‌طوری که در موقع مذاکرات خصوصی نیز اشرار کراراً با هم مذاکره نموده بودند که قشون دولت خوب است فقط طیارات خیلی بالا رفته، می‌ترسیدند.

در خاتمه برای اطلاع خوانندگان مکاتباتی [را] که در خصوص خبط طیارات راپورت و مطالبی که صاحب‌منصبان بی‌اطلاع هواپیما برای تبرئه خود اظهار می‌داشتند درج می‌شود:

نمرهٔ ۷۸۵۶ـ ۱۰/۹/۲۵

صاحب‌منصب دسته هواپیمایی پرواز شما به‌هیچ‌وجه برای اردو نافع و قابل استفاده نمی‌باشد. چه شما در یک ارتفاع فوق‌العاده پرواز کرده و به هیچ وجه نمی‌توان جز صورت ظاهر پرواز چیزی دید یا درک کرد و یقین مطلع هستید که با مخارج گزاف و خدمات و صدمات فوق‌العاده استفاده از وجود شما نشده و نخواهد شد.

پروازهای شما در آتیه بایستی بدین نحو صورت گیرد:

در هر پرواز بایستی کلیه خطوط را با دقت در خط سیر معینی که به شما سابقه داده شده تفتیش کرده، تمام مشاهدات و معاینات خود را

فوری در مرکز این‌جانب بیندازید و اگر شما از ارتفاع ۱۰۰۰ متر دیده‌بانی نمایید چیزی نخواهید دید پس ارتفاع پرش می‌بایستی کمتر باشد. در آتیه با در نظر گرفتن اوامر فوق اقدام کرده و در ارتفاع کمتر دیده‌بانی نمائید. در غیر این حال پرواز بی‌اساس و بی‌فایده خواهد بود.

نایب سرهنگ رزم‌آرا

نمرهٔ ۷۸۵۹ـ ۱۰/۹/۲۵

فرمانده دستهٔ هواپیمایی. کروکی برای اطلاع شما ارسال شد که به طور دقت مطالعه کرده از خط سیر اردو مطلع و مساحت از نقاط لازمه را بنمایید که بتوان نتیجه گرفت. به طور دقت کروکی‌ها را مطالعه کنید که در بمب‌اندازی اشتباه نشده ضرری وارد نگردد.

نایب سرهنگ رزم‌آرا

نمرهٔ ۷۹۳۵ـ لیلهٔ ۱۰/۹/۲۹

فرمانده دسته هواپیمایی. چون عملیات خاتمه یافته در آتیه به هیچ‌وجه پرواز لازم نخواهد بود و از طهران درخواست شد که اجازه داده شود به طهران حرکت نمایید.

یوم ۲۸ در صورتی‌که قسمت نظامی وارد نوسود شده بود و علائم به شما نشان داده شد باز مع‌هذا شما دقتی نکرده سه بمب در نوسود انداخته شد [که] در اطراف منفجر شد ولی به طوری‌که کراراً به شما تذکر داده شد این رویه طیارات بدون دقت و مطالعه اسباب تأسف است. چه بایستی اول دقت کرده آیا قوای خودی است یا اشرار بعد بمب‌اندازی شود.

نایب سرهنگ رزم‌آرا

نمرۀ ۸۳ـ لیلۀ ۱۰/۱۰/۴
مقام معظم فرماندهی قوای اعزامی روانسر دامت شوکته. در جواب مرقومه نمرۀ ۸۰۲۹ راپورت می‌نماید که اولاً به موجب ماده ۳ حکم عملیاتی نمرۀ ۱۳ ـ ۱۰/۹/۲۵ کلیه قسمت‌ها در یوم ۲۸ برج در هروی تمرکز خواهند داشت و علاوه در ذیل کروکی ارسالی صراحتاً امر شد که روز ۲۸ اردو را در ارتفاعات هروی تجسس کرده و در صورت عدم مواجهه روز ۲۹ را اردو به طرف نوسود حرکت خواهد کرد و اگر به راپورت دیده‌بانی نمرۀ ۵۸ مراجعه فرمایید هواپیمایی هم در روز ۲۸ برج قوای خودی را پای پل سلطان‌اسحق مشاهده نمود و در نوسود و اطراف آن ابداً علامت فرماندهی یا گردان در یوم مزبور ـ ۲۸ ـ نشان داده نشد و به همین جهت هم امریه بمباردمان شوشمی و نوسود اجرا گردید. روز ۲۹ که علامت در نوسود روی پشت‌بام نشان داده شد در راپورت نمرۀ ۶۳ ذکر و تصرف آن محل بنا به تقاضای متصدی محترم باقی مانده فوج راپورت داده شد.

راجع به یادداشت حکومت حلبچه که یک بمب در طویله محترق شده خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد که نه چنین امریه صادر شده و نه آن که در آن محل بمبی پرتاب گردیده است و اگر چنانچه در نزدیکی آن محل طیاره را مشاهده نموده‌اند به عرض عالی می‌رساند که در نقشه یک میلیونم $\frac{۱}{۱۰۰۰۰۰۰}$ هواپیمایی، طویله در خاک ایران و در شش کیلومتری شمالی نوسود داخل خاک دولت شاهنشاهی ایران واقع است.

کفیل ک ۱ گردان ۱ عیسی اشتوداخ

مرقومه نمره ۱۴۱۲۹ ـ ۶۵۴۵۹ مورخه ۱۰/۱۰/۲۱ ارکان حرب معظم کل قشون که عیناً مراجعه و جواب طی نمرۀ ۱۰۱۷۲ ـ ۱۰/۱۱/۴ عرض شده [است].

محرمانه مستقیم. حضرت سپهبد امیراحمدی. دولت عراق معترض است که در موقع عملیات اردو در روانسر از طرف طیارات نظامی دولت شاهنشاهی بمبی به قریه طویله پرتاب و موجب قتل و جراحت چند نفر شده است. راپورت واصله نیز حاکی است که طیارات نظامی در موقعی که قوای نظامی در آن‌جا بوده بمب‌اندازی نموده‌اند. حسب‌الامر جهان‌مطاع مبارک ملوکانه ارواحنا فداه مراتب از صاحب‌منصبان هواپیمایی مربوطه تحقیق و اظهار داشته‌اند:

۱. مطابق حکم عملیاتی نمرهٔ ۱۳ صادره از طرف نایب سرهنگ رزم‌آرا فرمانده اردو قرار بوده است روز ۲۸ آذرماه کلیه ستون‌های اردو در هروی تمرکز یافته و بر طبق تصمیم متخذه مشروحه توضیحات نقشه کروکی ضمیمهٔ حکم عملیاتی مزبور در صورت مواجهه نشدن با اشکالاتی روز ۲۹ آذر به طرف نوسود حرکت نمایند.

۲. در ماده ۷ حکم عملیاتی مزبور صریحاً تکلیف صاحب‌منصبان هواپیما تعیین و دستور داده شده است همه روزه صبح و عصر طیارات در خط سیر اردو پرواز، وضعیت دشمن را اکتشاف و با وسایل ممکنه اردو را مطلع ساخته، ضمناً در توضیحات نقشه کروکی مزبور تذکر داده شده است در نوسود شوشمی در صورت اخذ نتیجه خوب، بمب‌اندازی کنند.

۳. در نقشهٔ کروکی مزبور و همچنین در نقشه یک میلیونیم انگلیس قریه طویله در خاک دولت شاهنشاهی ترسیم شده است.

۴. مطابق اوراق دیده‌بانی که هواپیمائیان به ارکان حرب کل قشون ارائه داده‌اند صبح عصر روز ۲۸ آذر شش تیر بمب در نوسود و شوشمی پرتاب و ارتفاع طیارات ششصد و هزار متر بود و مؤثر شدن بمب‌ها و تلفات وارده کمی اوج طیارات را می‌رساند. ولی ستون‌های اردو پرده‌های علامت تعین هویت را مطابق نظام‌نامه هواپیمایی همیشه در هر رویت طیارات ظاهر نمی‌نمودند و مواقعی که ارائه داده‌اند صحیحاً بر طبق نظام

نامه نبوده و روی پشت‌بام‌های قریه نوسود پرده هویت مشاهده شده [نشده؟] است.

صاحب‌منصبان هواپیما به دلایل فوق مستند هستند که اولاً بمب‌اندازی بنا بر دستور صریح فرمانده اردو بود. ثانیاً روز ۲۸ قرار نبوده است اردو در نوسود باشد و بعلاوه علائم هویت را مطابق نظام‌نامه ارائه نداده‌اند. ثالثاً از پرتاب بمب به قریه طویله اظهار بی‌اطلاعی نموده و تکذیب می‌کنند. برای روشن شدن حقیقت قضایا مقتضی است قدغن فرمایید موضوع را از فرمانده فوج منصور استعلام و توضیحات مقابله جوابیه مشارالیه و همچنین صحت و سقم اصابت بمب به قریه طویله را جواباً اعلام دارند.

کفیل ارکان‌حرب کل قشون امیرلشگر محمد نخجوان

نمرهٔ ۸۰۰ ـ ۱۰/۱۱/۳ عیناً به کفیل فرماندهی فوج مستقل منصور مراجعه می‌گردد که با اعادهٔ همین مرجوعه توضیحات لازم را راپورت نماید.

سپهبد امیر احمدی

نمرهٔ ۱۰۱۷۲ـ ۱۰/۱۱/۴

مقام منیع بندگان حضرت اشرف سپهبد اعظم دامت عظمته، با تقدیم عین مرجوعه نمرهٔ ۸۰۰ با کمال افتخار به عرض آستان مبارک می‌رساند.

۱. به طوری‌که در حکم عملیاتی نمرهٔ ۱۳ مادهٔ ۳ تصریح شده بود در نظر بود که یوم ۲۸ کلیهٔ ستون‌ها در هروی تمرکز یافته و یوم ۲۹ به طرف نوسود عملیات شروع شود. یوم ۲۷ پس از ورود ستون‌ها و اطلاع از وضعیت اشرار لزوم پیشروی فوری قوا ملاحظه و حکم نمرهٔ ۱۴ در آن تاریخ صادر گردیده و در ماده ۷ آن وظایف هواپیمایی به طریق ذیل تصریح شده است «چون طیارات به طور قطع برای اکتشاف پرواز خواهند

نمود هر فرمانده ستون بایستی علائم تمایز را همراه داشته باشند که به محض پرواز طیارات نشان داده، محل فرماندهی خود را ارائه دهد. طیارات نیز فقط به دیده بانی و اکتشافات اقدام نموده اجازه بمب‌اندازی را نخواهند داشت» که در همان تاریخ جهت قسمت منظور ارسال شد.

۲. به طوری‌که در ذیل کروکی درج شده اجازه داده شده بود که در صورت اخذ نتیجه مطلوبه در شوشمی و نوسود بمب‌اندازی نمایند.

۳. در کروکی ارسالی فقط نقاط سرحدی ایران درج و کروکی منظور فقط برای نشان دادن نقاط لازمه بوده است. طویله در کروکی مذکور تصور نمی‌رود درج شده باشد و اگر درج شده در خاک ایران درج نشده.

۴. به طوری‌که قبلاً تحت نمرهٔ ۸۰۰۳ ساعت ۹ عصر ۱۰/۹/۲۹ به ارکان حرب معظم کل قشون راپورت و تحت نمرهٔ ۸۰۲۹ نیز به فرمانده دستهٔ هواپیمایی خاطر نشان گردیده طیارات در مدت عملیات در ارتفاع فوق‌العاده زیاد پرواز می‌نمودند به طوری‌که به هیچ وجه قادر به دیده‌بانی نبوده، ممکن نبود از این رهگذر نتیجه مترتب گردد. چه به طور کلی برای دیده بانی، مخصوصاً در اراضی کوهستانی نبایستی در ارتفاع بیش از ۶۰۰ متر پرواز نمایند در صورتی که در پروازهای اخیر طیارات به ارتفاع ۱۰۰۰ بلکه بیشتر پرواز نموده و به هیچ‌وجه قادر به تشخیص بیرق‌های هویت نبوده‌اند چه در گردان‌ها و مرکز فرماندهی بیرق‌های هویت موجود و به محض استماع صدای طیارات برای ارائهٔ محل خود گشوده‌اند ولی بدیهی است با ارتفاع پرشی که طیارات دارا بودند تصور نمی‌رود قادر به ملاحظه علامات منظور گردیده باشند. به‌طوری‌که یوم ۲۸ ساعت ۳ بعد از ظهر طیارات در افق نوسود پدیدار در صورتی‌که بیرق‌های هویت گردان ۱ و ۲ و مرکز فرماندهی در بالای عمارت گشوده بود چون طیارات در ارتفاع زیاد پرواز می‌نمودند به هیچ وجه بیرق‌های هویت را ملاحظه ننموده دو بمب در نوسود در مجاورت افراد انداخته

فقط توجهات خاصهٔ اعلی‌حضرت قدرقدرت شهریاری ارواحنافداه بود که آسیبی متوجه افراد نشد. اگر چنانچه طیارات مطابق اظهارات خود در ارتفاع کم‌پرواز می‌نمودند بدیهی است بیرق‌های هویت و اجتماع افراد را ملاحظه کرده مبادرت به این بمب‌اندازی نمی‌نمودند.

۵. تا بحال مکرر از فدوی سؤال شده که به چه مناسبت بیرق‌های هویت را در روی بام آبادی گشوده و ارائه داده شده. به‌طوری که خاطر عالی مستحضر است تمام نقاط این منطقه کوهستانی و به اضافه به واسطهٔ شدت برف کلیه نقاط پوشیده ازبرف و گشودن بیرق هویت در روی برف و محوطهٔ به کلی سفید قابل تشخیص نبود و برای وضوح و درست نمودن بیرق هویت در روی پشت‌بام‌ها ارائه داده شد و آن هم از نقطه‌نظر لزوم به دلایل فوق بوده است.

۶. در خصوص بمب‌اندازی طیارات شاهنشاهی به خاک عراق سواد مراسله حکومت حلبچه و سواد راپورتی [را] که تحت نمرهٔ ۸۰۰۳ به ارکان حرب معظم کل قشون تقدیم شده لفاً تقدیم داشت.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور نایب سرهنگ رزم‌آرا

مرقومه نمرهٔ ۱۴۶۷۰ ـ ۶۶۵۱۷ مورخهٔ ۱۰/۱۱/۲ ارکان حرب معظم کل قشون به عنوان بندگان حضرت اشرف سپهبد اعظم دامت عظمته که ذیل نمرهٔ ۱۸۹۶ ـ ۱۰/۱۱/۳۰ مرجوعه شده و طی نمرهٔ ۱۰۶۶۷ ـ لیلهٔ ۱۰/۱۲/۳ جواب عرض شده است.

حضرت سپهبد امیر احمدی، سواد راپورت نایب اشتوداخ صاحب‌منصب هواپیمایی تلواً برای استحضار جناب‌عالی و تحقیق کیفیت امر ارسال می‌شود. از مفاد راپورت مزبور این‌طور استنباط می‌شود که نایب سرهنگ رزم‌آرا و مأمورین فوج منصور در قسمت‌های مختلف تقصیرات عمده مرتکب شده‌اند که هر یک به نوبهٔ خود مستلزم تعقیب است.

کفیل ارکان حرب کل قشون امیر لشکر محمد نخجوان

۱

الف) ***وسیلهٔ نقلیه***. در بدو ورود به کرمانشاهان الی مراجعت به هیچ وجه وسیلهٔ نقلیهٔ منظمی برای صاحب‌منصبان و میکانیک‌های هواپیما داده نشده است. اغلب با درشگه کرایه و حتی پیاده به میدان رفته و در مواقع فوری شخصاً کرایه درشکه را می‌پرداختم.(روز حرکت به طهران با امور اداری فوج محترم منصور تصفیه حساب شد).

چند روزی از طرف فوج محترم منصور درشکه دولتی به اسم هواپیمایی تهیه گردید ولی هرگز در مواقع لازمه حاضر نمی‌شد و اغلب درشکه‌چی در مقابل توضیحاتی که خواسته می‌شد اظهار می‌نمود که منزل فرمانده محترم فوج درشکه را لازم داشت. موضوع فقدان و بی‌نظمی وسیله نقلیه خود به تنهایی عاملی بود که تأخیر و بطئی عملیات هواپیمایی [را موجب می‌شد.]

ب) ***تهیه مصارف سوخت***. متصدیان امور فوج محترم منصور مسئلهٔ سوخت هواپیمایی را خیلی عادی تصور کرده و دیر و زود تهیه شدن آن را به هیچ‌وجه برای کار هواپیمایی مانع و رادعی نمی‌دانستند. به کرّات اتفاق می‌افتاد که مصارف سوخت لازمه به موقع تهیه نمی‌شد و بالنتیجه برای اجرای امر مجبور بودیم که از طیارهٔ دیگر بنزین خارج نموده مصرف کنیم. چنانکه خاطر مبارک مسبوق است این عمل خود مستلزم صرف وقت زیادی است که ممکن است چند ساعتی موجب تأخیر اجرای مأموریت شود. این قسمت به مراتب به عرض متصدیان امور فوج رسید ولی به هیچ‌وجه ترتیب اثری داده نشد فقط خاطر محترم را به این‌موضوع معطوف می‌دارد که تدارک مصارف سوخت برای هواپیمای مأمور هرگز در مواقع لازمه صورت نمی‌گرفت.

ج) ***لوازم نگاه‌داری طیارات***. قراولانی که برای پاسبانی طیارات معین شده بودند به هیچ‌وجه از وظایف مقرراتی خود اطلاع نداشته، یک شب

از طرف شخص ناشناسی به طیارات سنگ‌اندازی شده بود وکیل قراول و حتی کشیکچی پست خود را ترک نموده و در اطاق یونکرس مخفی و از ترس هیچ‌گونه اقدامات فوری به عمل نیاوردند. این امر کتباً به مقامات مربوطه اطلاع داده شد ولی تا ورود فوج بهادر قراولان طیارات به هیچ‌وجه از عهده وظایف خود بر نمی‌آمدند. بعداز آن که فوج بهادر وارد و قراولی طیارات نیز به عهده آن فوج واگذار گردید محافظت و پاسبانی طیارات در کمال دقت جلوگیری و صورت می‌گرفت. از یوم ورود درخواست شد که برای زیر چرخ طیارات تخته لازم است. مخصوصاً متذکر شدیم که چرخ طیارات ممکن است بدون تخته پوسیده شده و موجب حدوث سانحه گردد. بالاخره بعداز چند روز تخته تهیه شد. قبل از آن برای حفظ لاستیک‌ها، زیرچرخ‌های طیارات آجر گذارده می‌شد.

د) ***احتیاجات صاحب‌منصبان و نفرات***. چنانچه خاطر محترم مستحضر است صاحب‌منصبان صنوف مختلفه همیشه در موقع مأموریت لوازم زندگانی خود را از قبیل رختخواب و غیره به وسیلهٔ بنهٔ قسمتی حمل می‌کنند. در صورتی که بالعکس صاحب‌منصبان هواپیمایی به هیچ وجه قادر نیستند که حتی بعضی لوازم ضروری خود را نیز با طیاره حمل نمایند. همچنین سایر صاحب‌منصبان در سربازخانه و در مجاورت افراد خود منزل می‌کنند، در حالتی که برای صاحب‌منصبان هواپیمایی این مسئله میسر نیست و از این لحاظ به متصدی محترم فوج مراجعه شد که در سربازخانه یا مجاور آن منزلی تهیه شود که در مواقع لزوم و فوری احکام و اوامر بدون اتلاف وقت واصل گردد ولی مع‌التأسف از بدو ورود تا یوم مراجعت از طرف فوج محترم منصور برای تهیه نمودن وسایل زندگانی کارکنان هواپیمایی اقدام جدی به عمل نیامد حتی از طرف مقام منیع حضرت اشرف سپهبد اعظم نیز این موضوع تأکید شده بود میکانیک‌های مأمور از فوج خود منزلی کرایه کرده بودند. روز ورود فوج

بهادر از طرف فوج منصور امر شد که اطاق میکانیک‌های هواپیمایی تخلیه و در اختیار صاحب‌منصبان فوج بهادر قرار داده شود حتی به توسط دژبانی لوازم زندگی میکانیک‌های مزبور را از اطاق تخلیه و اجباراً مشارالیهم را از منزلی که با خرج خود تهیه نموده بودند طرد کردند. راجع به وضعیت فرودگاه توجه خاطر مبارک را جلب می‌نماید وسایل خدمات فرودگاهی را نیز از قبیل منزل یا چادر برای کارگران و قراولان و همچنین وسایل گرم کردن آب و غیره نیز فاقد می‌باشد. البته آن مقام محترم شخصاً راجع به نواقص و لوازم میدان مطالعاتی فرموده‌اند مع‌هذا فی باب تکمیل راپورت به این قسمت نیز اشاره شد.

۲

الف) **پست پرنده.** ارتباط مرکز فرماندهی اردو با فوج منصور همیشه به توسط پست پرنده ــ قاصد اسب سوار ــ صورت می‌گرفت. از این جهت بدیهی است که احکام یا راپورت‌ها اقلاً دو روز ــ رفتن یا مراجعت ــ در راه بود و بالنتیجه جنبه فوریت مکاتبات همیشه به واسطهٔ کُندی و بطئی وسیلهٔ ارتباط عقیم و از بین می‌رفت.

ب) ***تعویق وصول احکام.*** به علت فوق اغلب احکام فرماندهی که برای عملیات مختلفه ارسال می‌شد ــ از قبیل بمب‌اندازی و غیره ــ همیشه بعد از ساعتی که باید عملیات خاتمه یافته باشد واصل می‌گردید. مخصوصاً چنانکه خاطر محترم مسبوق است حکم بمب‌اندازی از نظر فوریت حائز اهمیت خاصی است و باید حتماً مدتی قبل از ساعت عملیات واصل شود ولی نظر به فقدان وسایل صحیح ارتباطیه این امر هیچ‌وقت مطابق مقررات نظام‌نامه انجام نمی‌یافت و بدین دلیل هواپیمایی نیز بعضی اوقات احکامی را که موقعش گذشته بود [به] اجرا نگذاشته و مراتب را به فرمانده محترم اردو راپورت می‌نمود.

ج) ***ارسال احکام سر باز به وسیلهٔ گماشته***. در روز ورود تا مدتی به هیچ وجه احکام رسمی عملیاتی به قسمت هواپیمایی واصل نگردید. اولین یا دومین حکم عملیاتی که در آن وضعیت و موقعیت قوای خودی و ستون‌های مأمور صریحاً و مشروحاً توضیح شده بود سر باز و بدون پاکت به وسیلهٔ ارسال مرسول به قسمت هواپیمایی رسید. این‌جانب برای حفظ اسرار و منافع قوای نظامی این امر را در یادداشت جداگانه به متصدیان امور تذکر داده و حکم را در جوف پاکت گذاشته ممهور و مسترد داشتم.

۳

الف) ***پیچیده بودن و مبهم بودن احکام***. بر حسب مقررات عموم‌نظام‌نامه‌های صنوف مختلفه و بر طبق تأکیداتی که در هریک از دستورات تاکتیکی ملاحظه می‌شود احکام ــ هر حکم نظامی خصوصاً احکام جنگی ــ باید صریح و واضح باشد. کلیه احکام وارده به هواپیمایی چه احکام بمب‌اندازی و چه احکام دیده‌بانی عموماً با یک اسلوب پیچیده و غامضی تنظیم شده بود به طوری‌که مبهم بودن احکام همیشه مورد مباحثه و شبهه مجریان واقع می‌شد. هیچ‌وقت اولین مختصات احکام یعنی دقیق و مختصر بودن در احکام وجود نداشت. احکامی که به هواپیمایی داده می‌شود باید مخصوصاً مقصود فرماندهی را از استعمال هواپیمایی به طور روشن و دقیق ــ دیده‌بانی، اکتشاف، مراقبت، موافقت، ارتباط و غیره و غیره ــ معین نماید. برای آن که عملیات هواپیمایی به حداکثر رسیده و نتایج مطلوبه را بدهد باید در احکام منطقه و ناحیه هدف حتی ابعاد آن، مسافت و موقعیت هدف، ساعت عمل، تعداد ــ[1] و غیره به خوبی تعیین گردد. در احکام واصله به هواپیمایی هیچ یک از خصوصیات فوق وجود نداشت فقط به طور مبهم به نوع یا طریق عملیات هواپیمایی

---

۱. جای خالی در اصل

اشاره می‌شد. برای آن که آن مقام محترم روشن‌تر و واضح‌تر به عرایض این بنده توجه فرمایند خاطر محترم [را] به احکام دیده بانی و بمب‌اندازی نمرهٔ ۱ و نمرهٔ ۷۱۷۸ـ ۱۰/۹/۲۰ و نمرهٔ ۶۸۰۶ـ ۱۰/۹/۲ [جلب می‌کنم که] از حدود امکان هواپیمایی فعلی خارج است.

ب) ***شکل احکام***. خاطر محترم مستحضر است که به غیر از مواقع استثنائی همیشه باید احکام جنگی کتبی باشد. اولین حکم عملیاتی هواپیمایی شفاهاً به توسط معاون محترم فوج منصور ابلاغ گردید و هیچ‌گونه اطلاعاتی راجع به منطقه و موقعیت یا از آتش اردو در دست نبود. در اولین حکم کتبی واصله پرواز قبل طیارات مورد تنقید واقع شده در صورتی که امر شفاهی معاون فوج اجرا و اردو در جوانرود اکتشاف گردیده بود مع‌هذا فرمانده محترم اردو ایراد نمودند که پرش طیارات به طور شایسته روی تمام قسمت‌های اردو به عمل نیامده است. بعضی احکام فرماندهی منحصر به مراجعه به احکام ما قبل بوده. بعضی احکامِ بمب‌اندازی فقط در حاشیه کروکی ضمیمه ابلاغ می‌شد. احکام علاوه بر مبهم بودن لایقرء و قلم زده نیز بودند.

۴

الف) ***دستورات فرماندهی راجع به تفتیشات پرواز طیارات***. بر خلاف نظام‌نامهٔ هواپیمایی اطلاعات* این نمره و مراسلات و احکام نظایر آن در ارکان حرب محترم کل قشون موجود است [که] در ضمن دوسیه که قبلاً تقدیم شده است مصوبه ۱۳۱۰، فرمانده اردو حق در—[1] پرواز و اجرای مأموریت‌های دیده‌بانی دستوراتی صادر می‌نمود. در صورتی‌که این قسمت‌ها بنا به وضعیت منطقه و قوای دشمن فقط با نظر فرمانده

---

*. مطابق مادهٔ ۱۷ نظامنامهٔ هواپیمایی اطلاعات.

۱. یک کلمه ناخوانا. شاید جزئیات.

هواپیمایی باید تعیین گردد. انداختن لولهٔ خبر که مستلزم کم کردن ارتفاع و پرواز در مجاورت زمین است، اغلب در مناطق کوهستانی مشکل و موجد سوانح می‌شود و فقط دیده‌بان و خلبان با توجه به وضعیت محل و استعداد طیاره می‌تواند انداختن لوله خبر نیز دستورات نمی‌دادند.[۱]

ب) ***پرواز متمادی در طیاره صبح و عصر.*** مطابق معمول دو طیاره مأمور نمی‌تواند هر روز صبح و عصر پرواز نماید مخصوصاً خصوصیات فصل زمستان ــ کوتاهی روز ــ فقدان وسایل، بعد مسافت میدان فرودگاه تا منطقهٔ عملیات و لزوم وارسی و بازدید طیارات مانع آن است که هر طیاره دو نوبت در روز پرواز نمایند. البته این قسمت علاوه بر آن که ابزار کار هواپیمایی را مستعمل و خلبان‌ها و دیده‌بان‌ها را خسته و گرفته می‌کند، ممکن است اصلاً کار هواپیمایی را به کلی فلج و متوقف سازد. با تمام این موانع احکام فرماندهی تا حدود امکان اجرا گردید.

۵

الف) ***پروازهای شرطیه و استعمال آن‌ها به وسیلهٔ فرماندهی.*** حسن عمل فرماندهی مستلزم ارتباطی است که همیشه در موقع پرواز و چه در مواقع دیگر باید مخصوصاً بین عده‌های زمینی و قسمت هواپیمایی وجود داشته باشد. از این نظر در بدو ورود برای تأمین ارتباط در طی پرواز در ضمن نمرهٔ ـ[۲] سواد آن در ارکان حرب محترم کل قشون موجود است ــ علامت شرطیه تهیه و به فرماندهی محترم اردو ارسال گردید. ولی به هیچ‌وجه علامت مذکور مورد استعمال قرار نگرفت تا این‌که بالاخره به توسط متصدی محترم فوج پرده‌های شرطیه با دستورات مقرراتی تهیه و به اردو ارسال گردید و فهرست علامات نیز باز مفصلاً تهیه و به ضمیمه فرستاده شد باز به هیچ وجه از طرف ستون‌ها وعده‌های زمینی پرده‌های

---

۱. نارسایی در اصل.

۲. جای خالی در اصل.

هویت یا غیره تا تصرف پاوه نشان داده نشد* بالاخره در آخر صورت‌های چاپی علامات شرطیه با مشکلاتی که در انداختن لوله در پیش بود در نوسود انداخته شد. خلاصه فقط چند مرتبه دفعه اول روی پشت‌بام‌های پاوه و دفعه دوم در مجاورت پل سلطان اسحق و دفعه سوم روی پشت‌بام‌های نوسود پرده هویت نشان داده شد. قبل از تصرف پاوه یکدفعه هم عده‌ها به وسیلهٔ دودکردن خود را به طیاره معرفی کردند.

نمرهٔ ۱۰۶۶۷ - ۱۰/۱۲/۳

مقام منیع بندگان حضرت اشرف سپهبد اعظم دامت عظمته. با تقدیم عین مرجوعه نمرهٔ ۱۸۹۶ با کمال افتخار به عرض آستان مبارک می‌رساند: نایب ۱ اشتوداخ محکوم و بایستی مورد سیاست و تنبیه شدید واقع گردد چه همان قسمی که در مقابل خدمت بایستی صاحب‌منصب مورد تقدیر و تحسین واقع شود به عکس در مقابل تقصیر و خیانت بایستی بلاتردید مورد تنبیه و بازخواست واقع و از او صرف‌نظر نگردد. صاحب‌منصب فوق‌الذکر برای نجات از تنبیه و خلاصی از این تقصیر

---

*. این‌موضوع کراراً راپورت شد فرمانده محترم اردو نمرهٔ ۷۸۸۲ ـ ۱۰/۹/۲۶ جواب دادند که چون ارتفاع پرواز زیاد است لذا علامات را مشاهده نمی‌کنند. همچنین در مرقومه نمرهٔ ۷۸۵۶ ـ ۱۰/۶/۲۸ می‌فرمایند که در ارتفاع ۱۰۰۰ متری که طیارات پرواز می‌کنند چیزی دیده نمی‌شود لازم است که ارتفاع کمتر گردد. در صورتی که ۱۰۰۰ متر نیز در مناطق کوهستانی حداقل ارتفاع دیده‌بانی محسوب می‌شود و ابعاد پرده‌های شرطیه برای پرده‌های [ارتفاع ؟] ۴۰۰۰ متری منظور شده است ولی با پرده‌های اخباری به هیچ وجه از طرف فرماندهی مخابره به عمل نیامد در صورتی که به سهولت ممکن بود به وسیلهٔ علائم شرطیه و پرده‌های اخباری به خوبی ارتباط بین طیارات و فرماندهی برقرار شود. خودداری در مخابره به وسیله پرده‌های اخباری از طرف ستون‌ها و غیره علاوه بر این که کار هواپیمایی را مشکل و بطئی می‌نمود حتی فرماندهی نیز نمی‌توانست به طور خوبی از ثمرهٔ عملیات هواپیمایی استفاده کند. در صورتی که اگر این ارتباط برقرار می‌شد فرماندهی بیش از آن‌ها می‌توانست احتیاجات و مقاصد تاکتیکی خود را مرتفع نموده استفاده لازم را تحصل کند.

بزرگ یک رشته لاطائلات تهیه و به عرض راپورت مبادرت ورزیده که هیچ یک از نکات مندرجه و مطالب معروضهٔ او اولاً قابل توجه نبوده و در ثانی تقصیرات مرتکبه او را که اسناد ثابته و مدارک سنیه دارد محو نمی‌نماید. حال اگر چنانچه ارکان حرب معظم کل قشون فدوی و کلیه کارکنان فوج منصور را در مقابل لاطائلات بی اساس و بی‌موضوع یک صاحب‌منصب مقصر و محکوم می‌دانند دیگر توضیحات و یا راپورتی لازم نبوده، فدوی قدرت جسارت در مقابل این نظریه ندارد. چه گذشته از مطالب فوق بندگان حضرت اشرف سپهبد اعظم دامت عظمته در منطقه تشریف داشته کاملاً در اطراف عملیات طیارات، بمباردمان آن‌ها و حتی احکام عملیاتی صادره ممکن است تحقیقات فرموده، اظهار نظر فرمایند. مع‌هذا از لحاظ آن که لاطائلات یک صاحب‌منصب بی‌اطلاع اسباب سوءتفاهمی در ارکان حرب معظم کل قشون نگردد این است که در مقابل مطالب و توضیحات صاحب منصب فوق‌الذکر مطالبی درج و به ضمیمه تقدیم می‌شود.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور نایب سرهنگ رزم‌آرا

وسایل نقلیه. در شهر کرمانشاهان درشکهٔ کرایه زیاد و اگر صاحب‌منصبان هواپیما مایل به حرکت با درشکه بودند و اجازه در این خصوص دارا بودند ممکن بود کرایه را شخصاً داده و به طوری که در موقع حرکت به طهران با امور اداری فوج منصور حساب نموده بودند محسوب دارند. چه این‌جانب یا صاحب‌منصبان ارشد فوج مسئول گردش و تفریح دو نفر صاحب‌منصب جوان بی‌تجربه در شهر کرمانشاهان نبوده و وسایل نیز در فوج منصور برای یک صاحب‌منصب جزء نیست.

تهیه مصارف سوخت. امور اداری فوج بایستی وجه تأدیه و لوازمات تهیه نماید که در هر موقع تهیه و تحویل نماید. اگر در ساعات پرواز تسامح

شده گردش و عیاشی و غفلت صاحب‌منصبان هواپیما سبب و جهت بوده است چه محل خرید بنزین در سیصد متری محل طیاره و در هر لحظه فراهم نمودن آن برای هر طیاره مقدور است چه رسد به طیارات نظامی.

نگاه‌داری طیارات. یک صاحب‌منصب بی‌دیسپلین دولت به صاحب‌منصبان ارشد خود چنین مطالب بی‌اساسی را اظهار دارد چگونه ممکن است نسبت به افراد قراول یا نظامیان اظهار نظر جزئی ننماید. چه صاحب‌منصبان مذکور جز در مواقع پرش در مواقع دیگری در میدان طیاره دیده نشده‌اند و به هیچ وجه شب یا موقع بی‌وقتی نیامده‌اند که حرکات نظامیان را کنترل نمایند. نظامیان این فوج به وظایف نظامی خود آگاه و آشنا ممکن است مفتشین صنفی اعزام و این مطلب ثابت‌شود.

احتیاجات صاحب‌منصبان. در شهر کرمانشاهان متجاور از ده هتل با همه‌گونه لوازمات موجود است. صاحب‌منصبان در مقابل خدمت و یا مسافرت مخارجی دریافت و پس از ورود به هر شهری بایستی در هتل منزل نمایند. فرمانده فوج یا مرئوسین فوج به هیچ‌وجه کمترین مسئولیتی برای تهیهٔ زندگانی یک صاحب‌منصب با بودن هتل در یک شهر ندارند و به اضافه اصول مهمان‌داری با حقوقات محدود امروزه غیر مقدور و غیرمرسوم است.

در خصوص پست پرنده. در اردو تلگراف بی‌سیم یا وسایل دیگری برای ارتباط نبود و یگانه ارتباطی که حتی راپورت‌های مهم نیز به وسیلهٔ آن تقدیم شده پست پرنده بوده است. آیا برای طیارات مایل بودند چه وسیله تهیه و به کار انداخته شود؟

در خصوص ارسال احکام. احکام به محض صدور به وسیلهٔ پست ارتباط برای قسمت‌ها ارسال شده [است]. چگونه به تمام مرئوسین به موقع رسیده، غیر از قسمت هواپیمایی؟

ارسال احکام سر باز. این مطلب به کلی تکذیب و جز مطالب کودکانه

چیزی نیست. چه یک رئیس اردو تصور نمی‌رود اسرار داخلی اردوی خود را به این طریق برای عموم افشاء و وسایل عدم پیشرفت خود را فراهم سازد.

در خصوص پیچیده بودن احکام و شکل احکام. این مطالب از وظایف یک نفر نایب ۱ که در خصوص اطلاعات صنفی پیاده و قوای زمینی بی‌خبر است خارج، ممکن است احکام عملیاتی این اردو را چند نفر صاحب منصب مطلع فهمیده مطالعه کرده اظهار نظر نمایند. فدوی تصور می‌نمایم ارکان حرب معظم کل قشون نبایستی چنین اجازه‌ای به یک صاحب‌منصب جوان بی‌تجربه دهد چه فدوی یک صاحب منصب تحصیل کرده و تا اندازه‌ای به وظایف خود آگاه می‌باشم.

توضیحات راجع به سایر معایب و توضیحات صاحب‌منصب هواپیمایی.

به‌طور کلی طیارات اعزامی از مرکز برای یکی از سه منظور ذیل بوده است:

۱. ***برقراری ارتباط***. که متأسفانه در ظرف این‌مدت کمتر دیده شد طیارات بتوانند ارتباطی حاصل و یا لوله‌های خبری بیاندازند. فقط یک مرتبه در ۲۵ آذر ۱۰ [۱۳] لوله خبر در اردو انداخته شده و به اضافه یگانه وسلیهٔ ارتباط قوای زمینی با طیارات بیرق‌های هویت است که هشت پارچه مطابق نظام‌نامه تهیه و در اردو بوده است که در هر موقع بیرق‌های مذکور ارائه ولی چون ارتفاع پرش بی‌اندازه زیاد بوده است به هیچ وجه صاحب‌منصبان هواپیما قادر به ملاحظه و مشاهده آن نشده‌اند و بهترین دلیل، تقصیر مورخه ۲۸ آذرماه طیارات است که در موقع فرار اشرار قوای نظامی وارد نوسود شده در آن موقع طیارات هویدا و بیرق‌های هویت فوجی و گردانی فوری ارائه داده شد ولی متأسفانه طیارات دو

بمب در نوسود هریک در مسافت ده الی پانزده متری قوای نظامی انداخته و اگر موقعیت و ساختمان نوسود نبود که طبیعت دره‌های عمیقی در هر طرف ایجاد کرده ممکن بود تلفات عظیمی به قسمت نظامی وارد و بدترین اثرات را در انظار تولید نماید.

آیا ممکن است برای حفظ جان قسمت نظامی در مقابل طیاره‌چی بی‌تجربه که به هیچ طریق ممکن نبود او را آگاه از ورود قوای نظامی نمود بیرق هویت را نشان ندهند؟ این مطالب یک مطالب روشنِ غیرقابل انکاری است. اگر طیارات کاملاً قادر به برقراری ارتباط بودند. جهت و سبب بمب‌اندازی در نزدیکی قوای نظامی چه بوده؟ یا منظور طیاره‌چی خیانت به قوای نظامی و یا عدم ملاحظه و عدم مشاهده علائم زمینی بوده [است] و صاحب‌منصبان هواپیما بایستی یکی از این دو دلیل را قبول نمایند و با وضعیت این حال تصدیق نمایند که قادر به برقراری ارتباط به این طریق پرواز نبوده و در اجرای این وظیفه اولیه هواپیمایی قصور شده.

۲. ***اکتشاف***. بدیهی است با مخارجی که دولت برای طیارات متحمل شده و حقوقات گزافی که داده می‌شود منتظر است که نتایجی از پرواز طیارات حاصل و فرماندهان ستون از وجود آن در مقابل اشرار استفاده نمایند بهترین استفاده همان قسمت اکتشاف است و این اکتشاف در صورتی مؤثر و مفید می‌باشد که فوری و بلافاصله پس از خاتمه پرواز به فرماندهی اردو به وسیلهٔ لولهٔ خبر راپورت گردد. در ظرف این مدت به هیچ‌وجه دیده نشد که نتیجه یک اکتشاف و دیده بانی را فوری صاحب‌منصبان هواپیما به مرکز فرماندهی راپورت نمایند. در صورتی که خود آن‌ها مطلع بودند پست اردو با سوار است که در بدو راپورت خود شکایت نموده‌اند چرا نتیجه را در اردو یا جوانرود نیانداخته و به وسیلهٔ پست سوار ارسال نمودند که پس از سه روز برسد و مطالب آن غیرقابل استفاده باشد، چه نتیجه تفتیش طیارات در موقعی مؤثر است که فوری به

اطلاع فرماندهی برسد ولی پس از سه روز آن هم در یک محوطه هشت الی نه فرسنگی مفید و مؤثر نیست. فقط در ظرف این مدت یک مرتبه در تاریخ ۱۰/۹/۷ نتیجه دیده‌بانی و اکتشاف در جوانرود انداخته شده که توسط نایب ۲ صادقی فوری به اردو رسید. چرا بعداً این اقدام را ننموده‌اند بطور خوبی درک می‌شود موضوع اکتشاف و نتیجه اساسی آن را صاحب‌منصبان هواپیمایی درک نکرده و ملتفت نشده بودند چه اگر مطلع بودند به این قصور مبادرت نمی‌شد.

۳. ***بمباردمان***. پس از ورود به پاوه معلوم شد در تمام مدت مأموریت به هیچ وجه بمب مؤثری و اقدامات نافعی از بمب‌اندازی طیارات اعزامی مشاهده نشده جز بمب‌اندازی ۲۸ آذر نسبت به قوای نظامی و بمباردمان خاک عراق.

به طور کلی فرمانده دسته هواپیمائی اعزامی در قسمت برقراری ارتباط، اکتشاف و بمباردمان به جهات مندرجه فوق خطاهای بزرگ و تقصیرات فوق‌العاده را مرتکب و از نقطه‌نظر حفظ منافع قشون و آگاه کردن صاحب‌منصبان به وظایف مربوطه خود قابل تعقیب و تنبیه بوده و یقین دارم با دقّت و رسیدگی که در ارکان حرب معظم کل قشون خواهد شد این تقصیر به این بزرگی با بودن این دلائل ثابت و روشن بلاتعقیب نخواهد ماند.

ارتباط

ارتباط داخلی به واسطهٔ تلفون، هلیو، بیرق و سوار به عمل می‌آمد. تلفون‌ها خوب بود ولی افراد کمتر کارکرده و آشنا نبودند. سیم کابل کم و غیرمکفی بود. هیلوگراف با مسافت چهل الی پنجاه کیلومتر مخابره می‌کرد ولی باز افراد ضعیف بودند. تلفون کمتر مورد استفاده واقع شد. پست سوار فوقاً شرح داده شد.

ارتباط با شهر کرمانشاهان. در بدو امر ارکان حرب محترم کل قشون تحت نمرهٔ ۸۵۲۴ به شرح ذیل امر فرمودند: کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل منصور. از نقطه نظر حفظ ارتباط شما با تیپ مستقل کردستان یک دستگاه بی‌سیم به روانسر اعزام گردید. برای تیپ مستقل کردستان نیز دستگاه بی‌سیم فرستاده شده است. ساعت $۴\frac{۱}{۲}$ عصر ۱۰/۹/۳ نمرهٔ ۸۵۲۴ کفیل ارکان حرب کل قشون امیرلشکر محمد نخجوان.

پس از گذشتن مدت‌ها و تأکیدات بلیغه بالاخره در تاریخ ۲۰ آذرماه این راپورت از نایب ۲ محمدرضاخان گنجه رئیس دستگاه بی‌سیم واصل [شد]:

نمرهٔ ۹ـ ۹/۹/۱۵

مقام منیع فرماندهی محترم اردوی اعزامی روانسر دامت عظمته. عطف به امریه مبارک نمرهٔ ۳۷ و ۴۵ محترماً خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد چنانچه آن فرمانده محترم مستحضرند کلیهٔ قسمت‌ها را از طهران معجلاً حرکت داده‌اند و قسمت بی‌سیم نیز همین‌طور به قید فوریت از مرکز شبانه حرکت و بدون این که وقت برای تعمیر و امتحان دستگاه دهند به طرف کرمانشاهان حرکت [کرد]. اولاً قسمت عمده خرابی موتور دستگاه دینام برق و المیچر و آلترناتیو و کوران دستگاه خراب این چند روزه تمام شب روز و مشغول تعمیر آن و رفع نواقصات ضروری بوده و الان هم مشغول تعمیر آن هستم و روز هفدهم طرف روانسر با ابوابجمعی خود حرکت خواهم نمود. در این چند روزه با دو مکانیک درجه اول مشغول تعمیر آن هستیم و البته با دستگاهی که خراب و قابل استفاده نباشد چطور ممکن است به اردو ملحق شده ارتباط را دایر نمایم و مرکز هم کاملاً راجع به خرابی و وضعیت دستگاه مطلع بوده و با وصف حال امر

دادند که در کرمانشاهان تعمیر و امتحان نمایید. البته قصور و معطلی از طرف این‌جانب نبوده و حرکت نکردن فدوی هم به واسطهٔ خرابی دستگاه بی‌سیم بوده و همین‌طور که فوقاً به عرض رسیده روز ۱۷ آذر پس از مرتفع نمودن خرابی می‌توان از کرمانشاهان حرکت و در روانسر و یا جوانرود راپورت ورود خود را به عرض مبارک خواهم رسانید. محض راپورت عرض شد. امر امر مبارک است. رئیس دستگاه بی‌سیم صحرائی نایب ۲ گنجه‌ای.

در ضمن معلوم شد که تلگراف صحرائی ارسال شده و برای کوهستان قابل استفاده نیست.

امریه ارکان حرب معظم کل قشون. نایب سرهنگ رزم‌آرا فرمانده اردوی روانسر. علت این‌که تا به حال بی‌سیم اردوی روانسر نتوانسته است با بی‌سیم کردستان ارتباط حاصل نماید چیست؟ فوراً راپورت دهید. ساعت ۱۰ نیم صبح ۱۰/۹/۱۶ نمرهٔ ۹۱۵۲

کفیل ارکان حرب کل قشون امیرلشگر محمد نخجوان

تحت نمرهٔ ۷۱۶۱ به ارکان حرب محترم کل قشون بدین طریق راپورت عرض شد:

مقام منیع بندگان حضرت اجل کفالت محترم ارکان حرب معظم کل قشون دامت عظمته. عطف به امریهٔ نمرهٔ ۹۱۵۲ با کمال افتخار به عرض می‌رساند با تأکیدات کامل و جدیت فوق‌العاده‌ای که در حرکت دادن صاحب‌منصب و لوازمات بی‌سیم شده صاحب‌منصب بی‌سیم تحت نمرهٔ ۹ امروز راپورت می‌دهد که تلگراف بی‌سیم اصالتاً خراب و به طوری که فدوی درک کردم صاحب‌منصب مذکور به هیچ وجه قادر به برقراری ارتباط نیست در صورت تصویب صاحب‌منصب دیگری سریعاً از مرکز اعزام گردد چه تا این تاریخ را صاحب‌منصب مذکور به مسامحه گذرانده

به‌عذر آن‌که تلگراف خراب است. ساعت ۷ صبح ۱۰/۹/۲۰ نمرهٔ ۷۱۶۱
نایب سرهنگ رزم‌آرا

چون به هیچ وجه ممکن نبود از این ارتباط اطمینان حاصل کرد لذا شرحی مطابق ذیل راپورت شد:

مقام منیع بندگان حضرت اجل کفالت محترم ارکان حرب معظم کل قشون دامت عظمته. با کمال افتخار به عرض می‌رساند اردوی اعزامی یوم ۲۸ ارتفاعات اطراف نوسود را اشغال و برای خاتمه کار نوسود [و] شوشمی حرکت، جهت تسریع در رسیدن احکام مقرر فرمایید تلگرافات وارده [و] صادره به وسیلهٔ تلگرافخانه دزلی به این اردو مخابره شود. ساعت ۷ صبح ۱۰/۹/۲۸ نمرهٔ ۷۹۴۰

نایب سرهنگ رزم‌آرا

متأسفانه ارکان حرب معظم کل قشون بدون دقت در عرایض معروضه به طریق ذیل جواب دادند:

نایب سرهنگ رزم‌آرا. [عطف به] نمرهٔ ۷۹۴۰. دستگاه‌های بی‌سیم‌آلمانی که به اختیار شما گذاشته شده از طهران، تا محمره امتحان شده است که به خوبی جهت مخابره قابل‌استفاده می‌باشد. جای تأسف است‌که شما عوض این که بی‌سیم را در قرارگاه فرماندهی اردو دائر نمایید تلگرافات را به‌تلگرافخانه دزلی که چهار فرسخ به محل توقف شما فاصله دارد حواله می‌نمایید. لازم است زودتر دستگاه بی‌سیم را از پاوه به‌محل توقف اردو انتقال داده و راپورت‌های خود را به وسیلهٔ بی‌سیم به‌کرمانشاهان بدهید که مستقیماً به‌مرکز مخابره نمایند. ساعت $\frac{1}{2}$۶ عصر ۱۰/۹/۳۰ نمره ۱۰۰۲۱

کفیل ارکان حرب کل قشون امیرلشکر محمد نخجوان

ولی پس از سه روز وقتی کاملاً درک شد که با تلگراف بی‌سیم نمی‌توان ارتباط عجالتاً برقرار کرد لذا از خط دزلی تلگراف و اوامر صادره به این‌جانب ابلاغ شد.

به طور کلّی لوازمات ماشین‌های تلگراف خیلی خوب و خیلی مرتب ولی صاحب‌منصبان بی‌سیم به کلی بی‌اطلاع، به هیچ‌وجه قادر به برقراری ارتباط نبودند. راپورت نمرهٔ ۹۴۷۷ این‌جانب که به مقام فرماندهی قوای کردستان تقدیم نموده‌ام مراتب را کاملاً ثابت می‌نماید:

نمرهٔ ۲۷۹ ـ ۱۰/۱۰/۶، امریه بندگان حضرت اشرف سپهبد اعظم فرمانده قوای کردستان دامت عظمته

کفیل فرماندهی فوج مستقل منصور. لازم است در ساعت ۴ بعدازظهر امروز کمیسیونی به ریاست خود و عضویت ۱. یاور علی خان، فرمانده گردان ۳ فوج گارد بهادر، ۲. نایب ۱ کیا، فرمانده توپخانه اعزامی از مرکز تشکیل، وضعیت صاحب‌منصبان و دستگاه‌های بی سیم را بازدید و در اطراف اظهاراتی‌که مشارالیهم دایر به نواقص بی‌سیم و عللی که موجب عدم استفاده آن تاکنون شده و در صورتی که رفع نواقص اظهاری ایشان گردد ممکن است بعداً مورد استفاده قرار گیرد کاملاً رسیدگی و با راپورت جامع در این زمینه در صورتی که می‌توان بعدها از دستگاه‌های مذکور استفاده نمود و صاحب منصبی که برای سرپرستی آن‌ها قابل خواهدبود، تعیین و راپورت دهید.

سپهبد امیراحمدی

نمرهٔ ۹۴۷۷ـ ۱۰/۱۰/۱۸، مقام منیع بندگان حضرت اشرف سپهبد اعظم دامت عظمته. محترماً عطف به امریه نمرهٔ ۲۷۹ با کمال افتخار به عرض می‌رساند حسب‌الامر مبارک کمیسیونی برای بازدید دستگاه‌های بی‌سیم

تشکیل اینک صورت مجلس کمیسیون متشکله را جهت استحضار خاطر عالی لفاً تقدیم میدارد. منوط به امر مبارک است.

نایب سرهنگ رزم‌آرا

مقام منیع بندگان حضرت اشرف سپهبد اعظم دامت عظمته، کمیسیون متشکله در تحت ریاست این‌جانب و عضویت: یاور علی‌خان مهاجر، نایب ۱ کیا، و [در] حضور سلطان جلال‌الدین خان و نایب ۱ علی‌اصغرخان شمس صاحب‌منصبان بی‌سیم، پس از رسیدگی و تحقیقات لازمه نظریات خود را به طریق ذیل به عرض آستان مبارک بندگان حضرت اشرف سپهبد اعظم می‌رسانند:

۱. در اردو دو دستگاه تلگراف بی‌سیم موج کوتاه، چهار موتور، دودینام موجود است که مطابق اظهار صاحب‌منصبان یک‌دستگاه آن صحیح و سالم می‌باشد و مشغول مرمت دستگاه دیگر می‌باشند.

۲. کلیه احتیاجات و لوازمات تا یکسال و به اضافه قوه نیز با دستگاه‌های اعزامی موجود می‌باشد و احتیاج به لوازماتی نداشته نواقصی عجالتاً ندارد.

۳. از برای اطمینان کامل از صحت پیشرفت مخابرات دو دستگاه ماشین با کلیه لوازمات بایستی در اردو باقی باشد که در صورت معیوب شدن یکی دیگری به کار برده شود.

۴. مطابق نظام‌نامه موجودِ، دستگاه‌ها بایستی متصدی آن بتواند هر ساعت پانصد کلمه مخابره نماید ولی به واسطهٔ آشنا نبودن صاحب‌منصبان و کارکنان و ماهر نبودن در میکانیک آن مطابق اظهار صاحب‌منصبان بی‌سیم در روز پیش از دو هزار کلمه نمی‌توان با این دستگاه‌ها مبادله شود.

۵. مسئولیت دستگاه‌های اردو در صورت تصویب برای حسن جریان و منظم بودن مخابرات به خود سلطان جلال‌الدین خان واگذار، مسئولیت

دستگاه کرمانشاهان به همردیف نایب سوم تقی‌خان امیربرخوردار محول گردد که به این طریق وضعیت مخابرات چه از اردو به کرمانشاهان و چه از کرمانشاهان به اردو به خوبی و صحت انجام یافته و مسئولین مندرجه فوق هریک در راه انداختن دستگاه‌های مربوطه جدیت نمایند.

مباشرت:

به طور کلی بد و بی‌نظم بود. گرچه ارزاق و لوازمات قسمت رسید و تهیه شد ولی با زحمات زیاد و فشارات بی‌اندازه چه در صورت بودن رئیس ارزاق فهمیده‌ای این فشارات لزومی ندارد.

به طور کلی قشون ایران بایستی ورزیده گردیده و تجربه بیشتری حاصل نماید.

فصل هفتم

احکام عملیاتی

حکم عملیاتی نمرهٔ ۱

قوری قلعه، حکم عملیاتی مورخه ۲۸ آبان‌ماه ۱۳۱۰، نمرهٔ ۱

۱. این‌جانب در تاریخ ۲۶ آبان‌ماه به اردوی اعزامی ملحق و فرماندهی اردو را شخصاً عهده‌دار گردیدم.

۲. یاور شکرالله خان از این تاریخ به سمت ریاست صحیّه اردو منصوب و معرفی می‌شود.

۳. امور نویسندگی و مرموزات با معین نایب اول اسدالله خان رمز خواهد بود.

۴. وضعیات عمومی

دشمن ـ مطابق راپورت‌های واصله در اثر زدوخورد روز گذشته روحیه دشمن به کلی متزلزل و قسمتی از اشرار به کلی فراری و متواری گردیده‌اند ولی موقعیت جدیدی برای دفاع در توانه‌بری اتخاذ نموده و منتظر رسیدن قوای نظامی می‌باشند.

دوست ـ از ستون‌های اطراف اطلاعات صحیحی در دست نیست ولی

مطابق تصمیمی که در موقع تبادل افکار با تیپ محترم کردستان شده است بایستی ستون‌های مختلف از خطوط ذیل حرکت نمایند:

۱. یک ستون از دزلی به کماجان، کاوه، حانی گرمله.

۲. یک ستون از رزاب به نودشه.

۳. یک ستون از رزاب به ده کاکا، اورامانی، چمه رودبار، گردنه برزلین، پاوه.

۴. ستون فوج منصور در دیرکسیون پاوه.

۵. تصمیمات متخذه

امروز اردو از محل فعلی به طرف تپه‌های شمال شرقی قشلاق حرکت خواهد کرد.

مأموریت قسمت‌ها: گروهان ۲ با متکی کردن جناح راست خود به ارتفاعات شاهو به طرف جلو حرکت کرده، گروهان ۵ در جناح چپ گروهان ۲ خواهد بود. قسمت سوار پس از تفتیش آبادی‌های خلیفه به‌طرف قشلاق حرکت و در تپه‌های شمال شرقی قشلاق به اردو ملحق خواهد شد.

یاور ارشدالسلطنه با گروهان ۲ خواهد بود.

خود این‌جانب با گروهان ۵ حرکت خواهم کرد.

یاور محمدعلی‌خان با رسد ۳ گروهان ۱ با بنه در عقب قسمت حرکت خواهد نمود.

نایب سرهنگ رزم‌آرا

حکم اردویی نمرهٔ ۲

مراتب ذیل اخطار و اجرای آن امر داده می‌شود:

۱. چون عجالتاً قوای فوج منصور با دشمن مصادف و در منطقه‌ای خطرناک واقع است لذا بایستی فرماندهان قسمت هریک مسئولیت کامل خود را در نظر گرفته و وضعیت قسمتی خود را به طریقی مرتب و منظم نمایند که در هر دقیقه و لحظه حاضر برای جنگ و زدوخورد بوده و هریک بتوانند انجام وظیفه بنمایند، چه در شب و چه در روز.

۲. مراتب ذیل را به فرماندهان قسمت امر می‌دهم:

اول: پست‌های تأمین که برای مستحفظی گمارده می‌شود نبایستی کمتر از یک جوقه باشد آن هم با وکیل مربوطه خود. بایستی وظایف جوقه‌ها به طور قطع تعیین گردیده، قطعه هریک مشخص باشد که مبادا آتش آن‌ها اسباب صدمه و زحمت دیگری گردد.

دوم: در روز فقط برای هر پست دیده‌بان و معین او باقی، بقیه افراد بایستی اجباراً راحت نمایند با تمام تجهیزات و لوازمات به قسمی که در هر لحظه حاضر برای جنگ باشند.

سوم: در روز افراد بایستی هیزم به اندازه کفاف در پست‌های خود جمع‌آوری کرده آتش تهیه نمایند که در ساعت پنج بعدازظهر دیگر به هیچ وجه در پست‌ها آتش جدید دیده نشود.

چهارم: در موقع شب بایستی کلیه تجهیزات نظامیان بسته و حاضر بوده و از اول شب بایستی بیدار باقی بمانند. به همین قسم صاحب‌منصبان در هر پست نیز بایستی علاوه بر آتشی که برای پست تهیه شده در زیرپای کشیکچی مقداری آتش در روز گذارده شود که گرم باشد.

پنجم: پس از تاریکی و غروب ماه بایستی مراقبت بیشتر گردد.

ششم: در شب هریک از فرماندهان قسمت سه نوبت با طپانچه‌های نورافکن به نقاط لازمه تیر خواهند انداخت که هم کمک بزرگ برای دیده‌بان شده و هم اسباب هوشیاری پست‌ها گردد.

هفتم: پس از روشن شدن هوا فرمانده قسمت اطراف منطقه مربوطه را تفتیش کرده با دوربین ملاحظه و مشاهده نمایند. اول اجازه تهیهٔ آتش و بلند شدن از پست‌ها را قبل از تفتیش نخواهند داشت. پس از تفتیش کامل و مطمئن شدن از فواصل پست‌ها و اطراف پست‌ها مطابق وضعیت روز رفتار خواهد نمود.

هشتم: تیراندازی در شب بدون گرفتن نتیجه اکیداً ممنوع و قدغن می‌باشد. هرپست بایستی به طرف دشمن وقتی تیراندازی نمایند که در روز اقلاً [در] چهارصد متری و در شب اقلاً [در] بیست الی سی متری باشد آن هم با گرفتن نتیجه. چه تیراندازی بدون گرفتن نتیجه نشانهٔ ترس و وحشت صاحب‌منصب و افراد قسمت است و فشنگ در اردوگاه حکم جواهر و بلکه زندگانی افراد را داشته جز برای دشمن معّین و مشخص آن هم در فاصله نزدیک نبایستی تیراندازی شود.

نهم: فرماندهان [و] وکلای گروه [و] رسد بایستی در پست‌های معینهٔ خود محل جداگانه دارا باشند در شب در پست‌های تمام منطقه باقی بوده چندین مرتبه سرکشی بنمایند.

دهم: عبور در روز در مقابل سنگرهای جلوی جبهه اکیداً قدغن است.

یازدهم: در هر گروهان برای آب (از هر جوقه یک‌نفر) جمع کرده، یک مرتبه تحت نظر یک وکیل فهمیده جهت آوردن آب اعزام دارند.

دوازدهم: از هر گروهان یک ارسال مرسول (شیپورچی یا طبال) به معین نایب‌اسدالله خان برای ارکان معرفی شود.

۳. عجالتاً تا صدور دستور ثانوی وضعیت ارزاق ستون به طریق ذیل مقرر می‌گردد: هر گروهان چون ارزاق خود را در مدت یک ماه اخذ نموده است لذا بایستی مرتب و منظم شروع به پخت و تهیه غذا جهت افراد نماید ولی در تحت نظر معین نایب معاونی. نان، جو [و] آرد از طرف خود ستون مرتباً بر طبق احصائیه توسط معین نایب معاونی داده خواهد شد.

مشارالیه نیز صورت‌های لازمه برای این‌موضوع تهیه خواهد نمود و دقّت خواهد کرد که همیشه اقلاً همه روزه آذوقه در اردو حاضر باشد. ریاست بنه نیز با معاونی خواهد بود که صورت کامل قاطرها را تهیه و مطابق شرح ذیل تهیه نماید:

ک [گروهان] ۱ـ ۲ رأس، ک ۲ـ ۱۵ رأس، ک ۳ـ ۱۵ رأس، ک ۴ـ ۱۵ رأس، مسلسل. ۲، بهادران. ۲، صحیه فوج. ۲، ارکان فوج. ۲، فرمانده گردان ۱، ۲. بقیه قاطرها مخصوص ارزاق آشپزخانه بوده و بایستی سریعاً تقسیمات فوق عملی گردد.

۴. قسمت سوار مخصوص حفظ ارتباط با عقب شود. نبایستی [در] انجام مأموریت‌های محوله کمتر از بیست سوار اعزام گردد آن هم با وکیل فهمیده. نایب ۱ علیرضا خان بایستی همه روزه کلیه دواب استخدامی و دولتی تحت نظر خود [را] با دقّت معین جهت آب برده عودت دهد و برای محل‌های دواب و جای قطعی آن‌ها نیز دقّت و مراقبت کرده جای هریک را تعیین خواهد نمود.

فرمانده قوای اعزامی نایب سرهنگ رزم‌آرا

سه فرسنگی جوانرود در تپه‌های شمال‌شرقی قشلاق، مورخه ۲۹ دیماه ۱۳۱۰

حکم عملیاتی نمرهٔ ۳

۱) وضعیت عمومی

در نتیجه زدوخوردی که باستون فوج مختلط منصور نموده است روحیه او [جعفر سلطان] به کلی خراب و حتی سکنه بعضی از دهات و اطراف او پراکنده و برای تسلیم اسلحه حاضر گردیده‌اند به طوری که رعایای منصور بلاغی نوزده قبضه اسلحه و دهکده قلعه کاو سه قبضه اسلحه تسلیم نموده بقیه نیز در مکاتبات می‌باشند. تعداد اشرار در نتیجه همین پیش‌آمد خیلی تقلیل یافته است.

ستون‌های دزلی و رزاب گردنه‌های نودشه [و] کاماجار[1] را تصاحب و حملات شدید آن‌ها به طرف دشمن شروع گردیده و با موفقیت‌های کامل تا این ساعت می‌باشند.

۲. مأموریت ستون فوج منصور

مطابق تصمیم اولیه در کردستان تصاحب پاوه می‌باشد.

۳. منظور عملیات

عجالتاً تصمیم تصاحب گردنهٔ شمشیر و وارد ساختن یک شکست قطعی به قوای اشرار می‌باشد.

۴. مأموریت هریک *از قسمت‌ها به طور تفکیک*

۱. گروهان ۵ یک رسد مکفی تحت فرماندهی نایب سوم محمدخان دارابی در ساعت ۳ بعدازظهر [روز] ۳۰ به ارتفاعات شمال شرقی که موقعیت گروهان دوم است اعزام خواهد نمود که حفاظت ارتفاعات مذکور را با رسد اعزامی و رسد ۳ گروهان ۱ عهده‌دار خواهد گشت با مسلسلی که در آن‌جا می‌باشد.

---

۱. قبلاً کماژار هم ثبت شده است (و)

۲. فرمانده گروهان ۲ در شب به طوری که دیده نشود از محل خود سرازیر شده خیلی به طور مخفی به طرف تپه‌های غربی قشلاق حرکت خواهد کرد و موقعیت‌هایی را که به او دستور داده شده بایستی تا ساعت ۷ صبح تصاحب نماید یعنی کلیه موقعیت‌های غربی توانه‌بری.

۳. در ساعت ۶ صبح گروهان ۵ به انضمام یک رسد از گروهان ۴ و یک مسلسل تحت فرماندهی یاور ارشدالسلطنه از عقب پوزیسیون پایین آمده در تعاقب گروهان ۲ حرکت خواهد کرد و به قسمی طی طریق خواهد نمود که گروهان ۲ همیشه در جناح چپ واقع گردد یا در عقب آن گروهان و بالاخره راه‌پیمائی خود را ادامه خواهد داد تا وصول به تپۀسنگی بزرگ گردنه شمشیر و به محض وصول در آن‌جا موقعیت محکمی را تهیه و اشغال خواهد نمود. بقیه گروهان ۴ با یک توپ مسلسلی که در وضعیت گروهان ۲ بود و صبح زود به گروهان ۴ ملحق خواهد شد. یک ساعت پس از حرکت، گروهان ۵ تحت فرماندهی فرمانده خود حرکت کرده ستون جلو را تقویت خواهد کرد. کلیه بنه که بایستی از ساعت ۷ حاضر باشد فوری پس از حرکت گروهان ۴ از عقب وضعیت پوزیسیون حرکت و در تحت نظر یاور محمدعلی‌خان واجد سمیعی و حفاظت رسد سوار به طرف جلو در عقب گروهان ۴ خواهد بود. پس از حرکت کردن کلیه ستون و ورود بنه در دره‌ای که در جناح چپ آبادی قشلاق است محمد خان دارابی با رسد خود از کوه پایین آمده رسد گروهان ۱ را نیز که در تپه پایین است با خود برداشته در عقب بنه به سِمَتِ عقب‌داری با حفظ موقعیت لازمه نظامی حرکت خواهد کرد و کاملاً عقب بنه را حفظ خواهند نمود.

۴. به‌طور کلی فرماندهان ک ۲، ک ۴، ک ۶ ستون بنه عقب‌دار و هر یک مسئول حفاظت و حراست خود از هر جناح بوده بایستی به کلی اشرار را از اطراف خود دور و به او تلفات سنگینی وارد ساخته در موقعیت معینه خود حاضر گردند.

۵. خود این‌جانب با گروهان ۴ حرکت خواهم کرد راپورت‌های لازمه به طریق ذیل فرستاده شود: ساعت ۷ صبح در تپه موقعیت فعلی ساعت ۸ الی ۹ در تپه‌های سمت غربی قشلاق ساعت ۹ الی ۱۱ در تپه‌های سنگی.

۶. صحیه. انفرمیه هرقسمت با خود قسمت عزیمت خواهد کرد ولی رئیس صحیه اردو یاور شکرالله خان با بنه خواهد بود.

سه فرسنگی جوانرود در تپه‌های شمال شرقی قشلاق، مورخه ۳۰ دیماه ۱۳۱۰.

نایب سرهنگ رزم‌آرا

حکم عملیاتی نمرهٔ ۴

ارتفاعات اوته، مورخه ۱۰/۹/۶

۱. وضعیت عمومی دشمن

الف) طوایف در نتیجه انتشار اعلانات متعدده طایفه باباجانی و قبادی از حرکات خود نادم و مطابق راپورت امیر اسعد باباجانی مجدداً رئیس خود را پذیرفته و از حرکت خود نادم شده‌اند.

ب) اشرار متوقف در پاوه و شمشیر به واسطه این موفقیت قسمت قوای خود را به دو قسمت تقسیم، قسمتی در گردنه شمشیر متمرکز و قسمتی در پای آتشکده از طوایف امامی و اناغی و ساتیاری مواقعی برای خود اشغال کرده‌اند.

پ) اشرار متوقف در نودشه کماکان با قسمت نظامی مشغول زدوخورد بوده، جعفر سلطان در آن قسمت می‌باشد.

حانی گرمله. اشرار متوقف آن قسمت کماکان در محل‌های خود متوقف می‌باشند.

قوای نظامی

الف) ستون‌های تیپ محترم کردستان در محل‌های سابق خود به واسطهٔ مه و باران متوقف می‌باشند.

ب) ستون فوج منصور نیز در دو پوزیسیون یکی در تپه‌های لَغوگیر و دیگری در تپه‌های اُوته متوقف می‌باشند.

۲. دستورات

یاور مهاجر با گردان اعزامی از مرکز لیله ۶ وارد کرمانشاهان گردیده است و یوم ۷ به طرف روانسر حرکت خواهد کرد و پس از ورود به روانسر فرماندهی گردان ورود خود را راپورت نموده کسب تکلیف خواهد نمود. دستگاه تلگراف بی‌سیم یوم ۶ وارد کرمانشاهان شده با دو جوقه

مستحفظی از فوج منصور به طرف روانسر حرکت و پست خود را در آن‌جا برقرار نموده، پس از برقراری ارتباط با تیپ کردستان فوری راپورت خواهد داد و مراسلاتی را که به وسیلهٔ پُست پرنده‌سوار ارسال می‌شود فوری مخابره و فوری به وسیلهٔ پست پرنده مطالب لازمه را ارسال خواهد داشت.

نایب ۱ علی‌رضاخان مسئول برقراری ارتباط خواهد بود. نایب ۱ اشتوداخ فرماندهی رسد هواپیمایی با دو فروند طیاره صبح یوم ۱۰/۹/۱ وارد کرمانشاهان و یوم عصر ۱۰/۹/۱ ساعت ۳ بعدازظهر پروازی برای پیدا نمودن قسمت و شناسایی منطقه اجرا، یوم ۶ پرش در طول منطقه نموده است. به صاحب‌منصب مذکور امر داده می‌شود که مرکز خود را در کرمانشاهان برقرار نموده همه روزه ساعت ۷ صبح الی ۸ به طرف مواقع دشمن و کلیه مناطقی ستون‌های دزلی ـ رزاب و فوج منصور پرواز نموده در صورت پیدا کردن مواقع دشمن به نقاط ذیل بمب اندازی نماید: پاوه، نودشه، خانی‌گرمله، نوسود. صاحب‌منصب هواپیمایی نتیجه مشاهدات خود را مرتباً به وسیلهٔ پست پرنده سوار راپورت خواهد داد.

نایب ۱ علی‌رضاخان با دو دسته سوار رئیس ساخلوی جوانرود محسوب شده بایستی برای رسانیدن ارزاق دقّت و جدیّت کامل کرده و ارتباط و اتصّال ستون را با شهر و برعکس برقرار نماید. برای حمل جنس به طرف اردو نبایستی کمتر از بیست سوار آن هم در تحت ریاست خود مشارالیه یا یکی از وکلای ذیل؛ وکیل چپ ولی‌خان، وکیل چپ مناف و سرجوقه علی طهماسب [همراه گردد].

نایب سرهنگ رزم‌آرا

حکم عملیاتی نمرهٔ ۵

ارتفاعات اوته، مورخه ۷ آذرماه ۱۳۱۰

۱. وضعیت عمومی

دشمن. کماکان در محل‌های خود و اطراف ساتیاری متوقف می‌باشد.

دوست. ستون‌های رزاب ـ دزلی در پیشروی به طرف نقاط معینه خود می‌باشد

۲. تشکیلات: قسمت‌های حاضره ستون به طریق ذیل تقسیم می‌گردد:

ک ۲، ک ۳ [و] یک رسد مسلسل به فرماندهی و سرپرستی خود نایب اول امیرخان تشکیل ستون گردان ۱ را خواهد داد. ک ۴، ک ۵ [و] یک رسد مسلسل تحت امر معین نایب ابوالقاسم‌خان تشکیل گردان ۲ را خواهد داد. رسد ۱ گروهان ۱ مأمور حفاظت توپ‌های کوهستانی خواهد بود. قسمت سوار با یک رسد از گروهان ۴ تحت امر بیگ مرادخان وکیل‌باشی سمت عقب‌داری اردو را خواهد داشت تحت امر یاور محمدعلی‌خان.

۳. تصمیم متخذه: یوم ۸ جاری بایستی به طرف گردنه شمشیر حرکت کرده گردنه مذکور را تصرف نمود.

۴. مأموریت محوله: گردان ۱ در ساعت ۶ صبح تحت آتش مسلسل و توپخانه از ارتفاعات لغوگیر به طرف چیق چرمی و از آن‌جا به طرف ارتفاعات ریُو حرکت کرده پس از تصاحب ریُو، گردان ۱ به طرف پایین ارتفاعات آتشکده افتاده یک بازو چپ برای حرکت به طرف شمشیر خواهد کرد. در صورتی که گردان ۲ پس از عبور از ارتفاعات چیق چرمی در جلگه و جناح راست گردان ۱ مسافت سی الی پنجاه متر خواهد بود. و به همین قسم با تطبیق دادن حرکت خود با گردان ۱ به طرف شمشیر حرکت خواهد نمود.

توپخانه با ستون ۱ حرکت خواهد کرد. بنه بایستی با کمال سرعت حرکت کرده که حتی‌الامکان در نزدیکی و وسط دو ستون مندرجه در خط سیر معینه خود حرکت نماید. قسمت عقب‌دار بایستی وقتی تپه‌های عقب و مخصوصاً ریوکوه را تخلیه نماید که قسمت به نزدیکی شمشیر رسیده باشد.

نقطه توقف اصلی در مقابل گردنه شمشیر خواهد بود و هر ستونی در صورت تصادف بایستی با حملات شدید و آتش شدید مسلسل و تفنگ دشمن را خارج نموده تعاقب نماید که تلفات سنگینی متوجه او گردد.

۵. *محل خود این‌جانب*: تا ساعت ۷ صبح در کوه لغوگیر بوده ساعت ۸ در کوه چیق چرمی بوده و بعداً با ستون ۱ حرکت خواهم کرد و در صورت لزوم و تغییر محل اطلاع داده خواهد شد.

۶. *صحیه*: رئیس صحیه نیز با بنه خواهد بود ولی انفرمیه هر قسمت با خود قسمت حرکت خواهد کرد.

ارزاق. هر ستون در یوم حرکت بایستی دارای سه روز نان باشند که در صورت تطویل عملیات از هر حیث خیال آن‌ها راحت بوده باشد و بتوانند با آسودگی و راحتی خیال عملیات نمایند.

۷. *مهمات و فشنگ*: در نزدیکی توپخانه خواهد بود که در صورت لزوم به هریک از قسمت‌های لازمه ارسال شود.

۸. *ارتباط*: بایستی به وسیلهٔ ارسال مرسول به عمل آید. به اضافه برای شناسایی اشخاص ذیل بدین قسم در اختیار فرماندهان گردان خواهد بود: گردان ۱؛ عزیزبیک، کریم بیک، گردان ۲؛ رستم بیگ. با بنه نیز چون یاور محمدعلی‌خان می‌باشد اشخاص لازمه خواهد گمارد.

۹. *آتش‌های توپخانه*: در موقع لزوم تعیین و اجرا خواهد شد. هر فرمانده ستونی در صورت لزوم درخواست نماید.

۱۰. *هواپیمایی*: در صورت پرش طیارات لازم است:

ستون ۱ سه آتش دودی به شکل مثلث. ستون ۲ سه آتش دودی به شکل مثلث و بنه نیز سه آتش دودی به شکل مثلث اجرا نماید که طیاره محل اردو را کاملاً تشخیص دهد. بدیهی است بایستی به قسمی آتش دودی باشد که طیارات بتوانند آن‌ها را کشف نمایند.

کفیل فرماندهی فوج مختلط مستقل نمرهٔ ۳ منصور

حکم عملیاتی نمرهٔ ٦

ارتفاعات اوته، مورخه ۱۰ آذرماه ۱۳۱۰

۱. وضعیت عمومی: به حال سابق باقی و تغییراتی حاصل نشده

۲. وضعیت خصوصی ستون

قسمت‌ها در مواقع خود متوقف می‌باشند. یوم ۷ آذرماه در صورتی که به موجب اوامر اکیده حکم شده بود ارزاق را با اسکورت مکفی اعزام دارند مع‌هذا نایب ۱ علیرضاخان ارزاق را با هشت نفر نظامی سوار اعزام ارزاق پس از ورود به قوری‌قلعه دچار حمله شدید اشرارشده در نتیجه دو نفر نظامی تابین ۱ علی ولد طهماس و نظام علیمراد ولد قاسم مقتول سه نفر نظامی: برزو ولد آقابرار، سید محمد ولد محمد و محمد رحیم ولد میرزا مراد مجروح شده‌اند. دو قبضه تفنگ مفقود، دو قبضه تفنگ به واسطه اصابت گلوله اسقاط و چهار رأس اسب نیز سقط گردیده. این پیش آمد چون فقط به واسطهٔ عدم مراقبت صاحب‌منصب مذکور و عدم توجه آن‌هاست این است که شدیداً صاحب‌منصب مذکور سرزنش و توبیخ شده و تنبیهات نظامی دربارهٔ او اجرا خواهد شد. دو نفر نظامی مقتول و اسلحه و اسب‌های سقط شده از تعداد افراد و مونسیون و دواب کسر می‌شود. مدرک راپورت‌های نمرهٔ ۴۴ و نمرهٔ ۴۶ نایب میرزا علی‌خان.

۳. اسب کهر نمرهٔ ۱۸۱ از دواب مشمشه اسقاط بهادران به واسطهٔ ابتلاء به مرض دل درد لیله ۱ آذرماه سقط گردیده از صورت‌های مربوطه کسر می‌شود. مدرک راپورت نمرهٔ ۴۱ نایب ۱ علی‌رضاخان.

۴. سی و یک قبضه تفنگ به شرح ذیل توسط طوایف منصور آقایی تحویل فوج گردیده در جزو اسلحه ضبطی داخل و محسوب خواهد شد.

ردیف	طایفه	سیستم	نمرهٔ اسلحه	فشنگ	قطار
۱	منصور آقائی	پنجتیر عثمانی	۲۷۷۰۲۲	ندارد	ندارد
۲	منصور آقائی	پنجتیر عثمانی	۲۴۲۳۸۹	ندارد	ندارد
۳	منصور آقائی	پنجتیر عثمانی لاکل	۱۴۵۳۴۵	ندارد	ندارد
۴	منصور آقائی	پنجتیر عثمانیِ لاکل	۲۵۰۳۶۲	ندارد	ندارد
۵	منصور آقائی	پنجتیر عثمانیِ لاکل	۲۲۶۹۴۹	ندارد	ندارد
۶	منصور آقائی	پنجتیرعثمانی جان برار	۶۸۵۶۴	۴تیر	۱ رشته
۷	منصور آقائی	پنجتیرعثمانی جان برار	۴۷۷۵۱	—	—
۸	منصور آقائی	پنجتیرعثمانی جان برار	۲۴۶۶۸۸	—	—
۹	منصور آقائی	پنجتیرانگلیسی	۴۳۱۶۶۶	—	—
۱۰	منصور آقائی	پنجتیرروسی	۹۴۲۲۰۶	۸تیر	۱رشته
۱۱	منصور آقائی	پنجتیرروسی	۱۳۴۱	۲تیر	۱رشته
۱۲	منصور آقائی	پنجتیرروسی	۱۷۸۰۶۴	—	۱رشته
۱۳	منصور آقائی	پنجتیرروسی	۶۳۶۹۸	—	—
۱۴	منصور آقائی	پنجتیرروسی	۱۹۵۸۵	—	—
۱۵	منصور آقائی	پنجتیرروسی	۶۷۶۹۷	—	—
۱۶	منصور آقائی	پنجتیرروسی	۳۷۳۷۳	—	—
۱۷	منصور آقائی	سه‌تیر کوتاه	۱۳۱۲	—	—
۱۸	منصور آقائی	ده‌تیر موزر	۵۹۱۲۲	—	—
۱۹	منصور آقائی	ورندل	۵۳۴۸	—	—
۲۰	منصور آقائی	یازده‌تیر	۲۹۹۰۳	—	—
۲۱	منصور آقائی	پنجتیرموزر	۲۵۴۱۰	۵تیر	۱رشته
۲۲	منصور آقائی	نیم‌قنداق زیرصاف	۳۲۹۹	—	—
۲۳	منصور آقائی	کارابین	۶۵۹۷	—	۱رشته
۲۴	قشلاق	پنجتیر عثمانی	۹۹۶۵۱	—	—

ردیف	طایفه	سیستم	نمرهٔ اسلحه	فشنگ	قطار
۲۵	چلانه	پنجتیر عثمانی	۹۹۱۷۷	—	—
۲۶	چلانه	پنجتیر عثمانی	۲۴۸۸۶۶	—	—
۲۷	چلانه	پنجتیر عثمانی	۲۵۱۵۱۱	—	—
۲۸	چلانه	ورندل	۱۳۱۶۰	—	—
۲۹	قشلاق	پنجتیر عثمانی	۲۶۶۶۶۶	—	—
۳۰	قشلاق	سه تیر	۷۳۸۹	۱۴تیر	۱رشته
۳۱	قشلاق	پنجتیر روسی	۱۸۴۷۱	۴تیر	۱رشته

مدرک راپورت نمرهٔ ۳۴۵کفیل گروهان ۴

۵. مهمات به شرح ذیل در مصادمات تا مورخه ۱۰ جاری مصرف شده از صورت مهمات فوجی کسر گردد.

قسمت	فشنگ‌مصرف‌شده	فشنگ‌مصرف‌شده	فشنگ‌مصرف‌شده	جمع کل مصرف
	در قوری‌قلعه	در زدوخورد دوم	در شب‌ها تا یوم ۳۰	
گروهان ۱	۳۳۶	۳۶۶	۱۵۸	۸۶۰
گروهان ۲	۱۱۷۴	۲۸۰۶	۴۱۸	۴۳۹۸
گروهان ۴	—	—	۲۹۳	۲۹۳
گروهان ۵	۱۲۹۰	۲۳۸۰	۳۱۳	۳۹۸۳
گروهان‌مسلسل	۲۹۰	۱۵۵۰	—	۱۸۴۰
بهادران	۱۲۶	۲۱۱	۴۳	۳۸۰
جمع	۳۲۱۶	۷۳۱۳	۱۲۲۵	۱۱۷۵۴

مدارک راپورت قسمت‌ها

۶. شصت و هشت رأس قاطر مطابق راپورت متصدی دواب کرایه از تاریخ ۱۷ آبان جهت اردو استخدام شده است در جزو دواب استخدامی محسوب و کرایه از قرار روزی سه قران به آن‌ها تعلق خواهد گرفت.

۷. افراد مفصلّه از قسمت‌های ذیل در مصادمه یوم ۲۵ آبان‌ماه ۱۳۱۰ مجروح و در تاریخ ۲۷ آبان تحت سرپرستی وکیل ۲ میرزا حسن انفرمیه برای معالجه به شهر اعزام شده‌اند:

۱. محب‌علی ولد عزیز علی از گ [گروهان] ۵؛ ۲. شاهرخ ولد نظر ۳. سلیمان ولد قهرمان ۴. قربان‌علی ولد سیدکریم ۵. صحبت‌الله ولد خان‌مراد ۶. الله‌داد ولد ابراهیم از گ ۵؛ ۷. احمدخان ولد اسد از گ ۵؛ ۸. علی محمد ولد حیدر [از واحد] مسلسل ۹. علی حسین ولد حیات گ ۲؛ ۱۰. علی حسین ولد مرادعلی گ ۲؛ ۱۱. سرجوقه علی‌اکبر ولد عبدالحسین گ ۵.

دو نفر نظامیان مفصله ذیل از گروهان دوم و گروهان پنجم در مصادمه ۲۵ آبان شهید گردیده، از صورت‌های قسمت مربوطه کسر می‌شوند.

نظامی وظیفه نمرهٔ ۳۱۱ صادق ولد رضا از گروهان ۲

نظامی وظیفه نمرهٔ ــ[1] غلامعلی ولد کتابعلی از گروهان ۵

تفنگ نظامی غلام‌علی ولد کتابعلی که مقتول گردیده به واسطهٔ اصابت گلوله به کلی اسقاط و از صورت مونسیون قسمت مربوطه کسر می‌شود.

نظامی صیدصفدر ولد صیدحیدرقلی به واسطهٔ ابتلاء به رماتیسم تاریخ ۶ جاری برای معالجه به شهر اعزام و از نفرات حاضر اردو کسر می‌شود.

مدرک راپورت‌های نمره ۷۲/۷۱/۷۰ گردان ۱ و نمره ۱ گردان دوم

نایب سرهنگ رزم‌آرا

---

۱. جای خالی در اصل.

حکم عملیاتی نمرهٔ ۷

(صاحب‌منصبان و افراد فوج مختلط منصور)

مادهٔ ۱. مدت پنج سال در بیابان‌ها و نقاط مختلف با صاحب‌منصبان و افراد این فوج شجاع به‌سربرده، شب‌های تاریک و تاری را گذرانده‌ام که هیچ وقت از زندگانی عمر خود فراموش نخواهم نمود. در ظرف این‌مدت حرکات صاحب‌منصبان، جدیّت و روح تازه و کلاء و افراد مشوق این‌جانب بوده و هر لحظه برای خدمتگذاری در راه سلطنت اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری ارواحنافداه جدی‌تر شده و هر لحظه ساعی‌تر گردیده‌ام. اسم فوج منصور در نتیجه همین وحدت نظر و عشق سرشار روز به روز بالاتر و مهم‌تر شده جلب نظر اعلی‌حضرت قدر قدرت شهریاری ارواحنافداه را کراراً ساخته. در این موقع که حسب‌الامر شما را ترک می‌نمایم یک یادگار فراموش نشدنی همانا احساسات جوان شما را به یادگار خواهم برد. در آخرین لحظه مطلبی را که به عموم توصیه می‌نمایم و مایلم به زبان سربازی برای عموم بیان کرده و به فردفرد افراد خاطر نشان نمایم این است که در تمام ساعات زندگانی، خلاق مقتدر قشون و احیاءکننده ایران را در نظر داشته با قلبی جوان و مملو از احساسات وطن‌پرستی و شاه‌پرستی انجام وظیفه نموده جلب نظر و عطف توجه اعلی‌حضرت قدرقدرت شهریاری ارواحنافداه را برای خود بالاترین سعادت [و] بزرگترین خوشبختی و عظمت دانسته، جان و زندگانی و هستی خود را برای این مردم صرف نمایید.

ماده ۲. کفالت فرماندهی فوج از این تاریخ به عهده یاور محمدعلی‌خان اقتداری معاون فوج محول و ایشان عهده‌دار امور و سرپرست قسمت خواهد بود.

ارتفاعات اوته مورخه ۱۳ آذر ۱۳۱۰

نایب سرهنگ رزم‌آرا

حکم عملیاتی ستون روانسر نمرهٔ ۸

جوانرود

مادهٔ ۱. حسب‌الامر جهان‌مطاع مبارک ملوکانه ارواحنافداه این جانب از این تاریخ به سمت فرماندهی ستون روانسر منصوب و برقرار می‌شوم.

مادهٔ ۲. یاور محمدعلی‌خان اقتداری معاون فوج منصور و متصدّی فوج دستور داده می‌شود که تا ورود این جانب پوزیسیونی را که به او تحویل شده با قوای فعلی خود حفظ نماید و مطالب و گذارشات مهمهٔ را فوری به این جانب راپورت دهد.

مادهٔ ۳. یاورعلی خان مهاجر فرماندهی گروهان ۳ فوج گارد بهادر امر می‌شود پس از برقرار دادن یک عده مکفی تحت نظر یک صاحب‌منصب فهمیده برای سرپرستی ارزاق و مهمّات خود و معرفی او به سلطان سیدحسن خان کاظمی رئیس ساخلوی جوانرود با کلیهٔ قوای خود و توپخانه به طرف اردو عزیمت نماید و در پوزیسیون اوته خود را به این‌جانب با قوای خود معرفی نماید.

مادهٔ ۴. سلطان سید حسن خان به سمت ریاست ساخلوی جوانرود تعیین می‌گردد. که وضعیت جوانرود را در تحت نظر مراقبت گرفته در حفظ ارتباط با اردو و رسانیدن ارزاق و لوازمات مراقبت تامّی مرعی دارد. در تحت اختیار مشارالیه یک عدّه قوای ستون فوج گارد بهادر با یک صاحب‌منصب خواهد بود به‌انضمام افراد حاضر بهادران فوج منصور تحت ریاست سلطان عباس خان بهادران.

مادهٔ ۵. لازم است سلطان سید حسن خان محل مناسبی را برای پذیرایی مرضی در جوانرود مرتب کرده کلیه افراد مریض را در جوانرود تحت معالجه قرار دهد. سلطان حسن خان دُرافشان نیز عهده‌دار امور مریضخانه جوانرود بوده فقط افرادی بایستی به مریضخانه شهر اعزام گردند که پس از دقّت کامل صحی و تهیه صورت مجلس اعزام او به شهر لازم گردد.

مادهٔ ۶. هر یک از فرماندهان ستون بایستی جهت هر تفنگ صد تیر، جهت هر مسلسل شش هزار تیر، جهت هر پنجاه تیر چهار هزار تیر همراه داشته و با خود حمل کرده، بقیهٔ مهمات در جوانرود باقی خواهد ماند.

مادهٔ ۷. ستون‌های مرکز امور اداری خود را در جوانرود قرارداده، به آن‌ها تذکر داده شود که اگر در تهیهٔ ارزاق کمترین عدم مراقبتی نمایند تسلیم دیوان حرب خواهند گردید.

مادهٔ ۸. به فرمانده رسد هواپیمایی امر می‌شود که لوازمات و احتیاجات پرواز خود را سریعاً از امور اداری فوج منصور اخذ در ایامی که هوا صاف است پرواز به طرف مواقع دشمن نموده و حتی‌الامکان سعی خواهد کرد که بر طبق کروکی ارسالی، اردو و مواقع دشمن را کشف نماید. بمب‌اندازی مواقع دشمن در روز عملیات مطابق امر بایستی اجرا شود.

مادهٔ ۹. لازم است هریک از ستون‌ها فوری دواب باری جهت حمل بنه خود مطابق احکام صادره قشونی تهیه کرده و اگر کسوراتی هست راپورت نماید.

مادهٔ ۱۰. هریک از ستون‌ها یوم به یوم بایستی راپورت احصائیه و وضعیات خود را راپورت نماید.

مادهٔ ۱۱. مسئولیت امور مباشرتی و امور اداری اردو با نایب ۱ مهدی‌قلی‌خان فرزانه بوده مشارالیه بایستی به جوانرود آمده در آن‌جا مشغول انجام خدمات محوله بشود ضمناً احکام مباشرتی را نیز تدوین نماید.

مادهٔ ۱۲. در صورتی‌که به موجب اطلاعات واصله دستگاه تلگراف بی‌سیم یوم ۸ وارد کرمانشاهان شده معلوم نیست به چه مناسبت تا به حال راپورتی از صاحب‌منصب مسئول آن واصل نگردیده، لازم است یوم ۱۵ جاری صاحب‌منصب مذکور برقراری تلگراف و ارتباط با تیپ محترم

کردستان [را] راپورت نماید چه در صورت تسامح مسئول و مورد مؤاخذه واقع خواهد شد.

مورخه ۱۴ آذر ۱۳۱۰
نایب سرهنگ رزم‌آرا

حکم عملیاتی نمرهٔ ۹

وضعیت عمومی

۱. دشمن. از جبهه دزلی و رزاب اطلاعی به دست نیامده است.

در جبههٔ ستون روانسر دشمن مواقع ساتیاری، تپه چیق‌چرمی، ریُـو، شمشیر و توانه بری را در دست دارد.

۲. دوست. از ستون دزلی اطلاعی حاصل نشده.

ستون رزاب مطابق اطلاع رئیس ستون فرماندهی آن ستون کماکان در محل خود باقی و تا به حال پیشروی ننموده‌اند.

وضعیت خصوصی

۲. ستون روانسر در مواقع سابق خود باقی.

گردان فوج بهادر یوم ۱۵ جاری به پوزیسیون اوتـه وارد گـردیده‌انـد. بهادران سوار با قسمت پیاده نظام ساخلو جوانرود در مـحل خـود بـاقی می‌باشند.

تشکیلات

۳. جهت اجرای عملیات ستون روانسر به چهار ستون جزء به شرح ذیل تقسیم می‌گردد: سه ستون عملیات و یک ستون بنه.

۱. ستون اول به فرماندهی یاور ارشـدالسـلطنه دولتشـاهی مـرکب از گروهان ۲ و ۳، یک رسد مسلسل از فوج منصور و یک توپ روسی که در موقع عملیات در اختیار خواهد داشت.

۲. ستون ۲ به فرماندهی یاور علی خان مهاجر ناصر یک رسـد فـوج منصور دو گروهان پیاده یک گروهان پنجاه‌تیر دو توپ اُخاسیوس.

۳. ستون ۳ به فرماندهی یاور باقرخان کـریمیان گـروهان ۴ و ۵ فـوج منصور، یک رسد مسلسل، یک توپ کوهستانی روسی.

۴. ستون بنه تحت فرماندهی یاور محمدعلی‌خان واجد سمیعی یک گروهان از فوج گارد بهادر، افراد سوار مأمورین به قسمت‌ها.

۴. هریک از فرماندهان ستون مستقیماً و شخصاً مسئول ستون مربوطه بوده اگر در موقع عملیات کوچکترین تسامح و غفلتی از قسمت‌های تحت فرماندهی آن‌ها ناشی شود جداً مسئول و مورد مؤاخذه شدید واقع خواهند شد. پس بایستی هریک خود را واحد مجزایی دانسته که در واقع به محض پیش‌آمدی جداگانه قادر به عملیات و مقاومت در مقابل قوای خصم بشود تا آخرین لحظه و آخرین نفر بایستی ایستادگی و مقاومت نمایند.

۵. به طوری‌که سابقاً نیز تذکر داده شده مجدداً یادآور می‌شود که تیراندازی فشنگ در روز فقط در مسافت چهارصد متری آن هم برای هدف‌های معین و در شب در مسافت پنجاه متری به طرف هدف مشخص بایستی اجرا گردد و تیراندازی بی‌موضوع هر قسمت نشانه رُعب و ترس صاحب‌منصب و افراد آن قسمت بوده کاملاً ثابت می‌نماید که از وضعیت دشمن و تاریکی شب ترسناک بوده مبادرت به تیراندازی کرده است.

بدیهی است این گونه تیراندازی‌ها مورد مؤاخذه و بازخواست واقع و فرمانده مربوطه شدیداً مورد تنبیه واقع خواهد شد.

۶. به کلیهٔ افراد ابوابجمعی خود به طور کلی خاطرنشان نمایند که قوای بی‌نظم اشرار که به عزم دزدی و راهزنی مجتمع شده‌اند قابل اهمیت و توجه نمی‌باشند چه قوای نظامی با مخارج فوق‌العاده که دولت متحمل شده و تعلیماتی که تحت سرپرستی صاحب‌منصبان فراگرفته است به این گونه اشخاص اهمیت و وقعی نخواهد گذاشت ولی بایستی بدانند که تیراندازی آن‌ها در نظر عشایر بی‌اندازه مهم و قابل توجه بوده است، هر تیر بی‌مورد آن‌ها بیشتر اسباب تجرّی خصم را فراهم خواهد ساخت. پس

بایستی در قراول‌روی و تیراندازی مراقبت تام به عمل آورده تا دشمن را به خوبی ندیده و ملاحظه ننماید تیراندازی ننموده، فشنگ و مهمات را بی‌جهت مصرف ننمایند.

۷. در هر گروهان نیز بایستی دو [قبضه] طپانچه نورافکن قرار داده شود تا در شب‌های تاریک و سیاه که چشم درست قادر به دیدن نیست به وسیلهٔ نورافکن آن هم به نوبه در نقاط مختلف تیراندازی کرده فضا را برای دیدبانی کشیک‌چی روشن نمایند.

۸. به کلیهٔ فرماندهان ستون اخطار می‌شود ورود عشایر به هر اسم و رسم در ستون‌ها اکیداً قدغن و جداً بایستی جلوگیری شود. چه تمام اشخاص غیرنظامی این منطقه مخالف وجود و عملیات قوای نظامی بوده و فرماندهان ستون بایستی آن‌ها را خطرناک‌تر از دشمنان خود دانند معاشرت، صحبت و مذاکره با آن‌ها را بایستی به کلی بد و مضرّ دانسته به هر نحو است جلوگیری شود.

برای ورود هر قاصدی از هر نقطه بایستی فوری قاصد به وسیلهٔ پُست با چشم بسته نزد دژبان اردو اعزام مراسله به این‌جانب توسط دژبان تسلیم و پس از اخذ جواب مجدداً مشارالیه را از قسمت خارج نمایند. قاصدها نیز حق گردش را در اردو نداشته، آزاد نخواهند بود. نایب ۱ شاپوری به سمت دژبانی اردو منصوب و معرفی شده از هر گروهان بایستی دو نفر نظامی جهت پیشرفت امور دژبانی اردو به مشارالیه معرفی شود.

یک چادر از فوج گارد بهادر جهت افراد دژبان و یک چادر از فوج منصور جهت عشایر تحویل دژبان داده خواهد شد که در تحویل مشارالیه باشد.

اسم شناسایی و عبور از طرف ارکان ستون فرستاده خواهد شد که بطور محرمانه به پست‌ها داده شود. هر ستون به محض توقف در هر

محل بایستی ارتباط تلفونی با مرکز این‌جانب که در ستون به طور اختلاف خواهد بود برقرار نمایند. معین نایب اسماعیل‌خان هاتفی مسئول، [به] ارتباط کلیه ستون‌ها رسیدگی نموده، حسن جریان و استفاده از وسایل ارتباط نمایند.

سلطان میرزا علی‌خان شریف به سمت ریاست بیطاری اردو منصوب.

نایب ۱ دلاور جهت کمک یاور محمدعلی‌خان واجدسمیعی برای نگاهداری و حفاظت بنه تعین و بایستی به اردو ملحق گردد.

امور آجودانی ستون به عهدهٔ نایب سوم ابوالنصرمیرزا دولتشاهی محول می‌شود.

ارتفاعات اوته، مورخه ۱۵ آذر ۱۳۱۰
نایب سرهنگ رزم‌آرا

حکم عملیاتی نمرهٔ ۱۰

۱. وضعیت عمومی

دشمن. در ستون‌های دزلی و رزاب دشمن به حال سکوت متوقف است. در شمشیر مطابق اطلاعات واصله در نتیجه سرمای شدید توانه‌بری و کوه سفید را تخلیه، قسمتی فقط در ارتفاعات چیق چرمی و ساتیاری و بقیهٔ قوا در شمشیر می‌باشد.

دوست. از ستون دزلی اطلاعی در دست نیست.

ستون رزاب مطابق مراسله نمره ۱۰۴ فرماندهی ستون به انتظار وصول کمک متوقف و عملیاتی نخواهد شد.

ستون جوانرود؛ قوای عمده در تپه‌های لغوگیر و اوته موقف ساخلوی جوانرود نیز در وضعیت خود باقی می‌باشد.

۲. تصمیمات متخذه

حمله به طرف شمشیر در دو ستون و تصاحب ارتفاعات و مواقع مهم آن.

۳. مأموریت قسمت‌ها

۱. فرمانده ستون ۱ یاور ارشدالسلطنه با قسمت ابواب جمعی خود در ساعت ۷ الی ۸ صبح ۱۹ آذر به محض بهبودی هوا به طرف ارتفاعات چیق‌چرمی و ریو حرکت کرده پس از درهم شکستن قوای دشمن و تخریب مواقع و تهدید کامل و وارد ساختن تلفات به آن‌ها به طرف آتشکده حرکت و موقعیت نظامی خود را در آن‌جا مستحکم کرده منتظر دستور ثانوی خواهد شد. و اگر در هر حال وضعیت ایجاب نمود که به طرف شمشیر حمله نماید بایستی قسمتی در آتشکده برای در دست داشتن آن ارتفاعات بگمارد.

۲. ستون ۲ تحت فرماندهی یاورباقرخان کریمیان با تشکیلات مندرجه در

حکم نمرهٔ ۹ در ساعت معینه تعین ساعت ۷$\frac{1}{2}$ صبح درموقع حملهٔ ستون ۱ به طرف کوه سفید حرکت پس از تصاحب آن ارتفاعات تأمل خواهد نمود که ستون ۱ به کوه ریو برسد. به محض رسیدن گردان ۱ به کوه ریو و تجاوز به طرف آتشگاه با قوای خود به طرف گردنه شمشیر حرکت کرده گردنه مذکور را بایستی تصاحب و در آبادی شمشیر قوای خود را متمرکز نماید. بدیهی است چون حرکت این ستون در جلگه [جنگل ؟] می‌باشد بایستی حتی‌الامکان سعی شود که با دقت تفتیشات کامل کرده و با مراقبت تام پیشروی خود را انجام دهد که شمشیر قبل از ظهر سقوط و گرفته شود.

۳. ستون سوم تحت فرماندهی یاور مهاجر ناصر. یک گروهان در ساعت ۷ صبح یعنی موقع قطعی عملیات به طرف ارتفاعات مقابل گروهان ۵ اعزام خواهد داشت که از همان ارتفاعات در عقب ستون حرکت و در صورت حملات و تجاوزاتی به طرف عقب گردان، جلوگیری کامل نماید. بقیه این ستون نیز در عقب خط سیرگردان ۱ حرکت خواهد نمود با کلیه ستون معینه.

۴. فرماندهی ستون ۳ دو پنجاه تیر به ستون ۱ و دو پنجاه تیر به ستون ۲ با لوازمات اعزام و تحت اختیار آن‌ها خواهد گذارد.

۴. دستورات لازمه

چون سرما شدید و بایستی به محض ورود در هر نقطه مراعات گرمی و نگاهداری افراد را کرد لذا بایستی هر قسمت تعدادی چادر و مقداری هیزم خشک داشته باشد که در هر نقطه توقف کرده فوری چند چادری سرپا کرده افراد را در چادرها نگاهداری و محافظت نماید و این نکته را بایستی بر کلیه مطالب و نکات لازمه دیگر، هر فرماندهی رجحان دهد که از سرما تلفاتی وارد نشود.

هر ستون بایستی با تعداد مال‌های حاضره خود را حرکت دهد. چه کلیه بارهای زائد را بایستی در یک نقطه جمع‌آوری کرده بگذارد که پس از وصول به مقصد فوری قاطر برای حمل آن فرستاده شود. ولی در بارهای زائد نبایستی مهمات یا لوازمات و فشنگ باقی باشد. ممکن است چادر، آشپزخانه، ارزاق آشپزخانه باشد. هر ستون بایستی پنج روز نان فقط و جو برای دواب خود همراه بردارد که اگر پنج روز عملیات به طول انجامد هر ستون از این حیث آسوده خاطر باشد.

۵.محل این‌جانب. تا عبور از ریو با ستون ۱ پس از عبور از ریو با ستون ۳ خواهد بود. یاور محمدعلی‌خان اقتداری با ستون ۳ حرکت خواهد کرد.

۶. صحیه. یاور شکرالله‌خان رئیس صحیه با ستون ۱ و ۳ و معین نایب محمودخان با ستون ۲ خواهد بود.

۷. آتش‌های توپخانه. چون منظور از آتش توپخانه گرفتن نتیجه و تلفات از دشمن می‌باشد لهذا بایستی آتش توپخانه با یک دقّت و صحت فوق‌العاده اجرا شده برای هر تیری نتایج مخصوصی در نظر گرفته شود که مبادا مهمات توپخانه بی‌جهت به مصرف رسیده یا این‌که دشمن از آن رُعب و ترسی حاصل ننماید. پس با در نظر گرفتن تعداد مهمات و عملیاتی که بعداً در پاوه در دشه، هروی و نوسود در پیش خواهد بود بایستی مهمات به کار برده شود ولی با کمال دقت به طرف محل اجتماع‌های دشمن، آبادی‌هایی که اشخاص مسلح در آن ملاحظه شود [و] اجتماعاتی که در حال تمرکز یا فرار باشند. بدیهی است با دقّت کامل نتیجه تیراندازی هر توپ و نتایجی که گرفته خواهد شد در حکم عملیاتی از نقطه‌نظر دقّت صاحب‌منصب آن و تشویق او درج و ثبت خواهد شد.

۸. ***هواپیمایی.*** دو طیاره بایستی در ساعت ۸ شروع به پرواز کرده با انداختن بمب حتی‌الامکان به روحیه دشمن لطمات وارد سازد. علامت نماینده؛ دود در سه نقطه در هر ستون خواهد بود. پس به محض ملاحظه طیاره هر ستون بایستی سه دود در قسمت ابواب جمعی خود تهیه نماید که جهت طیارات مشهود باشد.

طیارات نیز پس از بمباردمان پاوه یوم ۲۰ نیز باز به پرواز خود ادامه داده و بایستی پس از اطمینان از این‌که پاوه در دست دشمن باشد ممکن است آن‌جا را مورد بمب‌اندازی قرار دهند. ولی پس از دقت و درک کامل و آن‌که از ورود قوای نظامی یا علائم مشخصه مشهود باشد. چه یوم ۲۰ مخصوص حمله به پاوه خواهد بود در صورتی که عملیات پیشرفت کامل نماید.

۱۸ آذرماه ۱۳۱۰

نایب سرهنگ رزم‌آرا

حکم عملیاتی نمرهٔ ۱۱

۱. وضعیت عمومی

دشمن. در نتیجه زد و خورد شدیدی که در یوم ۱۹ و ۲۰ در اطراف ارتفاعات ساتیاری و آتشکده نموده با دادن تلفات زیاد و زخمی‌های زیاد، عدّه مزیدی و ایناقی[1] به کلی متواری و قسمت اورامانی‌های دیگر به طرف پاوه و خانقاه فراری شده‌اند.

دوست. ستون‌ها با کمال خوبی و از روی دقت اوامر مندرجه در حکم عملیاتی نمرهٔ ۱۰ را اجرا و اینک ستون ۱ در تپه آتشکده، ستون ۲ در شمشیر و ستون ۳ در ارتفاعات ریو و ساتیاری باقی می‌باشد.

۲. تصمیمات متخذه

حرکت به طرف پاوه و تصرف پاوه و خانقاه.

۳. مأموریت قسمت‌ها

۱. ستون ۱ با وضعیت کامل نظامی با کلیه قسمت ابوابجمعی خود با دقّت از ارتفاعات آتشکده سرازیر و پاوه را تصاحب نموده، پست‌های لازمه برای حفاظت محل برقراری خواهد نمود.

۲. ستون ۲ با در دست داشتن کلیه ارتفاعات بالای شمشیر و ارتفاعات سرزن به پاوه در شمشیر متوقف، تا صدور دستور ثانوی مرکز ستون مذکور در شمشیر خواهد بود.

در ضمن لازم است رسد ۳ گروهان ۱ را احضار در قسمت مربوطه اعزام دارد.

۳. ستون ۳ با کلیه قوای خود به طرف پاوه حرکت کرده دستور جامع برای جمع‌آوری رسدهای ارتفاعات ریو، چیق چرمی و لغوگیر صادر خواهد کرد به طوری که کلیه افراد مذکور جمع‌آوری گردند.

---

۱. در اصل اناغی.

۴. مرکز خود این‌جانب

ساعت ۷ صبح در آتشکده پس از حرکت ستون ۱ به طرف پاوه در پاوه خواهد بود.

۵. صحیه

کلیه قسمت‌های مربوطه نیز به طرف پاوه حرکت خواهد نمود.

در صورت تصادف بایستی دقّت در شکست کامل دشمن گردد.

۶. هواپیمایی

تا صدور دستور ثانوی از پرواز خودداری خواهد نمود.

کوه آتشکده، مورخه ۲۱ آذر ۱۳۱۰

نایب سرهنگ رزم‌آرا

حکم عملیاتی نمرهٔ ۱۲

۱. وضعیت عمومی

دشمن. از ستون دزلی و رزاب اطلاعی حاصل نشده است.
در پاوه. پس از تخلیه پاوه همه رشید بیگ و عبدالغفور بیگ برادر مشارالیه به طرف دشه و نجار حرکت و چون درصدد اخذ اسلحه اهالی بودند زد و خورد و مذاکراتی برای آن‌ها حاصل و بالاخره همه رشیدبیگ در دشه و عبدالغفور بیگ در نجار به انتظار کمک از طرف نوسود می‌باشند. افراد آن‌ها عده‌ای پراکنده شده و مطابق آخرین اطلاع پیش از صدنفری باقی نمانده است.
دوست. [ستون‌های] دزلی و رزاب در مواقع خود به واسطه برف و باران شدید باقی می‌باشند.

۲. وضعیت خصوصی

اردوی روانسر در مواقع ذیل می‌باشند:
ستون ۱ در پاوه؛ ستون ۲ در شمشیر؛ ستون ۳ در خانقاه.

۳. دستورات صادره

اولاً. چون قبل از تأمین ارزاق حرکت اردو غیر مقدور خواهد بود لذا ستون‌ها در محل‌های فعلی خود متوقف و بایستی پوزیسیون‌های مهمی به طریق ذیل تهیه نمایند:

ستون ۱ با در دست داشتن ارتفاعات بالای پاوه و ارتفاعات انتهای شاهو مقابل پاوه و تپه‌قله پوزیسیون نظامی خود را محکم نموده و از طرف قله ارتباط با ستون فوج گارد بهادر بر قرار خواهد نمود.

ستون فوج گارد بهادر. پست دائمی اقلاً یک رسد در روی ارتفاعات آتشگاه برقرار نموده و دو رسد در روی تپه‌های مقابل که به طرف دشه

می‌رود قرار داده ارتباط با ستون ۱ دائر خواهد نمود تپه قسمت خانقاه.

ستون ۲ کلیه قسمت خود را در شمشیر تمرکز داده، کلیه ارتفاعات بالای شمشیر را که رشته شاهو باشد تصاحب خواهد نمود و بایستی فرمانده ستون بداند که مسئولیت عقب‌داری این ستون و نگاهداری ارتفاعات فوق‌الذکر با ستون ۲ خواهد بود پس بایستی در نگاهداری آن ارتفاعات و گماردن پست‌های لازمه کاملاً از روی دقّت از موقعیت پست‌های ارتفاعات شاهو مطمئن گردد. به اضافه همه روزه ساعت ۷ صبح یک رسد از مرکز خود به طرف توانه‌بری و ارتفاعات کوه تپه اعزام نموده پس از تفتیش و رسیدگی ارتفاعات جلو خود مراجعت خواهد نمود.

ثانیاً: هریک از ستون‌ها دائماً بایستی به وسیلهٔ اشخاصی که در دهات مجاور آن‌ها می‌باشند کسب اطلاعات کرده و هر گونه مطالب و نکات مهمی را فوری راپورت نماید.

ثالثاً. به طور کلی رؤسای ستون‌ها بایستی بیدار و هوشیار بوده به فکر این‌که دشمن نیست نبایستی راحت گردند. بلکه بایستی لاینقطع به جدیّت و سعی خود افزوده هر لحظه حمله دشمن را منتظر و طریقه دفاع منطقه مربوطه را در نظر داشته باشند.

رابعاً. امر می‌شود یک عراده توپ کوهستانی ستون ۲ به ستون ۳ داده، [در] عوض یک عراده اخاسیوس از ستون ۳ به ستون ۲ داده شود.

خامساً. در هریک از سه ستون بایستی سربازخانه و محل مرتبی برای افراد در نظر گرفته منازل صاحب‌منصبان صحیه هر ستون و کلیه احتیاجات بایستی در داخل محوطه مربوطه بوده عبور و مرور اشخاص مختلف در سربازخانه‌های مذکور اکیداً قدغن و تا تاریخ ۲۲ عصر بایستی وضعیت توقفگاه آن‌ها به کلی مرتب شود و هر ستون وضعیت توقفگاه خود را راپورت نماید.

سادساً. کلیه وظایف ساخلوی قسمت‌ها بایستی مطابق دستورات صادره اجرا شود: بیداری، آغشام، دعای صبح، مریض‌ها، ساعات، سرصبح.

ثابعاً. یاور محمد علی‌خان اقتداری به سمت ریاست کمیسیون خلع سلاح، یاور محمدعلی‌خان واجدسمیعی و یاور شکرالله‌خان امینی و نایب ۱ دادجو و نایب ۱ سیدمحمدعلی‌خان به سمت عضویت کمیسیون تعیین، لازم است فوری صورت‌های کامل از اسلحه موجودی دهات تعیین و شروع به اخذ اسلحه طوایف و قراء شده که تا آخرین تفنگ و فشنگ گرفته شده، روز به روز اقدامات خود را راپورت نمایند.

ثامناً. جهت حمل ارزاق اردو از جوانرود سیصد رأس دواب از پاوه و خانقاه جمع‌آوری به مسئولیت نایب اول دلاور و اسکورت مکفی یک رسد از فوج بهادر و یک رسد از گروهان ۲ فوج منصور یوم ۲۱ به طرف جوانرود حرکت و یوم ۲۳ ارزاق لازمه را بایستی نایب ۱ محمدآقاخان دلاور تحویل گرفته مراجعت نماید.

به سلطان سیدحسن خان کاظمی امر می‌شود که ارزاق یک ماهه اردو را به وسیلهٔ مال‌های اعزامی و شترهای حاضر به اردو و حمل و چهل نفر سوار نیز تحت امر نایب ۱ علی‌رضا خان بنه مذکور را تا شمشیر اسکورت، گروه از آن‌جا مراجعت خواهد نمود.

۴. هواپیمایی

تاصدور امر ثانوی پرواز طیارات لزومی ندارد و در کرمانشاهان متوقف خواهند بود.

۵. بی‌سیم

تلگراف بی‌سیم صحرایی. لازم است کلیه لوازمات خود را جمع‌آوری و به

طرف طهران حرکت نماید. کلیه دستگاه تلگراف کوهستانی اعزامی از مرکز فوری به وسیلهٔ قاطر یا در صورت امکان با اتومبیل به جوانرود حمل و صاحب‌منصب آن راپورت ورود خود را در جوانرود تقدیم خواهد نمود تا دستور برای حمل آن به فرمانده ساخلوی جوانرود صادر گردد.

۶. محل *این‌جانب* فعلاً در پاوه خواهد بود.

۷. عطف به ماده ۴ حکم نمرهٔ ۶ عملیاتی نه قبضه اسلحه به شرح ذیل در تاریخ ۹ ماه جاری از قریه ده تو جمع‌آوری و جزو اسلحه ضبطی محسوب خواهد شد.

ردیف	طایفه	سیستم	نمرهٔ اسلحه	فشنگ	قطار
۱	اقبال	کارابین	۲۱۶۶	۸	۱
۲	اقبال	عثمانی	۱۷۰۵۲۸	—	—
۳	اقبال	عثمانی	۲۵۷۳۸۰	—	—
۴	اقبال	عثمانی	۶۴۲۵۰	—	—
۵	اقبال	دودی	بدون‌نمره	—	—
۶	اقبال	پنجتیر روسی	۱۹۶۰۵۵	—	—
۷	اقبال	پنجتیر روسی	۴۶۳۱۱	—	—
۸	اقبال	ورندل	۳۸۸۲	—	—
۹	اقبال	ورندل	۸۷۰۷	—	—
—	—	—	—	—	—

مدرک راپورت نمرهٔ ۳۴۷ کفیل گروهان ۴

۸. عطف به مادهٔ ۴ حکم نمرهٔ ۶ و مادهٔ ۶ حکم نمرهٔ ۱۲، چهل قبضه

اسلحه مذکور به علت نبودن وسائل نقلیه معدوم گردیدند. مدرک راپورت نمرهٔ ۴۴ معاون فوج

پاوه، مورخه ۲۲ آذر ۱۳۱۰
نایب سرهنگ رزم‌آرا

حکم عملیاتی نمرهٔ ۱۳

۱. وضعیت عمومی

دشمن. اشرار پس از شکست اخیر به واسطهٔ پراکنده شدن اهالی کلیه با انزجار کامل اشرار را ترک گفته و اشرار بی‌اندازه متزلزل شده شروع به حمل اثاثیه و لوازمات به شوشمی کرده و چون تصمیم حرکت به طرف خاک عراق را داشته از طرف مأمورین دولت عراق ممانعت کامل به عمل آمده است.

دوست. ستون‌های اعزامی در محل‌های مندرجه در حکم نمرهٔ ۹ باقی می‌باشند.

۲. تصمیم متخذه

حرکت به طرف دشه و هروی.

۳. مأموریت قسمت‌ها

۱. ستون ۱ در ساعت ۷ صبح مورخه ۲۶ به طرف دشه حرکت خواهد کرد و پس از رسیدن به دشه شب را در آن‌جا توقف کرده یوم ۲۷ به طرف هروی حرکت و در آن‌جا اردوگاه خود را برقرار خواهد کرد تا ورود این جانب.

۲. ستون ۲ در ساعت ۷ صبح مورخه ۲۶ مواقع شمشیر را تخلیه کرده به طرف نوریاب عزیمت کرده شب را در نوریاب بوده روز ۲۷ به طرف هروی حرکت خواهد کرد.

۳. ستون ۳ یک گروهان کامل برای حفاظت پاوه تحت امر یاور محمد علی‌خان اقتداری گذارده با بقیهٔ ستون یوم ۲۷ به طرف دشه حرکت کرده یوم ۲۸ را بطرف هروی عزیمت خواهد نمود. بطور کلی بقیه ستونها یوم ۲۸ در هروی متمرکز خواهند شد در مواقع خوب و قابل توجهی. در

هریک در توقفگاه‌های شبانه بایستی مراقبت نموده دقت نمایند که مواقع مهم و قابل توجه را اشغال کرده که اگر حملاتی غفلتاً به عمل آمد بتوانند به اقدامات لازمه مبادرت ورزیده و به اشرار لطمه وارد سازند.

یاور محمدعلی‌خان اقتداری رئیس ساخلوی پاوه و خانقاه محسوب، یک گروهان را در پاوه تمرکز داده، پست‌های لازمه برای حفاظت قسمت گمارده، کلیه مرضی را در قلعه تمرکز و با کمال دقّت و مراقبت مشغول جلب اهالی [و] مهربانی نسبت به عموم و تمرکز ارزاق خواهد بود که هر چه زودتر وضعیت ارزاق مرتب و منظم شده و به محض دستور ارزاق لازمه حمل گردد. به همین ملاحظه بیشتر بایستی همیشه تعدادی قاطر برای حمل ارزاق از حکومت محل خواسته و در نظر داشته باشد که به محض صدور حکم بتواند ارزاق حمل نماید.

۴. دستورات

۱. کلیه قسمت‌ها بایستی آرد و جو برای پانزده روز و ارزاق آشپزخانه برای (پلو و آش) نیز برای پانزده روز همراه بردارند.

۲. کلیه لوازمات زیادی مهمات و اثاثیه زائد قسمت‌ها بایستی بدون استثناء در پاوه تمرکز داده شده درب آن مهر و موم گردد.

۳. مرضی هریک از ستون‌ها بایستی تا عصر ۲۶ در پاوه متمرکز شده و مسئولیت مرضی پاوه کلیه بعهدهٔ یاور شکرالله‌خان امینی بوده. معین نایب محمود خان با اردو حرکت خواهد نمود. رئیس صحیه بایستی مراقبت نماید که مرضی را به طریق خوبی نگاهداری کرده، از اتلاف آن‌ها جلوگیری شده [و] حتی‌الامکان زودتر بهبود حاصل نمایند.

۴. فرماندهی قوای پاوه و مسئولیت کامل آن به عهده یاور اقتداری محول است.

۵. مرکز ارزاق قسمت‌ها در پاوه و بایستی ارزاق سه ماه مطابق امر صادره در پاوه تمرکز یابد.

۶. در موقع حرکت هر نفر بایستی دارای یکصد تیر فشنگ بوده و حتی‌الامکان فشنگ زائد نیز حمل نشود. پنجاه تیر، سه هزار. مسلسل، پنج هزار، توپ‌خانه کلیه مهمات.

۷. تشکیل ستون‌ها مطابق تشکیلات سابق خواهد بود.

۵. محل این‌جانب

خود این‌جانب با ستون ۲ حرکت خواهم کرد.

۶. صحیّه

صحیّه هر ستون جدا بوده معین نایب محمودخان با این جانب حرکت خواهد کرد. در صورت تصادف با دشمن هر ستون بایستی با قدرت کامل ایستادگی کرده در محو دشمن جدیت نماید.

۷. هواپیمایی

لازم است همه روزه در خط سیر اردو حرکت کرده حتی‌الامکان جدّیت در اکتشاف از وضعیت دشمن نموده و با وسایل ممکنه ستون را مطلع سازد. پرواز بایستی صبح و عصر انجام گیرد ولی قسمی که بتواند به طور خوبی دیدبانی کرده از وضعیت اطلاع حاصل نمایند بدیهی است در هوای خوب وصاف و در ارتفاع کم.

۸. تلگراف بی‌سیم کوهستانی

در صورتی که وارد جوانرود شده بایستی با اسکورت مکفی فوری به طرف پاوه حرکت داده شده به اردو ملحق گردد.

۹. عده مرکز

هریک از گردان‌های اعزامی از مرکز [که] زودتر وارد جوانرود شوند

بایستی رئیس ساخلو جوانرود اخطار نماید که سریعاً به طرف پاوه حرکت کرده تحت امر یاور محمدعلی‌خان اقتداری برای ساخلوی محل باقی بمانند.

پاوه، مورخه ۲۵ آذر ۱۳۱۰
نایب سرهنگ رزم‌آرا

حکم عملیاتی نمرهٔ ۱۴

۱. وضعیت عمومی

شیخ نصرالدین پاوه‌ای که جهت استمالت و جلب بیگ‌زادگان و جعفر سلطان سه روز قبل اعزام شده بود در ورود به هروی مراجعت و درخواست‌های جعفر سلطان و بیگ‌زادگان را تسلیم نمود. عموم بیگ‌زادگان و جعفر سلطان درخواست عفو و بخشش نموده و برای تسلیم اسلحه و مهمات حاضر می‌باشند. جواب داده شد در صورتی‌که حاضر برای تسلیم می‌باشند جعفر سلطان با کلیه بیگ‌زادگان و اسلحه و مهمات خود تا ظهر ۲۸ جاری در اردو حاضر گردند. در صورت تسامح اردو به طرف نوسود و مواقع آن‌ها حرکت خواهد کرد.

۲. *وضعیت خصوصی اردو*

۱. ستون ۱ در هروی مقابل آب با مسئولیت حفظ پل برای عبور به طرف نوسود.
۲. ستون ۲ در روی ارتفاعات بالای هروی.
۳. ستون ۳ در دشه.

۳. تصمیم متخذه

حرکت به طرف نوسود و شوشمی و محاصره نقاط مذکور از طرف خاک ایران.

۴. *مأموریت قسمت‌ها*

۱. ستون ۱ با کلیه قوای خود مطابق تشکیلات معیّنه از راه معمولی نوسود به طرف تختان حرکت کرده از ملّه‌سیدان جلوتر نخواهد رفت.
۲. ستون ۲ از پل عبور نموده از طرف ملّه کبود در بالای وزلی توقف خواهد نمود.

۳. ستون ۳ از راه معمولی حرکت و در روی ارتفاعات شرکان اردوی خود را برقرار خواهد ساخت.

ستون‌ها در ساعت ۹ صبح به طرف محل‌های معینه خود حرکت و کلیه قوای خود را در محل‌های مندرجه تمرکز داده ارتباط خود را با هلیو برقرار کرده، مراتب را راپورت و کسب دستور خواهد نمود.

ضمناً چون اهالی دهات از ورود نظامی ترسان می‌باشند بایستی اعلان‌هایی که ارسال می‌شود فوری ارسال [و] در بین آن‌ها منتشر ساخته و به هیچ وجه اسباب اذیت یا ترس اهالی را فراهم نسازند. بلکه بر عکس ممکن است رؤسا و کدخدایان دهات را که در مجاورت موقعیت هر ستون می‌باشند فرمانده ستون احضار و نصیحت نموده به مراحم دولت امیدوار و اسلحه آن‌ها را بخواهد.

۵. محل خود این‌جانب

این‌جانب با ستون ۱ حرکت خواهم نمود.

۶. صحیه قسمت‌ها

هرقسمت بایستی انفرمیه‌های خود را با خودداشته و همردیف معین نایب محمودخان متصدی صحیه اردو نیز بایستی با خود این‌جانب حرکت نماید.

۷. هواپیمایی

چون طیارات به طور قطع برای اکتشاف پرواز خواهند نمود هر فرمانده ستون بایستی علائم تمایز را همراه داشته باشد که به محض پرواز طیارات نشان داده، محل فرماندهی خود را ارائه دهد. طیارات نیز فقط به دیدبانی و اکتشاف اقدام نموده اجازه بمب‌اندازی را نخواهد داشت.

۸. دستورات مخصوصه

فرماندهان ستون با دقت و مراقبت کامل در خط سیرهای مندرجه حرکت خواهند نمود و اگر جزئی مقاومتی در مقابل آن‌ها شد بدیهی است در گرفتن و سرکوبی دشمن جدّیت و سعی خواهند نمود. چه اشرار با حرکت ستون‌ها بایستی به کلی محاصره شده تا وضعیت تسلیم آن‌ها زودتر خاتمه یابد و ضمناً هر ستون بایستی حفاظت کامل خود را از هر جناح به عمل آورد.

هروی، لیله ۲۸ آذرماه ۱۳۱۰
نایب سرهنگ رزم‌آرا

حکم عملیاتی نمرهٔ ۱۵

۱. وضعیت عمومی

اشرار. جعفر سلطان و کلیه بیگ‌زادگان فراری و به پالانیه و طویله عزیمت نموده‌اند.

محمد سعید بیگ پسر جعفر سلطان در محل باقی و هفتاد قبضه اسلحه حاضر خود را تسلیم اردو نموده است. اشرار خطوط را مطابق اطلاعات و اصله به کلی تخلیه نموده‌اند.

ستون‌ها. کلیه اردوی اعزامی روانسر در نوسود متمرکز می‌باشند.

ستون رزاب به نودشه وارد شده است.

۲. تصمیمات متخذه

چون اشرار از خط شوشمی حرکت نموده لازم است تا آخرین نقطه سرحدی تعقیب شوند این است که یاور باقرخان کریمیان با ستون خود ساعت ۹ صبح به طرف شوشمی حرکت پس از جمع‌آوری اسلحه آن محل و تفتیش از وضعیت تعداد فراری، موقع فرار و خط حرکت آن‌ها در آن محل توقف نموده، خط سیر و علائم مربوطه به فرار اشرار را به مأمورین دولت عراق اطلاع داده، در صورت تسلیم نمودن اشرار را تحویل والا پس از کسب اجازه به طرف نوسود مراجعت خواهد نمود.

۳. دستورات صادره

۱. در این موقع که عملیات اورامان به کلی خاتمه یافته [و] اردوی اعزامی به نوسود وارد شده است امریه‌ای که به افتخار این جانب شرف صدور یافته جهت اطلاع فرماندهان ستون و عموم صاحب‌منصبان اردو درج می‌نماید که در مقابل صف قرائت و کلیه افراد را از این موهبت عظمی مطلع سازند.

نایب سرهنگ رزم‌آراء. از عملیات افراد و صاحب‌منصبان اردو موجبات رضایت خاطر خطیر ملوکانه ارواحنا فداه فراهم شده. کفیل ارکان حرب کل قشون

این موهبت عظمی و این اظهار رضایت یکی از بزرگترین سعادت‌هایی است که کمتر نصیب قسمت‌ها شده یا خواهد گشت پس بایستی بی‌اندازه از این اظهار موهبت خوش‌وقت شده جدّیت نمود که بیش از پیش مورد موهبت ملوکانه واقع گردد.

۲. به‌طوری که امروز ملاحظه شد فرمانده دسته توپخانه کوهستانی در نگاهداری دواب استخدامی آن قسمی که لازم است مراقبت نکرده و حتی در موقع حرکت جو برای دواب خود حمل ننموده است. این بی‌فکری صاحب‌منصب مذکور اسباب تعجب و وضعیت توپخانه بدین قسم اسف‌آور بوده بایستی فوری در رفع معایب و نواقص قسمت مربوطه بپردازد. چه اگر این وضعیت در آتیه مشاهده شود ناچاراً مؤاخذات شدیده خواهد شد.

۳. لازم است هریک از فرماندهان گردان قسمت‌های ابوابجمعی خود را جمع‌آوری کرده در تحت اختیار خود قرار دهند.

۴. از یوم ۲۹ بایستی اغذیه افراد مرتباً تهیه در ساعات معینه تقسیم و توزیع شود. چه اگر در ظرف همین مدت به واسطهٔ عملیات و حرکت پی‌درپی تهیهٔ غذای گرم غیرمقدور بوده است در آتیه این موضوع به کلی مرتفع و اغذیه بایستی در موقع معینه تهیه و تقسیم و توزیع شود.

نوسود، ۲۹ آذر ۱۳۱۰

نایب سرهنگ رزم‌آرا

حکم عملیاتی نمرۀ ۱۶

۱. وضعیت عمومی

تغییری حاصل نشده وضعیت به طوری است که در حکم نمرۀ ۱۵ درج شده است.

۲. وضعیت خصوصی

ستون ۱ [و] ۳ در نوسود.

ستون ۲: در شوشمی متوقف می‌باشد.

ساخلو جوانرود و پاوه در محل‌های خود باقی هستند.

یک فروند طیّاره اردو در ساعت ۹ صبح ۱۰/۹/۳۰ در افق نوسود پرواز و یک لوله محتوی دستور مخابرات را انداخت.

تلگراف بی‌سیم کوهستانی یوم ۲۹ در پاوه دائر و مخابرات از این تاریخ به وسیلۀ تلگراف بی‌سیم انجام خواهد گرفت. مدرک راپورت نمرۀ ۱۸ رئیس بی‌سیم کوهستانی

به قسمت‌های اعزامی از مرکز به واسطۀ عدم احتیاج امر می‌شود که در جوانرود و کرمانشاهان تا صدور امر ثانوی باقی باشند.

۳. دستورات

در اردو بایستی سرکشیک مخصوص همه روزه تعیین گردد؛ یک روز از ستون ۳ و یک روز از ستون ۱. آغشام و دعای صبح در محوطه مقابل ساختمان‌های نوسود اجرا خواهد شد.

پست‌های مستحفظی مطابق دستورات صادره خواهد بود و در هر ۴۸ ساعت عوض خواهد شد در موقع ظهر اغذیه پست‌ها بایستی مرتباً ارسال شود.

نوسود، مورخه اول دیماه ۱۳۱۰

نایب سرهنگ رزم‌آرا

حکم عملیاتی نمرهٔ ۱۷

۱. وضعیت عمومی

تغییر حاصل نشده است. به طوری است که در حکم نمرهٔ ۱۶ درج شده است.

۲. وضعیت خصوصی

تغییر حاصل نشده است.

۳. دستورات

۱. چون مطابق راپورت قاصدهای اردو چند نفری در این دو روزه در طرف پل سلطان اسحق ملاحظه و مشاهده شده لذا برای تفتیش اراضی بین سرحد و رودخانه سیروان یاور ارشدالسلطنه با دو گروهان و چهار قبضه پنجاه تیر، یوم ۲ دیماه از نوسود حرکت نموده، یک گروهان با دو قبضه پنجاه تیر از رأس ارتفاعات و خط سرحدی تفتیش نموده و حرکت خواهد نمود. یک گروهان دیگر از پایین ارتفاعات از خط نوسود و پل به طرف جلو و آخرین منطقه سرحدی حرکت پس از رسیدن به آخرین نقطه سرحدی پس از تفتیش و تحقیقات کامل از وضعیت اشرار و خلع سلاح اشخاصی که در بین راه مشاهده خواهد شد به اردو مراجعت خواهد کرد. ضمناً چون مشاهده این اشخاص مسلح قطعی می‌باشد بایستی دقّت شود به هر نحو است این اشخاص دستگیر گردیده و ضمناً از کدخدایان بین راه تحقیقاتی به عمل آید که از خط سیر این اشخاص و وضعیت آن‌ها اطلاع حاصل گردد.

۲. درنتیجه اقداماتی‌که برای جلب اهالی و مراجعت آن‌ها شده تدریجاً اهالی شروع به مراجعت نموده و در دهات و قراء خود متمرکز می‌گردند.

نوسود، دیماه ۱۳۱۰

نایب سرهنگ، رزم‌آرا

حکم عملیاتی نمره ۱۸

جهت اطلاع و درج در احکام قسمتی، صورت کلیه مقتولین و مجروحین و مرضی که در کرمانشاهان تحت معالجه می‌باشند درج می‌نماید که هریک از ستون‌ها فوری مطابقه نمایند [و] در صورت عدم مطابقه راپورت نمایند.

۱. شهداء

هفت نفر افراد مندرجه در زدوخوردهایی‌که رخ نموده است شهید شده‌اند. از صورت اسامی قسمت‌های مختلف خارج گردند.

ردیف	قسمت	درجه	اسم	پدر	نمره	ملاحظات
۱	گروهان ۲ فوج منصور	نظامی	صادق	رضا	۳۱۱	۲۳آبان‌ماه ۱۳۱۰
۲	گروهان ۵ فوج منصور	نظامی	غلامعلی	کتابعلی	ــ	۲۳آبان‌ماه ۱۳۱۰
۳	بهادران فوج منصور	تابین ۱	علی	طهماسب	ــ	۷ آذرماه ۱۳۱۰
۴	بهادران فوج منصور	نظامی	علی‌مراد	حاتم	ــ	۷ آذرماه ۱۳۱۰
۵	بهادران فوج منصور	نظامی	محمدرحیم	میرزامراد	ــ	۷ آذرماه ۱۳۱۰
۶	آتشبار روسی مرکز	نظامی	نظرعلی	حسین	ــ	۱۹ آذرماه ۱۳۱۰
۷	گردان ۲فوج منصور	سرجوقه	رجبعلی‌حاجی	شیرمحمد	۳۳۱	۱۹آذرماه ۱۳۱۰

۲. مجروحین

بیست و سه نفر افراد ذیل در زدوخوردهای این مدت مجروح و به مریض‌خانهٔ شهری جهت معالجه اعزام شده‌اند.

ردیف	قسمت	درجه	اسم	پدر	نمره	ملاحظات
۱	گروهان ۲ فوج منصور	نظامی	علی‌پاشا	عینعلی	۳۱۳	مجروح‌ضعیف
۲	گروهان ۲ فوج منصور	نظامی	سیدنظام	سیدیوسف	۳۱۸	مجروح‌ضعیف
۳	گروهان ۲ فوج منصور	نظامی	حاجیعلی	لطفعلی	۳۰۹	مجروح ضعیف
۴	گروهان ۲ فوج منصور	نظامی	ابراهیم	حیدرخان	۳۰۸	مجروح شدید
۵	گروهان ۲ فوج منصور	نظامی	علی‌حسین	مرادعلی	۴۷۵	مجروح شدید
۶	گروهان ۲ فوج منصور	نظامی	علی‌حسین	حیات	۴۶۸	مجروح شدید
۷	گروهان ۲فوج‌منصور	نظامی	حاتم	عیوض	۳۵۶	مجروح شدید
۸	گروهان‌مسلسل‌فوج‌منصور	نظامی	علی‌محمد	حیدر	۸۱۷	مجروح شدید
۹	گروهان ۵ فوج‌منصور	نظامی	قربانعلی	صیدکرم	—	مجروح شدید
۱۰	گروهان ۵ فوج‌منصور	نظامی	صحبت‌اله	خانمراد	—	مجروح شدید
۱۱	گروهان ۵ فوج‌منصور	نظامی	الله‌داد	ابراهیم	—	مجروح شدید
۱۲	گروهان ۵ فوج‌منصور	نظامی	عینعلی	عزیز	—	مجروح شدید
۱۳	گروهان ۵ فوج‌منصور	نظامی	شاهرخ	نظر	—	مجروح شدید
۱۴	گروهان ۵ فوج‌منصور	نظامی	علی‌اکبر	عبدالحسین	—	مجروح شدید
۱۵	گروهان ۵ فوج‌منصور	نظامی	احمدخان	حسن خان	—	مجروح شدید
۱۶	گروهان ۵ فوج‌منصور	نظامی	علی	محمد	—	مجروح شدید
۱۷	گروهان ۵ فوج‌منصور	نظامی	حسینعلی	علی‌مراد	—	مجروح شدید
۱۸	گروهان ۵ فوج‌منصور	نظامی	یداله	شمس‌اله	—	مجروح ضعیف
۱۹	گروهان ۵ فوج‌منصور	نظامی	علی‌اصغر	جعفر	—	مجروح ضعیف
۲۰	گروهان ۵ فوج‌منصور	نظامی	سلیمان	میرزامحمد	—	مجروح ضعیف
۲۱	بهادران فوج منصور	نظامی	صیدمحمد	آقا محمد	—	مجروح ضعیف
۲۲	بهادران فوج منصور	نظامی	برزو	آقامراد	—	مجروح ضعیف
۲۳	بهادران فوج منصور	نظامی	امامعلی	غلامعلی	—	مجروح ضعیف

۳. ایستادگی و وظیفه‌شناسی

نظامی کریم ولد سلیم در سرپُست موقعی که عهده‌دار خدمت قراولی بوده است منجمد و فوت مینماید. حرکت این نظامی وظیفه‌شناس و ایستادگی در سر پست مربوطه تا آخرین لحظه زندگانی بهترین سرمشق وظیفه‌شناسی و ایستادگی است.

با قلبی پر از تأثر از مرگ این جوان دیسیپلینه اظهار تأسف کرده به کلیهٔ صاحب‌منصبان و افراد اردو توصیه می‌نماید که ثبات قدم و ایستادگی را از او سرمشق گرفته و عکس این نظامی وظیفه‌شناس را تهیه و در مجمع صاحب‌منصبان فوج منصور بایستی نصب گردد.

۴. متوفیات

افراد ذیل به واسطهٔ کسالت‌های مندرجه فوت و از صورت اسامی قسمت‌ها کسر می‌شوند.

ردیف	قسمت	درجه	اسم	پدر	ملاحظات
۱	گروهان ۲ فوج منصور	نظامی	اصغر	آقا	از فوج منصور
۲	گروهان ۲ فوج منصور	نظامی	علی بخش	کرم	از فوج منصور
۳	گروهان ۳ فوج منصور	نظامی	صحبت‌اله	سلیمان	از فوج منصور
۴	گروهان ۳ فوج منصور	نظامی	میرزاعلی	کتابعلی	از فوج منصور
۵	گروهان ۴ فوج منصور	نظامی	حسین	محمدابراهیم	از فوج منصور
۶	گروهان ۴ فوج منصور	نظامی	فرج‌اله	عبداله	از فوج منصور
۷	گروهان ۴ فوج منصور	نظامی	اصغر	غلامحسین	از فوج منصور
۸	گروهان ۴ فوج منصور	نظامی	احمد	عزیز	از فوج منصور
۹	گروهان ۴ فوج منصور	نظامی	امامعلی	نظرعلی	از فوج منصور
۱۰	گروهان ۵ فوج منصور	نظامی	اکبر	غدیر	از فوج منصور

ردیف	قسمت	درجه	اسم	پدر	ملاحظات
۱۱	گردان ۳ فوج بهادر	نظامی	موسی	رمضان	از فوج بهادر
۱۲	گردان ۳ فوج بهادر	نظامی	شیرمحمد	علی مراد	از فوج بهادر
۱۳	گردان ۳ فوج بهادر	نظامی	سیدحسن	سیدغلامحسین	از فوج بهادر

۵. مرضی

صورت مرضائی‌که جهت معالجه به شهر اعزام گردیده‌اند به شرح ذیل است.

ردیف	قسمت	درجه	اسم	پدر	ملاحظات	
۱	گروهان ۲ فوج منصور	نظامی	علی‌بیگ	کریم		ساخلو جوانرود
۲	گروهان ۳ فوج منصور	نظامی	غلامحسین	محمدعلی	مدرک‌راپورت۱۸	
۳	گروهان ۴ فوج منصور	نظامی	حسنقلی	محمداسماعیل	مدرک‌راپورت۷۷	
۴	بهادران فوج منصور	وکیل۳	ولیخان	غلامعلی	مدرک‌راپورت۱۸	
۵	بهادران فوج منصور	وکیل۲	عبدالرحیم‌خان	—	مدرک‌راپورت ۸۱	
۶	بهادران فوج منصور	وکیل۳	حاجی‌خان	—	مدرک‌راپورت ۸۱	
۷	گردان ۳ فوج بهادر	نظامی	حمید	حیدر	گردان ۳ فوج بهادر	
۸	گردان ۳ فوج بهادر	نظامی	غلامعلی	استادعلی	گردان ۳ فوج بهادر	
۹	گردان ۳ فوج بهادر	نظامی	محمدحسین	غلامحسین	گردان ۳ فوج بهادر	
۱۰	گردان ۳ فوج بهادر	نظامی	الله‌قلی	ابوطالب	گردان ۳ فوج بهادر	
۱۱	گردان ۳ فوج بهادر	نظامی	کاظم	حسین	گردان ۳ فوج بهادر	
۱۲	گردان ۳ فوج بهادر	نظامی	غفار	اسماعیل	گردان ۳ فوج بهادر	
۱۳	گردان ۳ فوج بهادر	نظامی	مرتضی	حاجی‌آقا	گردان ۳ فوج بهادر	
۱۴	گردان ۳ فوج بهادر	نظامی	عباس	شعبانعلی	گردان ۳ فوج بهادر	
۱۵	گردان ۳ فوج بهادر	نظامی	سیدعلی‌اصغر	سیدحسین	گردان ۳ فوج بهادر	

مدارک راپورت‌های نمرهٔ ۲۰۵ فرمانده گردان فوج بهادر و نمرهٔ ۱۹ رئیس صحیه اردو

بقیهٔ افرادی که در جوانرود جهت معالجه در پاوه باقی‌مانده‌اند مطابق احصائیه قسمت‌ها در محل‌های فوق‌الذکر تحت معالجه و تا صدور دستور ثانوی در محل‌های مندرجه باقی خواهد ماند و افراد مذکور نیز از صورت مامورین اردو خارج نشده فقط در جزو مرضی پاوه و جوانرود محسوب خواهد شد.

نوسود، ۲ دی‌ماه ۱۳۱۰
نایب سرهنگ رزم‌آرا

حکم عملیاتی نمرهٔ ۱۹

۱. وضعیت عمومی

جعفر سلطان با عده‌ای از بیک‌زادگان لیلهٔ گذشته را در سیما و بورو بوده و عده‌ای از نوکرهای خود را جواب نموده است. سه نفر بیگ‌زادگان؛ غفار بیگ، احمد بیگ و حسن بیگ از آن‌ها مجزّا و لیلهٔ گذشته را در حوارکن بوده‌اند.

ستون‌ها. ستون اعزامی از کردستان یوم قبل وارد حانی گرمله شده‌اند.

۲. وضعیت خصوصی

اولاً. ستون ۱ به‌واسطهٔ برف و باران و عدم امکان نقش امر شد در نوسود توقف نماید تا دستور ثانوی.

ستون ۲ در شوشمی متوقف است.

ستون ۳ در نوسود متوقف است.

ثانیاً. گردان ۲ فوج بهادر در تاریخ ۲۷ به طرف پاوه حرکت و وارد پاوه شده است. به فرماندهی گردان مذکور امر می‌شود که در پاوه وضعیت ساخلویی اخذ و وضعیت افراد را مرتب نموده، تحت امر فرماندهی ساخلو یاور اقتداری باقی بماند و وضعیت قسمت را نیز راپورت و کسب تکلیف نماید.

ثالثاً. گردان ۱ فوج بهادر مطابق راپورت نمرهٔ ۱۳۰ سلطان سیدحسن خان کاظمی وارد جوانرود گردیده‌اند. به یاور تقی خان امر می‌شود که اگر قسمت از کرمانشاهان حرکت ننموده در کرمانشاهان و اگر حرکت نموده است در جوانرود متوقف شده، مراتب را راپورت نماید.

رابعاً. به یاور اقتداری امر می‌شود که تلگراف بی‌سیم را با اسکورت مکفی یوم ۳ دیماه به طرف اردو اعزام دارد که دستگاه را در نوسود دائر نمایند.

۳. دستورات

هریک از گردان‌ها و قسمت‌های اعزامی بایستی قوای خود را در مراکز معینه جمع‌آوری نموده، ارزاق افراد خود را تکمیل و وضعیت غذای ابوابجمعی خود را مرتب ساخته در نظم و ترتیب قسمت دقت نمایند.

۴. رسد هواپیمایی

۱. از این تاریخ در تحت امر این اردو نخواهد بود ولی برای اتمام مأموریت‌هائی که از طرف ارکان حرب کل قشون محول می‌شود در کرمانشاهان توقف خواهد کرد.

۲. به دکتر علی‌زاده امر می‌شود که پس از ورود به جوانرود با ادویه ارسالی در آن‌جا توقف کرده شروع به معالجه مرضی ساخلوی آن محل کرده، مراتب را راپورت و کسب تکلیف نماید.

نوسود، ۲ دیماه
نایب سرهنگ رزم‌آرا

حکم عملیاتی نمرهٔ ۲۰

در وضعیت عمومی [و] خصوصی ستون تغییری حاصل نشده است.
چون آن‌طوری که لازم است اسلحه‌های اطراف جمع‌آوری نگردیده مخصوصاً طوایف بله‌بزان ساتیاری و سایر نقاط، لذا مراتب به شرح ذیل امر و اجرای فوری آن دستور داده می‌شود.

۱. یاور ارشدالسلطنه با گردان مربوطه و دو قبضه مسلسل به طرف بله‌بزان حرکت مرکز خود را در آن‌جا قرار داده، شروع به جمع‌آوری اسلحه ساتیاری، امامی، ایناقی [و] بله‌بزان نموده، رؤسا و کدخدایان آن‌ها را نزد خود احضار و مشارالیهم را به مراحم دولت امیدوار نماید. هر موقع اسلحه کلیهٔ آن‌ها جمع‌آوری و اطمینان کامل حاصل شد که به هیچ‌وجه اسلحه در آن محل نیست مراتب را راپورت و کسب تکلیف خواهد نمود.

عزیز بیگ را نیز بایستی فوری نزد خود احضار و در نزد خود نگاهداری نماید و هم‌چنین وضعیت خود را روزبه‌روز مرتباً راپورت خواهد داد.

۲. یک رسد از گردان فوج بهادر با یک پنجاه تیر تحت فرماندهی نایب ۲ محمدخان رجبی به طرف پل سلطان اسحق اعزام نموده موقعیت خوبی در نزدیک پل اشغال و دقت در حفظ پل و مراقبت از عبور و مرور اشخاص خواهد کرد چون راپورت رسیده چند نفری تفنگچی در این دو روزه در اطراف پل ملاحظه شده است.

۳. از ساخلوی پاوه یک گروهان با دو پنجاه تیر در دشه اعزام ساخلوی دشه را تشکیل و فرمانده گردان سلطان عباس‌خان شخصاً به دشه آمده و وضعیت محل را بازدید و پست‌های لازمه را گمارده، مطالب لازمه و نکات مهمه را فوری راپورت داده در حفظ موقعیت خود دقّت خواهد نمود.

۴. بقیه قوا کماکان در پاوه باقی فقط گروهان ۸ بایستی با کلیه لوازمات و بنه و ارزاق خود به طرف نوسود حرکت و به گردان مربوطه ملحق گردد.

۵. هریک از فرماندهان مربوطه در هر محل که باشند بـایستی بـرای جمع‌آوری اسلحه طوایف مجاور اقدام کرده، سریعاً اسلحه را جمع‌آوری و راپورت نماید.

نوسود، ۳ دی‌ماه، ۱۳۱۰

نایب سرهنگ رزم‌آرا

حکم عملیاتی نمرهٔ ۲۱

۱. وضعیت عمومی

اشرار. جعفر سلطان مطابق اطلاعات واصله پس از چند روز توقف در اطراف طویله به وسیلهٔ مصطفی بیگ از دولت عراق درخواست تأمین نموده است. مأمورین دولت علیه برای اتمام کار آن‌ها اقدامات جدّی به عمل آورده‌اند.

۲. وضعیت خصوصی

ستون‌ها ـ ستون اول در بله‌بزان.

ستون دوم در شوشمی.

ستون سوم در نوسود.

گردان ۲ فوج بهادر در پاوه.

۳. تصمیمات متخذه

چون به واسطهٔ برودت و برف اجرای ماده ۳ حکم عملیاتی نمرهٔ ۱۷ مقدور نشد لذا امر می‌شود یک گروهان از ستون ۲ از روی خط سرحدی با تفتیش کردن کلیه نقاط سرحدی و دره‌ها به طرف رود سیروان حرکت، دو رسد نیز با یک پنجاه تیر از ستون ۳ از پل سلطان اسحق در کنار سیروان به طرف سرحد حرکت کرده پس از به هم رسیدن و اتصال این دو قسمت در کنار رود سیروان و در آخرین منطقه سرحدی هریک از قسمت‌های اعزامی از خطی که حرکت نموده‌اند رجعت و راپورت تفتیش خود را کتباً توسط فرماندهان ستون تقدیم خواهند داشت.

نوسود، مورخه ۱۰/۱۰/۵

نایب سرهنگ رزم‌آرا

حکم عملیاتی نمرهٔ ۲۲

به‌طوری که در این چند روزه ملاحظه و مشاهده شد [و] در تفتیشاتی که از طرف بندگان حضرت اشرف سپهبد اعظم دامت عظمته به عمل آمده ایرادات زیادی مشهود گردیده است که تمام مربوط به عدم دقّت و مراقبت صاحب‌منصبان و عدم رسیدگی آن‌ها به وضعیت افراد می‌باشد. چه افرادی که با تعلیمات مرتب و منظم سربازخانه‌ها و زندگانی با نظم معتاد شده‌اند بدیهی است به محض خروج از سربازخانه و زندگانی آزاد در بیابان این رویه و مشی را از دست داده، نظافت و پاکیزگی را فراموش نموده، تدریجاً حکم یک عده افراد غیر نظامی را پیدا می‌نمایند. ولی برعکس اگر از طرف فرماندهان بازدید و رسیدگی و دقت در وضعیت افراد هر لحظه بیشتر شود همان رسیدگی و بازخواست آخر جای گزین دیسیپلین داخلی سربازخانه شده، افراد وضع نظامی خود را از دست نخواهند داد. در هر حال برای رفع معایب مشهوده امر داده می‌شود در ظرف ۲۴ ساعت در رفع آن دقت و مراقبت کرده اگر در بازدید ثانوی معایبی ملاحظه شود مسئولیت کاملاً به عهده فرماندهان گردان خواهد بود که با وجود تذکرات عدیده باز مراقبت به عمل نیامده است.

۱. افراد به طور کلی کثیف و مخصوصاً دستهای آن‌ها کَبَره بسته است. فوری لازم است در هر قسمت آب گرم تهیه کرده با صابون دست و صورت، سر و گردن افراد را شستشو داده نظیف و تمیز کرده چه افراد نبایستی به این کثیفی باشند.

۲. کوله‌پشتی افراد خیلی نامرتب بوده و مخصوصاً قند و چایی خود را در پارچه‌های کثیف گذارده بودند. اگر امکان دارد در هر گردانی ۳ عدد کیسه برای قند و یکی برای چایی و یکی برای آرد افراد تهیه نمایند. اگر ممکن نیست اقلاً افراد را متذکر شوند که قند و چای را در پارچه‌های کثیف نگذارند و ملبوس کثیف را در کوله‌پشتی قرار ندهند، بر عکس لباس افراد را شستشو داده [و] در کوله‌پشتی قرار دهند.

۳. وضعیت آشپزخانهٔ قسمت‌ها کثیف و آن قسمی که لازم بود مطابق دستورات نظامنامه‌های داخله راپورت و تقدیم احترامات اجرا نشده در صورتی که شهر و بیابان فرقی نداشته اصول نظامی تغییرناپذیر است.

۴. وضع لباس افراد اکثر خوب و رضایت‌بخش نبوده بلکه بی‌اندازه کثیف و بد بوده است.

۵. در گردان‌ها با تأکیدات عدیده باز محلی برای مستراح افراد تعیین نشده و وضعیت محوطه کثیف می‌باشد.

۶. محل ارزاق و انبار ارزاق مرتب نبود.

۷. در هر گردان بایستی ظرف مخصوص برای تقسیم آرد دارا بوده و مطابق حکم نمرهٔ ۱ ماده ۵ مباشرتی تقسیم شود.

۸. غذا باز کاملاً در ساعت ده صبح و پنج بعدازظهر تقسیم نمی‌شود.

۹. افراد اکثر اطلاعات نظامی را فراموش نموده و حتی از گرفتن درجه تفنگ عجز دارند.

۱۰. در هر گردان با اینکه امر شده بود باز ملاحظه می‌شود مرکزی برای بازدید مرضی در نظر نگرفته بایستی فوری در نظر گرفته شده و اقدام شود.

۱۱. غذا بایستی مطابق پروگرام تهیه و تقسیم شود.

با درج کلیه مطالب و نکات فوق‌لازم است هر فرمانده ستونی به رفع معایب مندرجه اقدام کرده و مطابق امر صادره رفتار نمایند.

نوسود، مورخه ۶ دی‌ماه ۱۳۱۰
نایب سرهنگ رزم‌آرا

حکم عملیاتی نمرهٔ ۲۳

۱. مطابق راپورت نمره ۳۵۵ فرمانده گردان ۳ فوج گارد بهادر نایب ۲ افشار با دو رسد اعزامی یوم ۵ صبح از کنار رودخانه سیروان تا آخرین نقطه سرحدی کلاندشت رفته موفق به کشف هفت قبضه اسلحه (تفنگ دودی و فلزی) شده، چند نفر مظنون را نیز دستگیر و برای رسیدگی و استنطاق همراه آورده است.

۲. نایب ۲ مجیدی با گروهان ۴ در ساعت ۷ صبح از خط سرحدی حرکت ولی آن قسمی که دستور صادر شده بود تفتیش به عمل نیامده و پس از طی نیم فرسنگ از خط سرحدی منحرف و به پل سلطان اسحق برای کسب ارتباط آمده است. در صورتی که امر شده بود از خط سرحدی تا کنار رود سیروان [به] کلاندشت رفته و در آن محل ارتباط با گروهان اعزامی از فوج بهادر حاصل نماید. این عدم اجرای امر به علت عدم مراقبت و دقت در امریه صادره است. فرمانده گروهان ۴ فوج منصور بدین وسیله تکدیر می‌شود.

۳. چون با بودن قسمت‌ها در مجاورت سرحد بایستی تفتیشات دائمی اجرا شود لذا از تاریخ ۸ جاری به طریق ذیل امر و مقرر می‌شود:

۱. روز ۷ دی‌ماه ستون ۲ یک گروهان با یک نفر صاحب‌منصب فهمیده با بلد از روی ارتفاعات تا کلاندشت اعزام، پس از تفتیش و رسیدگی اراضی آن ناحیه مجدداً به گردان مربوطه عودت و مراتب را راپورت خواهند کرد.

۲. روز ۹ دی ماه دو رسد از ستون ۳ با یک نفر صاحب‌منصب فهمیده از کنار رودخانه تا کلاندشت اعزام، پس از تفتیش اراضی مجدداً از آن‌جا به اردو عودت خواهند نمود.

۳. روز ۱۲ دی‌ماه یک گروهان از ستون ۱ از کنار رودخانه و ارتفاعات اطراف تا سرحد و کنار سیروان تا مقابل کلاندشت اعزام و اراضی را

تفتیش خواهند نمود. بدیهی است این حرکت و اعـزام قسمت نـبایستی همیشه از یک طرف و از یک خط معینی باشد بلکه بایستی هر مرتبه از یک راه مخصوص اجرا شود.

چون اشرار اکثر تفنگ‌های خود را در زیـر سـنگ‌ها در خـانه [و در] باغ‌ها و زیر درخت‌ها قرار می‌دهند اگر درست دقت شود مـمکن است اسلحه و مهمات به دست آید.

بایستی با هر قسمت بلدهای خـیلی مـطلع اعـزام گـردد کـه مـبادا از سرحد تجاوز نموده به خاک عراق تخطی نمایند.

نتیجه هر تفتیش [را] بایستی فوری پس از ۲۴ ساعت بـا تـوضیحات لازمه با اشخاص مظنون که در بین راه دسـتگیر شـده‌انـد بـه مـرکز اردو ارسال و اعزام دارند.

نوسود، مورخه ۷ دی ماه ۱۳۱۰
نایب سرهنگ رزم‌آرا

حکم عملیاتی نمره ۲۴

۱. از این تاریخ بندگان حضرت اشرف سپهبد اعظم [امیر احمدی] دامت عظمته به فرماندهی کل قوای اورامان منصوب و برقرار شده، مرکز فرماندهی حضرت معظم‌الیه در نوسود خواهد بود.

مدرک *امریه نمرهٔ* ۱۱۱

۲. از تاریخ وصول این حکم مریض‌خانه جوانرود منحل و به رئیس ساخلو جوانرود امر می‌شود با تشکیل کمیسیون کلیه افرادی [را] که بهبودی حاصل کرده‌اند به معیت دکتر سلطان حسن خان و کلیه ادویه وارده که تحت نمرهٔ ۲۰۹ راپورت شده بود به نوسود ارسال و اعزام و افرادی که کسالت آن‌ها سخت و بهبودی آن‌ها به این زودی حاصل نخواهد شد تحت مراسله رسمی به وسیلهٔ اتومبیل به شهر کرمانشاهان اعزام که در آن‌جا تحت معالجه واقع گردند.

۳. به رئیس ساخلو جوانرود امر می‌شود از رسد فوج بهادر متمرکز در جوانرود، دو جوقه تحت نظر وکیل‌باشی عباس‌قلی برای محافظت مهمات گذارده [و] بقیه افراد فوج بهادر را تحت نظر و مسئولیت نایب سلیمان خان به نوسود اعزام خواهد داشت که خود را به قسمت مربوطه معرفی نمایند.

۴. به دکتر علی‌زاده امر می‌شود که برای معالجات و کمک به رئیس صحیّه در شهر کرمانشاهان باقی مانده ولی کلیه ادویهٔ را که از طهران حمل شده است فوری به آدرس این‌جانب به اردو ارسال دارد که دستور تقسیم آن صادر گردد.

۵. به قسمت‌های مختلفه امر می‌شود که هریک، افراد مربوطه به گردان و قسمت خود را در محل تمرکز قوای خود احضار و جمع‌آوری نماید. فقط دسته آتشبار اخاسیوس با ستون ۳ خواهد بود. و محل هر یک از ستون‌ها تا صدور دستور ثانوی در محل‌های ذیل است:

ستون ۱ گردان ۱ فوج مختلط منصور در بله‌بزان.
ستون ۲ گردان ۲ فوج مختلط منصور در شوشمی.
ستون ۳ با دسته توپخانه روسی اخاسیوس در نوسود.
یک رسد در پل سلطان اسحق.
گردان ۲ فوج بهادر در پاوه.
یک گروهان از فوج بهادر در دشه.

۶. لازم است فرمانده گردان ۳ فوج بهادر بیست‌تیرهای مربوطه به گردان خود را که در پاوه است با اعزام اسکورت مکفی احضار و در قسمت مربوطه داخل و تمرکز داده، مراتب را راپورت نمایند.

۷. به متصدی باقیمانده فوج امر می‌شود کلیه دواب دسته آتشبار روسی و دواب مسلسل و صاحب‌منصبان فوج بهادر را سریعاً به اردو اعزام دارد.

نوسود، مورخهٔ ۹ دی‌ماه ۱۳۱۰
نایب سرهنگ رزم‌آرا

حکم عملیاتی نمره ۲۵

۱. وضعیت عمومی

اشرار. جعفر سلطان با چند نفر از پسران خود هنوز در طایفه کوزی باقی و دولت عراق جدّیت دارد که در تأمین مشارالیه دخالت نماید. دولت شاهنشاهی از وساطت دولت عراق امتناع ولی به طور کلی هریک از بیگ‌زادگان با خود جعفر سلطان مستقیماً درخواست عفو نمایند مورد تصویب ذات اقدس شاهانه ارواحنافداه واقع خواهد شد.

محمود بیگ پسر جعفر سلطان در تاریخ ۱۱ جاری حضور بندگان حضرت اشرف سپهبد اعظم دامت عظمته شرفیاب و در خواست تأمین نموده.

مراتب فوق به کلیهٔ افراد نیز خاطر نشان شود.

۲. وضعیت خصوصی

ستون‌ها. ستون‌ها در محل‌های سابق باقی و تغییری در وضعیت آن‌ها حاصل نشده است.

۳. دستورات متخذه

اولاً. چون وضعیت پست‌های مستحفظی به واسطهٔ برف و باران چندان رضایت‌بخش نیست لذا امر می‌شود که گردان متوقف در شوشمی سه برج در نقاطی که امر شده تهیه نمایند. گردان نوسود نیز چهار برج در محل‌های معیّنه خود تهیه کرده و رسد پل سلطان اسحق سه برج. چه با تهیه بروج مندرجه از هر حیث وضعیت مستحفظی بهتر و محکم‌تر خواهد بود.

ثانیاً. برای اخذ بقیه اسلحه ایناقی معین نایب چراغ‌علی‌خان به معیت عزیز بیگ برادر وکیل جوانرود اعزام می‌شود که سریعاً اقدام به جمع‌آوری کلیه اسلحه کرده و در ظرف یک هفته نتیجه را راپورت نماید.

ثالثاً. نگاهداری کلیه اسلحه‌های ضبطی به عهده یاور علی‌خان مهاجر ناصر فرمانده گردان ۳ فوج بهادر خواهد بود که یک صاحب‌منصب برای نگاهداری آن تعیین و معرفی کند.

رابعاً. کلیه رابط قسمت‌ها (فلوتچی ـ هلیوچی) با کلیه لوازمات بایستی در ظرف ۴۸ ساعت به مرکز نوسود اعزام دارند که تحت ریاست معین نایب هاتفی برای اخذ تعلیمات تحت فرماندهی نایب ۱ انصاری گذارده شوند.

۴. تصحیح حکم

عطف به ماده ۴ حکم نمرهٔ ۱۸ نظامی متوفی امام علی ولد نظر علی جزو گروهان مسلسل می‌باشد. قسمت مربوطه از ابوابجمعی خود کسر نماید.

متوفیات

۱. عطف به ماده ۵ حکم نمرهٔ ۱۸ نظامیان مفصله از تاریخ مصرّحه در مریضخانه فوت نموده‌اند. قسمت مربوطه از صورت‌های خود خارج نمایند.

۱. حمید ولد حیدر از گروهان ۷ فوج بهادر تاریخ ۱۰/۹/۳۰

۲. علی‌قلی ولد علی از گروهان ۷ فوج بهادر تاریخ ۱۰/۹/۳۰

مدرک راپورت نمرهٔ ۸۶۶۱ و ۸۶۹۴ متصدی بقیه فوج

۲. نظامی وظیفه عبدالکریم ولد فضل‌اله از قسمت گروهان ۴ فوج منصور یوم ۱۰/۱۰/۱۰ به واسطهٔ ابتلای به اسهال دموی و کاشکی در پاوه مرحوم شده است. از صورت‌های مربوطه خارج شود.

مدرک راپورت نمرهٔ ۱۸۴ رئیس ساخلوی پاوه

نوسود، مورخه ۱۰/۱۰/۱۱ نایب سرهنگ رزم‌آرا

حکم عملیاتی نمرهٔ ۲۶

۱. جهت جدّیت در نگاهداری مرضی و مرتب کردن وسایل راحتی [و] معالجه افراد مذکور مراتب ذیل امر و مقرر می‌شود که هرچه زودتر صورت منظمی به خود گرفته مرتب گردد:

ریاست مریضخانهٔ پاوه به عهدهٔ دکتر علی‌زاده محول و مشارالیه امر می‌شود که کلیهٔ مریض‌هایی را که به پاوه اعزام می‌شود با دقت و مراقبت رسیدگی کرده اگر معالجه آن‌ها پیش از بیست روز به طول خواهد انجامید با تشکیل کمیسیونی مراتب را به رئیس ساخلو راپورت و مرضی مذکور را به شهر اعزام دارند که در مریضخانهٔ شهری تحت معالجه واقع گردند.

۲. یاور شکرالله‌خان مأمور و مسئول تشکیل مریضخانهٔ در نوسود خواهد بود.

۳. دکتر سلطان حسن‌خان به گردان مربوطه حرکت و سمت معاونت یاور شکرالله‌خان را خواهد داشت.

۴. معین نایب محمودخان نیز به گردان مربوطه خود خواهد رفت.

۵. کلیه ادویه ارسالی بایستی توسط رئیس صحیّه مرکزی نوسود بارشده به کلیه قسمت‌ها به اندازه احتیاج داده شود. مرضی که به شهر اعزام می‌شوند نیز بایستی تحت معالجه قرار گرفته پس از بهبودی برای حرکت به اردو به رئیس ساخلو جوانرود معرفی گردند. بایستی دستورات اکید برای رسیدگی مرضی قسمت‌ها از طرف دکترهای مسئول و فرماندهان گروهان داده شود که افراد را به محض ابتلاء به کسالتی رسیدگی کرده تحت معالجه قرار داده و بی‌اندازه مراقبت شود که مبادا به این قسم افراد بیگاری، قراولی یا خدمات شاقه رجوع چه در صورت رجوع این خدمات و عدم رسیدگی به وضعیت مرضی تردید نیست که بنیه نظامی به کلی تحلیل رفته و پس از مدت قلیلی تلف خواهد شد. کلیهٔ تلفاتی که در ظرف این مدت به اردو وارد شده در اثر سهل‌انگاری و عدم

مراقبت فرماندهان قسمت بوده است. چه اگر واقعاً از روی صحت فرمانده قسمت به وضیعت افراد رسیدگی و مراقبت می‌نمود به هیچ وجه تعداد مرضی قسمت او رو به ازدیاد [نمی‌بود]. با دقت کاملی که در قسمت‌های اردو شده گروهان ۴ فوج منصور، نایب ۲ عزیزالله خان مجیدی بی‌اندازه در این قسمت قصور و غفلت نموده که به هیچ وجه به وضعیت افراد مریض قسمت رسیدگی نکرده، راحتی آن‌ها را مراعات ننموده در نتیجه تلفات او بیش از همه بوده [است]. به واسطه این تعلل غیرقابل عفو او را تکدیر و امر می‌دهم که با کمال دقت مطالب فوق را به فرماندهان واحد تحت فرماندهی خود ابلاغ و اخطار نماید و انفرمیه‌های هر قسمت را بایستی به طور کلی حاضر کرده برای معالجه و رسیدگی به وضعیت افراد تحت اختیار فرماندهان گروهان گذارند.

نوسود، مورخه ۱۳ دی‌ماه ۱۳۱۰

نایب سرهنگ رزم‌آرا

فهرست اعلام

ب ـ پ

ت ـ ث

س - ش

ف ـ ق

ک ـ گ

ل ـ م

کشف تلگراف ______ از ______		اسم کشف کننده ______
نمره وارده ______		تاریخ وصول ______ ماه ______ ۱۳
تاریخ اصل ______ ماه ______ ۱۳		تاریخ کشف ______ ماه ______ ۱۳
تاریخ مخابره ______ ماه ______ ۱۳		مرجع ______

❊ قشون دولت علیه ایران ❊

(فوج مختلط مستقل منصور کرمانشاه)

از طهران فوری — مرموزات

[illegible] راپورت نمره ۹۵۲۹ ۱۰ / ۸ / ۱۳۰۱ و نمره ۹۵۲۴ ۱۰ / ۸ / ۱۳۰۱

از وزارت [illegible] گذشته [illegible] راپورت‌های [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

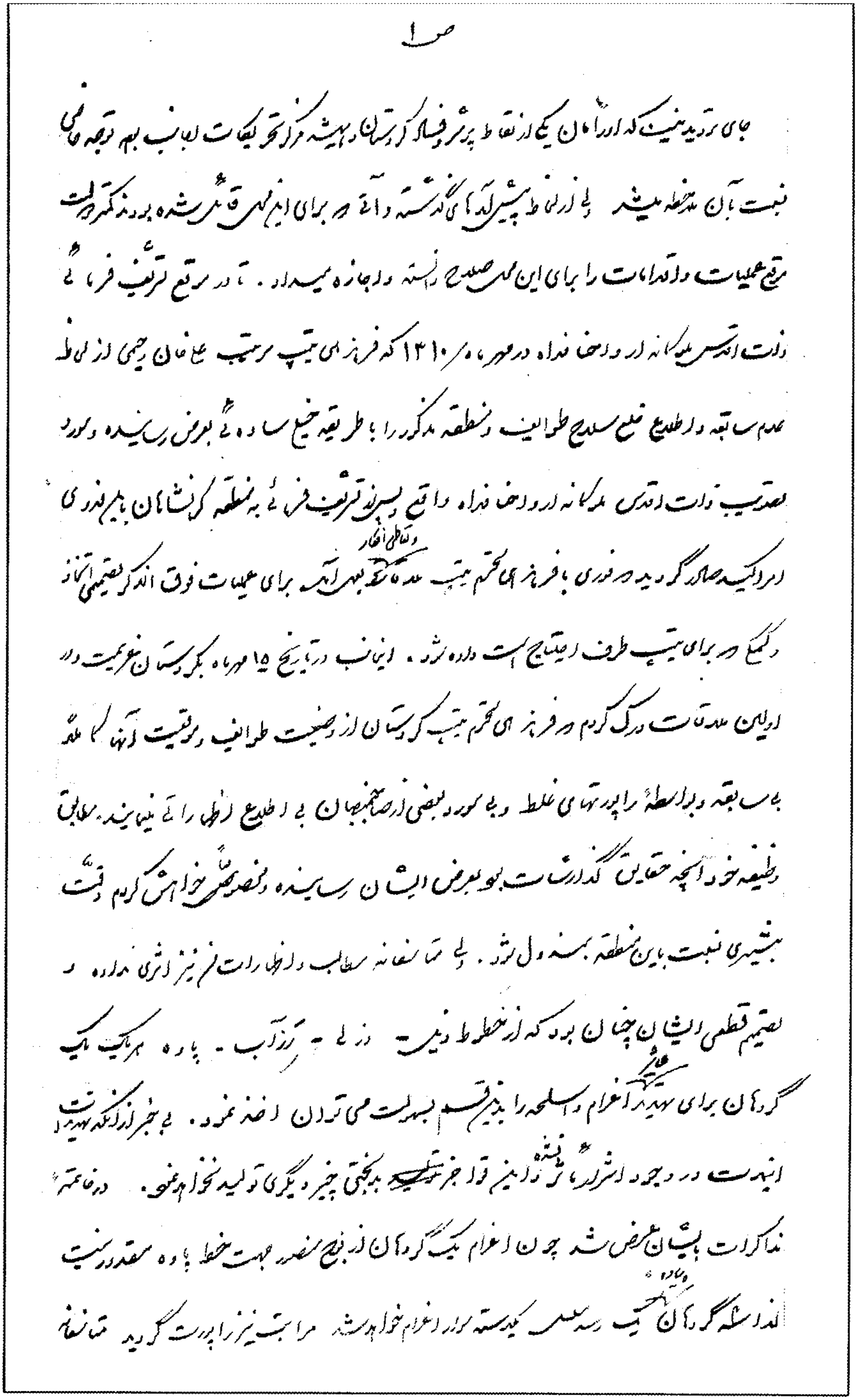
[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۰ / ۸ / ۱۳۰۱ — ۸۲۱۹

[illegible] طهران

یک نمونه از اسناد مجموعه

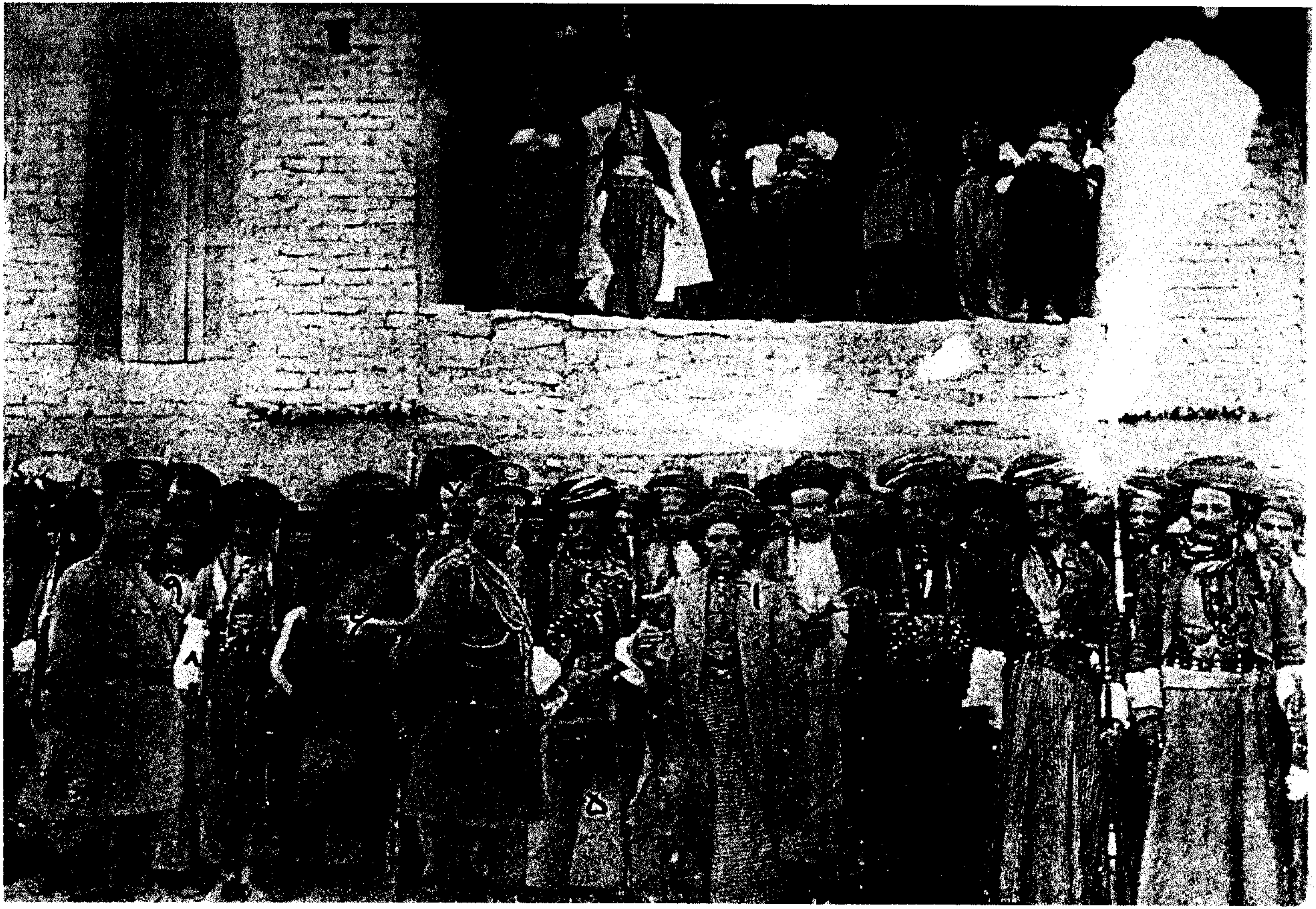


جای تردید نیست که اورامان یکی از نقاط پرشر و فساد کردستان و همیشه مرکز تحریکات اجانب بوده توجه خاص
نسبت بآن منطقه میشد ولی از لحاظ پیش‌آمدهای گذشته و آنچه در برای این محل قائل شده بودند کمتر جرئت
ترفیع عملیات و اقدامات را برای این محل صلاح ندانسته و اجازه نمیداد. تا در موقع تشریف فرمائی
ذات اقدس ملوکانه ارواحنا فداه در مهرماه ۱۳۱۰ که فرماندهی تیپ سرتیپ علیخان رحیمی از لحاظ
عدم سابقه و اطلاع خلع سلاح طوایف منطقه مذکور را با طریقه خیلی ساده‌ئی بعرض رسانیده و مورد
تصویب ذات اقدس ملوکانه ارواحنا فداه واقع و پس از تشریف فرمائی به منطقه کرمانشاهان بلافاصله فوری
امر اکید صادر گردید که فوری با فرماندهی محترم تیپ ملاقات و تعاطی افکار نموده بعد آنچه برای عملیات فوق الذکر تصمیم اتخاذ
و کمک که برای تیپ طرف احتیاج است داده شود. اینجانب در تاریخ ۱۵ مهرماه بکردستان عزیمت و در
اولین ملاقات درک کردم که فرماندهی محترم تیپ کردستان از وضعیت طوایف و موقعیت آنها کاملا
بی‌سابقه و بواسطه راپورتهای غلط و بی‌مورد بعضی از صاحبمنصبان بی‌اطلاع از آنها راپورت مینمایند مطابق
وظیفه خود آنچه حقایق گذارشات بود بعرض ایشان رسانیده و مخصوصاً خواهش کردم دقت
بیشتری نسبت باین منطقه مبذول شود. ولی متاسفانه مطالب و اظهارات من نیز اثری نداده و
تصمیم قطعی ایشان چنان بود که از خطوط ذیل – دزلی – سرآب – پاوه هر یک یک
گردان برای تهدید عشایر اعزام و اسلحه را بدین قسم بسهولت می‌توان اخذ نمود. بیخبر از اینکه تهدیدات
اینهمه در وجود اشرار اثری نداشته از این قرار جز ~~[illegible]~~ بدبختی چیز دیگری تولید نخواهد نمود. در خاتمه
مذاکرات بایشان عرض شد چون اعزام یک گردان از هر محور جهت حفظ پاوه مقدور نیست
لذا اگر گردانها تحت [illegible] و یا دو [illegible] یک دسته برای اعزام خواهد شد مراتب نیز راپورت گردید متاسفانه

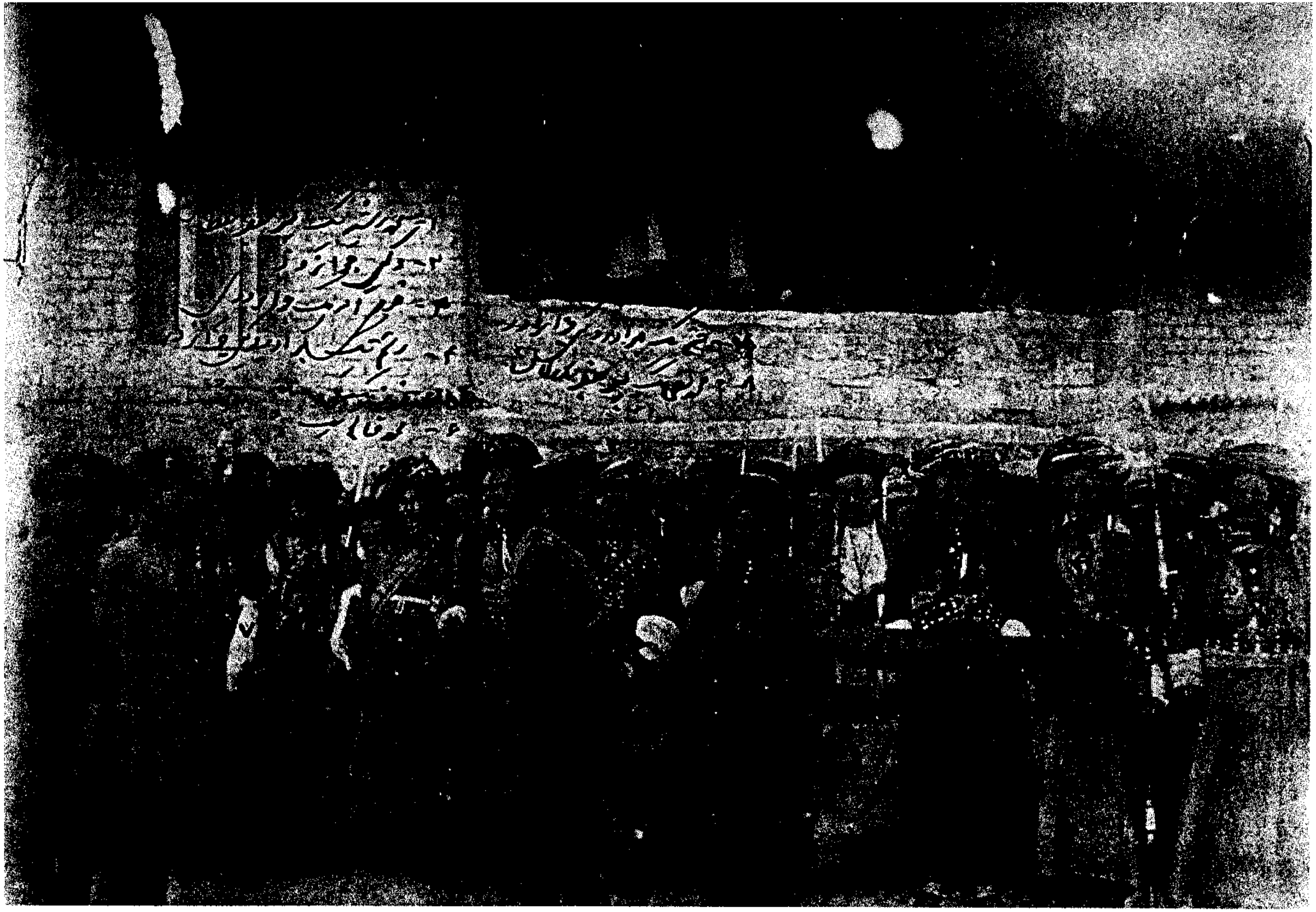
صفحه اول دست نوشت



۱. جعفر سلطان، ۲. احمد بیک پسر جعفر سلطان، ۳. وکیل جوانرود، ۴. محمدرشید بیک پسر جعفر سلطان، ۵. افراسیاب بیک برادرزادهٔ جعفر سلطان، ۶. رضاخان نیریزی، ۷. فتح‌الله بیک پسر جعفر سلطان، ۸. محمد امین بیک پسر جعفر سلطان، ۹. فرج‌الله بیک



۱. محمد رشید بیک پسر جعفر سلطان، ۲. وکیل جوانرود، ۳. ؟ اقبال، ۴. عزیزبیگ برادر وکیل، ۵. رستم بیک، ۶. ـــــ ، ۷. محمد تقی



۱. محمد رشید بیک پسر جعفر سلطان، ۲. وکیل جوانرود، ۳. فرج‌الله بیک جوانرودی، ۴. رستم بیک برادر وکیل جوانرود، ۵. عزیز بیک برادر وکیل جوانرود، ۶. محمد قاسم بیک برادر وکیل جوانرود، ۷. حسن بیک برادر وکیل جوانرود، ۸. محمد تقی بیک پسر جعفر سلطان



۱. محمد رشید بیک پسر جعفر سلطان، ۲. وکیل جوانرود، ۳. محمد تقی بیک پسر جعفر سلطان،
۴. محمدصالح بیک جوانرودی، ۵. حسن بیک جوانرودی، ۶. عزیز بیک جوانرودی، ۷. رستم بیک



۱. احمد بیک پسر جعفر سلطان، ۲. محمد رشیدبیک پسر جعفر سلطان، ۳. وکیل جوانرود، ۴. کریم بیک پسر جعفر سلطان، ۵. فتح‌الله بیک پسر جعفر سلطان، ۶. کیکاوس بیک بیک پسر جعفر سلطان، ۷. رضا نیریژی

در موقع عزیمت به کرمانشاهان دو نفر
از پسران جعفر سلطان همراه بوده



در موقع عزیمت به کرمانشاهان که دو نفر از پسران جعفر سلطان همراه بوده است.

شرکت نشر و پژوهش شیرازه کتاب
در مجموعهٔ «تاریخ معاصر ایران» منتشر کرده است:

(۱) رئیس علی دلواری، تجاوز نظامی بریتانیا و مقاومت جنوب، سیدقاسم یاحسینی، ۱۳۷۶، ۲۰۸ ص، ۸۰۰ تومان

(۲)از مشروطه تا جنگ جهانی اول، خاطرات فردریک اوکانر، کنسول انگلیس در فارس، ترجمه حسن زنگنه، ۱۳۷۶، ۱۴۶ص، ۶۰۰ تومان

(۳)علمیات لرستان، اسناد سرتیپ محمدشاه بختی؛ ۱۳۰۳ و ۱۳۰۶ شمسی، کاوه بیات، ۱۳۷۶، ۳۱۳ ص، ۱۱۰۰ تومان

(۴)مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران، یرواند آبراهامیان، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، ۱۳۷۶، ۲۶۷ص، ۱۰۰۰تومان

(۵) از کردستان عراق تا آن سوی رود ارس، راهپیمایی تاریخی ملامصطفی بارزانی، بهار ۱۳۲۶، مرتضی زربخت، ۱۳۷۶، ۱۵۲ ص، ۶۰۰ تومان

(۶)کودتای لاهوتی، تبریز، بهمن ۱۳۰۰ ، کاوه بیات، ۱۳۷۶، ۱۵۲ ص، ۶۰۰ تومان

(۷)ایران و جامعه ملل، فریدون زندفرد، ۱۳۷۷، ۳۰۲ ص، ۱۱۰۰ تومان

(۸)آلمانی‌ها در ایران، نگاهی به تحولات ایران در جنگ جهانی اول بر اساس منابع دیپلماتیک فرانسه، الیور باست، ترجمه حسین بنی‌احمد، ۱۳۷۷، ۲۳۸ص، ۸۰۰ تومان

(۹)گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران، محمدامین رسول‌زاده، ترجمهٔ رحیم رئیس‌نیا، ۱۳۷۷، ۳۶۰ ص، ۱۴۰۰تومان

(۱۰)آخرین سنگر آزادی، مجموعه مقالات میرجعفر پیشه‌وری در روزنامه حقیقت، ارگان اتحادیه عمومی کارگران ایران ۱۳۰۱-۱۳۰۰، به کوشش رحیم رئیس نیا، ۱۳۷۷، ۵۰۸ ص، ۲۸۰۰ تومان

(۱۱)شیخ حسین خان چاه‌کوتاهی در جنگ مجاهدین دشتستان و تنگستان با دولت انگلستان، احمد فرامرزی، به کوشش سید قاسم یاحسینی، ۱۳۷۷، ۱۴۴ ص، ۷۰۰ تومان

(۱۲)سازمان افسران حزب توده ایران، ۱۳۳۳-۱۳۲۳، محمدحسین خسروپناه، چ ۱ ۱۳۷۷ و چ ۲ ۱۳۷۸، ۳۲۴ص، ۱۵۰۰ تومان

(۱۳)هجوم روس و اقدامات روسای دین برای حفظ ایـران، سیدحسین نظام‌الدین‌زاده، به کوشش نصرالله صالحی ، ۱۳۷۷، ۱۶۴ ص، ۸۰۰ تومان

(۱۴)خاطرات مهاجرت از دولت موقت کرمانشاه تا کمیته ملیون بـرلن، عبدالحسـین شیبانی وحیدالملک، به کوشش ایـرج افشـار و کـاوه بیـات، ۱۳۷۸، ۸۰۶ ص، ۴۴۰۰ تومان

(۱۵)کنفدراسیون، تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خـارج از کشـور ۵۷-۱۳۳۲ ، افشین متین، ترجمه ارسطو آذری، چ ۱ ۱۳۷۷ و چ ۲ ۱۳۷۸، ۴۶۸ ص، ۲۸۰۰ تومان

(۱۶)تا چه شود؟ بازتـاب واقعـه مشـروطه در مجموعـه‌ای از مکاتبـات تجاری حـاج محمدحسین کتابفروش؛ ۱۳۳۰-۱۳۲۵ هجری قمری، به کوشش سیروس سعدوندیان، ۱۳۷۸، ۱۶۶ص، ۹۰۰ تومان

(۱۷)ایل قشقایی در جنگ جهانی اول، ناصر ایرجی، ۱۳۸۰، ۱۷۴ص، ۹۰۰ تومان

(۱۸)وقایع آرارات، خاطرات احسان نوری‌پاشـا فرمانـده کردهـای شورشـی ترکیـه؛ ۱۳۰۹-۱۳۰۷ شمسی، به کوشش کاوه بیات، ۱۳۷۸، ۱۵۰ ص، ۸۰۰ تومان

(۱۹)سازمان دانشجویان دانشگاه تهران، نگاهی دیگر به پیشینه مبـارزات دانشجویی در ایـران ؛ ۱۳۳۲-۱۳۳۰ شمسـی، ابوالحسـن ضـیاء ظریفـی، ۱۳۷۸، ۳۲۰ص، ۱۶۰۰ تومان

(۲۰)امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایـران، پیروز مجتهـدزاده، ترجمـهٔ حمیدرضـا ملک محمدی نوری، ۱۳۷۸، ۵۶۴ ص. ۳۲۰۰تومان

(۲۱)حزب ایران، مجموعه‌ای از اسناد و بیانیه‌هـا؛ ۱۳۳۲-۱۳۲۳ به کوشـش مسـعود کوهستانی‌نژاد، ۱۳۷۹، ۴۲۰ص، ۲۱۰۰ تومان

(۲۲)در آنسوی فراموشی، یادی از دکتر رضا رادمنش دبیرکـل اسبق حـزب تـوده، هوشنگ منتصری، ۱۳۷۹، ۱۱۶ص، ۹۰۰ تومان

(۲۳)مرجعیت در عرصه اجتمـاع و سیاسـت، اسـناد و گـزارش‌هـایی از آیـات عظـام نائینی، اصفهانی، قمی، حائری، و بروجردی ۱۳۳۹-۱۲۹۲ شمسی، به کوشـش سـید محمد حسین منظورالاجداد، ۱۳۷۹، ۵۶۰ ص، ۴۰۰۰ تومان

(۲۴)ارومیه در محاربه عالم سـوز، از مقدمـه نصـارا تـا بلـوای اسـمعیل آقـا، ۱۳۰۰-۱۲۹۸شمسـی، رحمت‌الله خان معتمدالوزاره، به کوشش کاوه بیات، ۱۳۷۹، ۶۰۰ تومان.
۴۲۰۰ تومان

عملیات اورامان مجموعه یادداشتها و گزارش‌هایی است از نایب سرهنگ حاجعلی رزم آرا نظامی صاحب نام ایرانی در توصیف بخشی از لشکرکشی ارتش به منطقه اورامان در پاییز و زمستان ۱۳۱۰ شمسی.

این لشکرکشی که آن را می‌توان آخرین عملیات عمده از رشته لشکرکشی‌هایی دانست که از بدو تأسیس ارتش در سال ۱۳۰۰ بر ضد قدرت های عشایری و محلی کشور آغاز شد، عملیاتی بود که بر یک دوره چند صدساله از فرمانروایی سلاطین اورامان- خاندان حاکم محلی- پایان نهاد.

باهمکاری:
شرکت نشر و پژوهش شیرازهٔ کتاب

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

شابک: ۰-۱۴-۲۵۰۹-۹۶۴-۹۷۸ ISBN: 978-964-2509-14-0